عین اول در نصایح

مانند عقبات قیامت بینها صعب و مضیق است چنانچه مستفاد از جناب اقدس الهی من اظهر الجمیل و ستر القبیح اینکه
نقایص را از نقطه اصلاح رقم کاملان در درون نظر عیب جویان مستور دارد و بعواطف عمیم مقاصد و متمنیات القا نما
که مؤلف غریب کشته در خاک تیره خفته دست از اعمال خیر کسسته بفاتحه و دعایی یاد و شاد نموده ثواب بخود را امتنا
ساخته واز این غرض که خود می طراوت نثر از ادب بد اهل بصیرت مسبوق بعضا نام دوازده عین منقسم نمود عین
اول در تقدیم کلماتی چند از مواعظ عین دوم در بیان شدت سکرات موت و اهوال قبر و احوال عالم برزخ
تا هنگام محشر عین سیم در تذکار هابیکه باعث اسانی در سهولت قبض روح و شدائد قبر میشود عین چهارم
در تجلی از وقایع و فتنها بیکه پیش از نفخه ثانیه و حشر خلایق بظهور علامات الساعه میشود عین پنجم در ذکر اول
عقبات قیامت و هول خروج خلایق بان صحرای پر وحشت و ندامت و اشاره نجات از ان عقبه پر حسرت و ندامت
عین ششم در اجرای عقبه اول و دوم و سیم و جمع کردن مردم از اطراف عالم بمحشر و حال تباه پر اختلال گنه کاران در
سیاه دران دشت پر شور و شر عین هفتم در ذکر اعمالی که توفیق انقیاد ان ایام فرحت موجب ایمنی از ان فزع
اکبر و نجات از عقبات در محاسبه محشر میگردد و جمعیکه بحساب به بهشت خواهند رفت عین هشتم در تفصیل باب
منازل قیامت حساب و سؤال که از پا اضطراب عین نهم در خاصه احوال پر ملال و پرسیدن نامه اعمال و
سؤال رهرو از مواقف یازده گانه اصحاب یمین و شمال و خواندن کتب منشوره در عرض ... عین دهم
در بیان مواقف دوازده گانه ان عین یازدهم در ماجرای جهنم پر سوز و تاب تفصیل عقبات و
صعوبات و مکث مواقف هفت گانه ان محل هول پر دهشت و وحشت و اضطراب و اشتغال ببعض اعمال
که تقدیم انها در این اوقات فارغ و مهلت غایت بر خلاصی از اهوال این عقبات سراسر عقوبات می نماید عین
دوازدهم در انچه جاری شود بر زبان قلم شکسته رقم شمه از طیبات اهل نعیم و نبذه از عقوبات اهل جحیم اعاذنا
الله منها و من کل هول بفضله العظیم والحمد لله اولا و فی الجواد و منه الاعانة والسداد فی المبدأ والمعاد عین اول
ببصیرت نظر کن و از خواب غفلت و حسرت بیدار شو و بگوش هوش بشنو ای غافل از سبب هستی و ایجاد خود و بیخبر
از عاقبت کار خود و عقبات مال متاهم و تفکر در کار خود کن و بدانکه پروردگار حکیم ترا از کتم عدم
بمرکز وجود بیخبر تو ام متوجه ساخت بانواع نعمتهای سابقه و منتهای بالغه ترا بنواخت اعلام حکم
واضحه و مطالبها ... که در خور بزرگواری صاحب مطلب تواند بود با فزایش تو برافراخت پس اسبابها
و الات تحصیل معرفت از عقل و حواس و اعضا بالتمام بتو داد و در راه کسب سعادات ابد و فوز ...

در علامات شیعه

نموده‌اند امید و بیم و بهشت معنی که هم خدا را و اشتباه کرده بمعجزه که برای اثبات نبوت و امامت بندگان
ظاهر میشود یا آنکه هم خدا را بیش از این میخواهد که تخم و آب و زمین قابل و اسباب و قوت زراعت
و فرصت باو داده که با فلان سعی و رنج چند روزی بیک حبه هفت خوشه و از هر خوشه صد دانه بر
داده و خدا در عمل صالح زیاده بر یکی هفتصد میدهد بقدر سعی و اخلاص هم آنحضرت فرموده بشیعه
جعفر مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام بر عفت دارد و کوشش او در عبادت شدید باشد و برای
آفریدگار خود کار کند و امید ثواب خوف عقاب داشته باشد پس اگر چنین جماعتی را ببینید ایشان شیعه
منند فرموده بر شما باد ورع از حرام و شبهه روان دینی است که ما همیشه ملازم آن و بآن خدا را عبادت
کنیم و از شما میخواهیم از موالیان و شیعیان خود پس ما را بتعب میندازید در شفاعت خود و از حضرت امام حسن
علیه السلام روایت است که اگر در مقام تمیز شیعه بر آییم نیابیم ایشان را مگر وصف کننده بزبان و اگر امتحان
کنیم ایشان را نیابیم مگر مرتد و اگر خلاصه زبده کنیم ایشان را از هزار یکی خالص نباشند تا آنکه فرموده‌اند
تکیه میکنند بر مسندها پس میگویند که ما شیعه علی هستیم نیست شیعه علی مگر کسی فعل و قولش را تصدیق کند
و از حضرت امام حسن عسکری از آبای کرام خود منقول است که برسول خدا عرض شد که فلان نگاه میکند
بجانب حرم همسایه و از نا محرم دیدن هم مضایقه ندارد آنحضرت غضبناک شدند فرمودند بیارید او را کسی گفت
یا رسول الله از شیعه شما است اعتقاد بولایت شما و ولایت علی دارد و از دشمنان شما بیزاری میجوید فرمود
مگو از شیعه ما است پس بتحقیق که آن دروغ است آگاه باش که شیعه ما کسی است که متابعت ما کند در اعمال ما
و آنچه تو ذکر کردی از اعمال ما نیست در حدیث است که روز قیامت عذر خواهند خواست از جمعیکه ما را
معاف دارید از شفاعت خود که ما در دنیا بشما اعلام کردیم و مبالغه و سفارش در ترک آن امر فرمودیم و اما
در اینجا به سبب او بکنند منا بلکه بجا در حقیقت کسی جرات سبقت شفاعت نمینموانند کرد پس بعد از ملاحظه
کلام خدا و معجزهای خدا فریب نفس خود و شیطان مخور و فرصت غنیمت شمرده برود از خواب غفلت بیدار شو
جمعیکه ولایت ایشان بخود بسته و آرزوی شفاعتشان داری با خود دشمن مکن وای بر حال کسی که شفعای او
خصمای او باشند در روز قیامت بسبب بدان پروکها محارم خداوند عزوجل و خیانتهای شریعت ایشان در
خمس ذریه و اطفال ایشان در زکوة و حقوق فقرا و مساکین و ایتام که خداوند عیال خود نامیده پس چه عظیم
است حسرت و عقوبت بر بخشد غافلی که سرمایه عمر خود را که برای کسب سعادت ابدی باو داده بودند

روایتکه در حال احتضار جاوزاده تلبس او و اقارب او

خواهد شد و منقولست از حضرت ابرهیم خلیل که بملک الموت فرمودند که میتوانی خود را بصورتیکه قبض
روح مؤمن مینمائی بمن نمائی گفت بلی روی خود را بگردان پس چون دید شخص خوش صورت و جامه و شمایل
و بوی خوش فرمود که اگر ببیند مؤمن حسن و جمال ترا بس است او را پس خواهش کرد دیدن صورتی که قبض
روح میکند گفت تاب دیدن آن نداری فرمود دارم گفت پس روی بگردان پس نظر کرد مردی دید سیاه
مو بهارا ستا ایستاده در نهایت بد بوئی با جامهای سیاه و از دهان و از سوراخهای بینی اش دود
بیرون می آید حضرت بیهوش شد چون بهوش آمد ملک الموت بصورت اول برگشته بود فرمود که اگر کافر
بجز همین ترا باین صورت ببیند کافیست برای عذاب او و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمایند که چون آدمی
روز آخر دنیا و اول آخرتش میرسد متمثل میشود برای او مال و اولاد و اعمال او پس رو میکند بمال که والله من
حریص بودم بجمع کردن تو و بخیل بودم در صرف کردن تو الحال مرا چه میدهی میگوید جواب میدهد که کفن
خود را از من بگیر پس بفرزندان التفات کند و گوید والله که شما را بسیار دوست میداشتم و حمایت میکردم
امروز برای من چه دارید گویند تا ترا بقبر برسانیم پس رو بعمل خود آورده گوید والله که خواهان تو نبودم و بر
من گران بود امروز چه داری میگوید قرین توام در قبر و حشر تا من و ترا بر خدا عرض کنند پس اگر دوست خدا
باشد بنزد او آید شخصی که از همه کس خوشروتر و خوشبوتر با جامهای فاخر و گوید بشارت باد ترا بنسیم گلهای
بهشت و نعیم ابدی خوش آمدی گوید تو کیستی جواب دهد که من عمل صالح توام و بیرون آ از دنیا رو بجای
تو در بهشت است و چون مرد غسل دهنده او را میشناسد و قسم میدهد بردارندهٔ جنازه اش که مرا زود
ببرید پس چون داخل قبر شود ملک بیاید که موبهای خود را بر زمین میکشند و با دندانهای زمین را میشکافند و صداشان مثل
رعد بلند و چشمهاشان مثل برق تابنده پس سئوال از خدا و پیغمبر و امام نمایند چون جواب گفت گویند
ثابت دارد خدا ترا و ایمن میخوابی پس قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و دری از بهشت بقبرش گشایند و گویند
بخواب با فرح و شادی و راحت و اگر دشمن خدا باشد شخصی نزد او آید در نهایت زشتی و بد بوئی گوید
بشارت باد ترا بجهنم و غسل دهنده اش را میشناسد و قسم میدهد حاملان که او را بر ندارند و
نبرند پس چون داخل قبر شود دو ملک آمده از خدا و پیغمبر و امام و دین او پرسند گوید نمیدانم
گویند هرگز ندانی و هدایت نیابی پس گرزی با و میزنند که هیچ جانوری نیست که صدای او را
نشنود و نترسد مگر جن و انس و دری از جهنم بقبرش گشایند و گویند بخواب ببدترین حالی و قبر چنان تنگ شود و فشار

منافی کند خدا دنیا را بصورت عجوزه و گوید که ای عاصی شرمنده نمیشوی تو گناه کردی و منع نکردی
نفس خود را از معاصی تو طلب من کردی و من طلب تو نکردم که مفارقت نخواهی کرد از دنیا پس بفرما تو که
من بیزارم از تو و عمل تو بیرون مالک گوید بلی معاصی کسب کردی مرا بغیر حق و تصدق نکردی بر فقرا مرا و دنیا نداده ام
بدانست که حق تعالی سازد اهل دوزخ با ابلیس چنانکه برای تنبیه و تحذیر در قرآن مسطور است و از ائمه منقول است
بدانکه شدت سکرات موت برای غیر مؤمن مصائب دنیا عظیم و الیم خواهد بود حتی نسبت به بعضی مثل شدتهای
اره کشیدن و بمقراض بریدن و به سنگ کوبیدن و گره های آسیا را کشتن اسیاد و حلقه و در رفتن از سوراخ
سوزن و پوست کندن واقع و لیکن برای شیعه عاصی مثل کفار نیست بلکه بقدر شدت معصیت شدت
میکشند برای تطهیر گناهان او هرگاه بی توبه بمیرد مظالم و مصائب دنیا پاک نشده باشد و بسند صحیح حضرت
صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جناب اقدس الهی ذکر فرموده که هیچ بنده نیست که
خواهم او را به بهشت برم مگر آنکه او را مبتلا سازم در بدنش تا او کفاره گناهانش شد مسلط کنم با او سلطانی
یعنی دفع شر او نکنم آنگاه کفاره گناهانش نشد روزیش را تنگ کنم و اگر پاک نشد تنگ کنم بر او وقت مرگ تا آنکه
گناه ایدون داخل بهشت او را و هیچ بنده نیست که خواهم او را داخل آتش کنم مگر آنکه تندرستی کنم تا آنکه
از طلبش باقی نماند و با نعمت دنیا باشد به تن و حسن بسیار و از جناب حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه منقول است که عاصی نیست از شیعه مگر آنکه پیش پاک شود از گناهان بیلائی در دنیا یا در زندگی و هنگام
پس که بیماند چیزی بر او شدید شود و از حضرت باقر علیه السلام منقول است که جوانان چند از بنی
اسرائیل در سیاحت به قبرستانی رسیده برای اطلاع شان از موت دعا کردند که صاحب قبر زنده شود
زنده شد سر از قبر بیرون آورد و موی سفید خاک از سرش فرو میریخت پرسان دید باز گردید ببینم
اسم ابو سعید که چرا بر سر قبر ما ایستاده اید دعا را کشیدند گفت نود و نه سالست که در این قبرم و هنوز
الم و تلخی موت از من برطرف نشده و تلخی جان کندن از گلوی من بدر نرفته است و چون حال ما بود
بخروج شدم و خاکها و ریزه های بدنم جمع شد و با این سرعت بیرون آمدم از هول قوم روز قیامت موی
سر و ریشم سفید شد و از کلام قدسی است که کسی که یقین بمرگ دارد بخندد و در بعضی از روایات چنین آمده
فرمود که عجب دارم بکسی که یقین دارد بمرگ چگونه شادی کرد و کسی که میداند که خدا بر او مطلع است
چگونه معصیت میکند کسی که میداند خواهد مرد و داخل قبر میشود و تنها بصحرا کشیده خواهد شد چگونه

گفتگو کردن سلمان با یکی از اهل قبور

میکنید بدانید که هیچیک از انها اعانت باو نمیتوانند کرد بلکه باید بخدا انس و عمل صالح داشته باشد
و در ذکر و فکر و اوان باشد که در همه جا همراه و همدم او و حاضر و ناصر باشد و خصوص سلمان شنیده بود از
رسول خدا صلی الله علیه و آله با مرده متکلم شد و از احوال او پرسید و قبر خبر داد و گفت ای سلمان حلال کردن بقرابت
بر من که بار خدا یا سائل است من از یک قصبه از قصبهای مرات و من از اهل خیر و عبادت بودم شخصی بنزدیک من
منظر میان آسمان و زمین پس اشاره کرد بچشم و گوش و زبان من که کور و کر و گنگ شدم و در اینجا اهل
من گریستند و خبر من فاش شد پس گفتم که تو کیستی که مشغول ساختی مرا از اهل و مال خود گفت من ملک الموتم
آمده ام جان ترا بگیرم و نقل دهم ترا از دنیا بآخرت که اجلت بسر آمده در این محل آمده و شخص نیکوترین صورتها آمده یکی
از جانب راست و یکی از جانب چپ نشستند بر من سلام کردند گفتند که نامه عمل ترا آورده ایم ببین ما ان دو ملکیم
که در دنیا با تو میبودیم یکی حسنات مینوشت و یکی سیئات مینوشت پس بدیدم کتاب حسنات خوشحال شدم و
دیدم کتاب سیئات را گریان شدم پس ملک الموت گفت بشارت باد ترا که از اهل خیری نزدیک من آمد و کشید
روح مرا پس هر جذبی بجای هر شد بود که از آسمان بر زمین رسیده پس همیشه باین منوال میبود و جذب
روح میشد تا رسید بسینه من و بعد از ان بیک جذب که اگر بر کوهها گذاشته شود البته گداخته شود
قبض روح من کرد از تربیتی من چون بلند شد شیون و نوحه اهل من پس ملتفت شد بخشم و گفت ایها الناس
چیست گریه شما و الله که ظلمی نکردم بر او که گریه میکنید نه تعدی که شکوه کنید غیر از این نیست که ما و شما همه بنده
پروردگاریم که هر گاه بشما امری میفرماید البته امتثال میکنید پس اگر صبر کنید اجر یابید اگر جزع کنید گناه دارید
و چه بازگشتها که بسوی شما دارم برای بردن پسران و دختران و پدران و مادران پس برگشت با روح من ملک
نیکو رسید گرفت روح [illegible] گذاشت [illegible] تا رسید بر
پروردگار پرسیدند از گناه و چیلند پس از نماز و روزه و خمس و زکوة و حج و فرائض و تلاوت و عبادت
شبها میکردم [illegible] پدر و مادرم و مال یتیم و مظالم و حقوق ناس و مانند اینها پس گشت
باذن خدا قبر بسوی من [illegible] ساخت و شروع بفشار [illegible] روح من که تمام
بندهای من [illegible] ضعیف است بخدا قسم [illegible] شکافته شد و مغز
عظمهای من [illegible] کوبید و شکسته شد پس بخدا قسم که اگر [illegible] اعضای [illegible]
[illegible] و گفت [illegible] فارغ شد [illegible] شدم در تابوت

در مکالمهٔ یکی از اهل قبور با سلمان

وچرم در پیش روی من میرفت ومیگفت ای اهل واولاد من تا زنده هستید شما از دنیا مثل من که میبینید این
امتی آنچه من جمع کرده بودم از حرام وحلال واگذاشتم وحسرت کشیدم از آنچه بکه می بینید دران مرا پیش یاد کرده بر
ودوح میان دو وکفن من بو چون نزدیک قبر رسیدم هول عظیمی مشاهده کردم یا سلمان بنا انکه چون
گذاشته شدم خیال آنکه از آسمان بزمین افتادم وبر من خشت چیدند وخاک ریختند بر من عظیم بود وچون
ندای ارجعی اسمعوه من نبوی من برگشت مرا پشیمانی گرفت وحسرت پس گریستم وگفتم ایکاش از آنها
بودم که برگشتند پس از گوشهٔ قبر قائلی در جواب این آیه را خواند کلا انها کلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ
الی یوم یبعثون در جواب جمعی که بی تدارک از دنیا رفته اند از مشاهده عقوبت انتقام الهی داد زدند و استدعا
رجوع کنند خدا میفرماید ممکن نیست رجوع این عمر نیست کما میگویند تا بروزهم رجوع عهده من و وقوع
ندارد و دوازده نفر ایشان برزخ است تا روز یکه محشور شوند گفتم تو کیستی گفت که مرا خدا موکل داشته برای آگاه
کردن خلق بر کردارشان تا بنویسد همه را برای خدای عز وجل پس کشید مرا و نشاند گفتم نمیتوانم شمرد گفت
نشنیده قول خدای خود را که احصیه الله ونسوه یعنی شمرده وضبط نموده از اخلاء خود فراموش کرده اید
بنویس من املا میکنم گفتم کاغذ ندارم گفت بگیر پاره از کفن خود را پس کاغذ و دوات شد گفتم
قلم گفت انگشت شهادت گفتم مرکب گفت آب دهنت پس املا کرد بر من آنچه را که گفته بودم وکرده
بودم در دنیا چنانکه در قرآنست یقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصیها
ووجدوا ما عملوا حاضرا ولا یظلم ربک احدا یعنی خواهند گفت گناه کاران وقتیکه نامه عمل خود را به
بینند که وای بر ما چیست این نامه را که وانگذاشته هیچ عمل کوچک و بزرگ را مگر شمرده و بیابند هر
چه عمل کرده بود نزد حاضر و ظلم نمیکند پروردگار تو هیچکس را پس گرفت کتاب را و مهر کرده و نداد و بر من
طوق ساخت پس خیال کردم که کوههای بر گردن من انداخت گفتم با من چرا چنین کردی گفت مگر نشنیده
قول حق تعالی وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه ونخرج له یوم القیمة کتابا یلقیه منشورا یعنی هر کس را لازم کردیم
در گردنش نامه عملش را که روز قیامت بیرون کشیم آن را است پاچه ایند بیرون خواهیم ورد برای هر کس روز قیامت
کتابی که ببیند او را باز کرده شده پس باز کتاب مخاطبه کرده میشود بنده در قیامت گفتی اورد تو او بخوان
بخشید نشر کرده شده و با و شهادت دهی بر نفس خود پس وعده من تا انکه کرامت بر خود از حسرت دنیا که کاش عمل
خیر و نیکی بر من نوشته میشد تا آنگاه امید ملکی منکر با کمال عظمت و هیبت منظر و نهایت حشمت رحیمه مانند

کوه بزرگی با عمودی از آهن که همه جن و انس نتوانستند جنبانید پس قصد بلکه سر او کنند و فزع آنکنند گفتند
دینت را و بروایتی پیش او بنشانند و صیحه بر من زدند که گویی شنیدند اهل دنیا پس میزنند و گفتند ای بنده خدا
خبر ده ما را که کیست پروردگار تو و کیست پیغمبر تو و کیست امام تو و چیست دین تو و بروایتی عمل تو و
حال اعتقاد و با توجه کار تو که در خانه دنیا چنین با ایشان بند آمد از ترس و حیرت ماندم که چه گویم و نماند بجز جمعی
مگر آنکه مفارقت کرده از فزع آنگاه در یافت مرا رحمتی از حق تعالی دلم را آنگاه ثابت داشت و پشتم قوی شد و
هوشم برگشت و زبانم را شد گفتم میدانم که الله تعالی پروردگار من است و محمد مصطفی صلعم پیغمبر من و اسلام دین من و
قرآن کتاب من و کعبه قبله من و علی بن ابیطالب امام من و ائمه طاهرین پیشوایان من و مومنان برادران من و جمیع
آنچه رسول خدا صلعم خبر داده تمام حق است و قیامت خواهد آمد و خداوند عالم بیرون خواهد آورد هر که را که در قبرها است
گفتند نجات یافتی حالا الاشارت باد ترا بسلامتی و رفتند پس آمد منکر و از اول شدید تر با زجر از شدم و بلطف
خدا که الهام حجت من بود جواب با صواب گفتم گفت بشارت باد ترا به بهشت یک دری بگشا بر من گفت خواب راحت کن
بمثل داماد پس گشوده از بالای سر من دری از بهشت و از پایین پای من دری از جهنم پس گفت نجات یافتی که پیروی کردی
پروردگار خود و پیغمبر خود و امامان خود نمودی پس بنگر بسوی بهشت در اندرشو و داخل شد ادر بهشت و نعیم پس
چراغی از رحمت در لحد من روشن تر از آفتاب بر افروخت ... حوالی و شهادت مطلب خدا از کرد بدرستی که
تلقین برای در کاوی من نا مستقامت ... الخبر باش که سؤال کنند و ترسان از هوالی که اطلاع یافتی و اینجا ذکر کرد
با صالح مومن بود اما غیر صالح پس در جواب منکر از ترس او میگوید تو که پروردگار من کیست گو پیدا
گفتی ای دشمن خدا و رسول پس بزنند ضربتی که جدا شود از هم اعضای او و بعد از آن بکنند ضربتی بر تن که برسند
تا به طبقه زمین و با کفار در آتش دوزخ باشد نعوذ بالله من النار و من عمل الفجار و بحدیث نبوی صلی
الله علیه و آله که داخل شود بقبر پیش از منکر و نکیر رومان نام کسی که میدرخشد روی او مثل آفتاب
میت را بنشاند و میگوید بنویس آنچه کردی پس چون برسد بسیئات او از شرمندگی حیا میکند که بنویسد
پس رومان گوید که ای خطا کار چرا حیا نکردی در آن دنیا و در آنوقت از من حیا میکنی پس روایتی میزند با ضربت
بطوق و حربه خود و چون تمام شد بلعنش مهر نموده و بگردنش می اندازد البته قوله تعالی و کل انسان
الزمناه طائره فی عنقه تا روز حشر که ظاهر اکتابی که در صحرای محشر بدست ... میدهند
و امر بخوانند آن میکنند همین باشد الله یعلم و حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرمایند از جناب سید البشر صلی الله علیه و

دربیان فضیلت علم

محمد او ایجند فرموده بجو بکه درهین پنجم مذکور میشود هرچند شیعه عوام باشند از علما که بعلت
تامل فهم اعتقاد ثابت بهم رسانند خدا لطف [illegible] ایمان که جزء علت نجات است ترک جمیع معاصی میشود که
جوهر پاکیزه ایمان از کثافات سیئات ملوث نگردانی و بعد از کسب ایمان خالص هرگز غبار خوف تعالی به لقا
عزت وامنیت رحمت تو نخواهد رسید [illegible] عبادت و فکر و ذکر و تصفیه باطن و تهذیب
اخلاق درجات بهشت و قرب الهی زیاد میشود و با احادیث متواتره ملک الموت جای مؤمن مطیع در بهشت ابدی
بهشت و مثل کند خطابهای پرخرله و کثافت و قفلها و بندهای سنگین سرها افتاده [illegible]
[illegible] ها بجوش ترین بوئیها و کوب بجوش ترین [illegible] شده بجوش ترین [illegible] و در احادیث معتبره
میفرماید که بشیعیان بگوئید که مشقت شما همین در دنیا است تا هنگامی که جان شما باینجا رسد و
اشاره بحلقوم مبارک فرمودند که آن وقت اول راحت و لذت و روشنی چشم شما خواهد بود و حضرت امام
زین العابدین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که اگر مؤمن مثل گناهان اهل زمین
باشد که بکفاره آنها مرگ او کافیست حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم میفرمایند که در
آنحال مؤمن را در بهشت جای او را بازمی نمایند و میگوید [illegible] از اخبار هم اهل خود را بخیر می بینم
کشف شود که هیچ خواهی بسوی برگشتن نیست و ملک الموت چون در پیش مؤمن آید و او کریه و جزع نماید
گوید که ای دوست خدا بیتابی مکن بحق آن خدائی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاده که مهربان
ترم بتو از پدر و مادر تو چشم بگشا و ببین پس متمثل شوند برای او چهارده معصوم ع آنگاه گوید که رفیق
ایشان خواهی بود [illegible] و شناسانند که پس ندا کند منادی الهی که میگوید یا ایها النفس المطمئنة
ارجعی الی ربک راضیة مرضیة الخ پس مؤمن را هیچ چیز محبوب‌تر از قبض روح نیست که در حالت احتضار باشد
بهشتی [illegible] ملائکه با ایشان بشارت دهند که بهشت آنگاه گوید
که ارجعی یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة پس حق تعالی میفرماید که فادخلی فی عبادی و اد
خلی جنتی پس بکمال نشاط و خوشحالی بیرون رود و با اهل [illegible] کنند و گویند
که چه خوش بود امت بودی تو و چه بسیار [illegible] پروردگار تو و [illegible] عمل تو با ما [illegible] پس
ملائکه سفره بنویسند کتاب اعمال او [illegible]
که آن کتاب الابرار لفی علیین و ما ادریک ما علیون [illegible]

برود

در بیان قبض روح مؤمن

و فرموده ملک الموت می ایستد نزد قبض روح مؤمن چون بنده ذلیل نزد مولای خود با اصحاب خود و پیش او
می‌روند مگر با اکرام و بشارت بهشت می‌دهند و شیخ مفید ره و ابن بابویه رحمه الله بسند خود از حضرت صادق ع
روایت نموده‌اند که خداوند عالم فرمود که چون حق تعالی اراده قبض روح مؤمن نماید خطاب فرماید به ملک
الموت که برو با اعوان خود بسوی بنده من که در دار دنیا تعب بسیار کشیده در عبادت من روح او را نزد من آور تا او را
بخشم او را در جوار رحمت خود پس ملک الموت با روی خوش و خوشبو با لباسهای نیکو و بر صورت او ایستد بی
آنکه پرده بردارد با دیگر بشکند و پانصد ملک با خود دارد و دستهای ریحان و شیشهای مشک با ایشان
کند او را که سلام الهی بر تو باد و بشارت باد تو را که پروردگار سلامت میرساند و از تو راضی است
بشارت باد تو را به روح و ریحان بهشت و رضوان پس روح و راحت از نعمتهای دنیا است و ریحان جمیع خوشبوها
بهشت است و فرمود و کذا شبه بهم با مشام با نثر میرسانند دنیا و در آن وقت روح مفارقت
کند پس رضوان خازن بهشت نزد او می‌آید و بوی از بهشت بکام او میرساند که هرگز و تقریر نتوان کرد
بهشتی پس نیکو بدن روح او و بدن که خدای جزای خیر دهد تو را که بطاعت الهی مسارعت نمودی و از نافرمانی او کناره
بودی بر تو باد سلام خدا تا روز جزا و هم چنین بدن با روح مراودع کنند آنگاه ملک الموت گوید ای روح پاکیزه خوش
بو بیرون ما از دنیا با ایمان مرحوم خوشحال پس ملائکه روح او را به بالا میبرند و همه ملائکه شاد و از او بوی خوش
شوند و جمیع موانع برای او آسان کرده و شفاعت کنند که ما را هم بخشند حق تعالی ملائکه دیگر را امر میکند که
می ایستند در خانه او تا قبر او و طلب آمرزش و شفاعت برای او میکنند ملک الموت او را دلداری دهد مشغول
میگردانند از جانب خدای کریم بحیرت و کرامت و با انواع ملاطفت او را تسلی میفرمایند چون کسی که طفلی را
بازی دهد تا آنکه باسانی قبض روح او را کنند و چون جان به پهلوی او رسد و ملائکه با او بودند گویند
بملک الموت که رفق و مدارا کن به صاحب بدن او و ترحم نما که او نیکو برادری بوده است هرگاه
شنیدیم که غضب الهی شود و چون روح از بدن مفارقت کند در میان مشک و ریاحین
سپید پیچیده با آسمان اول برند دعا و آسمان گشوده شود ملائکه بر دعا کنند و گویند تحیت خالق
بر آن که این روح در او ساکن بوده و پیوسته عمل نیک میفرستاد و بر ما میگذشت میشنیدیم صلوات وصدای تلاوت
او را و بر فوق او میگویند و دعا کنند که ما را از کار بجای او بنده که شنوانید ما را و ما میشنوانید پس او را بالا
برند و ملائکه آسمانها او را مرحبا و شفاعت و استغفار نمایند پس خدای کریم و رحیم فرماید رحمت من بر او

دربیان مستحبات

سقوط سؤال و عذاب قبر باخبار صحیحه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و از آنجمله ثابت
و استغفار باسحار و گریه های شب تار که اکمل علامات ایمان و انور و افضل و البته بهجت و شادی و ضیافت مؤمنان
است چنانچه در عین دوازدهم مذکور خواهد شد و بحدیث نبوی نماز شب چراغ امت در ظلمت قبر و از جمله
آنجمله ادخال سرور بر مؤمن و اعانت و قضای حاجت او و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که هر که بر مؤمنی سروری
کند حق تعالی از آن سرور خلقی بیافریند که هنگام موت او را استقبال نماید و گوید ای دوست خدا بشارت
باد ترا بکرامت از جانب خدا و رضوان همیشه با او است تا داخل قبر شود و باز چنین بشارت دهد و چون
از قبر محشور شود بشارت دهد و پیوسته با او است و از وحشت ایمن شود و بهر هول و شدتی که میرسد باین
بشارت او را مسرور کرداند تا آنکه میپرسد تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سروری که داخل کردی
بر فلان و بحدیث نبوی همه اعمال خیر نسبت بادخال سرور بر دل مؤمن مثل ذره است در جنب عرش الهی و در
احادیث در این معنی بسیار است که سروری که مؤمن با اهل خانه مسلمانی برساند تا آنان و امثال هم و در رهش
انیس و مبشر او در لحد مونس و رفیق او در قیامت معین و شفیع او است تا بر بهشت و هم چنین در قضای حوائج
و اعانت و دفع کرب و رفع هموم اند هر که بعض شان لباس رد مؤمنی را بپوشد از ثیاب سندس و استبرق بهشت
و در حفظ و ضمان خدا است تا تار آن باقیست و حق و لازم است بر خدا که آسان کند بر او سکرات موت را
و توسعه دهد او را در قبر نوری بلکه استقبال کنند با بشارت وقتی که از قبر در آید و این است معنی کلام خدا
و تتلقیهم الملئکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون یعنی استقبال میکنند ملائکه ایشان را که اینست روز شما
که در دنیا بشما وعده میدادیم و در اخبار متواتر است که عبادت خدا نشده بچیزی دوست تر از ادخال سرور
بر مؤمن و در چند حدیث صحیح که هر چیز بیکدیگر مرتبط باشند و حضرت سجاد علیه السلام فرموده اند که هر که بجا آورد حاجت
مؤمن را و آغاز کند اول بحاجت خدا ابتدا میکند و حاجت خدا را ادا کرده و خدا صد حاجت او را روا کند
که یکی از آنها بهشت باشد و هر که دنیا را بادش فرج کند که با او انس گیرد خدا در تنهائی و وحشت قبر مونسی
کرامت فرماید که با او انس گیرد و هر وقت ریسمان که برادر دینی حاجت مؤمنی دوست تر
است نزد خدا از روزهٔ دو ماه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در مسجد الحرام و در صحیح حضرت صادق علیه السلام
میفرماید که هر که خواهد که تخفیف دهد خدا از او سکرات موت را پس باید که صلهٔ رحم و بر والدین بجا آورد و از
رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که سه کس است که حق تعالی عذاب قبر را از ایشان بردارد و حشر شان با

وعقوبات قبر می نماید علی الخصوص سورهٔ نساء و زخرف و تبارک و رحمن و محمد صلی الله علیه و آله و ق

والذاریات و طلاق و النازعات و قیامة و ذکر لدی الهیکم و مداومت توحید اشرف که در باب هر روز در

مفتاح روز چهارم مرقوم شد و حضرت باقر علیه السلام میفرمایند هر مؤمنی که از اینها بخواند این تنها مفتاح راه

دو دنیا و آخرت او در دنیا پیش ملک الموت او بشارت میدهد هنگام مردن و اما در آخرت پس بعد مرحم حق

تعالی وارد بهشت خانهٔ کرامت میشود با اسمع السامعین یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین

و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و مناسبت بعد از سورهٔ مذکوره در هر حال خصوصا در سجده یا

که بر حال که شیخ رضی صحیفه روایت کرده اللهم بارک لی فی الموت اللهم اعنی علی غمرات الموت اللهم اعنی

علی سکرات الموت اللهم اعنی علی غم القبر اللهم اعنی علی ضیق القبر اللهم اعنی علی ظلمة القبر اللهم

اعنی علی وحشة القبر اللهم اعنی علی اهوال القیمة اللهم بارک لی فی طول یوم القیمة اللهم

زوجنی الحور العین و صحیح روایت در صحیفه خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که این دعا را

بخواند باسانی و سهولت قبض روح او شود که نداند که جان داده یا خوابیده اللهم یا مالک الموت طیبنی

واسلبنی قبل الموت وارحمنی عند الموت وهون علی سکرات الموت ولا تعذبنی بعد الموت وارعنی الی

طلب الموت یا فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا والاخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین

و در تضاعیف ادعیه و اوراد یومیه در این باب بسیار است خصوصا تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

که در معنی تمام است ولکن مخصوص رفع شدائد قبر و عالم پر خطر برزخ ملک نکیر و فزع اکبر محشر بهتر و مناسب

تر از مناجات امیر المؤمنین ع استغاثه نیست که در صحیفه بعد از هجرت که سنت است بهیئتی که عنقریب در

محل خواهی خواند مثل هما نحال پر خلل احوال را به نظر عبرت و بصیرت متمثل داشته با کمال تضرع و زاری

و نوحه و بیقراری بخوان الهی کانی بنفسی وقد اضجعت فی حفرتها و انصرف عنها المشیعون من جیرانها

و بکی الغریب علیها لغربتها و جاد بالدموع علیها المشفقون من عشیرتها و ناداها من شفیر القبر ذو مودتها

العاذلی لها فی الحیوة عند صرعتها و لم یخف علی الناظرین الیها عند ذلک ضر فاقتها و لا علی من رآها قد توسدت

الثری عجز حیلتها فقلت ملئکتی فرید نای عنه الاقربون و وحید جفاه الاهلون بربی قریبا واصبح فی

اللحد غریبا و قد کان لی فی الدنیا داعیا و لنظری الیه هذا فی المقام راجیا فتحسن عند ذلک ضیافتی و تکون

ارحم لی من اهلی و قرابتی الهی کیف آیس من حسن نظرک لی بعد مماتی و انت لم تولنی الا الجمیل فی ایام

مناجات حضرت امیر المومنین علیہ السلام

حيوتي فصلّ على محمد وآله وارحمني صريعا على الفراش تقلّبني أيدي أحبتي وتفضّل علي ممدودا يقلبني صالح
جيرتي وتحنن علي محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا في
حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا أستأنس بغيرك يا سيدي إن وكلتني إلى نفسي هلكت
سيدي فبمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع إن فقدت عنايتك في ضجعتي وإلى من التجئ إن لم تنفس
كربتي سيدي من لي ومن يرحمني إن لم ترحمني وفضل من أؤمل إن عدمت فضلك يوم فاقتي وإلى من الفرار من
الذنوب إذا انقضى أجلي بعد أن أحييت بالتسويف في الآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن
يكون أسوء حالا مني إن أنا نقلت على مثل حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي ولم أفرشه بالعمل الصالح لضجعتي
فما لي لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري
عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في شأن غير شأني إلهي
ما أنحس أنفسنا من التلذذ عن الدنيا إن لم توحشنا هنالك من مرافقة الأبرار إلهي دمنا غرباء إذا انتهينا
بطون لحودنا وعميت باللبن سقوف بيوتنا وأضجعنا مساكين على الأيمان في قبورنا وخلفنا فرادى
في أضيق المضاجع وصرعتنا المنايا في أعجب المصارع وصرنا في ديار قوم كأنها مأهولة وهي منهم بلاقع إلهي إذا
جئناك عراة غبرا مغبرة من ثرى الأجداث رؤوسنا وشاحبة من ثرى الملاحد وجوهنا وخاشعة من أفزاع
القيامة أبصارنا وذابلة من شدة العطش شفاهنا وجائعة لطول المقام بطوننا وبادية هنالك للعيون سوآتنا
وموقرة من ثقل الأوزار ظهورنا ومشغولين بما قد دهانا عن أهالينا وأولادنا فلا تضعف المصائب علينا
بإعراض وجهك الكريم عنا وسلب عائدة ما مثله الرجاء منا إلهي النار [illegible] للشقاء ولدي
قلبها لم تلد إلهي نهلت عبراتي حين ذكرت عثراتي وما لها لا تنهل ولا أدري إلى ما يكون مصيري وإلى ما يهجم
عند البلاغ مسيري وأرى نفسي تخاتلني وأيامي تخادعني وقد خفقت عند رأسي أجنحة الموت ورمقتني من قريب
أعين الموت وما عذري وقد حشي مسامعي رافع الصوت إلهي لقد رجوت ممن ألبسني بين الأحياء ثوب عافيته
أن لا يعريني منه بين الأموات بجود رأفته ولقد رجوت ممن تولاني في حياتي بإحسانه أن يشفعه لي عند
وفاتي بغفرانه يا أنيس كل غريب آنس في القبر غربتي ويا ثاني كل وحيد ارحم في القبر وحدتي ويا عالم السر
والنجوى ويا كاشف الضر والبلوى كيف نظرك لي من بين سكان الثرى وكيف صنيعك بي في دار الوحشة و
البلى فقد كنت بي لطيفا أيام حيوة الدنيا يا أفضل من دعاه داع وأفضل من رجاه راج بذمة الإسلام أتوسل

دو ورقه از آخر الزمان

و بحدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام قبل بکمال خواهد بود روایت کرده اند که مردم در
سه سال پیش از این بقحط اعظم مبتلا شوند سال اول بحبس شدن باران و تلف شدن ثلث محصولات
سال دویم دو ثلث سال سیوم بر همه جا قحط و غلا استیلا یابد و حیوانات و اکثر مردم برطرف شوند و در چنین
شدتی دجال علیه اللعنه خروج کند با اطعمه و آلات تعیش فراوان و همه با بعیش شتابند خلقی بیحد بلی پایان
انها که دانند که او ساحر است و باطل است در محل خروج او احادیث مختلفه نقل شده که از مشرق و خراسان و
میان شام و عراق و باصح روایات خاصه از اصفهان بیرون می آید و یک چشم دارد بر جون درخشان چون ستاره
صبح و صبان و در چشمش نوشته تا که هر عامی بخواند و از ضمیر خبر دهد و عجایب بسیار نماید از آوردن و رویانیدن
گیاهها و اظهار گنجهای زمین و زنده نمودن کشتها و نمودن بهشت و دوزخ اما هیچ مؤمن و عاقلی
با نها فریفته نشوند و باین شبهات مبالغ نه و چون اظهار میکند بر طبق دعوی الوهیت است
باطل است و حال جسم و مرئی و کور بینست و محتاج پس مؤمنان باید که بولایت اهل بیت عصمت متمسک
و صبر کنند بر تنگی چند ماه که آقای ایشان البته ظاهر خواهد شد و بعد از استقرار فلک از نه ماه و بحدیث
حضرت صادق علیه السلام از هشت ماه یکروز بیشتر نخواهد بود که در عقبه شام سه ساعت از روز گذشته
یوم جمعه قائم آل محمد ص او را خواهد کشت و ان میشوم چون خروج کند بر سر کوهی نشسته بصوتی بلند که
صدای ان بهزار فرسخ رسد و بحدیث حضرت صادق علیه السلام هر که میان مشرق و مغرب است از جن و انس
همه بشنوند و گوید که بیائید ای دوستان من خالق و پروردگار شما منم پس خلق عالم رو بسوی او آورند
اول روز خروج او هفتاد هزار یهود و نصاری و بادیه نشینان و زنان و اولاد زنا و اهل شراب و قمار و غنا
متابعت نمایند و سحره جن و انس باو ملحق شوند و با او باشند ابلیس و شیاطین و متمرده هر که را بکشند بجای او
شیاطین بصورت او خود را بنماید و باین نوع وانماید بمردم که من میکشم و زنده میگردانم و گمراه می کنند مردم را با
گمراهی و مباح میکند هر حرامی بر مردم که با زنها و پسرها در کوچهها و راهها علانیه و عریان زنا کنند و گوشت
خوک و شراب خورند و اقسام سازها نوازند و اکثر لشکر او اولاد زنا و صاحبان کلاههای سبز خواهند
بود و باندک زمانی بگردد تمامی بلاد دنیا سوار بر الاغی گلگون که هر گامش بحدیث علوی ثلث
فرسخ است و بحدیث نبوی گوشش یکمیل و سایر اعضا از این قرار و تسخیر نماید همه آفاق زمین را بغیر از
مکه و مدینه و مراقد ائمه علیهم السلام و بهرجا که ... زلزله بکوه و دشت بپا ... و خلق اطراف

در علامات آخر الزمان

نفر کشته شوند پس در شب جمعه بیست و سیم ماه رمضان ندای آسمانی میشود و فریاد پیش از آفتاب بر آید و سنا
می کرد و عنقریب حضرت قائم صلوات الله علیه خروج میکند و شک نکنید که آن صدای جبرئیل است و از آنجمله
مصیبت و قحط عظیم و خوف شدید و کمی اموال و تجارات مردم و محصولات با آفات ملخ و غیر آن چنانکه
در احادیث معتبره باین تفسیر تاویل شده ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس و
الثمرات وبشر الصابرین و ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ناچار است که پیش از قیام قائم
صلوات الله علیه برسد بمردم گرسنگی و خوف شدید پس از این زائل شود و بشارت داد بر تعجیل فرج که متعاقب
خواهد شد جابر گوید که حضرت صادق علیه السلام فرمود که جوع عظیم در کوفه مخصوص در شهر نبال محمد
که هلاک ایشان خواهد کرد و در شام عام خواهد بود که جوع و خوف عظیمی خواهد شد که هرگز نشده
و جوع پیش از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود و خوف بعد از آن و بروایت ابو بصیر در آیه
سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق و لم الی الامر فرموده که خواهد نمود در نفسهای ایشان
مسخ در آفاق تنگی ایشان تا دانند که خروج آل محمد صلی الله علیه و آله حق است و بحدیث حضرت صادق علیه السلام
آیات نفس خسف و مسخ و قذف است و فرورفتن مردم بزمین در مشرق و مغرب و بیدا خواهد شد و فرموده که
در معنی عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة که یا ابا بصیر کدام رسوائی از این شدیدتر که مردم در خانه و عیال
خود باشند با عیال ایشان که ناگاه اهل ایشان گریبان چاک زده و فریاد کنند که ناگاه فلان مسخ شد و از پیش
از قیام قائم آل محمد خواهد بود و از آنجمله برطرف شدن دو ثلث مردم بسبب موت موت احمر و ابیض و اسود و موت
احمر شمشیر و ابیض بقحط و غلا و اسود بطاعون عظیم و باکه بحدیث حضرت صادق پنج سبع مردم تلف میشوند
و از آنجمله ظهور بادی سیاه در بغداد و پس زلزله شود که اکثر شهر بزمین فرو رود و از جمله باتفاق ظهور
کوکب ذنبالدار است از مشرق که چون ماه روشنی دهد و بروایت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه میفرمایند که چون آن را ببینید توبه کنید و از آنجمله سرخی از طرف آسمان و آتش طولانی بزرگ
از مشرق تا چند روز و این غیر آتشی است که در قیامت ظاهر خواهد شد و مردم را بسوی محشر خواهد
راند که حضرت باقر علیه السلام میفرمایند که در آن وقت متوقع فرج آل محمد باشید و از آنجمله کسوف آفتاب
است در نصف رمضان و ماه در اواخر آن بعکس قاعده نجوم و طلوع آفتاب از مغرب بعد از حبس سه شبانه روز
در زیر کره زمین و اجتماع آن با ماه و این اعجب علامات قریبه قیام است و مجملا [illegible]

در علامات آخر الزمانست

مباش پنهان نیست که هر شام که آفتاب بر زمین سر عبودیت گذارد و سحر با تن جدید بطلوع می آید
و مضمون والشمس تجری لمستقر لها تفسیر حدیث نبوی که حاصلش اینست بجا داده است که ظلمت معاصی از
ابواب واقع چون [illegible] و نور امر معروف و ترحم بهم و نهی منکر مختل و ضایع گردد چون آفتاب در شب معهود
عرض سجود و استیذان نماید باو هیچ جواب بشرف خطاب ننماید تا ماه تابان نیز رسیده هر دو بعقده تعویق
بمانند تا مقدار سه شبانه روز و طول آن شب را متهجدان دانند که اقل قلیل باشد و چشم انتظار همیشه
بر [illegible] ستاره و بعض عوالم اسرار و انوار رسیده اند که بعدا از اوراد خود مترقب صبح می باشند
چون طول کشد بر همین شتابند و نظر باسمان نمایند کوکب را محل و مثل صبح یابند پس ذکر بخوابند چون
بیدار شده بستر رسانند شب را بجای خود [illegible] نمایند متفکر متوجه نماز و مناجات گشته بتوهم تخفیف
در انکار [illegible] قیام پیش از وقت قرار در فکر بخوابند و چون بیدار شوند مقام اول شب ببینند در خشیت
و دهشت عظیم نمایند و غافلان از نور کرامت محروم مانند پس [illegible] در فراش غفلت سر بر بستر بیهوشی
و بستر از پهلو به پهلو منقلب معطل می باشند عارفان دانند که همان شبی است که همیشه ازان
ترسان و هراسان می بودند و با امید فضل الهی و بشارت بشر المشائین الی المساجد فی الظلم بالنور الساطع یوم
القیمة بمساجد شتافته مشغول تضرع و زاری باشند پس فرمان الهی بجبرئیل علیه السلام رسد که آفتاب و
ماه را از [illegible] نور [illegible] عرب طالع گردان پس ماه و آفتاب چندان بگریند و چندان از خوف
قیامت بلرزند و نالان گردند که تمامی اهل آسمانها و آنچه در آنها است و سرادقات عرش بگریه آنها گریان
شوند پس آفتاب بیتاب و ماه سیاه مکور و مکدر از افق مغرب را بهر دو مضمون و جمع الشمس و القمر با هم
بر وجه مسابقت نمایند و چون این امر عظیم و مهیب چنین هایله واقعه عجیب نصب العین مردم گردد شور و ولوله و غوغا
و شیون [illegible] آدم بلکه تمامی ذرات عالم از زمین و زمان بلکه کائنات سماوات [illegible]
که از مصائب [illegible] چون دود عالم سوز ندامت [illegible] و وحشت کس را از اضطراب بحال خود و نگر خود [illegible] مکالمه
احدی [illegible] توبه و زاری [illegible] بیقراری باشند ولیکن [illegible]
نبوی صلی الله علیه و آله خود ذکر [illegible] که فایده ندارد بحال کسی که [illegible] نصایح و اتمام حجت
بیشتر بکسب [illegible] و اطاعت امر ایمانی برای خود تحصیل نکرده باشد پس چون آفتاب و ماهتاب
ابتدا در سلسله [illegible] قرون [illegible] از مغرب فرود آوردند [illegible]

توبه در آن حال پرسید کسی که یا رسول الله باب توبه کدام است فرمود که حق تعالی در آفریده پشت مغرب دو مصراع از طلا مرصع بجواهر پهنا هر دو تا چهل سال راه است پس آن دو باز است تا صبح آن شب پس هیچ کس توبه نصوح نکرده تا از دو مکوبان توبه داخل آن باب شده باشد و آن دو در بسته می شود پرسیدند یا رسول الله توبه نصوح کدام است فرمودند پشیمانی از گناه و عهد رو انا بر سبحان الله که دیگر برنگردد بسوی گناه چنانکه شیر به پستان بر نمیگردد پرسیدند که بعد از آن حال آفتاب و ماه بچه منوال قرار خواهد گرفت فرمودند بحال اول و باز مردم باصلاح امور دنیا و زراعت مشغول خواهند شد و بسیار باحادیث از قبل خروج دابة الارض از عیسی و در بعد از خروج دابة الارض مذکور شده و هم چنین علما و طوفان دخان قال الجبار فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین شیعه و سنی نقل کرده اند از حضرت رسول و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که در عالم دودی پیدا خواهد شد که در گوش و دماغ کفار داخل خواهد شد و سرشان مانند سر بریان کرده باشد و بحدیث نبوی مانند دستار پرکند میان مشرق و مغرب را تا چهل شبانروز و میان آسمان و زمین چون خانه پر دود شده باشد که آتش در آن افروخته باشند و دود آن سوراخهای گوش و بینی و دبرشان بیرون می آید و مؤمنان را مثل زکامی عارض شود و مردم بتضرع و زاری در آمده عهد کنند که خداوندا این عذاب را از ما کشف کن که ما مؤمن میشویم و آخر بار بگناهان اقرار کنند و حق تعالی بعد از ذکر این مراتب میفرماید انی لهم الذکری وقد جاءهم رسول مبین یعنی کجا متنبه و متذکر می شوند از این حالت و حال آنکه اعظم موجبات تنبه و تذکر پیغمبر آشکار با آیات بینات و مواعظ بسیار بسوی ایشان آمده اطاعت نکردند و این علامت اول مقدمات قیامت است و از جمله دیگر استماع صداهای آسمانی چنانکه بروایت صدوق و شیخ از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست فرمایند که ناچار است شیعیان را از فتنه عظیمی که در آن فتنه بیفتد هر دوستی از شیعیان خاص من بدکرم در آن وقتی است که سیم فرزندان من وفات یابند و بعد از امام ایشان غایب باشد و اهل آسمان و زمین برای گریه و چه بسیار از مؤمنان که بعلت سوز و محزون باشند و متبع حیثیت امامت از ایشان مخفی باشد و چون ظهور او نزدیک شود در ماه رجب سه صدا از آسمان با ایشان برسد که همه بشنوند اول الا لعنة الله علی الظالمین یعنی آگاه باشید که لعنت خدا ثابت بر ستمکاران آوازدوم ازفت الآزفة یعنی نزدیک شد امری که روز بروز دیدم نزدیک میرسد سیم بدنی بیرون آمد ظاهر شود و ندا رسد که این است امیر المؤمنین علیه السلام که بدنیا برگردد برای هلاک کردن ستمکاران پس آن وقت فرج مؤمنان شده و هر جان از فرج حیات کنند و

در احوال آخر الزمانست

بروایت بسیار از حضرت باقر و صادق علیهما السلام اول روز خروج حضرت قائم علیه السلام ملکی ندا کند
که بتحقیق که حق با علی بن ابی طالب و شیعیان او است و آخر روز شیطان ندا کند که حق با عثمان و شیعیان او است
و مظلوم کشته شد پس کسانی که بتحصیل معرفت یقینی بهم نرسیده باشند بشک افتند و شبهه نمایند
و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که ناچار است که امام غایب شود از خوف کشتن و خدا بغیبت او شیعیان را
امتحان فرموده و شک خواهند کرد اهل ضلالت و بطالت و بسیار است ثواب جمعی که ثابت بمانند بر اعتقاد حق و ولایت
اهل بیت رسالت است که خدا ندا کند ایشان را که ای بندگان مؤمن که ایمان آورده اید براز پنهانی من و غیبت
من بشارت باد شما را بثواب نیکو از جانب من بتحقیق که شما بحق و راستی بندگان و کنیزان منید از شما قبول
طاعت و عفو میکنم و بسبب شما باران رحمت میفرستم و دفع بلاها میکنم و راوی پرسید از رسول الله که در
این زمان چه عمل بهتر است فرمود زبان نگاه داشتن و ملازم خانه بودن و بروایت زراره اگر آن زمان را دریابی
مداومت نما باین دعا اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک اللهم عرفنی رسولک
فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی و ابن
بابویه از حضرت صادق روایت کرده که خواهد رسید بشما شبهه که بی علم و هدایت و امام آشکار خواهید
ماند و نجات نخواهد یافت از آن مگر کسیکه این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن یا رحیم
یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک و حضرت سجاد علیه السلام میفرمایند که طول خواهد کشید غیبت
امام دوازدهم بدرستی که اهل آن زمان که قائل بامامت او و منتظر ظهور او باشند بهترین اهل هر زمانی خواهند
بود زیرا که حق تعالی بایشان داده از عقل و فهم آنقدر که غیبت نزد ایشان بمنزله مشاهده شده و ایشان را ثواب
جمعی باشد که در پیش رسول خدا جهاد می کردند ایشانند صاحبان اخلاص بحقیقت و شیعیان ما براستی
و خوانندگان مردم را بدین الهی در پنهان و آشکارا و انتظار فرج کشیدن بهترین فرجها است و باحادیث
معتبره هرکه اعتقاد بامامت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه دارد و انتظار فرج آنحضرت کشد بمنزله کسی است که در
زیر علم آنحضرت بلکه مثل صحابه آنحضرت بلکه در خون خود در جهاد دست و پا زده باشد و باحادیث معتبره هنگام ظهور
آنحضرت است که جبرئیل یکجای بر کعبه دیگری به بیت المقدس باواز فصیح چنان ندا کند که همه مردم بشنوند
اتی امر الله فلا تستعجلوه امر الهی رسید شتاب در آن مکنید و بروایتی بنام و نسب آنحضرت چنان صدا زند که
هرکه در خواب باشد بیدار شود و هرکه نشسته باشد برخیزد و هرکه ایستاده از دهشت بنشیند

در بیان علامات ظهور آنحضرت

و بعضی علامتهای دیگر از دابة الارض و امثال آن در معاش خواهی شنید و بروایت دیگر پنج علامت پیش
از ظهور آنحضرت ظاهر میشود صدای آسمانی و خروج سفیانی و فرو رفتن لشکر سفیانی میان مکه و مدینه و قتل
نفس زکیه از فرزندان حسین با هفتاد نفر از صلحا در نجف که در اسم خود بدیهم سمی بحضرت قائم علیه السلام
و در اینها باید زیاده از پانزده روز از شهادت او تا حضرت قائم علیه السلام خروج کند و در حدیث وارد شده که
قوم ما دولتی است و دولت اهل بیت پیغمبر در آخر الزمان است پس ملازم خانهای خود باشید تا علامات
آن دولت را ببینید و نزدیکترین علامات محتوم قتل نفس زکیه و غلبه سفیانی است بر ولایت شام
و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که در آنوقت بکوچه نیتی صاحب خود و مقدمات خروج مهدی ع
باحادیث متفرقه بسیار است شاید بعضی از آنها واقع شده باشد و از آنجمله خروج
خوارج از بحرین و ادریس و بنی خالد از مشرق و قتل بسیار میان دو طائفه عجم و عبور علم سیاه از
فرات بکوفه و خروج عرب بر شاه عجم و توطن ایشان در خراسان و استیلای ایشان بر شهرها و
آبادی کوفه و قتل سفیانی شیعه را در میان و خرابی دیوار مسجد کوفه و مسجد دمشق و خرابی و فتنه در شام
و مصر و اختلاف سه رایت و هر رایت و مخالفت ترک و روم و خرابی بسیار بلاد بغداد بقتل عام و زلزله
در ری و واسط و طوس و هفت ... عراق عرب فتنها و وبای عظیم و کرد در بصره و روم و نزول روم
در رمله و آمدن ... و حکام مستطیلین و آب بر آوردن اکثر قری و در باب جحفه و ساوه و اجتماع دو
ستاره سیاره و بعضی اینها محتوم است و بعضی احتمال تغییر دارد و بحدیث نبوی صلی الله علیه و آله که
بفضل بن شاذان روایت نموده که چون هنگام خروج قائم علیه السلام میشود علم آنحضرت
گشوده بلند شود و ندا کند علم آنحضرت که بیرون بیا یا ولی الله پس بکش دشمنان خدا را و شمشیر
آنحضرت از غلاف بیرون می آید و ندا میکند که خروج کن که جایز نیست ترا نشستن از دشمنان خدا
و بعضی احادیث دلالت میکند که زودتر ظاهر شود کما ان ما باعث تاخیر شد و در توقیع که
آنحضرت بشیخ مفید نوشته در فتنهای آخر الزمان میفرماید که هرگاه شیعیان ما جمع میشدند
بوفای عهد تاخیر نمیشد از ایشان شرف ملاقات و سعادت بر کات ما پس ما را
حابس نکرده از ایشان مگر آنچه میرسد بما چیزی چند از ایشان که ناخوش داریم و هر یک
از شیعیان باید عمل نماید بچیزیکه او را بمحبت ما مقرب سازد و اجتناب کند از هر چه او را بغضب

و کراهت

ونجباء جن ونقباء وانکاه اهل مکه فریاد برآورند که ایشان کیستند ودر شب چهارم علامتی بود که مثل
آن ندیده بودیم چون نظر کنند بغیر از چهار نفر از اهل مدینه کسی را نشناسند چون آفتاب بلند شود
از پیش قرص خورشید منادی ندا کند بزبان فصیح که همه اهل آسمانها و زمینها بشنوند کای گروه خلایق
این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و بنام و نسب و کنیت جد خود او را ذکر کنند تا علی بن ابی طالب علیه السلام
بیعت و اطاعت نمایید تا هدایت یابید و مخالفت نکنید که گمراه شوید پس صاحب گوشی در عالم
مگر آنکه این ندا را می‌شنود و شتابان رو می‌کنند و هجوم می‌آورند از شهرها و صحراها و دریاها
و از هم خبر آن ندا را میگیرند و نزد غروب شیطان از مغرب ندا کند که ای خلایق پروردگار شما سفیانی در
وادی یابس میان فلسطین ظاهر شده بروید و متابعت او نمایید پس هر صاحب شکی و منافقی بندای
آخر گمراه می‌شود و حضرت قائم علیه السلام هم چنان پشت بکعبه ایستاده و میفرماید که ای خلایق آگاه باشید
که هر که خواهد نظر کند بآدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسماعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون
و نظر نماید بسوی محمد و علی و حسن و حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پس بمن نظر
کنید که علامات و کمالات همگی با من است و سؤال کنید از من تا خبر دهم با آنچه انبیا خبر داده اند و هر که
کتب آسمانی و صحف انبیا را خواهد از من بشنود آنگاه شروع فرماید بصحف آدم و شیث و نوح و
و ابراهیم و توریة و انجیل و زبور و فرقان و بنحوی تلاوت فرماید که همه اهل ملل تصدیق نمایند
که ابداً تغییر و نقصان از آنها فوت نشده بود بهتر از آنکه خوانده بودند آنگاه مردی رو بقفا گشته بخدمت حضرت
عرض کند که منم بشیر امر کرد مرا ملکی که بشارت هلاک لشکر سفیانی را بحضرت آورم و برادرم نذیر
که قصه خود و برادر را برای مردم نقل کن گوید که ما در میان لشکر سفیانی بودیم و بعد از خراب کردن
دنیا از دمشق تا بغداد و کوفه و مدینه بعزم قتل اهل مکه و خرابی کعبه سیصد هزار کس آمدیم تا بصحرا
بیدا که صیحه از آسمان ندائی آمد که هلاک کن ستمکاران را ناگاه زمین شکافته شد و تمامی لشکر را
با اسب‌ها چنان فرو برد که چیزی و کسی را نگذاشت بغیر از من و برادرم پس ناگاه ملکی روی ما را به پشت
سر گردانید و با او گفت ای نذیر تو برو بدمشق و بترسان ملعون سفیانی را بهلاک لشکر و ظهور مهدی آل محمد
و مرا گفت برو بخدمت حضرت مهدی علیه السلام در مکه و او را بشارت ده بهلاک ستمکاران و توبه کن
بدست آنحضرت که قبول توبه تو خواهد فرمود پس بدست مبارک روی او را درست و بیعت کند پس

حضرت

در ظهور آنحضرت

حضرت اهل مکه را موعظه و هدایت کند و مسجد و کعبه را باساس قدیم بنا کند و دستهای بنی شیبه را که کلید
دار و خادمان بودند ببرد و بکعبه آویزد و در مکه اقامت نموده بعد از تعیین خلیفه از اهل خود با ده نفر
از ملائکه و جن و نقبا بسوی مدینه توجه فرماید پس اهل مکه خلیفه را بکشند چون حضرت بر ایشان
برگردد و بتضرع پیش آیند پس بعد از نصیحت خلیفه از خود ایشان تعیین فرموده متوجه مدینه شود و آن
خلیفه را بکشند پس آنحضرت جن و نقبا را برگرداند تا بکشند هر که ایمان نیاورده و از صد یک
از هزار یکی ایمان نمی‌آورد و چون حضرت مدینه را بنور قدوم مشرف فرماید گوید این قبر جد
من است و اینها کیستند گویند دو خلیفه و پدران زنان پیغمبرند فرماید شاید غیر اینها باشند آیا
هر کسی از شما ایشان را میشناسد گویند بصفت بلی بعد از سه روز امر فرماید که هر دو را از قبر
بیرون آورند و چون شروع بکندن نمایند بعد از آن حضرت صادق علیه السلام فرمود برای
امتحان بادی شد باید صاحب قبر و بعد زیر هستند تا آنکه اهل شک گویند که اینها از جهت بی ادبی
پس اصحاب حضرت همه متفرق شوند و حضرت کاملان خدمت مبارک خود کرده مشغول کندن شوند تا
آنکه اصحاب باز گردند و هر کدام که افضل باشند زودتر برگردند پس هر دو را اخراج کرده هر بدنها از قبر
در آورند با بدن تازه و تر پس حضرت هر دو را از کفن عریان کرده و لعن نموده بر درخت پوسیده بیاویزد
در حال آن درخت برای فتنه و آزمایش مردم سبز شود آنگاه ستمکاران گویند این است والله شرف ثابت
که این دو نفر داشتند بحقیقت که ما رستگاریم بمحبت ایشان و اظهار ولایت ایشان کنند هر که ذره‌ای محبت ایشان
در دل پنهان بکرده پس همه در دور آنجا اقبال شوند تا او ببینند و خود را بزیارت ایشان
فائز نمایند آنگاه منادی حضرت ندا کند که هر که این دو مصاحب پیغمبر صلی الله علیه وآله را دوست
دارد طرفی بایستد پس خلق دو فرقه شوند فرقه‌ای کرد و دوستان اینها پس حضرت تکلیف کند که از اینها بیزاری
جویند گویند وقتی که ما نمی‌دانستیم که این منزلت دارند از ایشان بیزاری نجستیم حالا بیزاری نجوییم بلکه
بیزاریم از تو و هر که بتو ایمان آورده و با ایشان ایمان نیاورده و اعتقاد بایشان ندارد پس حضرت
امر فرماید باد سیاهی که همه را هلاک کند پس آن دو ملعون را از درخت بر آورده و حضرت علیه السلام ایشان را
بقدرت الهی زنده گرداند و امر فرماید که خلائق جمع شوند پس هر ظلمی که از اول عالم تا انقراض
بنی آدم شده گناهان همه را بایشان لازم دانند و از دو سلمان و سوختن در خانه اهل بیت رسالت

در رجعت آنحضرت

بعزم سوختن اهل خانه و شکستن دست مظلومه صابره و اسقاط طفل معصوم آن مظلومه و زهر دادن
حضرت امام حسن علیه السلام و شهید کردن حضرت امام حسین علیه السلام و بریدن سر اطفال و خویشان و یاران او و اسیر کردن
اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ریختن خونهای ایشان و همه خونهای ریخته و فروج و مال و اموال حرام که واقع
شده بر ایشان بشمارد و اعتراف کنند که همه بشومی غصب حق خلیفهٔ خدا واقع شده آنگاه امر فرماید تا از شیعیان
هر که حاضر باشد از ایشان قصاص کنند پس ایشان را بر درخت کشیده باتش امر فرماید که از زمین
بیرون آمده هر دو را با درخت بسوزانند و بادها را امر فرماید که خاکستر ایشان را بدریا بپاشد پس مردی از
اصحاب خود را بمدینه حاکم کند و متوجه کوفه شود آنگاه ناصر سفیانی بمدینه رسد که حضرت از ندا می
گذارند و بدرهای شهادت کشته و زنان و دختران را اسیر خواهم کرد پس عمال آنحضرت آنها را می کشند خبر آنحضرت رسید آنحضرت
صیحه ای زند و قتال بسیاری از مدینه خصوصا از قریش میکند پس حاکم دیگر تعیین فرموده و بر میگردد به نجف اشرف
و حضرت باقر علیه السلام میفرماید که گویا نظر میکنم با آنحضرت که بنجف و کوفه بالا میرود با سیصد و سیزده
نفر که دلهای ایشان مانند پاره آهن است جبرئیل از دست راست آنحضرت و میکائیل از جانب چپ عیسی پیش او و پشت
او بکار هر راه و همراه میفرماید خدا او را به پنج هزار ملک و چون بنجف میرسد با اصحاب خود فرماید که امشب
عبادت کنید پس مشغول طاعت و عبادت و تضرع باشند تا صبح روانه شده از راه نخیله بمسجد ابراهیم ع
رسیده آنحضرت دو رکعت نماز بجا آورده و از کوفه که خندق محکمی با دور بیرون ایشان و غیر ایشان از لشکر
سفیانی پس با اصحاب خود میفرماید که برویشان بهم و ایشان را پیش کشید که بعضی با خندق رسیده اند زن بعد
از آن بر گردید بر سر ایشان پس حضرت باقر علیه السلام فرماید که و الله یکی را نخواهند گذاشت که از خندق
گذشته باشد پس بکوفه هجوم آرند و سفیانی اول از در تسلیم و بیعت در آید و بعد بیعت آنحضرت صادق ع
سفیانی از کوفه بیرون آمده و گوید ابن عم من بیرون آید پس بعد از مکالمه با حضرت بیعت کند و قوم او بنی کلب او را
تقریع نموده و بمجادله حضرت باز دارند پس بعزم کارزار روز چهارشنبه بیرون آیند حضرت ایشان را نصیحت کند
و حقیقت مظلومی خود را با ایشان بشناسانند و گویند از آن راه که آمده بر گردید ای پسر فاطمه که ما از تو
حاجتی نیست پس از روز جمعه قتال متفرق شوند و روز جمعه بجنگ بیرون آیند و بهتر مسلمانان از لشکر آنحضرت
بکشند پس در آن وقت حضرت تا اسد الله علم رسالت پناهی را باز کند و نازل شوند ملائکه جنگ بدر پس
آنحضرت و اصحابش لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند و بقیة السیف کوفه را پنهان

کوفه

در رجعت

کوفه داخل کنند و حضرت می کشد ایشان را تا بازارهای شهر که یکی از بازارهای آنحضرت که بعد از
حضرت زنان شجاع تر و قوی تر نیست گویا مان حسین است که بعد از حضرت صادق علیه السلام و از دره نفر
از طالقان بکوفه آید و بحضرت ملحق شده گوید چرا اینقدر میکشی یا محمد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله
داری انکار یکی از نوابان حضرت با وی گوید ساکت میشوی یا گردن ترا بزنم حضرت عهدنامه را از رسول
خدا صلی الله علیه و آله با و بنماید پس آن زنجیر بیعت نماید پس حضرت بدمشق رود امیر لشکر سفیانی را که اسیر
شده در زیر درخت جبر طرف شام ذبح کند و کافری در کوفه نگذارد و هر [illegible] که دشمن [illegible]
برده او را از ایشان دهد و سباع و وحوش و طیور از گوشت کفار سیر شوند پس حضرت بنجف اشرف
فرود آید با چهل و شش هزار ملک و مثال آن از جن و سیصد و سیزده مؤمن در خدمت آنحضرت باشند
و ملائکه که بودند با نوح در کشتی و با ابراهیم در آتش و با موسی در شق دریا و با عیسی در عروج آسمان
و چهار هزار مسومین و هزار مردفین و جمعی که در جنگ بدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شدند
و چهار هزار دیگر بر حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده و رخصت جنگ نیافتند در آنوقت ملائکه
وحی با مردم الفت و معاشرت میکنند از پشت کوفه هفتاد هزار نفر [illegible] مبعوث کنند که از اصحاب
آنحضرت باشند و گنجها و معدنهای زمین برای آنحضرت ظاهر شود و انواع بادها مسخر آنحضرت گردد در
حضرت را شوکتی باشد که [illegible] توجه فرماید [illegible] همه انقیاد و [illegible] داشته باشد که
[illegible] از [illegible] که آنحضرت را هیبتی باشد که هر کجا [illegible] کوهها [illegible]
بزند همه از هم فرو ریزند و او را فراستی باشد که هر که را ببیند بشناسد که او مؤمن است یا منافق
نیکو کردار است یا بد کردار و خود سایه ندارد و همه جا ابر بر سر او سایه کند و [illegible] برابر که
این همه کمالات زمین در زیر پای آنحضرت و لشکرش پیچیده شود و با او باشد آثار انبیا و از جمله
عصای موسی که هر وقت بیندازد اژدهائی شود که میان دو کامش چهل گز باشد هر چه بیابد فرو برد
بر دو سنگ [illegible] باشد آنحضرت که بار شتری است [illegible] کسی توشه بر ندارد و [illegible]
نصب کنند هر منزلی دوازده چشمه از آن جاری شود و طعام و علف بیرون آید و چون [illegible]
آب شیر او جاری باشد و پای تخت در کوفه خواهد بود و محل غنایم در مسجد سهله [illegible]
اشرف و مؤمنی نماند مگر به کوفه یا اطراف کوفه باشد و قیمت جای اسبی به هزار درهم باشد

در ذکر ظهور آنحضرت

و مردم آرزو کنند که شبری از زمین را بخرند بشبری از طلا و وسعت کوفه و نجف بچهل فرسخ برسد و
قصرهای او متصل شود بکربلا که بمرتبه محل تردد ملائکه باشد و مؤمنان شان عظیم خواهند داشت
برکت در آنجا باشد که اگر مؤمنی در آنجا دعا کند حق تعالی صد برابر بنا عطا کند پس درین مقام جناب جعفر
صادق علیه السلام آهی کشیدند و فرمودند بتحقیق که قطعهای زمین بهم تفاخر کردند پس کعبه بر کربلا تفاخر کرد
حق تعالی فرمود بکعبه که ساکت شو و فخر مکن بر کربلا و فرمود که برای شیعیان ما خیر و برکت در آنجا مهیا است تا
قیام نماید قائم ما و بروایتی از پشت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نهری بسوی نجف جاری شود که
بعد پای نجف بریزد و بر آن نهر آسیاها ساخته شود و حضرت فرمودند که گویا می بینم که ضعیفه مکتله
بر سر میبرد بکربلا که آسیا کند بی کرایه و چنان امنیت بهم رسد که سباع ضرر بحیوانات نرسانند پس
حضرت مهدی صلوات الله علیه جمیع بدعتها را برطرف کند و قرآن تمام را و سنتها را که متروک و معطل
مانده برپا دارد و بغیر اسلام دینی نشود و جزیه و نفاق نپذیرد و زانی محصن را سنگسار کند و هر که
زکوة نداده باشد گردن زند و بعلم خود عمل کند و بسیار از دلایل که در علامات آنحضرت یاد داده امر
باو عطا مرتبه فرماید که او را گردن بزنند و بروایت دیگر مشرع عقوبتها پیش از ظهور واقع شده
خواهد شد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان جاهلیت عفو فرمود و کسی که منع زکوة و زنا نموده
بوده و دست مبارک خود را بر سر مؤمنان کشد که عقلشان کامل شود و هر شیعه را قوة چهل مرد باشد
با دل محکم تر از قطعه آهن و چنانکه اگر خواهند کوه را از جا بکنند و همه اشیا اطاعت ایشان بکنند
حتی پرندگان زمین و فخر کنند که یکی از اصحاب حضرت قائم علیه السلام با ایشان بگذرد و گوش و چشم
ایشان را نوری باشد که هر جا که باشند بمخاطبه آنحضرت مشرف شوند و جمیع امراض و کینها از سینه
برکت آنحضرت از ایشان برطرف شود و بعض شیعیان آنکه مرده اند زنده کند حق تعالی و برکت عظیم
در مال و عمر و اولاد ایشان بهم رسد و فقیری برای زکوة بهم نرسد و مردهای مؤمنان یکدیگر را زیارت کنند
و بظهور آنحضرت ایشان را بشارت دهند از نسل ایشان و هر که خواهد زنده شود و بخدمت آنحضرت
آید چنانکه در بیت المقدس گذشت و خواهد شد چون حاکمی بجانبی فرستد فرماید که کتاب ترکیب دست
ایشان بنهد [illegible] لشکر و سپهسالار [illegible] شریعتی [illegible]
لشکر دجال [illegible]

سوال

در ذکر بعد از ظهور آنحضرت

و از این جهت در احادیث آن روز را روز ابدال گفته‌اند و چون جنگ بر در کرد سفیانی و لشکرش چنان
کشته شوند که کسی نماند که خبر ایشان ببرد و آنحضرت بعد از نزول عیسی ع بر دجال غالب شود و او را
در شام و بروایتی بر روی صخره بیت المقدس بقتل رساند و بعد از فتح کار سفیانی و دجال لشکرها را بالمرة
فرستند و هر یک از سیصد و سیزده نفر را در ولایتی والی گردانند و ایشانند حکام الهی در زمین بر خلق
او و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که گویا می بینم قائم علیه السلام را در نجف اشرف و کوفه زره
رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بر و بر اسب سیاهی سوار که پیشانی او سفید باشد و از او حرکتی دهد
که با هیچ از اهل شهری نماند که آنحضرت با ایشان است پس گشاید علم رسول خدا صلی الله علیه
و آله را که چوبش از عمود عرش و باقی اجزای آن هیبت نصرت و ظفر باشد و از متوجه هر جا نماید
اهل آنجا را هلاک نماید و لشکری باستنبش فرستند و چون بخلیج رسند چیزی بپاهای خود نوشته بر روی
آب عبور نمایند و اهل شهر از مشاهده آن دروازه‌ها را گشوده اطاعت نمایند و نصاری بعزم فرار کنند
چون نصاری چنین شوند حیله‌ها بکار برند که اهل فرنگ ایشان را راه دهند و لشکر قائم ایشان را تعاقب
کرده و بنصاری ثانی طلبیده اصحاب قائم علیه السلام بشرط امان دهند که ریسمانها را گردنها
کردن بربندند و تمامی بلاد فتح شود و نام کفر و شرک از روی زمین برطرف شود و احادیث در قلت
سلطنت آنحضرت مختلف است قدر مشترک احادیث که هفت و سیصد و نه سال وارد شده و چهل و هفت سال
بر هفتاد سال وارد شده است و شاید قبل از فتح کل بلاد در هفت سال باشد و الله تعالی یعلم و عاقبت
حال سعادت مآل آنحضرت بعد حضرت متعال در چهارده جلد بسیم جای حق اشد انشاء جهاد و اسم
در بیان ماجرای وقایع عزیزه ما یلیه بعد از ظهور آنحضرت در عهد آنحضرت یا بعد از آن تا وقوع
بلیه عظمی و قیامت کبری و آنانکه بعد از آنحضرت علیهما از دار او اعلی شد استقصا الحقایق بسالت قباب سعادت
انتهاء و سماء عدل خاتم الاوصیاء صلوات الله و سلام علیهما و بعثت نبوی صلی الله علیه و آله آفاق آنحضرت
نماید بر قتل و دفع دجال شقاوت انتها وقایع و قیم عساکر لان ما شر بحیات احصا ان اشقی الاشقیاء
و ببیت المقدس که از آنجا پای بالا از مرکز خاک بمعراج افلاک نهاده نزول نماید با تمکین و وقار
حله رنگین و جواهر قرابت بر قمر جبین مبین و دستها بر جناح دو ملک امین گویا چون هو بج نور از
در بحبوحه سماء بر اعضاء نماید و خلق کل آفاق و افق و هر کس نظر بنور وجه الهی با استقبال روح

در کیفیت یاجوج ماجوج

الهی شوم و جبرئیل و روح مؤمنان از ذلت نجات مردم عیسی طراوت یابند و هر کافر و جاحد فوراً بمیرد و هر یک برای
حرب دجال با او باشد از مردوار پیمانان یکی ربع مانند شهاب ثاقب و چشم در بود دجال که در بیت المقدس
بقتل مؤمنان اشتغال دارد از نور جمال آن رسول با عزم دو جلال الهی خبر شده از غرایب حیرت و هیبت قرار و
حرکت نتواند کرد پس یک ضرب به سوی چندان سیلاب خون از پیکر آن روسیاه ملعون روان شود که صحرای
بیت المقدس سرخ گردد و شاید این منافی نباشد با احادیثی که قتل آن ملعون از حضرت قائم
صلوات الله وسلامه علیه چون حضرت روح الله خدمت جناب برگزیده اله و ولد شک عالم قدس سازد و
سائران مثل اله را بر شرف تبال الحنها و غنا به حضرت بلو تکلیف نماید امامت نماز فرمایند انقارف معارف
لولا ی وه ذلک مرتبت ولایت بر رسالت سبقت داد الدنیا باذن الهی رست جناب ابن اقدس بدل الله القهر اکرفته
بخود مقدم و بشرف متابعت و اهتمام با محترمی شرف و مکرم باشد و این یکیست از ادله جزم بر افضلیت
اهل بیت رسالت از پیغمبران اولو العزم والحمد لله پس کمت نحو یگانه آفاق لحوت و وفاق با اتفاق نایره فتنه
منادهل شقاق را با ندامه افی بایت شمشیر فرو نشانند پس حضرت روح الله مجدد آثره از اهل بیت
ولایت بحباله عقد خود در آورد و بعد از طی واقعه هایله یاجوج و ماجوج احرام حجة الاسلام بسته
بجا بشعاوی پیش از وصول بمکه در سیحه طریقه فرموس بیش گیرد و بعد بیشتوی بشرف دفن در پناه آن
حبیب الله فایز گردد و **اما** قصه یاجوج و ماجوج که در قرآن صریحست پس بحدیث حضرت صادق
علیه السلام ایشان اکثر مخلوقاتند بعد از ملائکه و هیچ یک نمیرند تا هزار فرزند از صلب ایشان
بهم رسند و در آخر الزمان سد خراب شود و بیرون آیند و مردم را بخورند و مروی است که هر یک از
آن دو گروه چهار صد هزار امتاند که بهم مشابهت ندارند و بروایتی چهار صد فرقه اند و هر فرقه
اند و هر فرقه چهار صد برابر امت محمد صلی الله علیه و آله اند چون وعده الهی بخروج ایشان رسد سد را
شکسته چهار گروه شوند و سردار گروه اول طولان نام دارد که هر چه بیابند اشجار و اثمار و زلال انهار
و آب خوش گوار باشد تمام کنند و تمامی نجی کالحیز در باغات از ریاحین و نبات مانده با بخارهای تلخ
و شورهانی نماید جمع سیم شاکه از درخت و در دوکشت و کوه خاک و ابخار حیوانات و حشره ها
در و هار و مغاک یابند شکم پر نمایند بعد از آن که هم زمین برکاه و درزه گیاهی و فقرانه بماهی عالله کرانکه دیبالرا
بادبانها چیار بطادرون کاز جنبه توشکی خوکر بدکر سنه سیک تشنه روانه شدند و بعضی که درافتاد بر پهباشد

باهی

در کیفیت یاجوج و ماجوج

تلف نمایند و چون محیط زمین را احاطه کنند که یک گز زمین از ایشان خالی نماند و چون بکوه بیت المقدس
بر آیند تیرهای طغیان بکمان تجبر از کمان کین باسمان اندازند و بعزم مصاف خداوند بی انتها
افتاب و ابر تا بچهره خود دو قرص از هدف خدنگ کمان سازند و گویند چنان مهادی در تیر اندازیم
که تیر از دست صافی شصتان اشرار بعد عز برنگ راه بشکوه بنالد و چون ظلم و جفای ایشان بمرتبه
علیا رسد و بشدت قحط و غلا مبتلا شوند مومنان که در خدمت حضرت خاتم الاوصیا و خضر علیهما السلام
باشند الهی در کوه طور و بروایتی در پناه سید محبوس مبتلا شوند اعتدا با بدعای مستجاب جناب لا یتاب
همه بطاعون یا باذیت کرمی که کوچک ترک عرب یا نرا نغف گویند و لا کوش و بینی بعضی ایشان در آید
و واصل جحیم شوند و از گندان بدبوی ایشان عالم بتنگ که جای تیری از ان خالی نباشد متعفن گردد تا انکه
بامر فراش باد مراد و سقای ابر رحمت جواد عرصه بلاد را از دنس اجساد ایشان پاک نموده و مومنان را بفراغ
بال بشکر ذو الجلال اشتغال دارند و مرویست که مومنان هفت سال از تیر و کمان ان اهل آتش بر ان
بسوزانند و مدت تسلط ایشان چهل سال بر مردمان اکثر شده و بعد از چند سال مومنان برحمت الهی رسند
مکو بدان که قیامت بر ایشان قیام کنند و اذا بجلد قیامت صغری یعنی رجعت ائمه هدی ع و خلص
شیعیان ایشان در عهد قائم صلوات الله علیه و بعد از ان تا دیدهای ایشان روشن شود بدولت و سلطنت
ائمه خود و فوز بعضی از اجرای اعمال حسنه و بانتقام از ظالمان و دشمنان خود که همه زنده خواهند شد برای
عقوبت فی الجمله بعضی از اجماعی شیعه است و همیشه چون سنی منکر این بود از راه تقیه این معنی شهرت نیافته
و ایات بینات که تقریبا بیست ایه مؤوله شمرده و روایات متواترات درین معنی بسیار وارد شده و در حدیث
طولانی رجعت و عیزان مفضل گوید که عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که جمعی از شیعیان
و دوستان شما قایل برجعت شما نیستند فرمود مگر نشنیده اند فلان ابیر و فلان ابیرنا و احادیث
ما و جد ما رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داده ایم و جمعی در شناختن ما تقصیر کرده اند در حق رجعت و سلطنت قائم ما
می گویند وای بر ایشان که پادشاهی ما و دین ما را انکار می کنند تا بمرک رد دا گوید بر فقیه شیعیان ما در
قران الیه در فضیلت ما انکار نکنند و در کتب مشایخ شیعه روایت کرده اند که از سلمان فارسی رضی که گفت
داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چون مرا دید فرمود چگونه حمد اینعمه که بسیار است مگر انکه دوازده
نقیب برای او مقرر کرده اند که هم ایشان اند از اهلکنا بعز خود ندا یا لا الستة نقبا دوازده کانه ما دا

در رجعت ائمه علیهم السلام

ما را که خدا ایشان را هدایت کرده است بامامت بعد از من گفتم پدر و مادرم فدای تو باد چه ثواب است
معرفت بودن ایشان فرمودند ای سلمان هر که ایشان را بشناسد البته خدا را شناخته و اقتدا کند بایشان
و دوست دارد ایشان را و دوست دارد دوستان ایشان را و دشمن ایشان را دشمن دارد پس بخدا
سوگند یاد میکنم که او از ما است و وارد خواهد شد هر جا که ما وارد شویم و ساکن میشود آنجا که
ما ساکن میشویم گفتم پس آیا ایمان بایشان بی شناختن نام و نسب ایشان درست میشود فرمود نه گفتم
الحسین علیه السلام را شناختم فرمودند بعد از او سید العابدین علی بن الحسین تا آخر و علیهم السلام
یکان یکان فرمودند پس من گریستم و گفتم ای وای که سلمان را درک خدمت ایشان فرمود یا سلمان درک
ایشان خواهی کرد تو و امثال تو که بحق معرفت بایشان پیروی کرده باشید گفتم من تا زمان ایشان می
رسم فرمود ثم رددنا لکم الکرة علیهم کرد دیاب برجعت بدینها نازل شده پس گریه و شوق من شدید شد
گفتم در خدمت تو خواهد شد فرمودند بلی بآنخدائیکه محمد صلی الله علیه و آله را برسالت فرستاده که
خواهیم بود من و علی و فاطمه و یازده امام و هر که از ما باشد و از برای ما ظلم کشیده باشد بعد از آن البته حاضر
خواهد شد شیطان لعین با لشکرش و هر که ایمان خالص داشته باشد با کفر خالص تا قصاص کرده شود
سلمان گوید بعد از آن رخصت از رسول الله خواستم و پروا نداشتم هر وقت که بمیرم و حضرت صادق علیه السلام
در حدیث سابق میفرماید که بعد از قیام قائم علیه السلام و قتل سفیانی حضرت امام حسین با هفتاد
دو تن شهدا که با او بودند و دوازده هزار صدیق و بروایتی هفتاد و پنج هزار و بعد از آن صدیق اکبر امیر المؤمنین
صلوات الله علیه رجعت نماید برای او قبه در نجف برپا شود که یک لنگرش در نجف و یکی در هجر و یکی در
صنعا یمن و چهارم در مدینه و گویا می بینم چراغهای قندیل که روشنی باسمان و زمین مانند آفتاب و ماه بلند
از آن سید اکبر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با هر مؤمن از مهاجر و انصار و شهدا با او بیرون [illegible] کنند
هر که تکذیب [illegible] کرده باشد تا در بناهم بجای خود بنشند و همچنین بر میگردانند یک یک از
ائمه تا صاحب الامر علیه السلام با یاوران ایشان تا خوشحال شوند و معاندان ایشان تا معذب و خوار شوند
و گویا می بینم [illegible] که نزد جد خود ایستاده شکوه کنیم از آنچه بر ما واقع شده از امت
جفاکار و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر بمظلوم کربلا افتد که بخون خود آغشته چنان
بگرید که اهل آسمانها و زمینها بگریه آنحضرت گریه کنند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها فریاد

در رجعت ائمه علیهم السلام

نعره زند که زمین از نعره او بلرزد و بکوبند بر او ملائکه آسمانهای هفتگانه و عرش الهی که در دنیا
و تحت الثری باشد بخروش آید پس ندا رسد که از کشته شدن ظالمان ما و از ایمن گردیدیم از آنها مگر آنکه [illegible]
هزار مرتبه کشته شوند باز فرمود که پس برخیزد مهدی و ملائکه از دور او ایستاده باشند با حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که در جنگ احد از زخم پیشانی و دندان آن حضرت خون آلوده شده بود و گوید مرا وصیت کردی
برامت بنام و نسب پس انکار من و حق من کردند و گفتند که متولد نشده یا مرده و اگر می‌بود با بقدر غیبت هم نمی‌بود
پس صبر کردم تا باذن الهی ظاهر شدم و فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین با صاحب الزمان
البته کل زمین را خواهد گشت حتی پشت کوه قاف و ظلمات و جمیع دریاها را تا آنکه نماند جائی مگر آنکه دین
خدا را بر پا دارند و بر همه دینها غالب گردانند و حضرت امام حسین علیه السلام در خطبه که بعد از حضرت
باقر علیه السلام که پیش از شهادت بر اصحاب خود خواند فرمود که اول کسی که زمین را شکافد و بیرون خواهد
آمد من باشم و موافق باشد بیرون آمدن من و حضرت امیرالمؤمنین ص و ظهور قائم اهل بیت و نازل شوند
بر من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکری چند از ملائکه و ائمه هدی پس رسول خدا صلی الله علیه و آله علم و
شمشیر خود را بقائم صلوات الله علیه بسپارد بعد از آن انقلاب در زمین بهم رسد که خدا خواهد پس
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شمشیر رسول خدا را بر [illegible] در مشرق و مغرب تا جمیع دشمنان خدا را بکشیم
بتها را بسوزانم و بکل هندستان را فتح کنم و حضرت یوشع و دانیال زنده شده بخدمت حضرت امیرالمؤمنین آیند
و گویند راست گفت خدا و رسول خدا آنچه ما را وعده داده بود و حضرت ایشانرا با لشکری ببصره
فرستد که دشمنان را بکشند شیعه نماند مگر آنکه ملکی را فرستد که [illegible] و پاک کند و زنان
و مؤمنین [illegible] و از برکت ما [illegible] و تنگی در زمین نماند و بروایتی بکر حضرت امام حسین علیه السلام
[illegible] پادشاهی کند که موهای ابروی مبارکش بچشم مبارکش افتد و چون معرفت حضرت امام حسین ع
در دلها مستقر گردید حضرت قائم ع رحلت فرماید و حضرت امام حسین ع او را غسل دهد و کفن نماید
و دفن نماید و از حضرت صادق ع منقول است که گویا می‌بینم حضرت امام حسین ع بر تختی از نور و تاجی از یاقوت
سرخ مزین بانواع جواهر بر سر دارد و بر او حله سبز باشد و مؤمنان فوج فوج بدیدن آن حضرت
آیند و سلام کنند و از جانب خدا ندا بمؤمنان با ایشان ندا رسد که ای دوستان آنچه خواهید از مطلبها
دنیا و آخرت از من بطلبید تا [illegible] که [illegible] طعام بهشت برای ایشان آید

و بروایتی آنحضرت بعد از حضرت صاحب الامر سیصد و نه سال پادشاهی کند بعد از آن نوبت سلطنت
امیر المؤمنین ع باشد در خطبه مخزون که از حقایق معرفت و معارف رجعت مشحون است میفرماید که رفع
سبب [illegible] بیعت که بیعت الله ایمانی بدن تا فرمود که بایك هر کس اراده کند تو شما خود را [illegible]
مکر بیعت ما و بتفصیل معرفت و تسلیم و اطاعت حضرت بیست که شك و معصیت در دل شما است
از ما و برای ما و نسبت ما تا فرمود که بشارت باد شما را بتحقیق که از ما اهل بیت مهدی خواهد بود
خالص که خدا نعمت خود را بان کامل خواهد نمود تا فرمود بدانستی که کار ما بسیار صعب و دشوار است
متحمل آن نتواند شد مکر ملك مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده که خدا دل او را بایمان امتحان نموده باشد
پس مکرر فرمودند یا عجبا کل العجب بین جمادی و رجب پرسیدند که این چه امر است که از همه تعجب میفرمائی
فرمودند که کدام عجب عجیب تر است از مرده ها که خواهند بر فرق مرده ها [illegible] کنند با [illegible] که دانند را شکافته
[illegible] که [illegible] که داخل کوچه های کوفه شده اند و شمشیرهای برهنه بر دوشها نهاده
میزده باشند بر دشمنان خدا ان الموت تا آخر پس شروع فرمودند بتفصیل و کیفیت خروج قائم علیه السلام
و علامات آن و در روایت حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که حق تعالی فرد و فرد است متفرد است و اول
از نیش کلمه فرمود و آن نور شد و از آن حضرت رسالت پناه و ما را خلق نمود پیش از کل خلایق پس عهد و پیمان
گرفت از کل ارواح انبیا که ایمان او بیاورند و او را یاری نمایند اینست معنی این آیه و اذ اخذ الله میثاق النبیین تا
لتؤمنن به و لتنصرنه یعنی ایمان بمحمد بیاورید و وصی او را یاری کنید و عنقریب همه وصی پیغمبر را یاری
خواهند نمود بتحقیق که خدا پیمان مرا با پیمان پیغمبر گرفت که هر یک یکدیگر را یاری کنیم و من وفا کردم و برای
آنحضرت دشمنان او را کشتم و احدی از پیغمبران هنوز یاری نکرده اند که پیش از من رحلت کرده اند بعد از این
خواهند کرد تا وقتی که عالم از من باشد و همه پیغمبران از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله را زنده کرده اند و
در پیش روی من جهاد خواهند کرد و شمشیر بر سر کفار خواهند زد از زنده و مرده در برابر جن و انس چگونه
تعجب نکنم از مرده ها که زنده شده فوج فوج آیند و صدا بتلبیه بلند نمایند که لبیک یا داعی الله یعنی اجابت کردیم
و دعوت تو ایستاده ایم و در کوچه و بازارها شمشیر بر تارك جباران اولین و آخرین بزنند بتحقیق
که مرا است زنده شدن مکرر و منم صاحب رجعتهای بسیار و منم صاحب انتقامها و بسیار و منم صاحب
صولتها و منم صاحب دولتهای عجیب منم شاخ خدا و برادر رسول خدا منم امین خدا و خازن علم سر خدا

در رجعت ائمه علیهم السلام

منم اسماء حسنی و منم امثال علیا و آیات کبری منم صاحب بهشت و دوزخ و با منست تزویج اهل جنا
و بسوی منست بازگشت خلق در قیامت و حساب ایشان منم مؤذن در اعراف و منم ظاهر در آخر الزمان در پیش
چشمه آفتاب با عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان که نشان کنم پیشانی مؤمن و کافر را که نقش کرده مؤمن حقا
و کافر حقا منم امیر همه مؤمنان و خاتم اوصیاء پیغمبر آخر الزمان منم آنکه خدا مسخر من ساخته ابر و رعد و برق
و نور و ظلمت و باد و کوهها و صحراها و دریاها و آفتاب و ماه و ستارگان را و بحدیث حضرت صادق ع
چون شیطان مهلت خواست تا روز قیامت و خدا او را تا وقت معلوم مهلت داد پس آنروز ظاهر میشود تا
جمیع لشکر و تابعان از خلق آدم تا آنروز و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر گردد با اصحاب خود
از آخر رجعتها و حضرت است و بعزم محاربه او بر ملاقات نمایند در وقت کنار فرات نزدیک کوفه
پس جنگی کنند که هرگز از اول خلق عالم تا آخر نشده باشد و گویا می بینم اصحاب حضرت را که شکست
خورند و صد قدم پس نشینند و گویا می بینم که پاهای بعضی داخل فرات شود و آنگاه خداوند قهار ابر
فرستد پر از ملائکه و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پیشاپیش ایشان با حربه از نور چون شهاب ثاقب
چون نظر شیطان بر آنحضرت افتد از عقب بر گردد و گویند لعنتا که ظفر یافتی بکجا میروی گوید می بینم چیزها
که شما نمی بینید و من میترسم از عذاب پروردگار عالمیان که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در
رسیده حربه چنان در میان دو کتفش زند که بهمان یک ضربت او و جمیع اصحابش هلاک شوند و بعد از آن
عبادت الهی خالص از شرک و کفر در زمین کرده شود و حضرت امیر المؤمنین چهل و چهار هزار سال پادشاهی کنند
و از هر شیعه هزار پسر شیعه بهم رسد و در هر سالی یک پسر و دو باغ سبز که خداوند منان در سوره الرحمن
فرموده در مسجد کوفه بهم رسد تا وقتی که خدا خواهد و در حدیث دیگر فرموده که آنحضرت با حضرت
امام حسین علیه السلام بکرات رجعت فرمایند و از معاویه و تابعانش انتقام می کشند در همان صفین بعد از
آنکه سی هزار از یاران آنحضرت و هفتاد هزار از یاوران دیگر زنده شوند و معاویه و اصحابش زنده شوند
و همه را بکشند و بعد از ایشان ابدالابدین معذب و معاقب گردانند و بار دیگر آنحضرت با رسول خدا صلی الله علیه و
آله بر گردد و جمیع پیغمبران ظاهر شوند رسول خدا صلی الله علیه و آله علم خود را بآنحضرت علیه السلام
دهد و همه انبیا در زیر علم آنحضرت باشند و سایر امامان عمال و نواب او باشند در اطراف
عالم و حق تعالی بر پیغمبرش عطا فرماید چندان که پادشاهی دنیا از جمیع اهل دنیا و بروایت دیگر فرمودند

پنجاه هزار سال و در تفسیر ان الذی فرض علیک القران لرادک الی معاد فرموده اند والله که دنیا
منقضی نشود تا رسول خدا و امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیهما برگردند و در نجف یکدیگر را ملاقات
نمایند و در انجا مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته باشد و در بعضی احادیث معراج مذکور است که
وحی شد که علی اخر کسی است که قبض روح او خواهم کرد تا ما مان و او است دابة الارض که با مردم سخن خواهد گفت
و ابن عباس روایت کرده که عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار سال با مر است و هشتاد هزار سال
ملک اهل بیت محمد صلی الله علیه و اله است و بروایتی چون حضرت قائم صلوات الله علیه خروج کند
بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده یاوران و حکام ان حضرت باشند در شهرها و پانزده نفر
از قوم موسی که مردم را هدایت و بحق دلالت می کردند و اصحاب کهف و حضرت یوشع و سلمان و
ابو دجانه و مقداد و مالک اشتر و بروایت دیگر چون انحضرت ظاهر شود ملکی بقبر مؤمنی امده گوید
امام تو ظاهر شده اگر خواهی برخیز که تا بان ملحق شوی و الا در نعیم پروردگار خود بمان تا ابد
و بروایتی نزدیک ظهور انحضرت در ده اخر ماه رجب اول جمادی الاخر بارانی بیاید که نشنیده باشد و بدان
گوشتهای بدن مؤمنان بروید که گویا می بینم ایشان را که بیرون می ایند و خاک از موهای ایشان میریزد
و در بعضی اخبار معتبره هر که رجعت کند و برابر خواهد بود و در تفسیر ایه ولئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون
احادیث معتبره وارد شده است که هر کرا مرگی و قتلی هست یکی پیش از رجعت و دیگری بعد از رجعت و
بروایت بسیار رجعت نخواهد کرد مگر کسی ایمان خالص و کفر خالص داشته باشد و از انجمله خروج دابة الارض
چنانکه قران بان ناطق است و مشهور خروج او در مسجد الحرام یا کوه صفا است بعد از نزول حضرت
عیسی علیه السلام و قتل دجال و قامت او شصت ذرع است و بروایتی سر او برابر ابر است و الوان مختلف
در بدن او باشد و هر عضوی از او بمشابه حیوانی باشد و چهره او چون برق درخشان باشد و جبین مبارک
او چون افتاب تابان و پیکر او چون کوه راسخ و میان دو قرن او یکصد میل و بحدیث علوی سه روز متصل
بیرون اید که مردم سر ببینند و هنوز ثلث او بیرون نیامده باشد و بروایتی سه روز سر او و باقی بدنش چهار روز
بیرون اید از زمین چون ... دو چهار دست و پا دارد و هر ... از دو اصل قوایم او دوازده
گز بذرع ادم علیه السلام و در تفسیر ملا فتح الله مذکور است که حضرت موسی علیه السلام خواست
که دابة الارض را ببیند پس سه شبانه روز بیرون می امد از زمین ... با خلقت مهیبه موسی علیه السلام

در ذکر بعضی علامات قیامت

ترسیده دنیا کوتاه بمقر خود برگشت بلکه حقیقتاً از برای امتیاز خوب از بد از بهر تمیز و دیگر زبان
فصیح بمومن یا مومن خطاب کند و بکافر یا کافر تکلم کند بزبان بلیغ که ان الناس کانوا بآیاتنا لا یوقنون
و گوید که گوید الا لعنة الله علی الظالمین و عصای کلیم الله بدستی و انگشتر سلیمان بدست
دیگر و میان دو چشم کافر و مؤمن نقش میکند باذن سبحانه و روی مؤمن نورانی و نوشته میشود
میان دو چشمش که مؤمن هذا بالله و روی کافر سیاه و ظلمانی گشته سیاه و در میان نوشته میشود که هذا
کافر بالله و بروایتی مؤمن را بخاتم و کافر را بعصا نشان میکند گوید یا فلان تو از اهل بهشتی و یا فلان تو
از اهل دوزخی پس بعد از آن مردم را بنام نخوانند بلکه دو سفید ای بهشتی و دو سیاه ای دوزخی خطاب
نمایند و باحادیث متواتره شیعه دابة الارض خطاب بجناب قدس مآب امیر المؤمنین ع و از انجمله نفخ صور است
دو بار یا سه بار و بروایت مختلفه صور شاخی است بسیار عظیم بیست و یک و بروایتی هفتاد دایره دارد هر یک
بوسعت دنیا مشتمل بر ارواح اصناف ذی روح و از آنجا شعاعها یست پیچ پیچ و سوراخها و شکافها دارد بعدد
ارواح اهل آسمان و زمین و آن را اسرافیل در زیر عرش بدم کردن منتظر فرمان است ما ینظرون
الا صیحة واحدة تأخذهم وهم یخصمون در حالتی که مردم باهم در معامله و مخاصمه و مجادله باشند چنین
یکجا خاطرشان نمیرسد امر نفخ الهی نیاست که ناگاه باذن الله بدمد بشدتی که جمیعاً از وحشت فزع دهشت
هراسان و مضطرب بیهوش شوند و کسی نداند که این چه بوده چه حادثه هایله روی نموده و بفرمان جبار در نفخ
طول دهد که ما لها من فواق پس کوهها از هم بپاشند و زمین بمثابه کشتی در طوفان چهار موج لرزان باشد
و شیاطین هر یک بعزم فرار در اقطار انتشار یابند بضرب ملائکه در افاق متفرق کردند و همین نفخ تا دفعه
دویم اصوات مهیب مهیب اسرافیل که با آسمانهای معلق و زمینها مطبق پیچیده بشدت سمت بالا شق بدید
و کل خلایق از اهل عالم پیشتر که از عرش تا فرش هیچ زنده نمانده حضرت سجاد علیه السلام در کیفیت
نفخ صور میفرماید که اول اسرافیل بامر الهی بر زمین می آید با صور و آن دو شعبه دارد میانه هر دو طرف باین آسمان
و زمین چون ملائکه و اهل زمین ببینند که اسرافیل بر زمین می آید گویند که فرمان خدا رسیده که اهل
آسمان و زمین هلاک شوند پس در بیت المقدس رو بکعبه بگیرد پس چنان بدمد که بصدای شعبه طرف آسمان
اهل آسمان و از شعبه زمین اهل زمین جمعاً بمیرند پس خدا با اسرافیل فرماید که بمیر پس با بحال می مانند که
قدرت کردگار خواهند انگاه فرماید آسمانها را که از هم بپاشند و کوهها را که روان و ریزه ریزه شوند

در واقعه قیامت کبری

از حال امت من که خواهد کرد با ایشان چه کرده همه پیش هم مگر از حال امت کنند کار خود کو بپا شود نفخ صور اول
نصوص نه مبید و کسی محشور نکرد به و بر فراشی انهم خوار و وفادار امت جفاکار و می مناد از دانا از بر
خاک مرقد او زنده فرماید من امت خود را در حالت وجود را برهنه بخواهم فرمان الهی در رسد که ای حبیب من
تو سر از امتی و سالار دعوت صف قیامتی باید که پیشتر محشر درایی پس خلعت الهی در بر و تاج شاهنشاهی بر سر
بر براق سوار شود و بعرش مجید در آورد و پایه عرش سر بسجده گذارد و منادی ندا کند که یا محمد امروز روز
رکوع و سجود نیست بلکه روز حساب است و ثواب نیکوکاران و عقاب بدکاران و روز حسرت و ندامت عاصیان
فیحاویین سر بردار و سوال کن تا بپروردگار عطا کند هیچ خواهی عرض نما که پروردگارا تو بمن وعده
شفاعت امت عطا فرموده بودی خطاب مستطاب در رسد که لا عطینک ما ترضی پس بفرمان جبار قهار
ارواح از اماکن بیاورند بتفاوت احوال بحسب اعمال از صالحان منور بقدر نور دینی که تحصیل نموده
نور مجملی که بجا آورده باشند و از ظالمان مکدر و با ساحیوانات در صورت ارواح از انکار مضطرب با سرایط
رسد که نفخه حشر در دمد که ناگاه دفعه جمیع ارواح که در صور متمکن باشند از مشابه بطلب قوالب خود
مضطرب در پرواز گردند و از ارواح اولین و آخرین بمشابه زنبور عسل میان آسمان و زمین پر باشند و قبور
دان کرده اید و از ذرات خیابان و احیا رحیم بر آیند و بموجب آیه ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون
که از ابتداء عالم تا انتهای ایشان آدم و بتراب نقاب کشیده اند دفعه سر از رفاهای لحد بدر آورده سر برهنه
عریان و مدهوش و حیران از شدت گرسنگی نالان و حدت تشنگی زبان از دهان او بیرون رو بهاخالق
الود و دیدها بجانب لحد فرموده میان زمین و آسمان پر شور و شر و فغان و غوغا تا انشر محبوبان و صالحان
خود بی پرده و سوا مگر کسی که در دنیا هتک ستر حرمات الهی ننموده و پرده محارم بر نداشته کار خود را چون
عرض نمودند برده باشد که مستور باخاطر مسرور محشور شود اعمال صالحش مجسم شده همراه او شود
مونس او را از هول نجات و بمثوبات الهی بشارت دهد و بحدیث نبوی آگنون آگاهی که روز قیامت با عور بیو
پوشیده باشی دنیا و برزخ خود آن گاه داره بروایت صحیح ملائکه بر قبر مومنان آیند و صورت ایشان را از خاک
پاک کنند مگر پیشانیکه پاک نشود و ندا رسد که این از خاک قبر نیست بلکه از تراب محراب و اثر سجود
معبود است وا گذارید بلکه از صراط که گذشته داخل بهشت شود که هر که ببیند داند که ایشان خدام و عبادت
گزار منند و بموجب یوم نطوی السماء آسمانها نورد به شود تا بهشت که بالای آسمانها است نزد سدره المنتهی

در ماجرای پنجاه عقبه

اشکار کرد و هم چنین زمینها از مثال بحر دنیا و دوزخ کرد پس اینها است مثال شی و زمینی از نقره خام
که بهشت بر آن قرار گیرد بد باید دانست همچنین که بر آن معصیت رب العالمین واقع شده سقر جهنم که پر
کد آتش دوزخ بر آن اشتمال یابد پس معبر بهشت که پل صراط است از روی جهنم بسوی بهشت کشیده
شروع بحساب خلایق شود ایعزیز از هول حساب روز جزا در بخواهی پیش از امروز بتفکر و توبه تدارک
بر ورود حساب خود را باک نکنی و لا حول و لا قوة الا بالله عزیز مخبر ماجرای عقبه اولی از پنجاه عقبه
روز هائل و روز قیامت و اجرای شیئه از طرفان اهوال نشود و خروج خلایق از قبور تا بهشت بروند
و وحشت و ملامت و اشاره بشاه راه نجات از آن فزع اکبر و چنان عقبه پر حسرت و ندامت بدانکه
شیخ کلینی ره و ابا اسید رحمته باسناد خود از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت کرده
که فرمود که خود حساب خود را بکنید پیش از آنکه حساب کرده شوید پس بتحقیق که روز قیامت پنجاه موقف
از اعمال و بجزو عمل از آن ایستادن است که موقفی هزار سال بپهنه حساب خلایق تا باز خواهند داشت پس
آنحضرت خواند این آیه را فی یوم کان مقداره خمسین الف سنة یعنی در روزیکه پنجاه هزار سال است و در روایت
رسول خدا صلی الله علیه و آله است که ایا از محاسبه خود را با نفس خود بکن قبل از آنکه بیا حساب رسند که
این آسان تر است برای حساب از فردای قیامت و لیسنجید نفس خود را قبل از آنکه سنجیده شود و مهیا شوید
تدارک توشه خود کنید برای عرض اکبر در روز محشر در روزیکه عرض کرده خواهید شد بر خدای قهار که
نیست بر او از شما چیز پنهانی و حق تعالی می فرماید فو ربک لنسئلنهم اجمعین عما کانوا یعملون
بحق پروردگار تو یا محمد که البته سوال خواهیم نمود از جمیع ایشان از آنچه در دنیا میکردند و میفرماید
و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله یعنی اظهار نمائید آنچه در دلهای شما است
یا پنهان کنید که خدا برای عمرایه هر آینه شما را بحساب خواهد فرمود و حضرت کاظم ع میفرماید که نیست
از ما هر که حساب خود را با نفس خود نکند در هر روز پس اگر عمل خیر کرده از خدا طلب توفیق زیادتی کند و اگر
بدی کرده استغفار کند از حق تعالی و توبه و بازگشت نماید بسوی جناب قدس الهی [illegible]
مذکوره که از بتدایه روایت عبدالله بن عباس از جناب ولایتماب امیر المؤمنین صلوات الله علیه که مبسوط تر از آن بنظر نرسید
متفرق و شروع بانتخاب [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله [illegible]
برهنه گرسنه تشنه [illegible] و از شدت دهشت [illegible]

در مراحل پنجاه عقبه

اسرافیل مدهوش و سراسیمه و هراسان و از مشاهدهٔ غبار وحشت و خروش زمین و دنیا بیهوش
و دیدهها حیران از زمانه نمودگی آسمان و از معاینهٔ آثار غضب صاحب دیوان و انتقام جبار عادل دیان بهر طرف
نگران و از اعمال خود متاسف متحیر و متحسر و پشیمان قال الله تعالی یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة
شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و
ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید یعنی ای گروه مردمان بترسید از پروردگار خود بتحقیق که زلزله
و جنبش هنگامهٔ روز قیامت چیز عظیمی است روزیکه از هراس و شدت و دهشت و حیرت هوا غافل خواهد
شد هر شیر دهنده از طفل خود و غافل شود که هر چیز شیر شاید یا نه هیچ شفقت و مرحمت که با او میداد
در نهایت پیچ و تاب فزع و اضطراب وضع حمل خواهد کرد هر حامله و می بینی مردم را که از شدت فزع مدهوش
و مستند و حال آنکه مست نیستند و لیکن عذاب الهی شدید است یوم یفر المرء من اخیه روزیکه خواهد
گریخت آدمی از برادر خود و از زن و مادر و فرزند خود هر کسی را شغلی است که باحوال خود مشغول
و اصلا باحوال دیگری نپردازد اذا زلزلت الارض زلزالها یعنی هنگامیکه بجنبش آید و بلرزد زمین بجنبش
شدیدیکه بیرون اندازد آنچه دارد از مردگان و شهادت دهد هر جایی بهر عملی که در آن واقع شده
بسبب آنکه خدا وحی کرده باو روزیکه بیایند مردم بمراتب متفرقه بعضی مومن و بعضی عاصی تا ببینند
مزد کردار خود را پس هر که ذرهٔ خیر یا ذرهٔ شر در دنیا کرده خواهد دید آنرا یوم ترجف الراجفة
تتبعها الرادفة قلوب یومئذ واجفة ابصارها خاشعة روزیکه از زلزله بشکافد زمین با اهلش
و صیحهٔ عظیم در پی آن باشد و دلها در آن روز بسیار مضطرب و ترسان باشند با دیدههای گریان و حیران و
هراسان اذا السماء انفطرت در هنگامیکه آسمانها شق شود و از هم بشکافد و کهکشان بتفسیر علوی
آفتاب و ستارهها سیاه و پراکنده شوند و دریاها بهم یکی شوند و بروایتی یکوا نیران و آتش سوزان
برافروخته شود و مقبرها منقلب و زیر و بالا کرده شوند و در چنین هنگامهٔ مهیبانه هر کس هر چه کرده و بجا آورده
هر عملی که کرده چنان متذکر شود که گویا حالا کرده و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون و
دمیده شود در صور دمیدن ثانیه پس ناگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود بشتابند و گویند ای وای
بر ما کی ما را از خوابگاه ما بیدار کرده ملائکه موکلند بر ایشان جواب دهند این است که خدا وعده فرموده بود
در معاد و راست گفتند پیغمبران و یک صیحه دیگر ناگاه جمیع خلایق نزد ما حاضر شوند امروز که هیچ

در احوال قیامت کبری

شده جزا و هل کسی جزا نخواهد یافت مگر موافق عمل خود وامتازوا الیوم ایها المجرمون الم اعهد الیکم یا بنی
آدم خطاب شود در روز قیامت بگنهکاران که امروز جدا شوید از مؤمنان و صالحان آیا من عهد نکردم
در دنیا با شما که اطاعت مکنید شیطان را که دشمن شما است و اطاعت من کنید که راه راست است و بشما بتحقیق
که جمع کثیر شما را گمراه نموده آیا هیچ عقل نداشتید این جهنم است که شما گنهکاران را وعده میدادیم وتری الظالمین
لما راوا العذاب یقولون هل الی مرد من سبیل و خواهی دید ظلم کنندگان را بر خود بسبب معصیت الهی
یا بودن دیگران که دیدند عذاب را گویند آیا مفری یا راه برگشتی هست که توبه و تدارک بجا آریم و خواهی
دید ایشان را در معرض عذاب بخشوع کنند و از خواری و مذلت که از هراس و ترس نگاه کنند القارعة

پنجم

ما القارعة وما ادریک ما القارعة یوم یکون الناس کالفراش المبثوث وتکون الجبال کالعهن المنفوش
یعنی قیامت که از شدت هول میکوبد گنهکاران را چه میدانی چیست قارعه روزیکه خلایق از
کثرت و دهشت و مذلت و دهشت مانند پروانه منتشر و حیران و مضطرب و سرگردان اند و کوهها از
فزع اکبر مثل پشمهای الوان حلاجی شده و در هوا واقع پران فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان
شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا پس چگونه میترسید
اگر کافر میشوید از روزیکه هم و غم و شدت و بیم الم کودکان را پیر خواهد کرد آسمان در آن روز شکافته
خواهد شد وعده الهی شدنی است بتحقیق که این تنبیه و یاد آوری است شما را پس هر که خواهد
کند برای خود در این ایام مهلت بسوی پروردگار خود راه نجات توبه و عمل الا یظن اولئک انهم مبعوثون
لیوم عظیم آیا گمان نمی کنند ایشان جرات معصیت الهی مینمایند که برانگیخته خواهند شد برای روزیکه بسیار
بزرگ است آن روزیکه ایستاده خواهند جهت حساب برای پروردگار خود ایحسب الانسان ان لن نجمع عظامه
آیا می پندارد انسان که ما جمع نخواهیم فرمود استخوانهای اورا بلی قادرین علی ان نسوی بنانه بلی قادریم
بر ساختن بندهای انگشتان او بل یرید الانسان لیفجر امامه بلکه میخواهد انسان که فجور و خطا کارها
پیش اندازد و توبه و تدارک این روز خطا سوز را دور و بعید پندارد انکار این فرماید و یسئل ایان یوم
القیامة فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر یقول الانسان یومئذ این المفر میپرسد
از تفاوت روز قیامت پس هنگامی که در شدت هراس چراغ بماند دیدها تاریک شود و ماه انتا
در نهایت حرارت و شدت چه تاب هر گناهکاران یا اضطراب باز ایستد خواهی گفت در آن هنگام این

روز

در اهوال قیامت کبری

روزی که مفرجاها که مفرها باشد بجز سایه رحمت الهی برای کسی که خود را پیشتر لایق آن ساخته باشد نبود
ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم واخر بل الانسان على نفسه بصيرة ولو القى معاذيره خبر خواهند شد و آن روز آدمی را
از کرده از خیر و شر بلکه خود بر خویش بینا است و گرفتار خود را میداند اگرچه از بیم عذرهای نامقبول پیش می‌آرند
استجيبوا لربكم من قبل ان ياتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجا يومئذ وما لكم من نكير اطاعت و اجابت
کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که دیگر مفری از خدا نخواهد بود و نه پناهی از بد و نه انکار
بتوانید کرد که زمین و اعضا شهادت خواهند داد ان يوم الفصل ميقاتهم اجمعين بدرستی که روز جدا
وعدگاه همه ایشان است که از برون آن تا بکار سنده و یاری ندارد مگر آنکه خدا او را ترحم کند که در دنیا با طاعت
و توبه خود را مستحق رحمت الهی کرده باشد وانذرهم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما
للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع بترسان یا محمد ایشان را وقتی که دلها و جانهای گنهکاران از شدت و فزع
و هول جزع بحنجره بند میشود و بترسان ایشان را از روز قیامت که روز نزدیک و ساعت بساعت نزدیک
میشود وقتی دلها و جانهای گنهکاران از تقصیر و ندامت یاری نه شفاعت کننده که قبول شود و يوم نسير
الجبال وترى الارض بارزة وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا وعرضوا على ربك صفا لقد جئتمونا كما خلقناكم
اول مرة بل زعمتم ان لن نجعل لكم موعدا یعنی روزی که پراکنده و بر طرف خواهیم کرد کوهها را و زمینها را خواهی
دید هموار و حشر کنیم مردم را پس وا نگذاریم ایشان یکی را و عرض شوند بر پروردگار تو صف کشیده آمده
و بتحقیق آمده باشند چنانکه خلق کرده بودیم اول بار شما را برهنه و عاری از هر چیز را دید بلکه بود
حشر شما را وعده نداده بودیم ازفت الازفة ليس لها من دون الله كاشفة افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون
ولا تبكون نزدیک شد قیامت که نزدیک شدن موصوف است کسی که بغیر حق الله تعالی کشف شداید
او را نمیتواند نمود آیا از این حدیث شما عجب دارید و میخندید و بر حال خود گریه نمیکنید يوم تاتي كل
نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا يظلمون روزی که خواهد آمد هر کسی را مجادله و سعی کنان
از طرف خود که نفس خود را خلاص سازد و اصلا بدیگری نپردازد از دهشت هول و خواهند یافت
هر کس جزای آنچه در دنیا کرده باشد بی کم و زیاد ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه فاعرض عنها آن هیئت نفس
خود بظلم کننده تر از کسی که یاد آورده شود بآیات پروردگارش و بیکار از خود و از خواب غفلت
بیدار کرده شود و بسبب اعراض کند از آیات الهی و قبول نکند نصایح را فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا

یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم
ذلة ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون یعنی واگذار ایشان را که بموعظه متنبه و منتفع نمیشوند
در لهو و لعب باشند تا روز وعده که از قبرها بیرون آیند بسوی حساب و جزای خود بتعجیل بدیدهای ترسان و
خواری فرو گرفته باشد ایشان را بهشت روز وعده و بروایت شیخ صدوق بعد از آنکه بشوری مرغ فلک دنیا را
صد هزار نفخه عناد در کور کشیده اند در روز حشر همه بودیم چنانکه در حدیث وارد است که نداشته‌اند همه را
فراموش دارد و کنند که کاشکی بکور بر میگشتیم هزار سال باین حال شقاوت مال باز داشته میشوند
تا بعد از آن خالق حکم فرماید و بروایت از شدت حیرت و شور و نشور و حسرت تا سیصد سال
یکقدم در لحد یکقدم در لب قبر بمانند حضرت صادق ع از امیر المومنین ع مذکور است که نیست احدی
که بیرون آید از قبر مگر آنکه دو ملک در بازوی او چسبیده گویند که اجابت کن امر پروردگار خود را و بتوح
حساب از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که محشور میشوند عریان و ختنه نشده با هر موی و ناخن
و عضوی که در مدت عمر از او قطع شده و فرمود باذن حق تعالی را ملائکه چند هست که همیشه
ایستاده اند و از خوف الهی سر بالا نمیکنند تا نفخ صور پس در آن حال زینهم جمیع ملائکه گویند خدایا منزه
میدانیم ترا از هر چیزی و از اینکه عبادت ما لایق درگاه تو باشد و ترا بر نعمتها شکر نکردیم و حق عبادت
ترا بجا نیاوردیم و اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر داشته باشد البته سهل شمارد از شدت هول آن روز و جهان السنه و حور
جهنم در صحرای پر شور و شر محشر بیرون شد نماند ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر آنکه بزانو در افتند و
استغاثه کنند و از ترس گوید بنفسی نفسی یعنی ای پروردگار من خود مرا نجات ده حتی ابراهیم خلیل پسر
خود اسحق را فراموش کند و گوید خدایا من خلیل توام مرا امروز از رحمت خود فراموش مکن و بروایت
حضرت امام محمد باقر ع که مصطفی ص فریاد بر آورد که امتی امتی یعنی امت مرا نجات ده پرسیدند یا رسول الله
چه چیز نجات میدهد از این هول محشر و چنین فزع اکبر فرمود آنچه نجات میدهد که بنشینند بدو زانوی خود برابر
علما و مسائل دین خود را و اعتقادات شرع مبین را از ایشان تعلیم بگیرند و امیر المومنین ع بروایت ابن مسعود
میفرماید در این موقف قلم کرامان اردیه باشد بر آنچه پیغمبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا آورده
که اصول الدین است ناجی و رستگار است و هر که شک در آنها داشته باشد که تحصیل یقین و معرفت بآنها
در دنیا نکرده باشد هزار سال بآن شدت و حسرت که مذکور شد در عذاب و تنها خواهند ماند بآنکه عرصات

در نحو الاثبات مرکب

اصل وجود حق تعالی احتیاج بگفتار و گفتگوی ندارد چه وجود صانع از کل اشیا ظاهر تر است و هر که
خود را شناخت میداند که نبوده و بوجود آمده بسبب موجد و خالقی او را ایجاد کرده و این معنی فطری و جبلی
او است مثل میل بملایم و از کراهت مولم و جوع و نوم و سایر حالات نفسانیه که در اطفال بلکه در حیوانات
هم کسبی نیست و میباشد و قطع نظر از احادیث بسیار بلکه متواتر است در این معنی که در این مقام ذکر آنها مناسب نیست
و دلیل عقلی هم در این معنی تمام است که حق تعالی اول معرفت خود را بدون سعی و کسب و اختیار بر بنده داده و بعد
از آن تکلیف شروع نموده بکسب و تحصیل ایمان و طاعات والا لازم می آید که حجت بر خلق تمام نشود چنانکه در
کتاب مفتاح الجنان که این رساله جلد ثانیست از اینها و دو حدیث از دو حدیث آن مفصلا مذکور است و چون
معنی را تجربه و وجدان تصدیق میکند بعضی از آنها را از طول و غموض نمیبرد [illegible] میدانند حتی
حکیم افلاطون را که انصاف دهد که خدا را با الهام و اعلام شناخته باید و فلاسفه و میدانند که شناختهاند هم
چند تأمل میکنند ابتدای وقت و کیفیت آن شناختن را نمیدانند از این است که در اخبار و روایات در خصوص بوی
خدا [illegible] که آدمی پیدا سازد و بفکر التفات این معنی فطری [illegible] نشده بلکه از راه تعجب
در قرآن میفرماید افی الله شک فاطر السموات والارض یعنی آیا شکی هست در خدائی که آفریننده آسمانها و زمینها
است و حضرت امیرالمؤمنین ص فرمود که تعجب دارم از کسی که شک کند در خدا و خود را و خلق را مینگرد
او را این برای [illegible] که کسی که خدا را باشد بنیاد کردن او کافیست بنیاد که شده بمان خالقیت
جبلی ایضا که خدا را به اختیار یاد و می بیند که اثبات کوتاه چشم پوشد و انکار کند تا اتمام حجت بر
شده و معاند خواهد بود و از اینجاست که کفار را اول بتوحید خدا و بگفتن لا اله الا الله امر کردند
و بدین جهت اول ایمان بما جاء به النبی ص باعث نجات میشود و اول اینها توحید است و اعتقاد بوجود خدا
داخل اینها است هر چند لازم اینها باشد بلی تواند بود که بعضی بعلت تشکیکات شیاطین انس
تعلیم معلمان بد اعتقاد و معاندان صوفی نژاد و دهریه عقیده [illegible] که بشومی صحبت از علمای اهل بیت س
که اهل علم و افتی غیر ایشان [illegible] باشد سلب توفیق الهی و فهم و شعور فطری او شده شبهای فاسد ضروری
البطلان در نظر او نظری نماید و مثل سوفسطائیه و اشباه بلکه [illegible] که هر کس [illegible] شک بلکه انکار
بدیهی کند و دیگر بیچاره بر رسیده که در ادله تشکیکات و [illegible] در مسئله سهل باعث شک و تشویش
باشد از اینجاست که امیرالمؤمنین ص میفرماید الا ترتابوا فتشکوا [illegible] یعنی تشکیک [illegible] باید با شک

در شمۀ از فضیلت رضا بقضا

شیطان گفته که گمراه میکنم غافل را میشوم و چون فنای دنیا را می‌بیند اطمینان بان داری و بروایتی عجب دارم از کسی
یقین دارد بجهنم چرا می‌خندد و یقین بحساب دارد چرا گناه می‌کند و نشأه اولی را دید و در آخرت شک دارد و در چند حدیث از حضرت
امیرالمؤمنین ع ذکر فرموده که هیچکس لذت ایمان را نمی‌یابد تا بداند که آنچه باو رسیده گذشت چون هر
بتقدیر بوده و میشود و هر چه نرسید نمی‌رسید و در صحیح دیگر از زراره هست که بلا از خدا است ضار
و نافع و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل در تفسیر یقین باین زیاده ذکر فرموده که خدا را چنان عبادت کن که
گویا او را می‌بینی پس اگر تو او را نمی‌بینی بدانکه خدا او ترا می‌بیند و فرمود با ابا ذر هیچ بنده یقین درست نمی‌یابد و
در نرسیدن از حسن خلق و ورعی از ترک حرام و خوف الهی پس قصه شاوان اسرائیلی فرموده فرمود با ابا
یقین می‌یابد و در صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام از حضرت امام محمد تقی نقل میفرماید که قسمت
نشده میان خلق هیچ چیز کمتر از یقین بودن پرسید از حد یقین فرمود توکل و تسلیم بخدا و رضا بقضا خدا
و تفویض کارها بسوی خدا و در حسن حضرت صادق ع مذکور است یقین فرمود آنکه نترسی با وجود خدا از هیچ چیز
عین ششم در شمه از فضیلت رضا بقضا و صبر بر طاعت بدانکه رضا بحکم حق تعالی که اعظم و اقدم خلایق ایمان
و اوثق و احکم اسباب مؤمنان است بسوی عالم نور و قرب پروردگار عالمیان چنانکه دلالت می‌کند صحیحه
محمد بن عذافر از پدرش از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله برخورد بکاروانی
در بعضی از سفرها پرسید چه کسانید شما گفتند مؤمنانیم فرمود چیست حقیقت ایمان شما عرض کردند
رضا بقضا حق تعالی و تسلیم امر خدا و تفویض امور بسوی خدا پس فرمود علمااند حکمااند نزدیک
که از حکمت بمرتبه پیغمبران باشند آنگاه فرمود اگر راست می‌گوئید پس بنا مکنید خانۀ که در
آنجا ساکن نخواهید شد و جمع مکنید چیزی که نخواهید خورد و بترسید از خدائی که بسوی او راجع خواهید شد
بدانکه چاره بهشت مؤمن را از سعی و رسیدن بان در دنیا تکلیف که بنای آسایش او بر انقیاد
و الا پیوسته مثل حیوان در عذاب دنیا و عقاب عقبی است چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید که
شاید آدم که تو اراده میکنی و من اراده میکنم و نمیشود مگر بخواهش و اراده من پس اگر منقاد و راضی
باراده من باشی آنچه مراد تو باشد عطا میکنم و الا تو را بتعب اندازم در سعی مراد خود و آخر نمیشود مگر مراد
من و فرموده هر که راضی شد بقسمت من در راحت است و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که داناتر بخدا
کسی است که بقضای او راضی باشد و سر ایمان صبر و رضا است از حق تعالی در آنچه خواهی یا نخواهی هیچ

در شمهٔ از فضل رضا بقضا

نمیشود از خدا در آنچه خواهد مگر خواهد آنکه خیر او باشد و باین معنی متواتر است که فرمود وحی شکه
صرف نمیکنم از بندهٔ مؤمن چیزی را مگر آنکه خیر او است پس باید راضی شود بقضاء من و صابر باشد در
بلای من و شاکر باشد بر نعمتهای تا بنویسم او را یا محمد از صدیقان نزد خود و در صحیح فرمود عجب دارم از مسلم
که خدا هر قضائی برای او کند خیر او است که بمقراضها پاره پاره شود و اگر مالک مشرق و مغرب گردد و فرمود علامت
مؤمن که راضی است در آنچه باو میرسد از آزار و فرمود خدا اجر راضی را زیاد میکند و خشمناک را قضا جاری
میشود و اجرش برطرف میشود و فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگز نفرمود که کاش چنین بود یا کاش چنین نبود
کسی مؤمن باشد که از قسمتهای پروردگار خود بخشم آید و منزلت خود را حقیر شمارد و حال آنکه اینها از جانب خدا
برای او مقرر شده و منم ضامن برای هر که خاطرش بغیر رضا خوش شود از خدا نباید که چون دعا کند
مستجاب شود و فرمود که شیطان گفت که مرا در هیچ کس چاره و حیله نیست و تدبیر در قبضه من مثل کسی که
در نیت متوکل و متوسل شود بخدا در همه امور و کسی که در شب و روز یاد خدا کند بسیار و کسی که بپسندد
برای برادر مؤمن آنچه برای خود میپسندد و کسی که در مصیبتی جزع نماید کسی که راضی باشد بقسمت و هم
روزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود باید که قسمت را باندازه کرده اند پس آنچه برای تو مقدر شده
بتو میرسد هر چند ضعیف باشی و آنچه از بلا مقدر شده دفع آن از خود نمیتوانی نمود و هرچه از او فوت
شده قطع امید نماید در راحت است و هر که راضی باشد همیشه خوشحال و چشمش روشن است و به
سندهای معتبر از ائمه منقولست که خدا فرمود هر که رضا بقضاء و ایمان بتقدیر من ندارد پس خدای دیگر
طلب نماید و فرمود که حق تعالی میفرماید که ای فرزند آدم اطاعت من کن در هر چیزی که امر کنم و تعلیم من کن مصلحت در
که من داناترم بصلاح تو و فرمود با ابوذر مستعد باش بقضای الهی و قانع شو بدادهٔ خدا تا غنی ترین
مردم باشی و پرهیز که اینست غنای نفس و فرمود بیا شب یکروز یک شام و جناب امیر المؤمنین ع
فرمود که هر که راضی شود باندک از دنیا او را کافیست و هر که راضی نشود بآنچه او را کافیست
تمام دنیا او را کافی نیست و در حدیث دیگر منقولست از حضرت امام رضا ع که سزاوار است هر که را که عاقل
باشد از جانب خدا که متهم نکند خدا را در قضای او و تعجیل ننماید در روزی و در خطبه وداع است که هر که
راضی نباشد از روزی خود و پیش کسی شکوه خود را و صبر نماید حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نکند تا ملاقات کند
خدا را و غضبناک باشد و فرمود هر که صبح کند غمگین بر دنیا صبح کرده باشد خشمناک بر پروردگار خود و فرمود

در مذمت نفاق است

خرج باندازه نصف معیشت است و بهترین روزی آنست که کافی باشد و فرمود که حق تعالی میفرماید
ای پسر آدم مرا نافرمانی تو مانع نشد یا از کرده نانی فرستادن نانی را تعجب خواهد انداخت و لیکن
پسر خود را گفت باید کسی که حیلۀ معیشتش ضعیف باشد فکری نماید و عبرت گیرد که خدا او را از برای رزق و دین
رحم مادر خلق کرد و طفلی که چاره نداشت روزی او را در پستان قرار داد که در حالت چهارم نیز خواهد داد و با لشیاء
اینها چون بزرگ شد و عاقل و قادر شد بکسب کار را بر خود تنگ دید بگمان سد بد پروردگار خود و حقوق
خداوند را حالش را انکار کرد پس چنین بنده بد بنده است ای فرزند و حضرت صادق ع میفرماید که من ضامنم
برای کسی که میانه روی کند که محتاج نگردد و اخبار فضیلت قناعت و کمال و امانت بر امر حرمت بسیار است
و مناسبت مقام همین قدر قناعت نمود بعلت تحامل قیام و علاوه و قطع لیام فعلی مشتبه بر خصوص
قناعت کی که از قناعت کیمیا است در موقف صوم ذکر نمائیدانشم و باید دانست که تمام علامات هم تمام
رضا و قناعت شکر است که بآیات و اخبار موجب ازدیاد نعمت و کفران منعم درد بلا و عقوبت
حرمان و نعمت است و بقول حضرت صادق هر که توفیق چهار چیز یافت دعا و استغفار و شکر هم این چهار
چیز را محروم نگردید اجابت و آمرزش و ازدیاد نعمت و اجر و فرمود سه چیز است که با آنها هیچ چیز ضرر
نمیرساند دعا در الم و شکر و استغفار در معصیت و شکر در نعمت و از رسول خدا صلی الله علیه و آله که
فرمود که طعام خورنده شاکر ثواب روزه دار دارد و سالم شاکر ثواب مبتلای صابر و غنی ثواب فقیر قانع
و حضرت سجاد میفرماید که خدا دوست میدارد هر دل محزون و هر بنده شکور را و از حضرت صادق
هر که بشناسد نعمت را که از خدا است شکر آنرا کرده و فرمود هر که بگوید الحمد لله شکر نعمت را ادا کرده با
نیز راه و کوچک بدانکه اصل شکران نعمت است و مصرف کند منعم برای آن داده و مقرر فرموده والا کفران نموده
چنانکه حضرت میفرماید که شکر اجتناب از معصیت و نافرمانی است و تمام شکر قول الحمد لله رب العالمین
و حضرت امیرالمؤمنین ع میفرماید شکر هر نعمتی ورع از محارم الهی است و هم چنین تفکر در نعمتهای
الهی بعجز از احصا از شکر است و شکر واسطه هم ضرور است و الا دور نشده است حق تعالی میفرماید
شکر مرا نکردی چنانکه حضرت سجاد فرموده و فرمود شاکرترین شما کسی است که شکر مردم را بیشتر کند
اما اعتماد بر خلق است که سبب واسطه ساختند و الا احدی قادر بر نفع کسی نیست و از اینها است که
و از و شایع است که باید کسی را ملامت نکرد بر چیزی که خدا نداده چه حضرت [illegible] در مذمت نفاق و نجله

شقون

در مذمت نفاق است

شقوق از اخس رذایل و اعم ذمایم اهل شقاوت و شقاق چنانکه در موثق حضرت صادق از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که مثل منافق مثل چوبیست که صاحبش هرجا که اراده است نماید و آخر می
سوزانند و بدانکه اشد مراتب نفاق با خدا و رسولست یا در اصل ایمان که صاحب آن اظهار اسلام مینماید
و در باطن کافرست و او بعلت غش و حقد و حسد بدتر از کفار و در بازگشتش بسوی اسفل درکات است یا در اخلاق مثل
ریا که شرک خفی است یا در نفاق با مؤمنین مثل غش و ترک نصح مسلمانان و دروغ و حسد و جدال و خیانت و دو روئی و دو
و خلف وعده و غیبت و تحقیر علما اینها همه نفاق با خلق است یا با ما بواسطه چنانکه در مواقع آینده
مذکور خواهد شد و اسباب و علامات نفاق مثل غنا و ملاهی و فحش و حرص خوردن و خوابیدن و تکلف
و قول بی عمل که بقول حضرت صادق علیه السلام علامت منافق بودن هم هست و تأثر ندادن از موعظه و رعایت نمودن
آداب نماز چنانکه حضرت باقر علیه السلام و حضرت سجاد علیه السلام میفرماید که منافق در فکر عشا
خوردنست بی آنکه روز بروزه بود و صبح در فکر خوابست بی آنکه شب بیدار کشیده باشد و رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرموده که حقیر شمارد طالب العلم را منافق است و در روایت دیگر فرموده سه نفراند
که حقیر نشمارد حق ایشانرا مگر منافق امام عادل و عالم و کسی که مو در اسلام سفید کرده باشد و از
الحق افراد نفاق است که ظاهر صالح و باطن فاسد باشد بقول نص امیرالمؤمنین ع بر روایات سه موجب عقوبت
عقبه سیم است چنانکه گذشت و نبوت بکمالی فرموده که اگر چنین باشی ترا رسوا خواهد کرد روز قیامت و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله منقولست که هر که پنهان کند چیزیرا که باعث خوشنودی خدا است خدا ظاهر کرداند که
چیزیرا که موجب خوشنودی او است و هر که پنهان کند چیزیرا که باعث سخط خدا است خدا ظاهر
کند چیزیرا که باعث خواری او است و در روایت دیگر در قیامت که خدا ملاقات کند از او در خشم باشد
اخبار در این معنی بسیار است بلکه بهتر بودن ظاهر هم نفاقست چنانکه حضرت صادق ع از رسول خدا ص نقل فرموده
که هر که حسد زیاده بر دل باشد از نفاق است نزد ما و حضرت باقر ع که صحیح میفرماید که هر که ظاهرش بهتر
از باطنش باشد میزان عملش خفیف خواهد بود در روز قیامت و باید دانست که باید ساختن ظاهر برای موافقت
باطن هم باید است بلکه بد توجیه چنانکه از ملاحده صوفیه خذلهم الله شنیده ایم زیراکه نیکو کردن ظاهر هم مکلف به چنانکه
الله تعالی فرموده در وصیت ابوذر که خوشا حال کسی که خوب و صالح باشد سر و باطن او و نیکو باشد ظاهر او بلکه
باطن اهم است چنانکه فرموده خدا نظر نمیکند بصورتها و اموال شما ولیکن نظر میکند بدلها و اعمال شما

در اعمالیکه باعث خلاصی از عقاب است

و بحدیثی از هفتاد هزار عابد مثل فضل ماه بر ستارهها و بحدیث دیگر از جهاد کننده با کفار هزار هزار
بار و منقولست که در نزد رسول خدا صلعم مذکور شد که شخصی بعد از نماز فریضه نشست بتعلیم و دیگری روزها
بروزه و شبها بنماز استغراق نمود که فضیلت کدام بیشتر است فرمود که فضیلت عالم بر عابد مثل فضیلت من است بر کمترین شما و بحدیث قدسی
مدارسه یک ساعت علم بهتر است از عبادت صد سال که روزها بروزه و شبها در تمام باشی و بحدیث نبوی طالب علم را شفاعتی
هست مثل شفاعت انبیاء و فرمود مداد علما را در میزان قیامت زیاد میکنند بر خون شهدا و فرمود و بحدیث صحیح حضرت صادق ع
که در روز قیامت سه طایفه شفاعت میکنند اول پیغمبران دوم علما سیم شهدا و از اعمالیکه باعث نجات است محبت اهل بیت عصمت
و طهارت و رسالت و زیارت و مجاورت و تقبیل عتبات خاندان نبوت و امامت و عزت و معرفت و اخلاص علی الخصوص
سرخ روی دشت کربلا و چشمه زهر عزت بلا چنانکه بطون کتب مزار و متون اخبار از این مضمون ملزوم و مشحون
است بسند صحیح از حضرت امام علی بن موسی الرضا مرویست که فرمود که هر امامی را عهدی است در گردن
شیعیان و دوستان که از تمام وفای آن عهد زیارت قبور ایشان است پس هر که زیارت قبور ایشان نماید با
رغبت و معرفت شفیعان او خواهند شد در روز قیامت و بروایتی دیگر که زیارت کرد ما را در عرش عظمت
و جلال و بر کریم لازم است که گرامی دارد زائر خود را و در روز قیامت عطا کند باو آنچه خواهد و در حدیث صحیح حضرت
صادق ع میفرماید که پرسید حسن مجتبی از رسول خدا صلعم از ثواب زیارت او فرمود که هر که زیارت کند مرا یا پدر ترا
یا برادر ترا یا ترا در حیات ما یا وفات ما حق و لازم است بر من که نجات دهم او را در روز قیامت از
با بویه از حضرت امام حسین ع روایت نموده که فرمود حق و ثابت است بر من که زائر خود را زیارت کنم روز قیامت
و نجات دهم او را و در حدیث از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که فرمود ضامن شده ام برای او که روز قیامت خلاص کنم او را از هول
و شداید آن روز تا آنکه ببرم او را با خود بدرجه خود در بهشت و در حدیث بسیار صحیح بروایت حضرت امیرالمؤمنین
و حضرت سجاد و زین عابدین صلوات الله علیهم منقولست که جبرئیل ع گفت که ملائکه باذن الله تعالی روی
او را بگیرند از سمت های عرش الهی پنهان میکنند تا روز قیامت معروف باشد و بنورانی و نوران مهر پیدا
اهل محشر را خیره کند گویا می بینم با محمد ص که بمحشر بر اوج من و میکائیل بر دست او و علی پیش روی ما و با ما
از ملائکه ناشد که عدد آنها بغیر از خدا کسی نداند ما بگویم میان اهل محشر و هر که اثر مهر بر روی او
هست از هول شدتهای آن روز نجات دهیم و در حدیث و اخبار بتفرقی قبور ایشان جناب حضرت
امام حسین ع که زیارت مرا که خواهد کرد با این اراده که گویا حج را است بر او بر کت و احسان بر روز قیامت

در ثواب زیارت امام حسین ع

جستجو خواهم کرد و دستشان را خواهم گرفت و از شدائد روز قیامت نجات خواهم داد و زیارت حضرت امیرالمؤمنین ع
از زواران جناب مقدس الهی است با افواج ملائکه و انبیاء و افضل است از سایر ائمه مانند فضل خود در
اعمال خود و حضرت صادق ع میفرماید که هر که بزیارت آنحضرت رود پیاده بهر قدمی حجی و عمره کرده باشد
پس اگر پیاده برگردد بهر قدمی دو حج و دو عمره و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا و عقبی زیاده از حد و حصر است
و زیارت حضرت امام حسین ع بروایات متواتره اعلا بهتر از حج است با مغفرت گناهان و حضرت صادق ع
فرمود بکسی که نوزده حج کرده بود و نوزده عمره که یکی دیگر بجا بیاور که بیست تمام باشد ازبرای زیارت
حضرت امام حسین ع خواهد بود راوی گوید که پرسیدم که چنین فرموده گفت کدام را دوست تر داری
بیست حج و بیست عمره را یا حشر با حسین ع گفتم بلکه حشر با حسین ع را فرمود پس زیارت کن او را و بحدیث صحیح
ثواب هزار رقبه یا هزار اسب ملجم و بهر قدمی حسنه و محو سیئه و بهر قدمی حجی وارد شده و در بعضی زیارات
مخصوصه مثل عرفه یا هر ماه هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار غزوه و اجر صد هزار شهید بدر و مرافقت
محمد ص و بهشت و ضامن بودن علی ع در قضای حوایج و دفع شدائد او را در دنیا و آخرت وارد شده و در حدیث
از حضرت امام موسی کاظم ع فرموده روایت کرده زیارت قبر حسین علی نورسیده برابر هفتاد حج مقبول است چون
راوی تعجب نموده فرمود بلی هفتاد هزار حج و هر که یک شب در او صبح کند گویا خدا را در عرش زیارت
کرده پس فرمود چون روز قیامت شود بر عرش خدا باشند چهار نفر از اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ع
و چهار نفر از آخرین محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین آنگاه کشیده می شود مائده پس با ما
می نشینند هر که زیارت کرده قبور ائمه را آگاه باش بدرستی که بلندترین ایشان در درجه و نزدیکترین ایشان
در عطیه و بخشش زوار قبر پسرم علی خواهد بود و در امالی به این حدیث هر کس حضرت امام رضا علیه السلام
را در طوس زیارت کند و یکشب در آن روضه بهشت آسا بماند چنانست که حق تعالی را در عرش زیارت نموده
باشد بسند صحیح از سلیمان مروزی از آنحضرت منقولست و بسند صحیح از بزنطی روایت کرده اند که خواندم
بخط شریف حضرت امام رضا ع که برسانید بشیعیان من که زیارت من برابر هزار حج و هزار عمره مقبولست
عرض کردم بخدمت امام محمد تقی ع که هزار حج فرمود که بلی بخدا سوگند هزار هزار حج برای هر که زیارت او کند با
معرفت و فرمود من با پدرانم شفیعان اویم در روز قیامت هر چند برابر باشد گناهان جن و انس و روایت
کرده از حضرت صادق ع که هر سالی از او رسید از ثواب زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام

فرمود

در ثواب زیارت امام رضا ع

فرمود خدا امرزد گناهان گذشته و آینده او را با معرفت و قبول کند شفاعت او را در حق پنجاه گناهکار و بطلبد حاجتی نزد قبر او مگر آنکه روا شود آنگاه حضرت امام موسی کاظم ع که طفلی بود در آمد پس برداشت آن حضرت را شاد و میان دو چشمان او را بوسید و فرمود یا طوسی این امام است بعد از من و از صلب او بیرون آید فرزندی که اسم او رضا نام باشد از برای خدای عز و جل در آسمان و برای بندگان او در زمین و کشته خواهد شد به زهر در زمین شما بظلم و عدوان و در آنجا مدفون خواهد شد غریب و تنها آگاه باش که هر که زیارت کند او را در غربت او و داند که امام واجب الاطاعه است بعد از پدرش از جانب خدا مثل کسی باشد که رسول خدا را صلی الله علیه و آله و چندین فضیلت وارد شده در زیارت عموم ائمه و در زیارت حضرت کاظم ع در صحیح حضرت جواد ع میفرماید که هر که در طوس قبر پدرم را زیارت کند بیامرزد خدا تعالی گناهان گذشته و آینده او را پس چون روز قیامت شود منبری برابر منبر رسول خدا صلعم ناصب نمایند تا خدا از حساب خلق فارغ شود و روایت نموده کلینی بسند صحیح از ابی نصر بزنطی که پرسیدم از حضرت جواد ع که زیارت حضرت امام رضا علیه السلام افضل است یا زیارت حضرت امام حسین ع فرمود زیارت پدرم چرا که حضرت ابی عبدالله را همه مردم زیارت می کنند و پدرم را زیارت نمیکنند مگر خواص شیعه و در صحیح حضرت صادق ع مکرر یا در یعنی قلیل یافت خبر و حدیث حضرت صادق ع که زیارت حضرت امام حسین ع مقدم است در زیارت کاظمین علیهما السلام جامع و عظیم است اجر و ثواب گریستن در مصیبت ایشان در اخبار متواتره زیاده از حد حصر است از جمله روشنی قبر و ایمنی از فزع اکبر در روزی که دیدهها گریان و دلها در دهشت باشد هم مرحوم باشد و بودن ایشان روز قیامت در درجات ایشان و آمرزش گناهان و بسیاری از ثوابهای دیگر یاد مذکوره و غیر اینها و حضرت صادق ع به زراره فرمود که هیچ دیده نزد خدا محبوبتر نیست از دیده که بر حسین ع بگرید و نیز هیچ گریه از اشکی که بر آنحضرت بریزد و هر که گریه میکند خوب حضرت فاطمه علیها السلام نموده و حق ما اهل بیت را ادا کرده و در قیامت هیچ بندهٔ محشور نمیشود که دیدهاش گریان نباشد مگر کسی که بر جدم حسین مظلوم گریسته باشد که محشور خواهد شد با دیدههای خندان و بشارت باو میرسد از جانب خدای حق و آثار سرور و خوشحالی ظاهر و خلایق همه در ترس و بیم باشند که گریه کنندگان بر حسین ع ایمن اند و همراه مقام حساب برند و ایشان در زیر عرش الهی نشستهاند از حساب ایمن هستند و ملائکه نزد ایشان آمده تکلیف بهشت می نمایند و ایشان ابا می کنند که ما مجالست و صحبت حسین را به بهشت نمیدهیم و لقاء آنحضرت را

در بیان صبر

بهتر از بهشت است باز ملائکه پیغام از زبان ایشان بحور العین و زنان بهشتها ایشان می‌آورند و وصف
نعمتها و کرامتهای الهی که برای ایشان مهیا شده می‌نمایند ایشان جواب می‌گویند که خواهیم آمد ان‌شاءالله نزد شما
چون جواب ایشان به حوران و غلمان و خادمان بهشتهای ایشان می‌رسد و میشنوند در خدمت حضرت
امام حسین ع در زیر عرش نشسته‌اند شوقشان بملاقات ایشان زیاده می‌گردد پس همه ایشان با حضرت
گویند حمد و سپاس خداوندی را که فزع اکبر و هول را از ما برداشت و ما را نجات بخشید از آنچه میترسیدیم پس
اسبها و شترها و محملها از بهشت می‌آورند و ایشان سوار شده مشغول حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل
محمد میفرستند تا داخل منازل خود گردند اللهم اجعلنا منهم و صل علی محمد و آل محمد الابرار و از انجمله تهجد در نماز شب
و گریه از خشیت الهی چنانچه در عین دوازدهم مذکور است و بحدیث نبوی ص حق تعالی روز قیامت خلق اولین
و آخرین را جمع خواهم کرد و میفرماید که برخیزند جماعتی که شب پهلوها کشیده اند پس برمیخیزند جماعتی و
ایشان کم باشند پس میفرماید که برخیزند آنها که تجارت و معامله ایشان را از ذکر خدا غافل نمیکرد پس برمیخیزند
و کم باشند پس ندا رسد که برخیزند آنها که حمد الهی میکردند در خوشحالی و بدحالی پس برخیزند و کم باشند
بعد از آن حساب سایر مردم را خواهند کرد و باحادیث صحاح هر چشمی گریان خواهد بود مگر چشمی که برای خدا
گریان و چشمی که شب بیداری کشیده و چشمی که از محارم الهی پوشیده باشد و از انجمله صبر که راس
ایمان و مکارم ربانی و فضایل مؤمنان است و شعبه‌ها بسیار دارد و صبر بر طاعتها است و از محرمات ورع
و از شبهات تقوی و از شهوات عفت و در روز مصیبتها و از فضلات دنیا زهد و در غضب حلم بلکه
اکثر اخلاق حسنه از فروع این اصل است منقولست از رسول خدا ص که صبر سه قسم است در مصیبت و بر طاعت
و از معصیت حق تعالی در اول سیصد درجه کرامت میفرماید که رفعت هر درجه از زمین تا آسمان است و در
ثانی ششصد درجه که هر درجه از انتهای زمین تا عرش باشد و در سیم نهصد درجه از منتهای زمین تا منتهای عرش
باشد و فرمود هیچ صبری در نزد خدا دوست‌تر نیست از دو صبر در مصیبت و در غضب و هیچ قطره از قطره خون شهید
و اشک چشمانی در شب ظلمانی و نزد جهاد و قدم بسوی جماعت صله رحم و فرمود خدا میفرماید که صابر در مصیبت را
شرم میدارم که میزان و دیوانی و حسابی برای او بپا دارم و فرمود هر که صبر کند در بلاها او را است اجر هزار شهید و فرمود
که چون مؤمن بیمار شود بملائکه وحی شود که گناه بنده مرا ننویسید تا در بند من است و بنویسید حسناتی که برای او مینوشتید
و فرمودند که اهل عافیت در روز قیامت آرزو خواهند کرد که کاش پوست بدنشان بمقراض بریده شده

بود

در فضیلت صبر است

بود و بسبب ثوابهای اهل بلا که مشاهده خواهند نمود و فرمود بتحقیق که حق تعالی محافظت مینماید
دوست خود را به بلا و پرهیز میدهد از دنیا چنانکه بیمار را از طعام بدرستیکه مؤمن بمنزله کفه ترازو است
بقدر ایمان نیز زیاده میشود بلای او و فرمود بلای دنیا نعمت آخرت است و نعمت دنیا بلای آخرت است و از حضرت کاظم
علیه السلام روایت است که مؤمن نخواهید بود مگر آنکه بلا را نعمت شمارید و مصیبت را راحت و حضرت باقر
میفرمایند از آنحضرت که در روز قیامت از جانب رب العزة ندا رسد که جمیع اهل محشر بشنوند که کجایند اهل
صبر آنگاه جمعی برخیزند و ملائکه استقبال ایشان نمایند و گویند چه بود صبر شما گویند نفس خود را بر مشقت
عبادت و ترک معصیت داده ایم پس ندا رسد که راست میگویند بگذارید تا بیحساب ببهشت روند پس
ندا رسد که کجایند اهل فضل گروهی برخیزند که حلم و عفو میکردند از بدی و سفاهت مردم برای خدا
و بدستور ببهشت روند ندای دیگر رسد که کجایند همسایگان خدا گروهی برخیزند که برای خدا با مردم دوستی
و برادری میکردند بیحساب ببهشت روند پس حضرت فرمود ایشان همسایگان خدایند و مقربان خدا پس مردم میترسند
از اهوال قیامت و ایشان نمیترسند مردم را حساب کنند و ایشان را بیحساب ببهشت درآورند و در حدیث طولانی ابن مسعود
فرمود بدرستیکه در کتب منزله بر من و انبیاء سابق نیامده ام که کسی ببهشت رود بیحساب مگر صابران که اجر ایشان
بیحساب است و بدانکه توبه و صبر از گناه اکمل و اقدم و افضل و اعظم افراد صبر است و فضایل بسیار دارد و فضایل عموم
صبر بخصوص صبر در نجات عظیم در نجات از کل عقبات وارد چنانکه منقولست از آنحضرت که فرمود چون مؤمن
توبه کند بگشاید خدا تعالی بر او در دنیا و آخرت هزار در رحمت و بنویسد بهر رکعتی از نافله او ثواب عتق
یکسال و بهر آنچه که خواند نوری در صراط و شهری در بهشت بهر روز و شب ثواب شهیدی و بهر حرفی از
استغفار و تسبیح حجی و عمره و منور گرداند قبر او را و روی او را و بعدد ستارها بنده آزاد و بهر تار موی نوری
عطا کند و گویا بوزن خود طلا تصدق نموده میرسد باو شدت روز قیامت و وحشت قبر و قبرش
روضه باشد از بهشت و از دشوار روزی بقبرش هزار ملک برای انس او و روز قیامت با هفتاد حله
و تاج رحمت در سایه عرش با پیغمبران و شهدا باکل و شرب بعیش مشغول باشد تا حساب مردم فارغ
شود و او را به بهشت فرستند و بعضی قرآن و احادیث تایب محبوب الهی است و طریقه توبه و عقبات و مفاسد
ترک آن در مقصد چهارم مذکور خواهد شد و از آنجمله اخوت و دوستی با مؤمنانست که برای خدا و اعانت
ایشان چنانکه در احادیث بسیار از رسول خدا صلعم و ائمه هدی ع وارد شده که ایشان اصفیا و برگزیدگان

در فضیلت فقرا

و در روز قیامت بر کرسیهای نور در سایهٔ عرش الهی از طرف راست خواهند بود با روی سفید تر از برف و
روشن تر از آفتاب و شادی بسیار بر ایشان هر ملک مقرب و پیغمبر مرسلی و حضرت صادق ع از رسول خدا صلعم
ذکر فرموده که حق تعالی در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده و بر سر آن هفتاد هزار قصر و در هر قصر
هفتاد هزار غرفه و آنرا برای جماعتی آفریده که در دنیا برای حق تعالی با هم دوستی ورزند و نماید از فضایل دوستی
و اعانت و قضای حوایج برادران مؤمن که در وقت خود خواهد آمد در این مقام اکتفا کنیم بچند حدیث صحیح
حضرت صادق ع میفرماید که هر که رفع کرب و اندوه مؤمنی نماید یا اعانتی او کند و قضای حوایج او کند در آنچه مضطر باشد برآورد
حق تعالی از جهت او لازم گرداند برای آن سعادتمند هفتاد و دو رحمت که یکی موجب دنیای او را با صلاح آورد
و هفتاد و یک رحمت دیگر را ذخیره کند برای اهوال و شداید او در قیامت و در هر حال بقدر خود کرده
باشند فرمود بیرون آید از قبر خوشحال و خوشحال و حضرت سجاد ع فرمود که حق تعالی غمهای قیامت را از او
بردارد و ... که رسیده باشد هر که او را سیراب کند خدا او را از رحیق بهشت محشور گرداند و ملائکه را و
مباهات کنند رسول خدا صلعم میفرماید بنده بهشت که سروری بر اهل خانهٔ دل کند مگر آنکه خدا یتعالی بیافریند از آن سرور
خلقی که نجات دهد او را در قیامت هر شدتی که رسد که بدتر باشد و حضرت صادق ع فرمود چون بیرون آید
از قبرش مثالی پیش روی او کرامت از جانب الهی و ایمن میگرداند او را از هر هولی و
شدتی که او را باشد در هر شدتی و حساب او را داخل بهشت کند پس میپرسد که تو
کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سروری که داخل برادران و اهل خود مینمودی فرمود که هر که
شاد کند مؤمنی را خدا او را شاد کند در روز قیامت گفته شود او را ذو کن تمنای لازم برای خود آنچه میخواهی
بجهت آنکه در دنیا شاد ... دوستان او را پس هرچه تمنا مینماید خدا عطا میفرماید
زیاده بر آنهم از پیش خود عطا و کرامت میکند که بخاطر او خطور نکرده از نعمتهای بهشت که زوال ندارد و
فرمود که مؤمنی نیست که یاری برادر مؤمن خود کند مگر آنکه حق تعالی یاری او کند در دنیا و آخرت و نیست
مؤمنی که ترک یاری او کند با قدرت مگر آنکه خدا او را واگذارد در دنیا و آخرت و اما فضیلت فقرا است چنانکه حضرت
صادق ع میفرماید که در روز قیامت دو مؤمن را در مقام حساب باز دارند یکی فقیر و یکی غنی فقیر گوید خداوندا برای چه
بازمیدارید ... هیچ حکومتی نداده بودی که عدل یا جور و ظلم کرده باشم و مالی که حق آن را عطا یا منع کرده باشم
همیشه روزی مرا بقدر کفاف میدادی خدا میفرماید بندهٔ من راست گفت بگذارید که به بهشت رود و

در فضیلت فقر است

آن مؤمن را التفات نکرده اند که چهل شتر از عرق سیراب شوند بعد از آنکه به بهشت رود و فقیر از همه کس
او پرسید که بدو دادی حساب و بسیاری سؤال که هر ساعت چیزی پیش آمد که مستوجب عذاب میشدم و خدا
می بخشید دیگری میرسید تا آنکه خدا مرا برحمت خود بخشید و بتوبه کاران ملحق گردانید تو کیستی
گوید فقیری که با تو بودم گوید نعیم بهشت ترا تغییر داده که نشناختم و فرمود که فقراء مؤمنین در باغهای بهشت
تنعم مینمایند پیش از اغنیاء بچهل سال پس مثلی زد و گفت که مثل ایشان مثل دو کشتی است که بر عشار بگذرند آنکه خالی است گویند بگذرد و آنکه پر از متاع است
گویند نگاه دارید تا متاعش را ببینیم و فرمود فقراء ملوک بهشتاند همه خلق مشتاق بهشتند و بهشت
مشتاق فقرا است و ابوذر پرسید از رسول خدا که آیا سابقین بهشت کیانند گفت آنکه با خدا در مقام قرب و خشوع باشند
و با خدا ندا میکنند فرمود نه و لکن با فقراء مسلمانان که با کبر بر اهل محشر بگذرند و صفها را بشکافند تا آنکه
بهشت خواهند شد پس خادمان بهشت گویند باشید تا حساب شما را بکنند گویند بچه چیز حساب ما را میکنند
سلطنتی نداشتیم که از جور و عدل پرسند و مالی نداشتیم که از امساک و عطا پرسند لیکن بندگی میکردیم
تا خدا ما را طلبید اجابت نمودیم و باین معنی احادیث وارد شده و بدانکه آیات و احادیث در فضایل فقر و تفضیل
آن بر اغنیا که زهد است بسیار است و فقر بدو معنی است احتیاج بخلق پرست و الا اصبر معنی حقیقت دنیا
و توهم آن سعادتیست عظمی و کرامتیست کبری از جانب خدای شفیق اهل ورامی است تا از آلام و مصائب
دنیا و شفقت و افتخار بر انبیاء و اولیاء و رسول خدا میفرماید و چهره گروه ادعا است و میفرمود که داشته
مؤمن و کمی مال که حساب و سبکتر است و در حدیث است که با مشتریا و مشهور است که فرمود فقر فخر من است
بر سایر انبیاء و از دعای آنحضرت است که اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا واحشرنی فی زمرة المساکین و
فرمود بار خدایا بدرستی که از خدا سؤال کرده ام که روزی دوستان اهلبیت کفاف دهد و دشمنان را مال دنیا
و اولاد و در حدیث میفرماید آنحضرت صلعم و حضرت صادق علیهما السلام که آنحضرت مکرر این دعا را می کرده اند که
بعضی از آنها مضمونش است که خداوندا محمد و آل محمد را و اصحاب ایشان روزی کن عفاف از شبهات و کفاف در روزی
و امثال این آیات و روایات بیشمار است بدانکه دنیا فانی است و عقبی باقی است و صبر
بر فقر چند روز با دولت و راحت و سعادت ابدی بهشت و مزد عمل مؤمن چون بقدر دنیا نیست
اتباع شیطان چون برای دنیا عمل میکنند مانند پیشوای خود ایشان در دنیا است چون خدا عمل تابع
تابع نمیکنند و فرموده که حق تعالی میفرماید اگر نه این بود که شرم میدارم از بنده مؤمن خود هر آینه

در فضیلت فقرا

نمیگذاشتم که ستر عورت خود نماید و بنده که ایمانش کامل باشد مبتلا میکنم بضعف قوت و کمی روزی
پس اگر آن بنده دلتنگ شد باو بر میگردانم و اگر صبر نمود باو مباهات میکنم بملائکه خود و فرمود یا علی هیچ
کس از اولین و آخرین نیست مگر آنکه آرزو کند در قیامت که کاش زیاده بر قوتی در دنیا نداشتم و فرمود که بهره
هر که در دنیا وافر باشد در آخرت ناقص باشد هر چند کریم باشد و فرمود تکلم نمود با من پروردگار من که یا
محمد هرگاه بنده را دوست دارم سه چیز باو کرامت کنم دل محزون و بیماری و فقر و هرگاه دشمن دارم دل شاد و صحت
و ثروت باو دهم و بحدیث حضرت کاظم ع مخصوص شده اند انبیاء و اولاد انبیاء و اتباع ایشان بسه چیز خوف
سلطان و بیماری و فقر و فرمود یا اباذر هر که ترک تجمل و زینت کند و قادر باشد بر آن از روی تواضع برای
خدا حق تعالی بپوشاند بر او حله کرامت ای اباذر خوشا حال کسی که عمل کند بعلم خود و انفاق کند زیادتی
مال خود را و نگاه دارد زیادتی حرف خود را و از سید فقرا علی مرتضی ع این معنی منقولست و فرمود فقر زینت می
دهد مؤمنان را بیش از لجام بفضل اسب و فرمود فقر مخزونست نزد خدا بمنزله شهادت عطا نماید بهر که خواهد
و بحدیث حضرت صادق ع فرمود که خدا بنده که دوست دارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و چون دعا
کند فرماید لبیک ای بنده من قادرم بر آنچه مطلبی زود بفرستم اما اگر ذخیره کنم از برای تو بهتر است و حضرت
صادق ع فرمودند که هر چند ایمان زیادتر شود تنگی معاش او بیشتر شود و فرمود مصائب دنیا عطاهای خدا
است و فقر را خدای تعالی برای مؤمن در خزینهای حق ضبط میفرماید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که
فقرا امانت خدا است هر که ایشان را پنهان دارد ثواب روزه روزها و عبادت شبها دارد و اگر اظهار کند بکسی که قادر
بر حاجت ایشان باشد و بر نیاورد او را گویا کشته باشد نه بکوبیم بشمشیر و نیزه و لیکن بجراحت دل او و فرمود عطا نکرده
خدا دنیا را مگر برای عبرت و دور نکرده مگر برای امتحان و فرمود که خدا میفرماید بخوشحالتر و مقربترین خلق
نزد من مؤمنی است که بهره عظیم از اصلاح برداشته و عبادت نیکو نماید پنهان بندگی خدا کند و میان مردم کم نام
باشد و انگشت نما نباشد و بقدر کفاف روزی صبر نماید تا بمیرد و میراث و گریه کنندگانش کم باشند و در چند
احادیث معتبره فرمودند که در روز قیامت حق تعالی التفات فرماید بفقرا بشبه ماننده معذرت خواهی و گوید بعزت
و جلال خودم سوگند که شما را فقیر نکرده بودم برای آنکه خوار بودید نزد من امروز ببینید که با شما چه خواهم
نمود و هر که توشه یا چیزی بشما داده دستش را گرفته داخل بهشت کنید و در حدیث نبوی است که بهشت
از شما مگر آنکه حق تعالی جل جلاله بیواسطه با او تکلم خواهد فرمود بعد هر چه ببیند در بازار و نوائی زیاده

در فضیلت فقر است

خوبا جسته دارد حضرت کاظم علیه السلام ذکر میفرماید از حق تعالی که اغنیا را غنی نکردانیدم برای کرامت
ایشان و نه فقرا را فقیر برای اهانت ایشان و لیکن فقیر را وسیله امتحان اغنیا ساختم و اگر فقرا نبودند
اغنیا مستوجب بهشت نمیشدند و فرمود سلمان مشتاق بود فقرا شیعه علی را که هر یک در قیامت شفاعت
میکنند مثل ربیعه و مضر که دو قبیله بزرگ اند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که سلام کند فقیر را
بخلاف سلامی که بر اغنیا می کند در مقام حساب حق تعالی بر او در خشم باشد فرمود فضیلت نان جو بر گندم مثل فضیلت
ما است بر سایر مردم و فرمود که هیچ قوت پیغمبران بهتر از نان جو نیست و خدا ابا کرده که قوت پیغمبران او تا شقیا کرد
و از وحی الهیست که یا موسی چون ببینی که فقر رو بتو آورده بگو مرحبا بشعار صالحان و چون توانگری رو بتو کند بگو
عقوبت گناهیست که در دنیا بان گرفتار شدم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود خوشا بحال
مساکین که در فقر صبر نمایند ایشانند جمعی که می بینند ملکوت آسمان و زمین را و فرمود فضل ایشان بر امت من مثل
فضل من است و خنده ایشان عبادتست و مزاح و خوش طبعی ایشان تسبیحست و خواب ایشان صدقه است و حق تعالی نظر
رحمت میکند بسوی ایشان سه مرتبه هر روز و هر چیزی را کلیدیست و کلید بهشت دوستی فقرا و مساکین است و فرمود
دو رکعت نماز مومن فقیر نزد خدا محبوبتر است از هفتاد رکعت نماز غنی شکر گذار و فرمود هر که گرسنه یا محتاج شود
و از غیر خدا پنهان کند حقست بر خدا تعالی که روزی یکساله او برساند از مر حلال و فرمود ای گروه مساکین
بقسمت راضی و خوشحال باشید تا خدا از دل شما بیابد تا ثواب عظیم دهد و الا چندان اجر نخواهید داشت و هر که
با حوال سید المرسلین و ائمه طاهرین و سایر انبیاء و اولیاء صلوات الله علیهم اجمعین بنظر عبرت و بصیرت
نظر کند البته با غنیا داد و ایشار بر فقرا اختیار فقر نموده زهد خواهد ورزید اللهم اغننا علیک ببرکة
محمد و آله و عترته الطاهرین و صلی الله علیه و آله فی الدنیا و الآخرة و از آنجمله حفظ قرآن و مواظبت قرائت
چنانچه در عقبه سوال از حق ان نخواهی سبب حفظ و سوره اعراف و طه و یس و فرقان و آل سجده و حم
سجده و شوری و دخان و ق و حشر و واقعه و صف و معارج و مطففین و تبت و لم یکن و عصر و ماعون بشرح
که برای هر یک وارد شده و از اعظم منجیات از اهوال و مهلکات قیامت و نور و مصابیح ان روز حسرت و ظلمت
و ملامت عالیات ذات شب و روز جمعه است که بعث شبوی نظیر و عصران قیامت تمام خواهد نمود چنانکه
حضرت صادق علیه السلام میفرماید که هر ثواب گناهی در این روز مضاعف است و جمعه در قیامت پیش امام خواهد بود و
شهادت خواهد داد برای هر که صلوات فرستاده بر محمد و آل محمد شفاعت خواهد کرد و در بهشت حسن فرمود که باید

در روز جمعه بغیر عبادت مشغول نشود بتحقیق که آن روز بخشیده می شود گناهان بسیار و نازل میشود رحمت
جواد و فرمود روز پاکیزگی و خوشبوئی و زینت و عید مسلمین و بهتر از عید اضحی و فطر است و آن روز حرمت عظیم و
حق واجب زیاده است زنهار ضایع مکن و تقصیر منمای در هیچ چیز از عبادت خدا که در این روز تضعیف حسنات
و محو سیئات و رفع درجات میفرماید و تقرب جو باعمال شایسته و شبش مثل روزش میباشد بیدار کن تو اگر توانی که
احیا داری به نماز و دعا تا صبح پس بکن که حقتعالی ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنین باسمان اول میفرستد که
حسنات ایشان را زیاد و سیئات ایشان را محو نمایند پس تا توانی در روز و شب خود را بمعرض رحمت الهی در آورید
باعمال صالحه و در حدیث صحیح فرمود که خدا فضیلت داده روز جمعه را بر سایر ایام بتحقیق که بهشت را زینت میدهند
روز جمعه برای آنها که نماز جمعه میگذارند و روز قیامت اهل جمعه سبقت خواهند کرد بسوی بهشت بقدر
سبقت نماز جمعه در روز جمعه درهای آسمان گشوده خواهد شد برای بلند اعمال صالحه و در حدیث صحیح حضرت امام
رضا از رسول خدا صلعم ذکر میفرماید که هیچکس حق را نشناسد مگر آنکه لازم است بر خدا که او را از آزاد
کرده های خود گرداند از جهنم و هیچکس ضایع نمیکند حق و حرمت او را که بنماز جمعه حاضر نشود یا مرتکب گناهی شود
مگر آنکه توبه کند و از اعظم عبادات روز جمعه احیای شب است که خوابش بحدیث حضرت سجاد خواب حسرت
است هنگامی که زنده داران آن شب اجر و کرامت عظیم مشاهده خواهند شد و حضرت امام حسن
ع میفرماید که مادرم شب جمعه از اول شب تا صبح مشغول عبادت حق تعالی بود و پیوسته برای مؤمنین
و مؤمنات دعا میفرمودند و نام میبردند ایشان را و در حدیث صحیح حضرت باقر ع میفرماید بتحقیق که حق تعالی البته
ندا میفرماید در شب جمعه از بالای عرش از اول شب تا آخر شب که آیا مؤمنی هست که مرا بخواند برای آخرت
و دنیای خود پیش از طلوع فجر تا اجابت کنم آیا مؤمنی هست که شفا طلبد پیش از طلوع فجر تا او را عافیت
دهم آیا مؤمنی هست که زیادتی روزی طلب کند تا او را توسعه دهم آیا مؤمنی هست که رهائی خواهد
از حبس تا نجات دهم آیا مؤمنی هست که گرفتار مظلمه خود طلبد پیش از فجر تا انتقام و حق او را بگیرم و شبها
دیگر هم بعد از نصف شب چنین ندا میشود تا صبح در شب و روز جمعه هیچ عملی بهتر از صلوات بر محمد و آل
محمد نیست حضرت صادق ع میفرماید صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در شب جمعه هزار حسنه نور دارد در
آسمان تا قیامت و ملائکه آسمانها و ملائکه که موکلند بر قبر آنحضرت استغفار میکنند ایضا از آنحضرت
نقل فرمودند که صلوات بر نبی ما بفرستید شب و روز جمعه هزار بار یا صد بار تا رستگار شود و در قیامت نورانی شود

نمرد

در فضیلت مساجد است

لغو است مگر برای سه چیز قرائت مصلی و ذکر و سؤال علم دین و فرمودند مسجدها نیز هر کاری برای [illegible] فرمودند
هر که در مسجد حرف دنیا گوید خدا عمل چهل ساله اش را حبط نماید و خنده در مسجد ظلمت قبر است چنین حدیث روایت شده
و در روایتی دیگر هر که در مسجد بخوابد بعد از صبح [illegible] شود بد دیگر در [illegible] باشد و اجابت مؤذن
رحمت است و ثوابش جنت و هر که اجابت نماید روز قیامت با او خصمی کند و بروایت حضرت باقر از پیغمبر صلی الله علیه
پرسیدند از دوست ترین بقعه ها گفت مسجدها و احب مسجدها بخدا کسی است که زودتر داخل مسجد شود و دیرتر
بیرون رود و بروایتی امام [illegible] و سایه رحمت [illegible] بصاحب تیر و فرمودند که خدا رحم کرد او را
بسبب تعاهد مسجد بیتی چون قیامت شود خدا فرماید بجا بیند همسایگان من سه مرتبه ملائکه گویند
سزاوارانست عمارت فرماید مسجد تا سه مرتبه فرماید ایشانند همسایگان من و از حضرت مجتبی علیه السلام
منقولست که هر که داخل مسجد شود مهمان خدا است تا برگردد و هم چنین از برادر مؤمن و از توریه
منقولست که خانه های من در زمین مسجدها است خوشا حال کسی که در خانه خود طهارت کرده مرا در
خانه ام زیارت کند که بر زیارت شده لازم است که گرامی بدارد زائر خود را بشارت ده آیندگان مساجد را
در تاریکی شبها بنور ساطع در قیامت و در حدیث حضرت صادق [illegible] هست [illegible] کنید در
انها نماز ها و دعاها در مساجد [illegible] دعاهای مختلفه نماز کنید که هر بقعه روز قیامت بر اهل نماز کننده شهادت
خواهد داد و فرمودند مساجد از قبیله و اهل دین مکر بوند و بجنب اهل ایشان و فرمودند هر که
مسجد بنا کند [illegible] که کذارد برای او بتسبیح کنند تا طبقه هفتم و جناب امیرالمؤمنین علیه السلام
میفرماید که نیست همسایه مسجد را نمازی مگر در مسجد پرسیدند که همسایه مسجد کیست فرمود هر که بشنود
صدای مؤذن را و فرمودند یک نماز در مسجد جامع برابر صد نماز است و در مسجد بازار دوازده برابر و [illegible]
[illegible] هر که قدم بسوی مسجد جماعت برداشته باشد خدا هولهای قیامت را بر او آسان کند و او را بهشت
برساند و حدیث دیگر هر که [illegible] مسجد جماعت نماید نوشته شود برای او آزادی آتش دوزخ
و برائت از نفاق و بهر گام از رفتن و برگشتن ده حسنه و محو ده سیئه و رفع ده درجه دارد و در روایتی
نماز در جماعت بهتر است از نماز خود چهل سال فرمود و چون بنده پشت سر پیش نماز باشد نوشته
شود برای او صد هزار درجه و در حدیث طولانی ثوابهای عظیم از جبرئیل ذکر شده که با جماعت
اگر [illegible] در فضیلت همه جماعت را نمیتوان نوشت و حضرت باقر میفرماید سه چیز کفاره

کفارا

کناهانست کامل ساختن وضو در سحرهای سرد و رفتن شب‌ها در تاریکی بنمازها بمسجد و محافظت
نمازهای جماعت و حضرت صادق علیه السلام فرموده هر که پنج نماز را بجماعت دریابد بدو گمان خوب برید و قبول کنید شهادت
او را و از احادیث بسیار ثابت شده که یک نماز بجماعت برابر بیست و چهار نماز است بوقوع مسجد و نقل
ماموم ثواب مضاعف میشود و ماموم که بدر سید حضر ثواب آن میسر نیست و در حدیث نبوی صلی الله علیه
و آله است که صفهای امت من مانند صفهای ملائکه است در آسمان و فرموده که جبرئیل آمد گفت حق تعالی ترا
سلام میرساند و هدیه برای تو فرستاده که برای هیچ پیغمبری نفرستاده گفتم ای جبرئیل من چیست آن هدیه گفت پنج
فریضه را بجماعت کنند این فرمودند که امت مرا چه ثوابست گفت هرگاه دو نفر باشند برای هر یک بهر رکعتی صد
و پنجاه نماز است و در سه نفر برای هر رکعتی ششصد نماز و در چهار نفر هزار و دویست و در پنج نفر دو هزار و چهارصد
تا در ده نفر هفتاد و دو هزار و هشتصد چون از ده نفر زیاده شوند جن و انس از تقدیر ثوابش عاجز اند
یا محمد تکبیری که مومن ادراک کند با پیش نماز بهتر از هفتاد هزار حج است و عمره غیر فریضه و یک رکعت چنان
بهتر از صد هزار صدقه است و یک سجده چنان بهتر از صد عتق و بهشت بر کسی که بمیرد بر جماعت عقاب
قبر و شدت قیامت یا محمد هر که دوست دارد جماعت را خدا و ملائکه او را دوست دارند و فرمود نشان
من مطعون رحمة الله و ایاما بجمعه که هر که نماز صبح را بجماعت کند و بنشیند تا که آفتاب برآید برای
او خواهد بود در فردوس بهشت هفتاد درجه که میان هر دو درجه یکسال راه اسب تیزرو باشد و هر که نماز
ظهر را بجماعت کند در پنجاه درجه در جنات عدن دارد و هر که نماز عصر را بجماعت کند در بهشت اجر هشت تن از
فرزندان اسماعیل دریابد و هر که عشا را بجماعت کند همچو کسی باشد که دو شب را احیا کرده و تکبیر اول با
پیش نماز بهتر است از دنیا و آنچه در آنست و کسی که در جماعت فوت شود بنده از آنکه کرده باشد از آنحضرت
پرسید که با ادراک ثواب جماعت کرده ام فرمودند نه یک بار دیگر فرمودند نه آنچه نفقه کنی آنجا در روز بین
است و بروایت ابن عباس که جماعت از تو فوت شود در بیصحابه روز روزه دارد و در ظهر تا عصر نماز
کند و در عصر ذکر خدا کند تا غروب و در مغرب نماز کند تا عشا و در عشا از شب احیا کند تا ثنا
ادراک نماز جماعت دانسته باید و از جمله جوی که بی حساب داخل بهشت شوند و در احادیث کسی است که پنجاه
رکعت نماز بجماعت دریابد چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که افضل از کدام خود
باشد چنانکه مذکور خواهد شد کسی که متحمل ظلم مردم باشد شهید شده باشد و مرویست که رسول خدا صلی الله

در بیان قیامت

بصورت آدمی از او پرسند که آیا قلم ثبت کرد در لوح آنچه با او وحی کردیم گوید بلی پروردگارا آنچه در من
نقش کردم با اسرافیل رسانیدم پس اسرافیل بصورت آدمی با ایشان بایستد و از او سؤال فرماید که لوح بتو رسانید
آنچه قلم با او رسانید از وحی من گوید بلی خداوندا من بجبرئیل رسانیدم همه را پس جبرئیل را طلبند و در
پهلوی اسرافیل بایستد از او پرسند که اسرافیل تمام وحیها را بتو رسانید گوید بلی پروردگارا من بجمیع پیغمبران
رسانیدم و باخر کسی که وحی رسالت و حکمت و کتاب و علم و کلام ترا خواندم حبیب تو محمد بن عبدالله بود پس
اول کسی که از بنی آدم سؤال طلبند آنحضرت باشد و خدا او را نزد در مرتبه قرب و کرامت از همه کس بالاتر بدارد و
سؤال فرماید که یا محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل بتو رسانید آنچه را که من وحی کرده بودم بسوی تو از کتاب و
علم و حکمت گوید بلی فرماید همه را بامت رسانیدم و همه را در راه دین تو جهاد کردم و زحمت بودم خطاب رسد
که کی برای تو گواهی میدهد گوید پروردگارا تو گواهی و ملائکه و نیکوکاران امت و گواهی تو کافیست پس
ملائکه را طلبند و گواهی بر تبلیغ رسالت میدهند پس امت آنحضرت را طلبند و سؤال کنند که محمد صلی الله علیه و آله
بشما رسانید رسالتهای مرا و کتاب مرا و علم مرا بر شما خواند همه گواهی دهند آنگاه ندا رسد بسوی محمد که
چون از دنیا رحلت کردی خلیفه که داشتی که کتاب و علم مرا بیان کند و اگر اختلاف کنند حجت من باشد بعد از
تو گوید علی بن ابیطالب که برادر و وزیر و وصی من و بهترین امت من بود در دنیا خود خلیفه نصب کردم و مردم
را باطاعت او خواندم که بعد از من اطاعت او نمایند پس علی را طلبند و خداوند فرماید که آیا محمد صلی الله علیه و آله ترا
وصی و خلیفه خود نمود و بعد از او بامر امامت قیام کردی عرض کند بلی خداوندا محمد صلی الله علیه و آله
مرا وصی خود کرد پس چون او بجوار رحمت تو رفت امت انکار امامت من کردند و با من مکر کردند و
مرا ضعیف کردند و نزدیک شد که بکشند [illegible] بر من مقدم داشتند و [illegible]
مرا [illegible] پس شمشیر کشیدم و در راه تو جهاد کردم تا کشته شدم پس خطاب رسد که یا علی خلیفه
[illegible] خود نصب کردی که بعد از تو [illegible] هدایت نماید گوید بلی حسن که فرزند من
و فرزند پیغمبر تو بود نصب کردم و هم چنین هر امامی را طلبند با اهل عالم و جمیع پیغمبران را طلبند
تا حجت بر امتشان تمام شود پس حق تعالی فرماید که هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم یعنی امروزی
است که نفع میدهد راستگویان را راستی ایشان و حضرت [illegible] میفرماید که چون خلایق را
جمع کنند [illegible] پرسند که آیا تبلیغ رسالت کردی گوید بلی گواه خواهند گوید محمد بن عبدالله و

در سؤال موقف اول

آنحضرت که با امیرالمؤمنین علیهما السلام بر بلندی ایستاده باشند و گوید که حق تعالی از من گواه بتبلیغ
رسالت میخواهد آنحضرت فرماید که ای جعفر و ای حمزه بروید شهادت دهید برای نوح پس روند و جعفر گواهی پیغمبران
باشند کسی پرسید که چرا علی شهادت نمیدهد فرمودند که رتبه او از این عظیمتر است که تکلیف شهادت باو
نمایند مترجم گوید که حقیر گرمی ادات حساب و روایات مسعود از حضرت امیرالمؤمنین عم مشروحاً بعون
الله تعالی در رده جلد موافقها مجاری میسازد **فصل اول** در بیان سؤال موقف اول بعد از طی صحرای
ظلمت اهل محشر باز میشوند بسوی سراپرده‌های حساب و در هر جا موقف باز داشته خواهند شد و در موقف
اول سؤال خواهند کرد از محارم الهیه که خدا حرام کرده پس هر که پرده از آنها چون ستر عصمت خود دریده و با
رشته توبه رفو نموده باشد همراه سال محنت و شدت کند شما ایستاده میشود و محارم شامل همه محرمات
از افعال و ترکها و شاید اینجا غیر این بخصوص خواهد آمد مراد باشد یا اینجا از مطلق گناهان پرسند و بعد از این
از مطلق گناهان پرسند بعد از این خصوص اینها یا اینجا از عموم اینها سؤال شود و از شدت اهتمام از بعض
اینها مکرر سؤال بر نقد بر ضبط روایت و عدم خلط و خبط راوات که از بعض مواضع این علت تعارض قوی ظاهر
میشود بدانکه بجهت بنوعی پروردگار عالم عفو و غیرتش از همه سلطان عفوی بیشتر و بالاتر است و از کمال
غیرتش حرام و قرق فرموده مولد شیء از محارم را حمد و مقرر ساخته پس هر او روحانیت بر آن ملک قهار که
انتقام کشد از کسی که بیرون آنکرده و بیرامون قرق و محارم آن جبار عادل گردیده و در جزای احسانهای الهی و ازاء
نعمتهای الطاف نامتناهی هیچ شرم و حیا نکرده بی باکانه بمواضع خشم آن قادر منّان بر هتک حرم
او جرات نماید حضرت صادق میفرماید که خدا نظر رحمت نمیکند بنده‌ای که ترک فریضه‌ای از
فرایض نماید یا مرتکب کبیره از کبایر شود راوی تعجب نمود حضرت فرمودند که ای پسر تحقیق که شرک بخدا آورده
تعجب راوی زیاده شد حضرت فرمودند پس بعد از شنیدن اخبار وحشت آثار کرامات مقاومت غضب
حق تعالی و طاقت انتقام او مشاهده حال اهل عذاب اختیاری الا باید که معصیتی خود نشناسی صغیره
و کبیره البته در صدد یابی مگو چگونه گناه نگاه مکن بآنکه بجهت نوعی عظمت و جلال آن بزرگواری
که حرمت معصیت بیاری نظر کن و در شهوت گو که ضبط خود نکنی بدین بسیاری چگونه نگاه میتوان
داشت و از گناهان عظیمه که امر بد عیش و شهرت گناه است هر چند خود در نماید چنانکه گوید خوشا
حال من که عذر از گناه نداشته باشم چنانکه در احادیث بسیار وارد شده است و از اینجا است که بسیار

در سؤال در عقبات

اوکرامت و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع روایت فرموده که بدترین کسی که شک و معصیت از ایشان اند و از ما
بپسندند نه بسوی ما و فرمودند دعوی ما مؤمن بشما نیستیم مگر آنکه جمیع اوامر ما را متابعت نماید و اراده فرمودهای ما را
داشته باشد و از متابعت اراده امر ما ورع و پرهیزکاری است پس ورع را زینت خود سازید تا مورد رحمت الهی گردید
و فرمود پرهیزکارترین مردم توقف و احتیاط کننده است نزد شبهات و در حدیث است که گناه باشد بنده به
یاد گناهان خود صد سال در محشر در موقف حساب بماند و نظر کند بزنانش که در بهشت متنعم اند و احادیث
بسیار است در آنکه گناهی که صادر شد لکه سیاهی در دل بهم رسد اگر بماند توبه نکند توبه که واجب فوریست
با آن زایل میشود و الا که با خبر نکردیم بدیم گناه دیگر است لکه هم اضرار آن است آنکه زیاد تر میشود تا همه
دل را فرو گیرد صاحبش رستگار نشود هرگز و مؤید این است مضمون آیه شریفه که جرأت بر هر گناه نماید یا ریزه
تریاق انگه از شیعه ما باید که گناه به مرتبه مرسد که صاحبش از ولایت ما بیرون میرود پس حضرت شاهد می
آورد قصه عابد بوالکه بجز گناهی کارش بکفر منجر شد و حضرت صادق علیه الصلوة والسلام میفرماید
که البته بجهنم خواهد رفت کسی که مبتلا شود بکبر و فخر پس دلش قساوت کرد و زشتخو و ترش روی و فحش
گو و کم حیا میشود چه کشف پرده او نماید دشمن او شود و بجهل بر روی مردم و مرتکب محارم شود پس توبه
هم نکنند بعد از آن ارتکاب معاصی خدا نماید دشمن طاعات او شود و سر نشود از خصومتها و
ملیر نشود و از دیگر ترک خصومتها پس طلب عافیت کنید از خدا و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
و سلامه علیه فرمودند نیست بنده مگر آنکه چهل پرده بر روی او پوشیده باشد تا چهل گناه کبیره کند
پس تمام پردها دریده شود خداوند بملائکه فرماید که او را ببالهای خود بپوشانید پس سعی بکنند
که مرتکب نشوند و این فخر کند میان مردم پس ملائکه حفظه گویند خدایا این بنده هیچ گناهی را ترک
نمیکند و ما از شرم میایید فرماید بالهای خود را بردارید پس اظهار عداوت ما اهل بیت نماید در
این هنگام خدا او را در آسمان و زمین رسوا کند ملائکه گویند خداوندا این بنده تو چنین رسوا
ماند فرماید که اگر خیری در او میدانستم نمیگفتم که بالهای خود را بردارید و فرمود که هر که عزت خود
بقوم و عشیره و هیبت بی سلطنت و غنای بی مال و متاع بودن بی عطا میخواهد در روز ذلت
و معصیت الهی بسوی عزت و طاعت او و شخصی از حضرت صادق ع بعد از ملازمت ما و صیتی طلبید
وصیت میکنم به پرهیزکاری و ورع از محارم و سعی اهتمام در عبادت و این را بدان که عبادت نفع ندارد بی

اجتها

در سؤال کردن وقت موجبها

خواهد آمد که هر چه کرده فراموش نموده پشیمان شود و دوزخ هر پیشه دانیم هر که نافرمانی کرده و
دنیا را اختیار نموده دوزخ است جای او و هر که ترسیده باشد از ایستادن در برابر پرو
ردگار خود در مقام حساب که بیقین باخرت داشته باشد با خدا و محجوب نشود و دنیا را فانی دانسته
چون یقین بخدا داشته و منع کرده نفس خود را از هواها و خواهشهای نفسانی پس بهشت جای او است حضرت
صادق ع در این آیه میفرماید این بنده است که قادر بر معصیت شود و ترک میکند از خوف خدا که مکافات او بهشت
و حضرت کاظم ع میفرماید که بترسید نفسهای خود را از هواها که سر همه معصیتها شد و حضرت ابو عبد الله ع میفرماید که نفس را با هوا
او مگذارید که خواهش او سبب هلاک خود است و منع نفس از خواهش او دوای او است و امیر المؤمنین ع
میفرماید که بترسید از دو خصلت متابعت هوا و طول امل این فراموش میکند آخرت را و حضرت باقر ع
میفرماید که حق تعالی فرموده قسم بجلال و عظمت و علو خودم که هیچ بنده اختیار نمیکند خواهش خود را بر
خواهش من مگر آنکه کارهای او را پریشان و دنیا را بر او مشتبه و مشغول دنیا کنم و نرسانم باو مگر آن که مقدر
فرموده ام و بعزت و جلال و بلندی رتبه خودم سوگند که هیچ بنده ترجیح نمیدهد هوای مرا بر هوای نفس
مگر آنکه میگردانم غنا و توانگری او را در نفس خودش و ضامن برای روزی و امر او را متکفل باشم و
هستم برای او و عوض تجارت هر تاجری با تجارت او و هستم و در حدیث حضرت صادق ع از
رسول خدا ص ذکر فرموده که هر که طلب خشنودی خلق کند بغیر خشنودی خدا او را تنها گذارد و مدح کننده او ذام او
او گردد و هر که اطاعت خشنودی خدا کند بغیر غضب خلق روزی باشد کفایت کند خدا از او شر هر دشمنی
و هر ستمگر و ظالمی پشت و پناه او باشد و فرمود که هر که خالقی را راضی نماید بغیر رضای خدا بیرون از دین
خدا و در حدیث علوی همین مضمون است و در کل احادیث این جمله مجاری تمام است که میخواهیم
با دنیا ... ترک هوا و ترک دنیا است که سرمایه سعادات و افضل از کل عبادات است چنانکه
از شهادت عقل و حدیث متواتر حب الدنیا رأس کل خطیئة معلوم و مفهوم میشود حضرت عیسی علیه السلام
میفرماید که بعد از معرفت عملی بهتر از بغض دنیا نیست و در حدیث همین مضمون است و الحق چنین است
دنیا و انقلاب احوال و سؤالی مال اهل ... در آخر الزمان اند ... و روایات است
ان کان ... حضرت صادق ع میفرماید که حرام است بر دلهای شما که حلاوت و لذت ایمان تا ترک دنیا
نکنید کیمیاست ... صاحب ... کنند ... از ... دنیا ماند کرم

در سؤال کردن وقت موت

پیله که هر چه بر خود بپیچد بیشتر تنگ از نجات دورتر شود تا خفه شود و از وصیت نبوی ص است که یا اباذر
بخدا سوگند که جان محمد در قبضه قدرت اوست که اگر دنیا را نزد خدا قدر پر پشه یا بال مگسی بودی کافر شربت آبی از آن نمی‌یافت
و ملعونست دنیا و آنچه در دنیا است مگر چیزی که غرض از آن رضای خدا باشد دنیا خانهٔ کسیست که در
آخرت خانه ندارد و دنیا را کسی جمع می‌کند که عقل ندارد و از مواعظ الهی است که ای پسر آدم بهر قدری که دلت بدنیا
میل میکند بیرون آورم محبت خود را از دل تو یا موسی ترک کن از دنیا آنچه احتیاج نداری و من جمعی که مفتون
دنیا شده اند ایشان را واگذاشتم بحال خود و بدانکه هر فتنه که هست تخم محبت دنیا است یا موسی
بندگان صالح من ترک دنیا کرده اند بقدر علمشان و دیگران اختیار نموده اند بقدر جهلشان و نیست
هیچ احدی که بزرگ شمارد دنیا را و چشمش بآن روشن شود و نیست کسی که حقیر شمارد دنیا را مگر آنکه منتفع
گردید بآن و دنیا تعبی من خدمک و اخدمی من رفضک بتعب بنداز هر که ترا خدمت کند و خدمت کن هر که
ترا ترک کند امیرالمؤمنین ع میفرماید که هر که خواهد از احوال دنیا عبرت بگیرد دنیا او را بعیوب خود بینا گرداند
و هر که بعیب بآن نگرد کور و گوش میکند فرمود حب دنیا آدمی را کور و کر میسازد و در بعض فضائل نهاد رعیتهم
بفرستید که جمعی که بجنبانند بهشت خواهند رفت سمت جر بآن پدر پند لا حول و لا قوة الا بالله
در ذکر موقف بسیار از عقوق والدین بدانکه حق تعالی در آیات بسیار بر والدین احسان والدین را در کمال مبالغه و
تاکید مقرون توحید خود نموده و فرموده که اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا و در جای
دیگر فرموده و لا تقل لهما اف و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که اگر چیزی کمتر از اف بود از آن نهی میفرمود
و نظر تند از عقوق است و در صحیح فرموده که بخشم نگرد بایشان بر او ظلم کرده باشند هیچ نماز او را خدا
قبول نکند و فرمود که چون روز قیامت یکی از پرده‌های بهشت را بردارند هر جانداری بوی او را از
پانصد سال راه میشنود مگر عاق والدین و بجدیثه بگو قاطع رحم و پیر زانی و متکبر هم نشنود و پیغمبر
صلی الله علیه و آله در عیادت بیماری رفته بود بگو لا اله الا الله نتوانست فرمود بر بالای سرش زنی نشسته
بود که او مادر او بود گفت من مادر اویم فرمود آیا در خشمی از او گفت بلی فرمود راضی شو تا خدا از او راضی شود گفت
راضی شدم برای رضای تو آنگاه فرمود بجوان که تهلیل و او گفت فرمود چه میبینی عرض کرد مرد سیاه زشت
بد بوئی که با جامه‌های چرک بمن رو کرده فرمود بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف
عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون گفت فرمود حالا چه میبینی عرض کرد مرد سفید خوشبو با جامه‌های

در حقوق فرزندان و سایر اهل

ایشان نموده با ایشان او وصل و ضایع کذاشته خدا میفرماید قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس
والحجارة یعنی حفظ نمایید خود را و اهل خود را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ کبریت است و فرموده ان
الخاسرین الذین خسروا انفسهم واهلیهم یوم القیمة بدرستیکه زیانکاران آنها اند که خود را و اهل
خود را افکندند بجهت بدی و زیانکاری در قیامت و آیات با این مضمون متعدد است و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست که لازم است بر پدر و مادر و برای فرزند صالح مرحمتی که ایشان را هست بر او و بتر بود سبق
بعضی اطفال و فرمود وای بر اطفال آخر الزمان از پدران ایشان که تعلیم واجبات بایشان نخواهند نمود تا فرمود که
من بیزارم از ایشان و ایشان بیزارند از من و یکی از آن کرده که جهنم را در پیش بدارند بحدیث نبوی که اهل
خود را امور دنیا اموختند و امر آخرت را نیاموختند چنانکه در مطالع [illegible] اهل بیت و فرمودند که
اینها و لاده بهتر است از تصدق یک صاع طعام هر روز فقیر را نصفه نمودن و فرمود که روز قیامت و حلۀ کرامت
بوشانند بر قومی که تعلیم قرآن بفرزند خود نموده و فرمودند هر که تعلیم قرآن بفرزند خود نماید که و یاده هزار
حج و عمره و عتق و جهاد و اطعام نموده و بهر حرفی ده حسنه و [illegible] سیئه دارد و با او خواهد بود در قبر
و میزان و صراط و از او جدا نمیشود قرآن تا در محل کرامت او را حاضر سازد و افضل آنچه اراده میکنند
اخبار در فضیلت تعلیم و تادیب و نصیحت و اصلاح و رعایت ایشان و مذمت عقوبت و تضییع سوء تربیت
ایشان بسیار است و نحوی باید با ایشان سلوک کرد که رفع حجاب نشود چنانکه در حدیث صحیح حضرت صادق
علیه السلام از آباء کرام خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که خدا رحمت کند کسی را که اعانت نماید بر
نیکی خود و اولاد خود و هم چنین والدین [illegible] سلطان و مصاحب خود را و از [illegible] حدیث
نبویست منقولست که بهشت را دریست فرح نام داخل آن نمیشود مگر شاد کنندۀ اولاد خود و حدیث اولاد
دو [illegible] زاتشی و نظر برو علاوه نمود نظر بر پیغمبر است و چیز خوردن با ایشان دور نیستن از
آتش جهنم و گرامی داشتن ایشان باعث گذشتن از صراط و کرامت بهشت است و هر که طفلی دارد با
طفلانه با او بازی کند شخصی گفت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون رفت حضرت فرمودند
این مرد از اهل جهنم است هر که ببازار رود و تحفه از برای عیال خود بیاورد مثل حامل صدقات بسوی
فقیر و باید که اول با دختر دهد که شاد کردن دختر مثل [illegible] از فرزندان اسمعیل
شاد کردن پسر [illegible] گریستن از خشیت الهی که مستوجب بهشت نعیم است و [illegible] فرزند [illegible]

بزنا که مثل طلا دست و غیبت میکنید که شبیه اینها است و بدانید که مرا ابت حرب و خراب میکند عمل صد ساله
دشنام مدهید زنان خود را که در آن پشیمانی بسیار و عقوبت شدید است و فرمود ملعونست هر که ثقل
خود را بر مردم اندازد و ملعونست هر که عیال خود را ضایع کند و فرمود نزدیکترین شما بمن در روز
قیامت کسی است که خلقش نیکو و با اهلش بهتر سلوک کند و فرمود هر که زنش او را بزند باید حق من خصم اویم
در قیامت و فرمود عجب دارم از او که خود بزند زن سزاوار تر است بلکه باید ایشان را کوتاه کنید ترک لباس
و زینت و هر که راضی باشد به رفتن زنش به عبث و بیرون رفتن زنش از خانه پس در روز قیامت بنامی شود برای او و هر کاری که
برادر خانه در جهنم و فرمود هر که اطاعت زنش کند خدا او را بجهنم اندازد پرسیدند از اطاعت فرمود مثلا
اذن می طلبد که بحمامها و عروسیها و باغها پس مرد قبول میکند جامه های نازک در ذکر موقف پنجم سؤال
از احسان بمملوکات از غلام و کنیز بلکه حیوانات و حقوق اینها حضرت سجاد ع میفرماید حق مملوکات اینست که
بدانی او آفریده پروردگار تست مال او دست تست برای اینکه خلقش کرده باشد و زنده نیست بلکه از خدا ست و
مسخر تو ساخته و ترا امین او دانسته برای نفع تو بتو سپرده پس احسان کن چنانکه خدا بتو احسان کرده و اگر
نخواهی بدل کن و آزار مخلوق خدا را مکن و در وصیت امیر المؤمنین علیه السلام است که از خدا بترسید
در زنان و مملوکان خود که آخر سخنی که پیغمبر شما فرموده این بود که وصیت میکنم شما را در حق این دو ضعیف
و در حدیث مبالغه شده در احتراز از ظلم کسی که پناهی و یاوری بغیر از خدا ندارد و باید دانست که مضمون
کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته هر کسی را رعیتی و زیر دستی مقرر شده از اهل و عیال و شاگرد و اخوان و رفقا
و جوارح و بهایم که رعایت و محافظت اینها لازم است و واجب و هر یک را حقی هست و احادیث بسیار است
در حق حیوانات که بر پشت و منبر اسبها ننشینند و بدوانند و بجلو اینها نعلی مینمایند و از منزل تکند دو بد سوار
نشوند و در منزلها تند سواری ننمایند و بیجا بر رویش نزنند و هر که مراعات این آداب نکند بهر سد حکم شرعا
بلکه هر صاحب قدرتی از ارباب امر بمعروف که او را جبر کند بفروختن آن مملوک یا رعایت او و حیوان ششم
در ذکر سؤال از موقف ششم بیرون نه میشود بسوی سرادقات حسنات و از حق همسایه میپرسند در قرآن
بعد از حق والدین مبالغه عظیم در حق همسایه شده و حضرت صادق ع میفرماید از ما نیست کسی که همسایگی
نیکو نکند و از والله سید فرموده که حرمت همسایه مثل حرمت مادر است و از رسول خدا ص روایت شده که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که اذیت همسایه خود ندهد و حرف خیر گوید یا ساکت باشد و فرمود علی ع

با سلمان و اباذر که ندا کردند در مسجد که ایمان نیاورده هر که همسایه اش از شر او ایمن نباشد پس خود
بدست اشاره کرد به چهل خانه از چهار جانب و در روایتی چهل ذراع و در خطبهٔ وداع فرمود که هر که از همسایه منع کند اسباب
خانه و متاع را و ندهد باو که محتاج باشد منع کند خدا احسان خود را در روز قیامت و او را واگذارد بخویش و
هر که را بخود واگذارد هلاک شود و هیچ عذری از او قبول نکند و هر که بخانهٔ همسایه نگرد پس عورتی یا چیزی
از مردی یا زنی یا چیزی را بحسد او ببیند حق و ثابت است بر خدا که او را داخل دوزخ کند با منافقان که عیوب
مسلمانان میجستند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند و در آخرت عیوبش را ظاهر کند و در روایت حضرت
باقر ع فرمود ایمان نیاورده بمن هر که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد و نیست اهل قریه که گرسنه بدارد
شبی یکی از ایشان و خدا نظر کند بسوی ایشان و در روایت دیگر فرمود که اکرام کنید همسایه خود را اندرون خانه خود و فرمود
که هر که یک شبر از زمین همسایه خود را خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقهٔ هفتم طوق کند در گردن او
افکند تا روز قیامت و پنهان هیئت بمقام حساب درآید و فرمودند ملعونست هر که آزار رساند همسایه را اگر چه
کافر باشد حضرت کاظم علیه السلام میفرماید که جوار همین نیست که آزار نرسانی بلکه باید
بر اذیت همسایه صبر کند و در وصیت علویست که خدا را بیاد آورید در حق همسایه بتحقیق که رسول خدا
صلی الله علیه و آله در باب ایشان اینقدر در باب ایشان سفارش فرمود که گمان کردیم که میراثی برای ایشان
مقرر شد **جدول هفتم** در ماجرای سؤال موقف هفتم از صلهٔ ارحام و حقوق ایشان است و عقوبات
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی صلوات الله علیهم متواتر است که قاطع رحم خراب کنندهٔ خانها و هلاک
کنندهٔ جانها و برانداختهٔ خانوادها است و قطع کنندهٔ نسلها است و برطرف کنندهٔ مالها و عمرها است
و در احادیث وارد شده یعجل الفناء و ما لفقر الذین یعنی برطرف کنندهٔ دین و عملی بهتر از احسان نیست
و نیکی که با صلهٔ ارحام کند باعث طول عمر و سعادت دنیا و عقبی است و باحادیث بسیار در حدیث نبوی است
که پرسیدند از افضل صدقات فرمود بخویش اگر چه دشمن باشد فرمود صدقه نیست و حال آنکه خویش
محتاج باشد فرمود که یا علی حق تعالی بهشت را آفرید و بکلم بهشت فرمود که لا اله الا الله الحی القیوم قد سعد من دخلنی
بتحقیق که خوش بخت و رستگار شد هر که داخل من شد حق تعالی فرمود بعزت و جلالم که داخل تو نخواهم کرد شراب خوار
سخن چین و دیوث و مخنث و شرطی و نباش و قطع کنندهٔ رحم و قدری را و بصحیح حضرت امام رضا ع که دیدم در معراج
زنی بعرش چسبیده و شکایت میکرد پرسیدم که بچه سبب پرسید گفت در چهل و در موثق حضرت امام

در ذکر حقوق مؤمنان

با مسلمانان و مسلمان نیست هر که اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد و احادیث بمعنی قریب بمتواتر است
و بعضی را دین ندارد و هر که بشنود استغاثه مسلمانی را و اجابت نکند مسلمان نیست و فرموده بر تو باد بخیر
خواهی و نصیحت مسلمانان که ملاقات نمی کنی خدا را بعملی که بهتر از آن باشد و در چند حدیث باین مضمون وارد شده که فرموده
شخصی را ملائکه در قبرش نشاندند و گفتند ما صد تازیانه از عذاب بتو میزنیم گفت طاقت ندارم یکی
یکی کم کردند گفت طاقت ندارم گفتند از یکی چاره دیگر نیست سبب پرسید گفتند روزی بی وضو نماز کردی
و گذشتی بر ضعیفی و یاری نکردی پس تازیانه از عذاب الهی بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در تحفه وارد است
که هر که برطرف کند غمی از مسلمانی در دنیا در حفظ الهی باشد تا توبه نماید و اگر توبه ننموده بمیرد بر غیر
اسلام مرده باشد و فرموده بخدا سوگند که جان محمد در قبضه قدرت اوست که داخل رحمت خود نمی کند مگر
بر رحم کننده ها گفتند ما همه رحم داریم فرمودند مراد آن نیست که بر خود و اهل خود رحم بکنید بلکه مسلمانانرا و اخبار بسیار
مسلمان کسی است که از دست و زبان او خلق سالم باشند و در حدیث وارد شده که هر پنجشنبه اعمال امت بنظر رسول
خدا عرض میشود حضرت برای همه استغفار میکنند مگر دو نفر که با هم قهر باشند که خدا میفرماید بگذارید ایشانرا
دو نفر را تا آشتی کنند منافق نشوند و گویا شمول رحمت الهی منوط بالفت و محبت مومنان است با هم و لهذا در
حدیث وارد است که اصلاح افضل است از عموم عبادات و حضرت صادق فرمودند که هر که سعی کند در
حاجت برادر مومن خود و باخلاص خیرخواهی نکند خیانت کرده باشد با خدا و رسول و ائمه علیهم السلام
و این معنی در احادیث متواتر است و بدترین آنها اینست که خصم او باشد خدا و فرموده هر که در مشورت یعنی
خیر بگوید خدا رأیش را سلب کند و فرمود هر که گوش کند بسخن جمعی که نخواهند سرب بر گوشهای او ریخته شود روز
قیامت و فرموده خدا هیچ پیغمبری را نفرستاد مگر آنکه امر کرد مردم را براستی سخن و اداء امانت بخوب و
بد و فرمود نظر مکنید بطول رکوع و سجود مردم که عادت کرده اند و وحشت میرسانند لیکن براستی
امانت او نظر کنید و فرموده هر که امین شد بر امانتی و اداء نماید هفتاد هزار عقده های آتش را کردن
خود گشوده باشد پس مبادرت نمائید باداء امانت بدرستی که چون بکسی بسپارند صد شیطان باو گماشته
میشوند که او را وسوسه کنند و هلاک کنند مگر کسی را که خدا نگاه دارد و حضرت سجاد فرمودند که قاتل
پدرم اگر امانت کند شمشیری که پدرم را بآن کشته است نزد او امانت میکنم و در حدیث نبوی است که هر که امانتی را
خیانت کند و بصاحبش رد نکند تا بمیرد بر غیر دین من مرده باشد خدا اگر ملاقات کند بر او غضبناک

در بیان نامه‌های اعمال

بانشا و هر که بخرد چیزی را که خیانت در آن دانسته باشد بر او هست مثل گناه خیانت کننده و در خطبه وداع
است که هر که امین شود بر مالی و آن را خیانت کند خدا بر او غضب کند و در آتش مخلد باشد
و هر که بر دروغ بنا و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که وعده برادر مؤمن نذریست که کفاره ندارد
پس که خلف آن نماید بخلاف خدا کرده و بسخط خدا متعرض شده پس خواند این آیه را کبر مقتا عند الله ان تقولوا
ما لا تفعلون یعنی بزرگ است از جهت غضب خدا که گوئید چیزی را که نکنید و در صحیح از حضرت رسول ص ذکر فرمود که هر که
ایمان بخدا و روز جزا دارد باید وفا کند هر وعده که کرده است و بر روایتی که فرموده وعده دین است [illegible]
هفتم در بیان شمه از احوال بیرون آمدن نامه اعمال و سؤال موقف پانزده گانه پیشتر مذکور شد و مثال از کردار عباد
اندر اعمال و اقوال و نامه عمل خواندن هر یک از اصحاب یمین و شمال قال الله تعالی و کل انسان الزمناه طائره فی
عنقه و نخرج له یوم القیمة کتابا یلقیه منشورا اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و از احادیث صحیحه چون
چشم ارباب بصیرت ارباب بینا منشعب منجر گردد [illegible] اول [illegible] اعمال را جز و موقف اول سؤال در آن عقبه صعب
[illegible] مراتب سابقه از مراحل و منازل مذکوره منقولست که بعد از طی عقبات سرادقات جنان را [illegible]
بسوی [illegible] نامه اعمال بهشت راست و چپ و در آنجا سؤال میکنند از پاره چیزها اول صدقات واجبه خدا که
مال لازم فرموده از خمس و زکوة و کفارات و اطعام و صله ارحام و عطا فقرا و مساکین و ایتام و بیوه زنان
و غیرهم [illegible] صدقات در صعبترین عقبات که از فرایض و اعظم مبانی اسلام که [illegible] خواهد آمد در این
مقام بذکر شمه از عقوبات ترک صدقات غیر مشهوره و حقوق [illegible] لازم در مال و فضیلت تمام با آنها
اکتفا مینماید حضرت صادق ع میفرماید که حق تعالی فرموده که ایمان بنا فرزنده من کسی که [illegible] خواهد [illegible]
مسلمانان بر بنده باشد و فرمود هر که از مال منع کند مؤمن محتاج را [illegible] بخواهد [illegible] بچشاند
طعام بهشت و نه از شراب مختوم و هر که بسکنای خانه او مؤمنی محتاج باشد و منع کند حق تعالی فرماید
ای ملائکه من بخل ورزید این بنده من بر بنده من بسکنای خانه خود قسم بعزت و جلال خود که ساکن نخواهد
شد بهشت من هر که [illegible] مؤمنی که منع نماید چیزی از مال محتاج او را و قادر باشد از خود یا از
غیر خود بدارد و حق تعالی او را در روز قیامت رو سیاه و چشم کور و دستها بگردن بسته نگاه دارد [illegible]
این است خائن که خدا و رسول را خیانت کرده پس امر شود بجهنم و در صحیح فرمود که مبتلا کند خدا
او را بقضای حاجت دشمن ما که بر آن معذب باشد و بصحیح دیگر فرمود که مسلط کند خدا بر او ماری

در ثواب تصدق است

کفتند نیم از شب فرمود افضل است از نماز شب پس هزار رکعت یا علی یک لقمه نان در صدقه بهتر است از ده هزار
رکعت نماز شب و در روایت دیگر فرمود که یا علی تصدق بر هیچ چیز است یکی بر ده تصدق بر غربا است که سالم باشند
و یکی بهفتاد که مبتلا باشند و یکی بهفتصد اگر خویش باشند یکی بهشت هزار اگر مرده باشند یکی بهفتاد هزار
اگر مرده باشند و بروایتی صد هزار اگر طالب علم باشند و حضرت صادق ع میفرماید صله ارحام بیکی هم افضل
است از هزار درهم در راه خدا و فرمود هر که قادر بر صله ما نباشد صلحای شیعه ما را صله نماید که ثواب
صله ما را دارد و باید دانست که محتاج غیر سائل اهم و افضل است و آنحضرت فرمود که امیر المؤمنین ع
بشخصی که سؤال نکرده از آنحضرت و از هیچکس چیزی نفرستاد کسی عرض کرد که او خود چیزی از شما نمی
طلبید چگونه هم کافی بود فرمود خدا مثل ترا در میان مؤمنان زیاد نکند من عطا میکنم و تو بخل میکنی هرگاه
کسی که امید و توقع از من دارد و من ندهم پس اگر بعد از سؤال بدهم نداده باشم مگر قیمت چیزی که از او گرفته‌ام
از ملجا ساختن او بریختن آب روی پیشانی که بدین چه کرد برای پروردگار بعبادت و طلب بسوی که برابر ش
چنین کند است گفته باشد بخلد در طلب مغفرت و بهشت برای او که بزبان میگوید اللهم اغفر للمؤمنین و بعمل
انصاف عبد هند و تصدیق آن میکند بخلاف طعام از ما لو باید دانست که چون سؤال کدائی حرام است
چنانکه مذکور خواهد شد کسی ملجا ساختن و موقوف نداشتن عطا بر سؤال اعانت بر حرام است و
موجب بادنی اکرام و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که خدا رحمت کند بنده را که عفت و استغنا ورزد
و بسعی و تکلف خود را باستغنا و عفت بدارد و باز ایستد از سؤال کردن پس بتحقیق که آن تعجیل میکند مذلت
دنیا و آخرت را و از چیزهای بیان میکند فرمود که زنهار سؤال مکنید از خلق که موجب ذلت در دنیا
و فقر عاجل و حساب طویل روز قیامت میکردد فرمود چه بسیار قبیحست طمع و رغبت ذلیل کننده و اخبار د
این معنی بسیار است که سرایت اشتیاق بنده و در بعضی احادیث هست که بهتر از شیعه ما سائل نکفت تملق
دهنده مردان از خود و فرمود طلب حاجت از خلق برطرف کننده عزت و حیا است و ناامیدی از آنچه در دست مردم
است عزت مؤمن است و طمع فقر بیست حاضر و کسی از رسول خدا ص عملی خواست که باعث دوستی خدا و خلق
باشد فرمود رغبت کن بآنچه نزد خدا است تا ترا دوست دارد و آنچه نزد خلق است بی رغبت شو تا ترا دوست
دارند و از جمله صفحات کاسد و کلیم که مند سائلی را فرو ختند و بکشش باز داشت فرمود حلال نیست تصدق
برای غنی و نه صاحب مرح قوی و فرمود که هر که شود بسوی بهشت نخواهد بهرا فقر بکار خود را

در ثواب قصد [illegible] کرامت

عرض برای حج نماید یا بایستد بر در خانه او اگرچه یک ساعت باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه تعظیم نماید
دنیاداری را و دوست دارد او را برای طمع عرض بکند خدا او را و با قارون در طبقه اسفل جهنم باشد و فرمود یا
اباذر اگر همه مردم با این آیه یقین و عمل کنند البته همه را کافی است و من یتق الله الآیه یعنی هرکه پرهیزکاری نماید
از نافرمانی خدا برای او راه بدر رفتن از اضطرار و احتیاج میگرداند و روزی میدهد از جایی که گمان ندارد
باشد و هرکه توکل کند بر خدا او بس است او را و این مضمون در احادیث صریح بسیار است و لیکن بیان کرده‌ایم که ادعای ضرورت
معاش میکنند و تجارت از تکالیف و زراعت مشروع میفرمایند و حضرت صادق فرمودند هر مؤمنی که
فروتنی نماید نزد صاحب سلطان یا غنی مالدار از برای طمع دنیا خدا او را خوار کند و دشمن دارد و بخویش
واگذارد و اگر چیزی بدستش آید برکت ندارد و اگر در راه خدا خرج کند اجر ندارد و بدانکه اکثر معاصی
از عدم توکل و یقین و امید بخلق داشتن ناشی میشود و هرگاه در تحصیل روزی توکل تمام داشته باشد به تدبیر
عظمت و سعت قدرت الهی و حکمت و خزاین رحمت نامتناهی در مفرح و اطراف مستقر و مخلوق و در نظرش سهل
طمع و التجا بمردم بسیار قبیح و فضیح مینماید و این رتبه‌ای است که سعادت جاودانی و کرامت جاودانی اقبال میکند و از
و هیچ صفات ملکی در او مجتمع میشود و چون امیدش بخدا منحصر شد در هیچ امری و هیچ امری نافرمانی نمیتواند
بلکه بتدریج ذکر و فکر از انس و محبت بمرتبه‌ای میرسد که هیچ گناهی نمیکند و نمیکند مگر آنچه محبوب کند و
خواهد و حضرت باقر فرمودند اگر بدانند سؤال کننده آنچه در سؤال است هرگز سؤال نمیکرد و
عطا کننده آنچه در عطا است هیچکس را رد نمیکرد و جماعتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استدعای ضمان بهشت
نمودند آنحضرت بعد از تامل بسیار فرمودند که ضامن شدم که چیزی از کسی نطلبید پس بجائی رسیدند که
گر سواره که تازیانه از دستش میافتاد از پیاده نمیطلبید که مبادا سؤال کرده باشد خود فرود آمده بر
میداشت و آب از کسی که نزدیک تر بود نمیخواستند بلکه خود بر میخواستند و فرمود که استغنا نما اگرچه بچوب
مسواکی باشد و فرمود که از مردم سؤال مکنید اگرچه بند نعلین باشد و حضرت امیرالمؤمنین فرمود مشابهت
کنید بقول پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود هر که بدی از سؤال بر خود بگشاید خدا بر او دری از فقر و احتیاج بر او بگشاید
در روایتی هفتاد در و فرمود یا اباذر اگر آدمی بگریزد از روزی خود چنانکه از مرگ میگریزد البته روزیش را مثل مرگش
ای اباذر اگر چیزی طلبی از خدای خود بطلب و اگر یاری طلبی از خدای خود بخواه بتحقیق که قلم تقدیر جاری شده با آنچه
واقع خواهد شد تا روز قیامت پس اگر جمیع خلق جهد نمایند برسانیدن نفعی که ننوشته شده برای تو قدرت ندارند

در مدح حسن خلق است

ایمان و موجب خیر دنیا و عقبی است و از رسول خدا صلعم منقول است که خوش خوئی در بهشت است البته و بد خوئی
در جهنم است البته و در میزان عمل هیچ چیز بهتر از حسن خلق نیست و از امام علیه السلام است که در میزان هیچ عملی گذاشته
و اکثر امت من بآن و تقوی داخل بهشت میشوند و بهترین شما خوش خلق ترین شما است و در حدیث
نزدیک ترین شما بمن در قیامت خوش خلق ترین و خوش سلوک ترین شما است با اهلش و از پیغمبر منقول است که کاملترین
تو با ایمان حسن خلق کاملترینها از حضرت امیر المؤمنین صلعم مرویست که میفرماید با آنکه دار نفسهای خود را بکار
حسنه پس تحقیق که مسلمان نیکو سیرت میرساند که روزها روزه و شبها عبادت باشد ثواب [illegible] اعمال
فراگرفت پس هر که خوش خوئی [illegible] خلق خود را نیکو کند [illegible] آتش [illegible]
و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حسن خلق گناهان را میگدازد چنانکه آفتاب یخ را و فرمودند که حسن خلق
اسلام از برای شما [illegible] آن دین است که نیکو مصاحبت نماید بسخاوت و حسن خلق فرمود و [illegible]
خانها را معمور و عمرها را زیاد میکند و فرمود [illegible] با منافق [illegible]
و اگر [illegible] با تو هم نشینی کند نیکو بجا آورد و در حدیث فرمود چهار خصلت هر که دارد ایمانش کامل است هر چند از
فرق تا قدم گناه داشته باشد [illegible] راستی و امانت و حیا و حسن خلق و در حدیث نبوی منقول
ثابت فرمودند که [illegible] و فرمود حق تعالی [illegible] مثل ثواب مجاهد فی سبیل الله
و فرمود هیچ عملی [illegible] مردم بخوش خلقی فرمود [illegible] البته فاسد میکند [illegible]
چنانکه سرکه عسل را و [illegible] از رسول خدا صلعم منقول است که حق تعالی [illegible] بد خلق که
چون از گناهی توبه کند بگناه بزرگتر از آن [illegible]
حال [illegible] و الاحقت [illegible]
و [illegible] بد خلقی میکند نعوذ بالله و فرمود [illegible] همیشه در عذاب باشد [illegible]
فرماید هر که [illegible] ایمان و در حدیث صحیح فرمود کاملترین مردمان در ایمان
خوش خلق ترین ایشانست و از رسول خدا صلعم ذکر فرموده که [illegible] بد خلقی بود [illegible]
از ان [illegible] دو خصلت است که جمع نمیشود در [illegible] مسلمانی بخل و بد خلقی و فرمودند
مؤمن هموار و نرم و ملایم با حسن خلق است و کافر غلیظ و درشت [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]

در ثواب زیارت برادر مؤمن

در حاجت او رود و آنکه رود مگر آنکه خدا اکرم که ثواب تو منانست و راضی نیستم بکمتر از بهشت حضرت کاظم علیه السلام
میفرماید هیچ چیز شیطان و لشکرش را مجروح نمیکند مانند زیارت مؤمنان یکدیگر را و بحضرت که دو مؤمن
با هم خدا را یاد میکنند و فضایل ما اهل بیت را گوشت صورت شیطان تمام میریزد و از شدت تا هم بفریاد
آید و ملائکه سموات و خازنان بهشت حال او را یافته لعنتش میکنند و در صحیح حضرت باقر فرمود ملکی با جماعت
شخصی بدر خانه ایستاده دید پرسید گفت میخواهم برادر مسلم را گفت حاجتی با او داری یا قرابتی داری گفت نه
برادر دینی گفت من رسول خدایم بسوی تو و ترا سلام میرساند و میفرماید مرا اراده کردی برای من زیارت کردی
بحقیقت که واجب شد برای تو بهشت و معاف داشتم ترا از غضب خود و در خطبه وداع است که هر که بدیدن
برادر دینی رود به هر گامی که بر دارد ثواب صد هزار عتق و صد هزار درجه و محو صد هزار سیئه و ثواب صد هزار حسنه دارد تا باز
گردد بخانه خود و هر که شفاعت کند خدای عز و جل نظر رحمت کند بسوی او و هر که اهانت برادر کند عذاب کند
او را هر که بر او کرامتی نماید یا شادی اجر هفتاد شهید دارد و فرمود واجب است من تلطف نمود برادر خود را
در راه خدا بچیزی مگر آنکه حق است بر خدا که بهشت دهد و هر که بخورد بشخصی چیزی را و دلشاد
کند در روز قیامت شاد گردد داخل بهشت شود و فرمود قرض دادن بمسلمانان بهتر از بودن که اجر
حسنه دارد و اگر در مطالبه قرض با او مدارا کند بگذرد از صراط مثل برق لامع بی حساب و بی عذاب و هر که تزویج کند مؤمن
را بهم رساند خدا او را در بهشت هزار حور تزویج کند هر یک در قصری از در و یاقوت و بهر قدمی و کلمه عبادت سالی
دارد و هر که کوری را براه برد تا مسجد بهر قدمی ثواب عتقی دارد و ملائکه بر او صلوات و رحمت فرستند تا از او
مفارقت نماید و هر که در حاجتی سعی کند تا روا کند خدا در برابرش ده حج بنویسد و بعضی روایات آنست که
و هفتاد هزار حاجتش روا کند و همیشه در رحمت الهی غوطه ور باشد تا بر گردد و اجر ثواب شب قدر
دارد و فرمود اصلاح بهتر است از عامه نماز و روزه و در صحیح است که صلح میان دو نفر دوست تر از دو اشرفی
است و در روایت دیگر فرمود هیچ کس عیادت بیماری نمیکند مگر اینکه میرود با او هفتاد هزار ملک استغفار
کنند برای او تا بر گردد و فرمود هر مؤمنی که بکند در رحمت خدا و از مناجات و سویست که موکل میکرد ملکی را
که در قبر عبادت کند تا حشر و غاسل میت را فرمود از گناهان بر آید مثل روزی که متولد شد و در تشییع جنازه
مؤمن فرمود ملائکه را موکل کرده ام که با علمها در محشر او را مشایعت کنند و در تعزیت گفتن فرزند مرده
فرمود او را در سایه عرش جا دهم روزی که غیر از سایه آن سایه نباشد و فرمود که آه باشد که بنده را بقرب

در مذمت شراب خوردن

شروطی است چند، شرط اول نیت صحیح در کسب تا عبادت گردد و از علامات احتیاط از خلاف شریعت و الا
حرفت عشار و دیوان و ازهم این است که کسب به قدری برای عیال ضروری است و هم اکتفا به قدر کفاف لا اقل مثل مواظبت
اولاد در سنن مؤکده که فراغ برای ادای آنها اصل این فریضت نشود سیم آنکه اعتماد به فضل و برکت رب الارباب باشد
چنانکه در احادیث گذشت تحصیل و اکتساب که سبب روزی نیست چنانکه هر عبادت مقدمه و وسیله
نجات است و امید بجز فیض و رحمت الهی نیست چه بسیار کاسبی هست که از دست پریشانی سختی ها
و بسا عابد که روز قیامت از دوری نجات هلاک گشت و لا حول و لا قوة الا بالله فصل هشتم در
اجزای شتم از طوفان بیهوده اجزای شراب است که در عقبه هشتم چکار باب خبیث مشئوم تا مقدار بحر
خواب سوال آنچه تا هول و بیم آن دشت پر شور و شر است و دل تشنگان آن سراب دنیا با تلخی حسرت و اضطراب
کتاب در قرآن مجید از کثرت فتنه اتمام خباثت و مضرات و شدت حرمت آن حرام زاده بخیر و سرفشان آن بجهالت
عدد آیات محکمات تعداد شده و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد شده که شراب خوار مثل بت پرست
است بآن خدایی که مرا بحق فرستاده است که شراب خوار می آید روز قیامت رو سیاه و از دهانش گندی برآید
که اهل محشر از نتن آن بخدا شکوه نمایند بمیرد تشنه و در قبر باند تشنه و محشور شود تشنه و هزار سال فریاد
کند که واعطشاه آنگاه آب بیاورند مانند مس گداخته که از دور روی او را تباه کند چنانکه روایت شده
و هر که یک لقمه بخورد از قرآن باشد شراب بر آن قرآن خصم او است روز قیامت و شراب اصل
خبائث و جمیع گناهان و کلید همه شرها است قسم یاد کرده پروردگار من بعزت و جلال خود که البته بنوشانم
از چرک اهل جهنم مثل آنچه تجرع نموده تا آخر بیامرزم یا نه و هر کس از ترس من ترک آن کند بچشانم او را از
شراب خاص بهشت ملتفت به او و اگر بیمار شود عیادتش مکنید و چون بمیرد بنمازش حاضر مشوید که او بتحقیق
که از سکان جهنم است قسم بآن خدایی که مرا بحق بخلق فرستاده بر پیغمبری که شراب بخورد ملعون در
در همه کتابها چون بنده بار اول شراب خورد دلش متفاوت گردد و در مرتبه دویم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
جمیع ملائکه از او بیزار شوند و در مرتبه سیم جمیع پیغمبران و اوصیا از او بیزار می شوند و در مرتبه چهارم
خدای عالم بیزار می شود و هیچ کس نیست که شب مست بخوابد مگر آنکه عروس شیطان است و مدخوله آن فاسق
ملعون است تا صبح پس چون صبح شود غسل جنابت بر او واجب است و الا توبه اش قبول نیست و در روایت دیگر
غسل بکنید چنانچه از جنابت غسل میکنید [illegible] راه بمیرد از او دشمن تر [illegible] شراب در [illegible]

در مذمت جماع و لواط

که گناهی نیست بعد از شرک بدتر از وضع نطفه در رحم حرام و حضرت صادق ع از آنحضرت ذکر فرموده که از
هر که کاری نکرده عظیم‌تر نزد خدا از قتل پیغمبر یا امامی و هدم کعبه که قبله عالم ساخته و ریختن منی حرام در رحم زنی
و فرمود که روز قیامت بدتر نیست مردم در عذاب قرار دهنده نطفه است در رحم حرام و فرمود چون روز قیامت
شود بیاورند زنانی را که با هم مساحقه کرده‌اند جامه‌ها از آتش در بر و مقنعه‌ها از آتش بر سر و زیر جامه‌ها از آتش پوشیده
و عمودی از آتش در فرج ایشان و داخل جهنم کنند و از آنحضرت پرسیدند از مساحقه فرمود عنقریب گویم تا شنوکنید
یاد کنید که اینها مشغول به اینها خبر دهید بعد از قسم فرمود هر دو داخل جهنم خواهند شد و هفتاد حله آتش بالا
اینها پوست کنده بر ایشان می‌پوشانند و عمود کرند آتش بر ایشان می‌بندند و موزه آتش بر پاهای ایشان
میکشند در جهنم میباشند فرمود هر دو ملعونند شرعاً حد زنا بر ایشان است و فرمود که مردی بر بالای مردی
رود عرش الهی بلرزه در آید و خدا ملوط را بر روی جسر جهنم می‌پاید تا از حساب خلایق فارغ شود آنگاه بفرماید
که او را بجهنم افکنند و در هر طبقه عذاب کنند تا طبقه زیر و از آنجا بیرون نیاید و فرمود از بقیه سنگهائی
است که از شهرهای قوم لوط بود و بایستی شرعاً هر دو را کشت مطلقا و فرمود که سه نفرند که روز قیامت خدا با ایشان تکلم
و نظر رحمت بایشان نمیکند و ایشان راست عذاب الیم کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با خود چنین کند
و کسی که در دبر او چنین کند و حضرت باقر ع میفرماید که خدا فرموده که بعزت و جلال خود قسم که بر
استبرق و حریر بهشت نخواهد نشست کسی که در دبر او وطی کنند امیر المؤمنین ع میفرماید لواطه پائین‌تر از زنا
است و دبر کفر است بخدا و رسول خدا ص و فرمود هر که لواطه کند روز قیامت جنب محشور شود و آبهای
دنیا او را پاک نکند و خدا او را غضب و لعنت کند و برای او جهنم را مهیا نماید و بد جائی است جهنم
و هر که اصرار کند ... از الهی بطلبید بروایت حضرت صادق ع فرمود که چون قوم لوط کردند آنچه کردند
گریست زمین بسوی خدا تا گریه‌اش باسمان رسید و آسمان تا گریه‌اش بعرش رسید پس وحی شد باسمان که سنگ بر سر
ایشان بباران و بزمین که ایشان را فرو برد و حضرت صادق ع میفرماید که هر که بمیرد با اصرار بر لواطه البته خدا میزند
که یکی از آن سنگها را بر او زنند که هر کس با او باشد کسی آن سنگ را نبیند و در همین باب بهمین تفسیر شده
آیه و ما هی من الظالمین ببعید یعنی عقوبت قوم لوط از ظالمان امت تو که این عمل کنند دور نیست و محمد
ابن شهرآشوب گوید که عمر حکم کرد بکشتن غلامی که آقای خود را کشته بود پس حضرت امیر المؤمنین ع
او را طلبید از علت قتل پرسید گفت بزور با من وطی کرد و حضرت از اولیاء مقتول که او را دفن کرده بودند کفتند

نسبت می‌دهند که اگر بعرض و عیال کسی نسبت دهند از ننگ و عار البته جاری میکنند عادل روز
جزا حکم خواهد کرد میان ما و ایشان و چون غنا در قرآن تعبیر شده بلهو حدیث شامل هر
سخن است که از ذکر خدا غافل نماید بالجمله الکلی یاد که سخن حرام هم عام باشد و از جمله است شعرها مذکوره
بلکه هر کلام شعر اگرچه منظوم نباشد که مهیج شهوات نفسانی و ملهی و مشاغل از یاد الهی یا هجو و هتک عرض
مسلمانی باشد آیات و اخبار در مذمت این اشعارها بسیار است و از آن جمله قصص باطله و حدیث دروغ
نباشد بقول بعض علما چنانکه حضرت جواد ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که ذکر علی علیه السلام
عبادت است و از علامات منافق است میان از ذکر او و اعتیاد شنیدن قصه‌های دروغ و افسانه‌ها چون حسین و شاهنامه
و غیره بر فضائل او و از امیر المؤمنین ع منقول است که هر چیز از خدا غافل کند میسر است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود هر مجلسی که ذکر خدا نشود روز قیامت حسرت خواهد بود بر اهلش پس فرمود ذکر ما از ذکر
یاد خدا است و یاد دشمنان ما یاد دشمنان خدا است و از جمله سخنی که بسخریه یا تقلید کسی یا برای مضحکه
زده شود و نادر است کسی که خود را از همه افراد جزئیات این قبایح شایع مترا نموده باشد حال آنکه شکی
در شدت حرمتش نیست چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که از کسی که سخنی میگوید که جمعی را بخنداند
بسبب این در جهنم در طبقات جهنم بقدر آسمان و زمین وای بر کسی که دروغ گوید که مردم را بخنداند وای بر او
وای بر او و در روایت حضرت صادق ع چهار نفرند از اهل دوزخ میرسانند با اینها از دیگر میدانند یکی که چرک
و خون از دهانش سیلان میکند پرسیدند این چه کس بود این چیز گویند تقلید میشود پس میدهد هر سخن جنبش
و آن فاسد را حکایت میکرد و در حدیث رمضان عبادمند کو دمشق و در روایت بکر خود را استهزا
کنند بر مردم در بهشت را بکر خواهند طلبید چون بیاید با تعب و محنت بسیار در روی بر بندند و گویند
چنین کنند تا آنکه مأیوس شود و قصه شود هر که سخن بکند مردم را پس بحقیق که عیب خدا را نموده بخلق و خدا
فرمود بغیرت و جلال خود که هر که عیب چیزی از خلق من کند آنگاه که ملاقات من کند با جمیع اعمالش قبول نکنم و او
داخل جهنم کنم مکر توبه کند و در حدیث که نوح ع بر سگی گذشت و گفت ما اقبحه سگ باذن الهی بسخن در آمد
نشست و گفت که ذا منی بینی تا فرزند خدا بسوی ما تعییره یا نبی الله حضرت متغیر شد و خود را ملامت نمود
نوحه میکرد چهل سال تا ندا رسید که قبول کردیم توبه ترا تا آنکه بر کی و احتمال دارد که سخن حرام که اعم از
ملهی هم باشد بیان از جمله خواهد بود و بیرون لغو بلکه باعث آزار و دل شکستگی مسلمانی باشد پس هم.

در سؤال از قرآن

جمع کنند و ببینند اینست محمد صلعم ایستاده نزد پروردگار خود پس او استغاثه کنند و اگر نه بهاویه مبتلا نخواهد شد
آنگاه فریاد کنند بلند تر جمیع اهل محشر با جمال اینست که او ملتفت شده فرماید و او را بسیار بشارت دهد بکر
اعمال و در میزان تمامی بعد از آن بیرون آورد صحیفه از نور و بر کفه حسنات گذاشته راجح باید پس فرماید این صحیفه
صلوات بر من است و بداند که بهشت برین پایهای مبارک آنحضرت را بوسیده گوید اگر تو و صلوات تو نبود
ملحق بهاویه بودیم و در حدیث حضرت صادق ع مرویست که هیچ عملی در میزان سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد
نیست و بتحقیق که میزان عمل آدمی در قیامت سبک میاید و رسول خدا صلعم صلوات میزان او را سنگین میکند
بدانکه فضایل و فواید صلوات زیاده از حد حصر است و اربعین و رسالها در این خصوص نوشته شده و دیده
اخبار در هفته در مقام دعین یازدهم مذکور است و روایت سابقه آنگاه باز داشته خواهد شد در دوازده
موقف و هر موقفی هزار سال **موقف اول** سؤال از عتق و آزاد نمودن بندگان خواهد شد بدانکه
اخبار چند وارد همه مکلفند که عتق و آزاد نمودن در تقصیر ثمر او قرار گیرد چنانکه در مقتل روزه
ماه مبارک رمضان و ظهار دادن خود و قتل حنث قسم و در مصیبتی که بنیاد کند و کسوه یاد
یاد و غیر اینها و ترغیبها بسیار بیاید آدمی هر خود را بی کند پیش از حساب و آزاد کردن بنده ثواب عظیم دارد
و بعضی حضرت باقر ع از رسول خدا صلعم روایت فرمود که بهر عضوی عضوی از آتش جهنم آزاد شود **موقف دوم**
آنکه قرآن مجید سؤال خواهد شد در حدیث متواتر متفق علیه کل امت است که رسول خدا صلعم می
فرماید که از میان شما میروم و دو چیز عظیم در میان شما میگذارم که اگر با ایشان متمسک شوید گمراه نخواهید
شد هرگز از هم جدا نمیشوند تا سر حوض کوثر بر من وارد شوند یکی بروایتی بزرگتر از دو چیز کتاب خدا
که حبل امتی در میان است و بعضی از آسمان بر زمین و یکی عترت من پس نظر کنید و ببینید چگونه سلوک میکنید با
حرمت ایشان و فرمود روز قیامت حق تعالی خطاب میفرماید بقرآن که بعزت و جلال خودم که امروز گرامی
میدارم هر کس ترا گرامی داشته و خوار میکنم هر کس ترا خوار نموده و بروایتی حرمت قرآن بر خدا مانند حرمت
والد است بر ولد و فرمود هر که او را پیشوای خود داند او را ببهشت کشاند و هر که پس پشت سر اندازد او را بجهنم
راند و فرمود یا علی قرآن افضل همه شی است بعد از جناب الهی پس هر که بقرآن بی نموده بتو ظلم نموده و
بروایتی فرمود غافل مشوید از قرائت قرآن هر گاه صبح کنی و هر گاه که شام کنی پس بدرستی که قرآن زنده میکند
دل را که مرده باشد و باز میدارد از فحشاء و منکر و فرمود بخوانید قرآن را که شفاعت میکند و بدانید که بهشت کنید در

در ذکر سؤال از جهاد اکبر

کمیل را زان نتوانسته حمل نماید او تمام بر عهده کار است که همه شب از تکرار پس بخوانید تا آنکه خدا اجر صد هزار
شما را بدهد و اوقات بهر حرفی ده حسنه است که ده بار شکر نمایند که الم ده حسنه ولیکن الف ده و لام ده و میم ده و بحدیث علوی
حضرت سید الشهداء علیه السلام این زیادتی هست که اگر شب ختم کنند ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند
و اگر روز ختم نماید تا شام و فضایل حفظ قرآن در روضه هشتم عین بار در هم مذکور خواهد شد و آیات وارده
در ترغیب بمواظبت تلاوت خصوص در نماز شب بسیار است و لا بد از قرائت و قواعد واجبه و مستحبه که ضرور است
باید تحصیل نمود موقف سیم از جهاد اکبر و اصغر سؤال خواهند کرد که آیا در راه خدا با دشمنان دین مجاهده
نموده و صبر و ثبات قدم ورزیده تا با امام الحسین ظفر و سعادت شهادت فایز گشته یا نه و جهاد اصغر با دشمنان
ظاهری بر واجب کفایی است با شرایط و احکام آن که اکثر باعث خواری دین و دنیا و آخرت شده دیدند همه
بالاتر از درجه رفیعه شهادت نمیباشد که منتهای آرزوی دوستان خداست و جهاد اکبر که اهم و اعظم و بر هر
مکلفی واجب عینی مطلق و مضیق است و جهاد اصغر بکرات بهتر است مجاهده و مجادله با نفس اماره است که اعدای عدو خود
است و مفاسدش عظیمتر و ضررش بیشتر و باقی‌تر به شدت بدتر است که از دشمن خانگی همیشه زحمت بیشتر است
شیطان و شب و روز در هلاک دین و غرض غضب و انتقام [illegible] کرهنت و راحت یکی و تاراج کنند
لذات و سعادت مردم کی سعی جهد مینماید چنانکه جناب امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که رسول امین
صلی الله علیه و آله لشکری بعد از مراجعت تفرقه فرمود مرحبا بقومی که از جهاد کوچک برگشتند جهاد اکبر شان
مانده پرسیدند از جهاد اکبر فرمود که مجاهده نفس اماره بعد از آن فرمود که بهترین جهاد دلیل است که در میان
دو پهلوی تست و فرمود مجاهده کنید با نفسهای خود تا بکوشید که بتحقیق که اجر این مثل اجر جهاد است
در راه خدا و بدرستی که هیچ عملی دوست‌تر از این نیست بخدا و فرمود یا اباذر کیسی [illegible] نیست
تا از نفس خود حساب کشد شدیدتر از محاسبه شریک با شریک پس بداند که از کجاست شرابش و از کجا
ست خوردنش و از کجاست لباس او و از حلال است یا از حرام و حضرت باقر علیه السلام فرمود که فریب
ندهد ترا اعمال مردم از نفس خود که بقول یا عمل ترا غافل نمایند پس بدرستی که امر تو بتو خواهد رسید
نه با ایشان و قطع مکن روز خود را باین و آن که بتحقیق که کسی که با تو هست که حفظ مینماید
تو عمل تو را و بجا آر حسنه که ندیده‌ام چیزی بهتر و زودتر دریابنده [illegible] گناه کهنه از حسنه
تازه و حضرت کاظم علیه السلام فرمود از ما نیست هر که هر روز حساب نفس خود را نکند پس اگر حسنه

نموده طلب توفیق زیادتی از خدا نماید و اگر معصیت کرده استغفار و انابه نماید و بسعی بکوشد و تدارک
و حضرت صادق ع میفرماید که بپرهیزید از غفلت که کسیکه از نفس خود غافل شده باید و زنهار
تهاون و کاهلی ننماید در امر الهی که هر که چنین کند خدا او را اهانت و خواری رساند در روز قیامت
و فرمودند هر که امروزش مساوی دیروزش باشد مغبونست و اگر بدتر باشد ملعونست و
هر که نشناسد فوتی در نفس خود بنقصان از تر خواهد بود و هر که چنین بوده باشد پس
مرگ برای او بهتر از زندگانیست و حدیث علوی هم باین مضمونست و در دعوتی فرمود هیچ
بدنی ضعیف نشد از آنچه نیت قوی شد و در حدیث صحیح است محبوبترین جهادها نزد خدا جهاد با هواهای
نفس مانند دشمنان که بتحقیق ترا هیچ چیز دشمن تر از متابعت خواهشهای نفس خود در
دین و دنیا نیست خدا میفرماید در روز قیامت شیطان بگمراهان خواهد گفت که مرا
بر شما تسلطی نبود جز آنکه شما را خواندم اجابت کردید پس نفس خود را ملامت نمایید نه مرا باینکه
هر آنچه باو میرسد بنص قرآن همه از شومی نفس و مطاوعت خواهش است و هیچ عبادتی عظیم
تر و ریاضتی نافع تر و شریف تر از معارضه و مخالفت نفس نیست و فوز در نتیجه محبت الهی
که مناط نجات کامل و اعلی مقاصد انبیا و اولیا است بهمین میسر است چنانکه خدا میفرماید
قد افلح من تزکی بتحقیق که رستگار شد هر که بریاضت و تزکیه و تطهیر نفس خود و غرض اصلی
مطلب کلی بلکه کل مطلب از ایجاد و تکلیف عباد و ارسال رسل و انزال کتب و مهلت چند
روزه دنیای فانی در نوعی هیکل کثیف خاکی نیست که جوهر قابل خود را از امراض رذایل
و کدورات جسمانی الایش هوش و کثافات نفسانی که بران مجبول و مجبور گشته با بال مشوق
و مالوف گشته بتاب مجاهده و ریاضت پیش از ترقیامت و ندامت تصفیه و تمام صاف گرداند
و آن شهباز رفیع پرواز عالم ملکوت و لاهوت را از دام عالم ملک و ناسوت بکمال استعجال
باستعمال دو بال علم و عمل از نشیمن شیاطین و حشرات زمین محنت و ضلالت و اسفل
السافلین درکات ظلمانی اهل شقاوت و جهالت باوج معارج روحانی و مقربان بارگاه
عزت و جلال و اعلی علیین درجات نورانی اهل کرامت و سعادت برسانی و طریقه آیت
مجاهده در ریاضت بعد از استمداد جناب حضرت ملهم السداد آنکه در سلک ارباب غیرت

در سؤال از جهاد اکبر

جدال و عناد بر طول و عرض میدان و شیاطین غرور و حقد عرصه را بال کردند انداخته از نوی ادب به
پرستش آنها قیام و بفرمان برداری ایشان بتمام اهتمام اقدام نمائی و شب و روز در این خیال که از جانب
آنها چه اشاره صادر تا خود را بسعادت انجاح شرف تقدیم آن فائز دانی فی الحقیقه حصر پا از خفیه
که هر روز در مقام اخلاص کور مجهولی مغلوب ساخته خود را بتعرض الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا
الشیطان انه لکم عدو مبین و توبیخ و تقریع افتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی وهم لکم عدو بئس للظالمین
بدلا هلاک حسرت و ندامت ابدی گردانی نعوذ بالله من الخذلان و طول الغفلة و بدانکه مقدمة الجیش لشکر منصور
از این جهاد اکبر تیر پر فتوح توبه نصوح است که بعد از هر عبادت و ریاضت نتایج منکوب نشت الحمد لله
ببرکت اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم برای شیعه مرحوم آسان شده که اگر هزار سال هر روز هزار کبیره
نموده شقی ترین اشقیا باشی سلب عزم و مجرد نیت عزم بطرف الغیبی از سیئات نیابی ولیا کردی که گویا گناه
نکرده بلکه بفرموده خدا و رسول به تبرئ ملیا محبت الهی فائز شوی باینکه از کرده شرمسار و پشیمان شوی و
میان خود و خدا قصد عهد کنی که من بعد نافرمانی ننمائی و آنچه قضا یا کفاره یا حق الناسی بذمه
داری تا توانی ادا و قضا کنی و هر چه نتوانی تدارک و بر همان است تا هفت ساعت گناه مؤمن را نمی نویسند
بانتظار آنکه شاید از مستی معصیت هوشیار و از خواب غفلت عاقبت کار بیدار شده بتوبه یا حسنه تدارک
نماید بعد از نوشتن هم خدا بیکانان در عمل پوشیده بسند از حضرت صادق که چگونه می
پوشد فرمود محو میکند از خواطر دو ملک آنچه برو نوشته اند وحی میکند باعضا و بقعهای زمین که
آنها را بپوشانند تا قیامت هیچ چیز بر او گواهی ندهند و در حدیث است که مردی بعرض رسول خدا صلی الله
علیه و آله رسانید که زنی فرزند خود را کشته توبه دارد فرمود بخدا قسم که جان محمد در دست قدرت اوست
که اگر هفتاد پیغمبر کشته تائب و نادم شود و خدا از نیت او بداند که برنمیگردد بمعصیت قبول کند توبه او را
عفو نماید از او پس بتحقیق که در توبه گشاده است ما بین مغرب و مشرق و توبه کننده مثل کسی است که
گناه نکرده مؤلف گوید که احادیث منافی نیست باینکه کشنده مؤمن توفیق توبه نمیابد همیشه
یا سالهای بسیار در جهنم خواهد بود چنانکه در آیه و حدیث واقع شده و فرمود که ادیشهانیست و فرمود
که هیچکس نزد خدا محبوب تر از مرد و زن توبه کننده نیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود عجب است
از نا امید رحمت الهی و حال آنکه محو گناهان با او است پرسیدند چه چیز فرمودند استغفار و فرمود و

نماید باستغفار و در حدیث است که هر دردی را دوائی هست و دوای درد گناهان توبه و استغفار است و آنحضرت
فرمود که فرح و شادی خدای مهربان از توبه بنده اش زیاده بر خوشحالی کسیست که در شب تاریک توشه و راحله
خود را گم کرده باشد و آنگاه بیابد یعنی بکمال رضامندی و نهایت سرعت قبول نماید و در وحی بداود علیه السلم
است که اگر کسی باشند آنها که رو گردانیده اند از من چگونه است انتظار من برای ایشان و مدارای من با ایشان
و شوق من بسوی ترک معصیتشان البته میمیرند از شوق بسوی من و بند بندهاشان از هم جدا شود
از محبت من ای داود این اراده من است در آنها که از من رو گردانیده اند پس چگونه خواهد بود اراده من
در مقبلین که رو بمن آورده اند و در موثقه فرمود که هیچ گناهی نیست مگر آنکه مؤمن بآن مطبوع است
ترک میکند مدتی پس مبتلا میشود اما از سلیقه اش نیست و در صحیح فرمود که مؤمنی نیست مگر آنکه برای
او گناهی هست که مدتی ترک میکند پس مرتکب آن میشود و در حدیث است که اگر شما ها گناه نمیکردید بدل شما
جمع دیگر را می آفرید که گناه می کردند و می آمرزید با ظهار عفو و در صحیح فرمود که خدا دوست میدارد بسیار
توبه کننده را که چون مکرر شود بگناه کند باز توبه نماید و در صحیح حضرت باقر عم فرمود که هر وقت که مؤمن
عود بگناه کند باستغفار و توبه خدا برمیگردد بمغفرت و بتحقیق که خدا عفو کننده و رحیم است قبول میکند توبه را
و عفو میکند از سیئات و زنهار مؤمنان را از رحمت خدا مایوس مکن و در صحیح ابن عمیر فرمود که پروردگارا
شیطان را بر من مسلط و جاری گردانیدی مجرای خون او را از من پس مقرر گردان برای من چیزی فرمود که از ذریه
تو قصد گناهی کند نوشته نشود پس اگر بعمل آورد یکی نوشته شود و بقصد حسنه یکی نوشته شود
و اگر بعمل آورد ده نوشته شود عرض کرد پروردگارا زیاد کن فرمود مقرر گردانیدم برای ایشان توبه را
تا نفس بگلو رسد گفت کافی است و از حضرت کاظم عم پرسیدند پسر شیخ عبد الله که آیا دو ملک میدانند
گناه و حسنه را فرمود بلی بو میکند و خوش میشود و بهشت و در توبه نیز منقول است که با این همه اگر نه عفو ما شما را
است البته مبتلا نمیشوید اصرار بگناه و در صحیح حضرت صادق عم فرمود صغیره نمیباشد با اصرار و کبیره نمیشود
و کبیره نمیماند با استغفار و حضرت باقر عم فرمود که اصرار آنست که گناهی بکند و توبه ننماید و بخاطرش توبه
نرسد همین است اصرار در صحیح فرمود بخدا که هیچ چیز از طاعت را قبول نمیفرماید با اصرار بر گناه و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که از علامت شقاوت است خشکی چشم و قساوت قلب و شدت حرص بدنیا و اصرار
بر گناه و حضرت صادق عم فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد و او گناهی کند او را ببلائی مبتلا میکند که استغفا

در توبه کردن شتاب

و البته او را در توبه کنند و الا در تهلکه خواهند افتاد و در وصیت فرمود یا اباذر نفس مؤمن اضطرابش از گناه بیشتر از اضطراب
گنجشک است که در دام افتد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که اشکها نمی‌خشکد مگر بعلت
قساوت دل و قساوت دل نمی‌باشد مگر بکثرت گناهان و فرمود خیری و فایده نیست در دنیا مگر دو کس
را یکی آنکه هر روز کار خیری زیاد کند و یکی آنکه تدارک گناهان خود نماید بدانکه توبه واجب فوری است
و تاخیر نمودن آن جایز نیست بلکه حرام است زیرا که معصیت بمثابه زهر قاتل است بدن دین را اگر کسی زهر خورده باشد مسارعت
باستفراغ و رجوع بسوی پزشک نکند کار نشود مشرف بهلاکت شود و بنا بر صحیح معلوم است اول دوا
کرده که بسبب قساوت و زنگ سیاهی دل منکوس شده بفکر توبه نیفتند مبادا که ناگاه فوت فرصت که هر چند
تضرع و استغاثه کنند یکساعت مهلت رجوع بدنیا نیست چنانکه در آیات بسیار و اخبار بیشمار واقع شده و
در تفسیر لا تلهکم اموالکم تا آخر سوره منافقون روایت کرده اند که در وقت جان کندن چون پرده غفلت
از روی کار آدم برداشته و عذابها ظاهر شود و بر نتیجه اعمال مطلع شود گوید ای ملک الموت چه شود بگذاری
دیگر مهلتی که عذر گناهان خود را از خدا بخواهم و چنین سفر پر خطر توشه از تصدق
و عمل صالح بردارم جواب شنود که ایام عمر تو گذشت روزی تو فانی شد و مجال مهلت دادن
تو نماند پس بعجز و الحاح گوید یکساعت مرا فرصت ده جواب شنود که ساعتها ساعات عمر تو
تمام شد مهلتی نیست پس در توبه بر روی او بسته شود و روحش بسوی دوزخ
کشیده شود ساقی باطن تا ابد شربت تلخ حسرت و ندامت طویل بر او پیموده باشد و بسا از شدت
هول سکرات و کثرت سیئات و ضعف ایمان و غلبه جنود شیطان تزلزل در بنیاد ایمان او را
راه یابد اصلا ایمان بسلامت نبرد و ابد الآباد با کفار و اهل عناد در درک دوزخ بماند نعوذ بالله من شرور انفسنا
در حدیث است که بخاطر نرسد که اجل شما تاخیر خواهد شد چون تا حال نرسیده بود پس گویا که
در رسیده شما را کوچانیده پس از حال عوض زاد در گوشهای خود داریه تا فایده بخشد بر نفس خود
توجه کنید و از خدا الامها باشوید تدارک و مبادرت نمایید به توبه و حضرت صاحب الزمان ع فرموده اند
که باید هر یک از شما شیعیان عمل کنید بانچه شما را بمحبت ما نزدیک می‌کند و اجتناب نمایید از آنچه او را
بکراهت و غضب ما نزدیک میکند پس بتحقیق که امر ما ناگاه خواهد رسید وقتی که توبه او نفعی ندارد و نجاتش
نخواهد داد از عقوبت ما پشیمانی و ندامت و قطع نظر از احتمال کلی این آفات توبه هر قدر زودتر

و فوائد و ثوابش بیشتر و محبت و قرب الهی نزدیکتر است و بنا بر اکثر از مجتهدین تکلیف هم برای تدارک تقصیر
که لازمه اهمال و تاخیر است هر که نخواهد شد مگر با انتقام الهی در دنیا یا عقبی یا نقصان در ثواب یا حبط
و حسرت عظیم یا عفو الهی و حضرت باقر علیه السلام میفرماید که همه گناهان شدید است و شدیدتر از همه آنها
آنست که بر آن گوشت و خون بروید داخل بهشت نخواهد شد مگر پاکیزه و در حدیث حسن بن محبوب که
از افاضل علما و صلحای اصحاب ائمه معصومین است گوید که بحضرت کاظم علیه السلام عرض کردم که چگونه
شفاعت خواهد شد برای صاحب گناهان کبیره و حال آنکه خدا میفرماید لا یشفعون الا لمن ارتضی یعنی شفاعت
نمیکنند مگر برای کسی که خدا پسندیده باشد مرتکب کبایر نشود و فرمود یا ابا احمد هیچ مومنی نیست که مرتکب
گناهی شود مگر آنکه او را بعد از آن بد میآید و پشیمان گردد و رسول خدا فرمود که کافیست ندامت
توبه را و فرموده که حسنه خوشحال سازد و بدی [illegible] او مومن است و کسی که نادم نشد از گناهی که کرده مومن
نیست و ظالمست و خدا میفرماید که ظالمین را شفاعت کننده نیست عرض کردم که چون مومن نیست کسیکه
از گناه پشیمان نشد فرمود که هیچکس نیست که گناه کبیره کند بداند که بر آن گناه معاقب خواهد بود مگر
آنکه پشیمان شود و نادم شود و تائب مستحق شفاعت است هر که پشیمان نشود مصر خواهد بود و مصر بخشیده
نخواهد شد زیرا که ایمان نیاورده بعقوبت گناهانش اگر ایمان داشت بآن البته نادم میشد و رسول خدا ص
کبیره نمیماند با استغفار بلکه بخشیده میشود و نه صغیره با اصرار که کبیره میشود و فرمود که معنی این آنست
که شفاعت نمیکنند کسی را که مرضی باشد دین او و دین او اقرار است بجزای حسنه و سیئه پس هر که او دینش
راضی باشد پشیمان است از گناهانش چون معرفت دارد بعقوبات آن گناه در قیامت [illegible] بحال کسی که
خود را مومن پندارد و در این حدیث اداند و نادم و تائب نشود و از جمله اعانت نفس بر سهولت صعوبت توبه اینکه
او را در معرض عتاب و خطابهای که ای نفس [illegible] از دنیا سراغ کرد و وسیله نجات از جحیم و کسب نجات نعیم
توانی ساخت سوای این چند روزه عمر فانی نیست هرچه بجا بکند در مثل است [illegible] حسرت عظیم
که تدارک نمیتوان داشت بیاس المال تو و آه باشد بکنی حال که در دست داری [illegible] اجل مهلت باشد
غنیمت شمرده و در تدارک [illegible] تمام و [illegible] باش [illegible] در سلک مردگان می بودی که مانند [illegible] در خیال
بخواب رفته لیکن تا خبر میشوی البته [illegible] و استغفار از عذاب الهی که برای [illegible] که [illegible]
ساعت را بتمام دنیا [illegible] از زنان و اطفال و عیال [illegible] والله که [illegible] روز [illegible]

در مذمت غیبت کردنست

خوردنست و بروایت ابا ذر فرمود که با چند چیز توبه مقبول نیست حق الناس و غیبت و شراب و جادو و از
جمله کو بخیلی و دیگر فرمود چند توبه رجوع است از هفت چیز بهفت چیز از جهل بعلم و از معصیت بطاعت
و از دنیا باخلاص و از کذب بصدق و از تکبر بتواضع و از حرام بحلال و از خواب شب ببیداری طاعت فرمود
الا امید ندارم تا به بهشت ببینم کسی که حظ خود را از او واصل باشد یاد و عبادت نماید نماید و تغییر دهد
لباس و مجلس با هم نشین و خلق و نیت دل خود را و ایثار نماید باید بر قوت خود را و مرا یابد توبه کامل بسیار
است و از کمال مرتبه میرسد که حق تعالی گناهان او را حسنات مبدل میگرداند پس همین گناهان او را
بدرجات رضوان میرساند چنانکه در قرآن مجید بر این شاهد است موقع چهارم
سؤال بشود از غیبت مسلمانان که نان خورش سگان جهنم است و آیات بسیار و روایات بیشمار از آن
گناهان و احسن ظاهر است اند که باشدت شوم حرمتان مشغول میشوم مثل حاضر و تمام نهایت شیوع
بهم رسانده و از بسو اضمیمه بلکه امری بدیهی میشود تا صاحبش بخشد در خطبه وداع فرمود که هر که
بشنود و امشا ما به مثل کسی است که خود را زنا کرده باشد و بروایت حضرت صادق فرمود که فاسد میکند
دین مسلمانان را زودتر از آنکه خوره در جوف آدمی و روزه را باطل میکند و وضو را میشکند و در قیامت
کننده از او ظاهر میشود بدتر از مردار که اهل محشر را متاذی کند و فرمود غیبت مکن که ترا غیبت میکنند
و چاهی برای برادر مؤمن خود مکن که خود در آن می افتی و هر چه کنی بآن بیابی و فرمود هر که مؤمنی را سرزنش
کند برای گناهی نمیرد تا خود مرتکب آن شود و بر او است خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش و ملامت کند و
بحدیث دیگر فرمود از صفت منافقانست چون مخالفت کسی را غیبت کنند هر که غیبت برادر مسلمان
کوید خود بسیار دارد و در حدیث است که نماز و روزه غیبت کننده تا چهل روز مقبول نیست مگر
آنکه توبه کند و بحدیث دیگر غیبت کننده روز قیامت نامه خود تعجب نماید که این نامه من نیست چون
حسنات خود را نبیند گویند بطرف شده و حضرت صادق میفرماید هر که بقصد حقارت مؤمنی روایتی
کند خدا او را از دوستی و ولایت خود بدر کند بسوی ولایت شیطان پس شیطان هم او را قبول نکند و فرمود
که غیبت بدتر از زنا است چنانکه از پیغمبر صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر فرمود هر که غیبت برادر مؤمن کند بی
ملاقات شیطان در نطفه او شریک شده و بحدیث معتبر سؤال شد از آن حضرت از کسی که شهادتش مقبول
است فرمود هر که بظاهر اسلام باشد پس چشم در گناهش نبینی و دو گواه و دو گواه بر او شهادت ندهند او

در مذمت غیبت کردن است

اهل عدالت و گواهیش مقبول نیست هرچند واقع کند کار یا شد هر که غیبت او کند بصفتی که دارد
خدا او را همیشه با ایشان در بهشت جمع نکند اگر ندارد عصمت انبیا نه از ایشان نشان قطع شود و بدانکه غیبت
کننده همیشه در آتش است و بهشت جای او نیست و شخصی بحضرت سجاد علیه السلام عرض نمود که فلان ترا
بگمراهی و ضلالت نسبت میدهد فرمود حق هم نشینی را رعایت نکردی که حرف او را نقل نمودی و بحق ما
از برادر ما چیزی را که نمیدانستیم گفتی بتحقیق که مرگ هر دو ما را در خواهد یافت و در صحرای محشر که وعده
گاه قیامت است بیکجا حاضر خواهیم شد خدا میان ما حکم خواهد کرد زنهار اعراض کن از غیبت که نان خورش
سگان جهنم است و امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود بپرهیز از غیبت که نان خورش سگان جهنم است
دروغ گفت کسی که گمان کرد که حلال زاده است و گوشت مردم را به غیبت میخورد و فرمود گوش
کننده غیبت مثل غیبت کننده است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز منقول و مرویست فرمود
هر که احسان کند برادر مؤمنش را در پیش غیبت او و رد کند حق تعالی از او هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت
و بعد از آن بهشت را برای او واجب کند البته و اگر رد نکند و منع نکند و تواند هفتاد برابر وزر و گناه غیبت
کننده بر او است و بحدیث حضرت باقر علیه السلام خدا افترا کند در دنیا و آخرت و در وحی موسی علیه السلام
که غیبت کننده اگر توبه کند آخر کسی است که به بهشت میرود و الا اول کسی است که بدوزخ میرود موافق
خبر طولانی شهر معاذ عبادت مغتابان اگرچه مانند انبار بد بخشد ملک موکل بر آسمان اول
رد نموده بر روی صاحبش زند و بعضی افراد غیبت را استثنا کرده اند و اسلام اینست که بی
غرض صحیح حرف کسی را بزنی که اگر بشنود ناخوش دارد تا از مفاسد غیبت سالم مانی و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که ترک غیبت نماید بیشک برای او بهشت است و در ترک غضب و ترک حسد هم
چنین فرموده و در حدیث معتبر بگو میزاید که پرسیدند از رسول خدا صلعم و از کفارهٔ غیبت فرمود
استغفار برای غیبت شده و احوط آنستکه تا دست رس داشته باشد حلیت از او طلبیده بهر وقت
پیچیدن از غیبت و سخن چینی بپرستند که در قرآن مجید مذمت بسیار شده و فساد از کبایر است و رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود یا اباذر نمام راحت نمیباید از عذاب الهی یا اباذر از مجالس امانت است
و افشاء راز برادر خیانت است و فرمود هر که سعی کند میان دو نفر خدا ملک الموت را بفرستد
بقبض روحش او در حالتی که بر او غضبناک باشد و در حدیث حضرت صادق علیه السلام از نفعی ذکر فرمود که بد

در مذمت دروغ گفتن

۱۶

تر خلق آنهایند که راه روند بسخن چینی و جدائی اندازند میان دوستان و عیب جویند برای
آزاران و فرمود چهار نفرند داخل بهشت نمیشوند کاهن که خبر میدهد از جنیان و آنکه منافق و شرابخوار دایم
و سخن چین و دیوث یعنی کسی که خوبی بو برند با شرابخوار دو با سخن چینی کند در صحیح حضرت باقر ع میفرماید که
بهشت حرام است بر سخن چینان و در حدیث بر بخیل و نمام و نهی فرمود از شنیدن آن **موقف ششم** سؤال
شود از دروغ که شومترین گناهانست و اخص علایم منافقان بیمروتی است چنانکه حضرت باقر علیه السلام
میفرماید که خدای عز و جل برای شر و بدیها قفلها قرار داده و کلید آنها را شراب قرار داده و دروغ بدتر از شراب است
و هم از آنحضرت است که پدرم باولاد خود گفت بپرهیزید از دروغ که کوچک و بزرگ آن در هر جد و شوخی که بیگ
هر بزرگ هم میرسد و در صحیح فرمود اول کسی که تکذیب کاذب میکند حق تعالی است و دیگر دو ملک
که همیشه با او میباشند پس خود که میداند دروغگوست و در صحیح دیگر فرمود از علامت دروغگو آنست که خبر
میدهد از آسمان و زمین و مشرق و مغرب اما از مسئله دین که بپرسی خبری ندارد و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست که کاذب ملعونست و مؤمن بخیل و جبان میباشد و دروغگو نمیباشد و دروغ
گو را لعنت میکنند هفتاد هزار ملک و از دهانش گندی در آید که بعرش میرسد پس حمله عرش لعنت
نمایند و بر او است گناه هفتاد زنا و بدتر از تهمت و غیبت دروغ است و فرمود با اباذر
میباید دهانت بدروغی هرگز نیالاید البته و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود هر که راست
گو است عملش پاکیزه و مقبول است و فرمود که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه صاحب امر منبر شد نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله براستی و اداء امانت و فرمود خدایا راستگو باشید که دروغگو از ایمان
دور است بدرستیکه راستگو بر لب نجاتست و دروغگو بر کنار خواری و هلاکت که بعض مردم هر دو بجا
خود میرسند فرمود هر دروغ را لنگوا هست مگر برای مصلحت جنگ و صلح و وعده اهل خود و رسول
خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده و در خصوص دروغها که اخبث و اشد افراد است آیات و احادیث وارد
شده و بعضی از عقابات شهادت دروغ و قسم دروغ و انکار حق و بهتان و حکم و فتوای بعلم
که افترا است بر خدا و رسول بلکه کبیره و عجب با مذکور است و صدق آن است که در کل حال همه اقوال و
اعمال راست گو باشد خصوصا با خالق حقیقی در عبادت و مناجات پس با طاعت ... و ملو
... بعنایت خالق از ضلالت و فروغ و ابال مستعین با طلب اعانت از

حق

در سؤال نمودن از علم و تعلیم

۶۲

هر محض افتراست و دروغ تا بدانی که اکثر آنها که خود را از اولیاء خدا میدانند مفتریان و دروغ
گویانند و شرح کرده بیان در مواضع بسیار از قران و حدیث با انبیاء و شهدا و اوصیا بعضی از ائمهٔ هدی
علیهم السلام بان ظاهر شود خدا همه را از خواب غفلت بیدار نماید و پیش از فوت گوش شنوا و چشم
بینا کرامت فرماید **موقف هفتم** محل سؤال از طلب علم و دین و تعلیم مسائل شرع مبین بدانکه باتفاق
اهل عقل و نقل خداوند حکیم عز جواد عالم و انسان را آفریده مگر برای غرض همه سعادت ابدی که موقوف
است بر معرفت و عبادت خود و هر دو موقوف اند بر تحصیل علم پس هر کس که خود را شناخت به عقل خود
این را بیابد که خالق با کمال حکمت او را آفریده و عبث نیافریده بلکه پیش از خلق مطالب بسیار عظیمی و خطب
بسیار جسیمی که باعث و داعی چنین کار پروردگار جلیل تواند بود نظر در حکمت بالغهٔ خود در آورده بعد از آن عالم
و او را خلق نموده بلکه تأمل عبادت نماید بتفحص و تجسس مطالب هم طریق شکر نعمتها اکرد رخود مییابد و چون
حق تعالی مقدس و منزه است از مخالطه و مکالمه هر کس باید پیغمبری که ذو جهتین و قابل این معنی باشد برای اعلام و
تحقیق این مطالب بفرستد و الا باز خلق عبث خواهد بود و پیغمبر را فرستاده و چون پیغمبر همیشه بود بنا بر این
البته باید خلیفه تعیین نماید باذن خدا که باطلاع باطن هر کس قابل خلافت را میداند و الا باز خلق عبث
خواهد بود نسبت باکثر خلق و خلیفه را تعیین نموده و هم چنین هر خلیفه خلیفهٔ دیگر را و چون وصی
آخر الزمان برای تقیه و مصلحتهای بسیار غایب است و کسی باستفاده از او مشرف نمیشود مگر بندرت و
ضرورت تا هم نشناختن او ممکن است پس باید البته شیعه و رعیت خود را در ایام غیبت از حیرت در آورده براه
[illegible] دلالت نماید و الا باز فی الجمله عبث و نقض حکمت کامله و اتمام حجت لازم می‌آید زیرا که همچنانکه اهل
و وجود حجت جهت نظام عالم لازم است همچنین برای انتظام امر دین تعلیم و ارشاد مکلفین ضروریست
از آنجا ترا نموده و شیعیان خود را از حیرت در آورده و [illegible] و دیگر در مسائل حوادث شرعیه که واقع شود رجوع
نمایند و بیابند یعنی بعالمان مذهب ما و راویان حدیث ما تحقیق که ایشانند حجت من بر شما و منم حجت
الله و این مضمون از احادیث صحاح ثابت شده و در بعض آنها چنین است که ما او را حاکم گردانیده‌ایم
بر شما پس هر گاه حکمی نماید قبول نکنند حکم خدا را خفیف و سبک شمرده اید و حکم ما را رد کرده اید
و رد کننده بر ما بر خدا رد کرده و رد بحکم خدا در مرتبهٔ شرکست بخدا و حضرت باقر علیه السلام می
فرماید که بعد از غیبت ما علما امتبوند که مردم را بامام دلالت نمایند و از دامها و مکر شیطان و

در سؤال نمودن از علم

شبهها نجات دهنده همه شیعیان مرتد میشدند و ایشانند بهترین مردم نزد خدا و از رسول خدا صلی الله علیه
واله متواتر است که علماء امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا و علما وارثان پیغمبرانند و علماء امت مثل پیغمبران بنی
اسرائیلند و روایتی سند تمام فرموده اللهم ارحم خلفائی پرسیدند از خلفای آنحضرت فرمود که ایشانها مرا اند بعد من
ایمان آورند و متابعت سنت و طریقه من نمایند و حدیث ما را روایت کنند گفتند ما برادران تو نیستیم فرمود
شما اصحاب منید ایشانها برادران منند احادیث در این معنی بسیار است و از این تقریر مختصر فواید امور بسیار ظاهر
شد اول تنبیه معرفت الهی و اینکه اصل او بحجت عقل است بی توقف بر نقل و بر کسی ثابت را و تعطیل لازم آید دویم ظهور
فایده خلق باختیار تحمیل و استکمال و اثبات معاد از عقل خالی از اختلال سیم اثبات نبوت باسهل و اکمل از طرق
مشهور لطف و عجز از چهارم اثبات امامت پنجم هدم اساس مذهب سنی بالزام نص بر تعیین امام ششم جواب
شافی مسکت از شبهه مخالفند در باب امام غایب و حضور تعلیم و هدایت پیش از ظهور هفتم نیابت علماء اهل
بیت رسالت از ایشان در امر دین بلکه دنیا هم هشتم صفت عالمی که اتباع و متابعت با او مثل متابعت خدا و
حجج خدا است نهم تعیین علمی که کمال و باعث نجات از منفاوت مآل و فوز بدرجات جنان و رضوان ذی الجلال
است که با بدانا بخشاید مثال آن صادر و استفاده شود و تفصیل هر دو مذکور میشود دهم آن اصل ما نحن فیه که ادائی
بجهة تکلیف که رسیده از هر واجبات فرض همین است که فورا بتحصیل و ملازمت علما مبادرت نموده علم
خلقت خود را و مسائل مذهب و ملت خود را و کیفیت شکرگذاری ولی نعمت تحصیل نمایند و برای عمل
حفظ نمایند تا از ایشان مستغنی شود یا بتقلید و اطاعت ایشان خدا را ملاقات کنند و هم اثبات تبرئی
و شقاق و کفر و نفاق هر که از عوام و خواص که برابر علما رد و استنکاف کنند و از کسی با عدم صرفه از
امر و اطاعت ایشان سر پیچیده رجوع کنند باحکام عرف که با عدم قابلیت اجتهاد در احادیث و علوم
اهل بیت رسالت بغرور در مسند فتوی و متصدی احکام و مسمی بشیخ الاسلام شده از جهل حکم خود را
بند زند یا از شر آن مثل آن شمارند و اصلا بر خود و بر مردم رحم ننموده بهر را موافق احادیث معرض
لعنت خدا و جمیع ملائکه ارض و سما و هلاکت ابدی عقوبات ذیل ما نمایند بلکه تحصیل معرفت و مذمت
ترک آن زیاده بر آنست که از آیات و روایات هزار یکی و از بسیار اندکی شماره و برای
اختصار تذکر آیات اثر و ابتلا رقت هو الله نموده از اخبار هم بنوادر اکتفا می نماید باتفاق موافق
و مخالف متواتر است و از رسول خدا صلی الله علیه واله است که طلب علم فرض است بر هر مرد و زن مسلمان

در فضل طالب علم

بدرستی که خدا دوست میدارد طلب کنندگان علم را و فرمود عبادت الهی نشده بچیزی بهتر از تفقه
و تعلیم دین و فرمود طلب علم کنید اگر چه باید بچین روید و فرمود حضرت عیسی بدرستی روزی که گذرد کسی را عالی که
اطاعتش کنند شنونده که عمل کند و بحدیث حضرت صادق ع فرمودند که عمل کننده بی علم فسادش از زیاده بر
صلاحش است مؤید است حدیث مستفیض که علم بی عمل و بالعکس عمل بی علم گمراهی است و ضلالت زیرا که گمراه
هر چند راه بیشتر رود از مقصد بلکه از راه هم دورتر میشود و همین تشبیه منبر دهد بلکه بشت و بروایتی فرمود که بدبخت
فرزندیا بیهماز و عبادت کننده بیعلم و بروایات متفرقه فرمود که هر که راهی رود بطلب علم هفتاد هزار ملک او را
متابعت کنند و بهر قدم ثواب شهیدی دارد و حق تعالی راهی بسوی بهشتش گشاید بدرستی که ملائکه بالهای
خود را بزیر میگذارند برای طالب علم از روی خوشنودی و استغفار کنند برای او هر که در آسمان و زمین
است و هر خشک و تری حتی وحشیان صحرا و ماهیان دریا و تعلیم برای خدا صدقه و حسنه است و تعلم
عبادت و مذاکرهٔ علم ثواب تسبیح و نماز و تفکر در آن برابر روزه است زیرا که بعلم واضح میشود حلال
و حرام را و بندگی ملک علام و صلهٔ ارحام و راه دار السلام و مونس است در وحشت و مصاحبست
غربت و وحدت و همدم است در تنهائی و خلوتها و راهنما است به رشادی و مصیبت همراهست برای اعدا و زینت
است نزد دوستان خدا بعلم جماعتی را بلند خواهد کرد پیشوایان خیر بوده اند و ملائکه رغبت می نمایند
در دوستی ایشان و بال خود را بایشان میمالند و برکت میجویند بایشان هنگام تحصیل نماز بدرستی که
علم حیات دلها و نور دیدها و قوت بدنها است میرساند بنده را بمرتبهٔ برگزیدگان در درجات عالیه در
دنیا و آخرت علم را الهام میکند بسعداء و محروم میدارد اشقیا پس خوشا حال کسی که از آن بهرهٔ خود را گرفت
محروم نمانده باشد و هر طلب کننده علم مثل کسی است که روزها بروزه و شبها بعبادت ایستاده باشد و عبادت
کرده نشده بچیزی بهتر از فقه در دین و عالم میان جهال مانند زنده است میان مردگان و طالب علم را شفاعت
مثل شفاعت انبیا و نظر بروی عالم بلکه بدر خانه او عبادتست هر که علم علما را دوست دارد گناهانش نوشته نمیشود
نوشته ایام حیات و بهشت را واجب کرده روح صبح و شام میکند در خوشنودی خدا هر که عالم را حرمت کند
نماید گویا بندگی خدا نموده هفت هزار سال و بهر روز خدمت ثواب هزار شهید دارد و بهر حرفی
مشغول با پیغمبر در بهشت و هر که عالم را زیارت کند بحقیقت که مرا زیارت کرده و هیچ
لیکن نشیند ساعتی نزد عالم مگر آنکه خدا او را ندا کند که نشستی نزد حبیب من قسم بعزت و جلال

در بیان علمیکه نافع است

که کتاب و سنت است غور در غیر اینها لغو و مذموم است بلکه موجب شبهه‌ها و بدعت و باعث ضلالت عظمی
مگر آنکه بعضی از اینها از صناعت باشند نه از اهل علم و عبادت و بعضی متواترات از ائمه هدی علیهم السلام
که هر علمی که از ما اهل بیت صادر نشده باشد باطل و عاطل است و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بکمیل فرمود
که اخذ مکن مگر از ما تا از ما باشی و در مصنف فقیه حقیقی فرمود قرآن را ترک نکند برای رغبت بچیزهای
دیگر و فرمود بنا عالمی که مردم اتفاق کرده‌اند بعلم او و فرمود خدا و رسول خدا ص و اهل بیت و چیزها را ذکر کرده
نیز که اند و بگیر خدا و رسول را از جهت آنکه اخذ علم نکرده بلکه از آن راه اخذ کرده و فرمود بعضی بدعتها
نفی می‌کنند و حضرت صادق ع می‌فرماید که اهل دین که از دهنهای مردم کنند هم مردم او را زایل کنند هر که
از کتاب و سنت فرا گیرد زایل نشود کوهها و او ثابت است و فرمود هلاک شد اهل کلام مگر کسی که از ما
کند و فرمود از هیبه‌ها می‌طلبد و امی کند بهر علمی را که رسول خدا است و خدا می‌فرماید که بگو یا
محمد ص خبر دهم شما را بزیانکارترین مردم در عمل جماعتی اند که گمراه و ضایع شد سعی ایشان در حیات دنیا
و حال آنکه ایشان پندارند از کمال حمق که کار خوبی کرده‌اند و می‌کنند و فرمود بنا بسیار بجا نهاند از درهای اینها
و در چند جا فرموده اند که بان منتفع نشود علم مگر در اینجا و در حدیثست که علم نافع آنست که موجب
بر هوای نفس باشد و منقولست که حکیمی هشتاد صندوق کتب جمع کرده بود پس وحی شد بسوی پیغمبر آن
عصر که بگو بان که اگر مثل آنها را باز جمع کنی که نفعی نخواهد داشت ترا تا عمل بسه چیز نکنی اول آنکه محبت
دنیا که خانه مؤمنان نیست دوم آنکه مصاحب شیطان نباشی که رفیق مؤمنان نیست سیم
آنکه آزار مؤمنان نکنی که کار مؤمنان نیست و فرمود علوم را منحصر در چهار یافتم اول آنکه خدای
خود را بشناسی دوم آنکه بدانی چه نعمتها بتو داده سیم آنکه بدانی از تو چه خواسته چهارم آنکه بدانی چه چیز
ترا از دین بیرون می‌کند و از لقمان ره نقل فرموده که به پسرش گفت عالم را سه علامت است اول آنکه
پروردگار خود را بشناسد دوم آنکه مرادات او را داند تا بعمل آورد سیم خلاف خواهش او را داند تا ترک
کند و حضرت کاظم ع می‌فرماید که رسول خدا ص جمعی را دید که گرد شخصی را گرفته بودند پرسید این کیست گفتند
علامه فرمود چه چیز میداند گفتند داناترین مردم است بانساب و وقایع و اشعار عرب فرمود که این علمی است که ضرر ندارد
کسی را که نداند و نفعی ندارد کسی را که داند علم همین سه تا است آیه ظاهر الدلاله یا فریضه که خدا تعیین
فرموده یا سنتی که باقی است تا قیامت و هر چه غیر اینها است فضل و زیادتی است و بکار نمی‌آید فقط تمام

در بیان علمی که نافع است

و تعبیر بعضی رفت بر آن به تمیز اعظم که از اهل کتاب حکمت و معارف منسوبست مشهور است و فرموده باشد و بعد
تر آن مردم نزد خدا و روز قیامت عالمی است که بعلمش منتفع نشود و فرمود تا آنکه هر که از علمی اخذ کند
که باعث خوف و گریه او نشود سزاوار است از اهل علمی نباشد که نفعی از آن نبرده زیرا که خدا میفرماید ان الذین
اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا یبکون و یزیدهم خشوعا مؤلف گوید اشتغال و
تداول این علوم بالذات که بواسطه احداث یا شبهات و منع جمع یا سنن مؤکد است بلکه اخلال
بالذات شرایط کمال قبول واجبات حرام یا مکروه در نهایت شد دست ضرورش اگر همین باشد که دلها
از اقبال بمواظبت اعمال و تفقد و محافظت اوراد مرتبه و حضور و شبانه روزی با کمال حضور و فراغ بال مشغول
و متفرق میسازد بانکار و تبقیه بجا در جمیع الاته حمیقه چنانکه بعضی ظاهر است کافی است و خواص
عرفا که امانات سنن مؤکده را خیانت نموده ضایع و مهمل گذارند و محافظت قیام دیگران چه رتبه
میدارد و در حدیث معتبر وارد شده که دلهای بد گویان و عیبجویان کرا الهی قساوت دارد و خویشان
میدانند که بعضی بتجربه رسیده است پس هر گاه چند روزی گذارند متنبه میشوند لیکن بسیار شوای
ترک شغلی که عمرها در تکمیل و تنقید باقی ان ضایع شده باشد لا حول و لا قوة الا بالله سابقا عذری
برای خود میساختیم که بسبب تشحید ذهن معین است بر عنوان معنی علم نافع و این از تسویلات
شیطان بوده که بمصداق حبک للشیء یعمی و یصم چون از عنفوان شباب بتقلید اصحاب
شیفته این علوم نا صواب بود میدانم این صواب واقعی نمود و با قطع نظر از خطاء اجتهاد در
بر اهین و تسلیم آنها از جهتی مضر است بجهات شتی از احتمال کلی بدعت اهم و اقدم و اعظم آنها حرام
است و خطرات شبهات و تقویت اوهام و تحیر و فطرت مستقیمه و فهم جبلی چنانکه از بعضی مشایخ حکیم شنیدم
که دعوی داشتند و میگفتند نمیدانیم و از حجج که در آخر عمر متاسف میبودند و میشنیدیم و بدیهی است که هر معین فی
الجمله مطلوب است فی الاهام و بعضی انواع قمار و کهانت و شعبده در تقویت فکر پس هر که از فلسفه و نحو آن و مکر
پنداشته است و توقف علیه مطلق مطلوب است و چون هر مطلبی که از فلسفه که بر وفق علما و بطی بعقاید ما رسانیده
در متعلقات آنها بر تقدیر توقف و نیز بایست اکتفا شود بقدر توقف نه بیشتر بقدر بعقد و اکتفا بطریق
از که سبب شرعی بتبع یا تم تکلیف انها هر بیت تعلیم آنها بعینه از قبیل آنست که در بعضی عظام مر در آن کجا آن تاکید
و امثال آنها کند که هر که از اجزای آن تن خواهد سالم ماند هر روز بیاید مقدار هزار درهم باقی برای خود بعقا

اسباب

دیباچهٔ علمنامه است

ابد پرستم و غنائم باشد باید فوراً تا فرصتی دارد بتعجیل جوی را از این امر بطرق باین یام برساند و تو نزد با استاد
به بینی که موانع و علایق از شش جهت هجوم آورده مردم را از بالا دویدن باز میدارند و با هر کس که بدست باید دنبالش
و کمر را ندو انصد هزار یکی بند تا از دست اینها جسته خود را پیش تو رسانیده سبیل معنی را زده و دانستگی
تو دادند عنقریب خود را بتو میرسانند و هر کس باندک تاخیر غفلت از بالا دویدن باز ماند ظهر یا بنیر هلا
اینجا میمانند و نشانی ها لا آباد دم دیگر یا ماه دیگر یا سال دیگر پیدا نه شد هنگامه غوغا و شورش و غلغله و
بلا و قلت فرصت و ضیق مجال مهلت و کثرت عوایق و ازدحام علایق و جوش رحلت خلایق تو حکیم
گوش و چشم هوش بسته و بخواطر جمع نشسته شروع بفکر و مطالعه غور و امثال خود در مطالب شوق
که النی بجهت صعود با علی مراتب سطح ضرور و هر قدر محکم تر و پاکیزه تر بهتر و هر چه قوی تر از شکست
کم و مسلم تر بهتر سلمی نا پیدا شد شما بلکه فولاد خراسانی بیکار است و هندکی خوش نماتر بلکه مغربی محکم تر و پر جوهر
تر است انگاه بخیال آن فولاد و اسباب و لوازمات سفر بر افات بیار معرب ظلمات سالها شغل مزدوری اشراق
و کناسی تجار بلکه محبوس و کفار و قهام بعد از آن شروع بوزه بتهیه تدارک اهمال و اشغال مسافر تا اقدام فرمایی
در گفتن و نوشتن هر مبادی آن عقول و اسما معاملات آن اسما تحقیقات و تدقیقات و احتمالات و مثالات
و حل شبهات و طرق اشتقاقات میدو لوازم در هر بهنی و وضع هر کاه شرط و وقت بیماری در منازل و قرب
بحجت و استقرار ابتدای وتحقیق اتحاد وجوه و بقاء اشیاء و شرح حواشی و حواشی اشارات شفای مرضی کیفیات
طبایع و ترتیب استقساات اولی و ترک احتیاب از جز اجزای متجزیه لا ابتناهی بالا یتجزی و اشتغال احوال شاغل هر فضا
از خلا و ملا و کشف کیف فعل و انفعال از دولج و حصول مزاج از حرکت و سکون عناصر امشاج و توالد
ثلث و ربط معلول حوادث تقدیم و کیفیت علت محدث و احداث و تشخص اول صورت در هیولای نا
مشخص و تخصیص بصنایع صانع معانی ان تباین و تساوی و اعم و اخص و تحدید مقولات جواهر و اعراض و تعدد
هر ایراد و اعتراض و تفتیح فراسخ و امثال بطریق عکس و نقض قیاسات صغری و تقسیم مطلال و انتاج صغری و کبری
خایج از حد وسط و اعتدال و اشکال و عقیم الاشکال و تعیین عالی و سافل و حصول نسب مزاز کلی و جزئی
از انواع و اجناس و تهید قضایا مهملا و محصور و متصله و منفصله و کذب و صدق و عکس قیاس و تکریر خطابات شعری
و جدلیه الاساس با کمال دقت و وقار بضبط اوراق و اشجار و هر کس و مدارج هر سه و سطوح هر دو
بهشتاد و طول و عرض محیط سیارات و ثوابت و زایچه طالع منحوس و مسعود و موارد هر یا و حفظ از اینها نواد

بودند و حال آنکه گمراهی ایشان گردید و در اسلام بدع غالطه و مذاهب باطله تصوف و الحاد و غیر ذلک از
ایشان ظاهر شد چنانکه نقل کرده اند بوعلی خود در پیش اهل دنیا فاجر و اخر و در نزد ملوک اسمعیلیه اشقیا
کافر بود و اعتقاد در حقیقتهای الهی و معراج و حدوث عالم الهی و علم بجزئیات نداشت و از شاگردانش عمر خیام
جبری و تناسخی و شهود بسا خوب شاگرد بهمنیار با ارشد تلامذه بوعلی بود گویا که تمام مذهب ادعای نبوت
مینمود و حسن صباح از دلایل فلسفه ترویج مذاهب اسمعیلیه و ملاحده کرده و در بعضی روایات نموده که اسحق
کندی فیلسوف عراق بود شروع نمود بتالیف تناقض القرآن که حضرت امام حسن عسکری ع همه را باطله
کلها باطل کرده و اهل کلام هم اصول چند از فلاسفه گرفته اند و ضمن عقوبت مذکور مشهور اند و مثل
نص الهی مسلم نموده اند از قبیل اینکه تا چیزی بحد وجوب نرسد محالست که موجود شود و چون علتش تمام
شد ممتنع است که موجود نشود با التزام همین مقدمه تمامی امور شرع مختل است از اعتبار شرعی تکلیف
عباد ثواب عقاب عاری بلکه ذات الهی تعالی شانه انداز دو کوهر یکه در داه خلال از ملامت بالنداشته
باشند لذا دین اسلام را گوید که این مقدمه را مسلم ندارم و هم قوانین محققین ایشان مضایقه ندارند از قدم
زمانی عالم صریح قرآن و سنت بحدوث زمانی و نیز از اینکه خدا عین وجود قایم بذات باشد با حکم عقل با امتناع
انقلاب تا هم بذات بودن امر اعتباری و ممکن و بعض صحاح در اینکه هیچ چیز هنوز ذات خدا عین وجود نمیتواند
بود و اگر اجل بر گشته از سر کهنه شنه بجهت حفظ شرع گوید که ای یاران اصل اساس این همه تحقیقات دور و دلایل
شما بر مبنای صرف دیگر مبنی و معارض قول خدا و رسول امین و بخلاف اجماع شریع مبین است این همه طول
کلام و تردد درین مرام برای چیست از عالم کسی که مرتکب ننگ عظیمی شده باشد تشنیع سطحی کنند که مسئله
افاده عقل را چه محال معارضه نقل است و حال آنکه خودشان با تسلیم این مقدمات در جا بهاد ره مانده اعتراف
بعجز فهم مینمایند پس پیشان از هدم قواعد شرع آنچه مانع میدارد بغیر تعصب جدال حق تعالی حکم خواهد
کرد میانه ما و ایشان در روز جزا از اینجا است که رد احادیث متواتره طعن و مذمت اهل کلام شده چنانکه
گذشت و نیز شیخ رحمه الله از ابن سنان روایت میکند که مؤمن الطاق که از متکلمین شیعه است
از من سؤال اذن دخول کرد بر حضرت صادق علیه السلام پس آنحضرت بعد از سخن بسیار
فرمود اذن مده او را بر من بجهت آنکه کلام و خصومت فاسد بر طرف میکند این را و بر قول ایشان اگر
فرقه متکلمین ظاهر شد باشند بعد ترین ایشانند فرمود بدانست بر شما که رها شوید بچیزی تا از فنا شوید

در علمیکه نافع است

و فرمود هلاک شدند اهل کلام و نجات یافتند مسلمون که منقبت مجادله ایشان شدند که وی با حضرت عرض
کرد که برای الزام خصم احتیاج بان میشود فرمود مجادله کنید با چیزیکه بشما رسیده از علوم ما پس اگر بر شما غلبه
کنند بر ما غلبه کرده اند و ابن بابویه بسند صحیح از محمد بن عیسی ثقه روایت کرده که خواندم در کتاب علی بن هلال
بحضرت کاظم علیه السلام که اصحاب ما از آبای کرام تو علیهم السلام نقل کرده اند که نهی فرمودند از کلام در امر
دین پس شیعیان تو که متکلمند تاویل کنند که نهی مخصوص کسی است که خوب نمیتواند حرف زد اما چنین است نوشتند
که آنکه خوب میتواند و آنکه نمیتواند هیچ کلام تکلم نماید که گناهش بیش از نفع است و بعد از این روایت شیخ رحمه الله می نویسد
که احادیث بسیار در این معنی متواتر است و در حدیث صحیح در تفسیر این آیه ان الی ربک المنتهی وارد شده که هرگاه سخن بخدا
منتهی شد ساکت شوید و در حدیث صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرماید تنها وحدانی کن و خصومت مکن که دل را
شکسته میکند و عمل و هلاک است و شاید کسی بچیزی تکلم نماید که آمرزیده نشود بتحقیق که بودند در زمان
که پیش شده قومی که ترک کردند تحصیل علمیکه مأمور و مکلف بان بودند و طلب علمی نمودند که نهایت
ایشان نشده بود تا آنکه کشید ایشان را کلام بسوی خدا پس متحیر شدند بحدیکه اگر مردی را از پیش روی
طلب میکردند از پشت سر جواب میدادند و در حدیث صحیح فرمود بپرهیز از اصحاب کلام و خصومتها و از همنشینی ایشان
که ترک کرده اند آنچیزیکه مأمور بدانستن آن هستند و بتکلیف و مشقت انداختند خود را بر تحصیل
علمیکه مأمور بدانستن آن نشده اند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که زنها و بپرهیز
از جدال که باعث شک میشود و خود را بتشکیک میاندازید تا شک و شبهه بهم رسانید در دین خدا
و مصالح ... بسیار از کلام و جدال و تفکر در خدا بسیار است که باعث نفاق و حیرت و کینه و
شغل قلب از ذکر خدا و افترا میکردد و بحیرت میرسید و از ابن عباس مرویست که قومی در ذکر صانع تفکر
میکردند حضرت رسول صلی الله علیه و آله ایشان را منع کرد و فرمود تفکروا فی خلق الله و لا تفکروا فی الله مولف
گوید بسا باشد کسی توهم میکند که علم کلام واجب کفائی باشد برای دفع شبهات اما حق مضایقه نیست
که اگر دفع همه شبهات وظیفه غیر امام هم باشد علم بکتاب و احادیث و اصول از عهده آنها بر میآید و این کتب مشتمل است
بر جوابهای شافیه متعلقه از شبهات معاندین و مخالفین که ائمه ما علیهم السلام فرموده اند و ضبط آنها کافی
برای هر شبهه تا زمان ... پس چه احتیاج بکلمات و اصطلاحات فلاسفه است و ...
و فضلای این شهر متعهد که احادیث مشکله و مطالب غامضه اصولیه را باسلوب الهی بعنوان تقریر و تحریر نمایند.

کار فضلا

در بیان شرایط عالم

که اصلا باصطلاح منطق و کلام هم احتیاج نشود الحمد لله جل و ارتقی به درجه تمیز عالی که امثال و
سؤال و دوا عث تقلید اقوال و اعمال و مانند طاعت خدا و رسول عوام بلکه خواص الباعث طاعت و نجات
ایشان و موجب کرامت سرمدی بلکه علی مرتبه رضوان و لذات و درجات سرمدی میتوانند شد بدانکه در اداء و شرط
معتبر است باجماع جمیع علمای مؤمنین اول عالم بعلوم اهل بیت رسالت بودن چنانکه گذشت دوم عمل بمقتضای
تعلیم نمودن چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که علما امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا تا داخل
دنیا و سلطان نگشته‌اند چون کردند خیانت به پیغمبران کرده‌اند پس ایشان را متهم داشته باشید و حذر نمائید و امیر
المؤمنین صلوات الله علیه از پیغمبر علیه السلام ذکر فرموده که دنیا درد دین است و عالم طبیب دین هرگاه ببینی
چون ببینید که طبیب درد را بسوی خود میکشد او را متهم دارید که چون خیر خود را نخواهد خیر خواه دیگر
نخواهد بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که چون عالمی را ببینید که دنیا را میخواهد او را متهم
دارید بر دین خود که هر کس محبوب خود را میطلبد و شاید در بنای خود ضایع نماید بتحقیق که وحی شد
بداود ع که میان من و خود واسطه قرار مده عالمی را که فریب دنیا خورده که ترا از محبت من بر میگرداند بدرستیکه
که ایشان دزدان راه بندگان منند و کمتر چیزی که با ایشان میکنم اینست که لذت و حلاوت مناجات خود را
از ایشان سلب میکنم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که دو صنف‌اند امت من که صلاح ایشان
باعث صلاح جمیع امت من است و فساد ایشان باعث فساد جمیع امت من فقها و امرا و حضرت امام حسن
عسکری ع از حضرت سجاد ع ذکر میفرماید که بحسن ظاهر فریب مخورید که بسیار است که دین را دام و
تله دنیا کرده‌اند و چون بمال حرامی رسند همین کنند و اگر هم ضبط خود نمود فریب او را مخورید که
شهوتها مختلف میباشد بسیار از حرامی که عفت میورزند و حرام دیگر از مشتهیات نفس مرتکب میشوند
و اگر از همه عفت دارند باز فریب مخورید تا ملاحظه عقل و عمل او کنید و بسیاری که ایمان را
فاسد میکنند زیاده بر آنست که بعقل اصلاح میکنند و عقلش را که متین یافتید باز زود فریب
مخورید تا هنگام غلبه خواهشهای نفس ببینید تابع آنها میشود یا تابع عقل و ببینید چون
است محبت او بریاستهای باطل و مطاع بودن و زهد در دنیا زیرا که میباشند بعضی که خاسر دنیا
و آخرت‌اند دنیا را برای دنیا و ریاست اعتبار ترک مینمایند … ایشان …
کو بنده از خدا بترس تکبر و حمیت و جاهلیتش که با آنکه مرتکبان شود که منع کرده‌اند و بلجاج زیاد ترکنند پس

او را تهمت بر خطبه‌ها میکنند بهانهٔ خسارت برسند آنگاه خدا منع لطف از او نموده به طغیان اندازد چون الله
میکنند هر امر را حرام میکند حلال را بر آنها ادارد هر چند در پیش وقت شود چون ریاست نبوی و سالم
که برای آن تقوی را اظهار مینماید لیکن مرد تمام کسی است که خواهش خود را تابع امر خدا نموده و خود را صرف رضای
خدا کند تا بداند که با حق و راستی که خوار باشد عزت ابد دارد و عزت باطل وفا نیست و بدانکه اندک مشقت
دنیا برای تابع حق بنعمتهای بی‌پایان او را که هرگز زوال و کهنگی ندارد میرساند که سرور دنیا متابعت هوا زود
میکشاند او را به بلاهای که انتها ندارد و اینچنین مرد تمام مردانست پس او را به متمسک شوید و به برکت او بخدا
متوسل شوید که رد نمیشود دعای او و حاجتش روا است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود یا ابا ذر
چون ببینی برادر خود را که از اهل دنیا بری شده او و بحقیقت که حکمت به تو القا میکند گفت کیست زاهد ترین
مردم فرمود کسی که فراموش نکند قبرها و پوسیدن را و ترک کند بادت دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی
و فردا را از ایام عمر خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد یا ابا ذر بحقیقت که بدترین مردم در منزلت نزد
خدا عالمی است که بعلم خود منتفع نشود و قومی از بهشت بقومی از جهنم مطلع شده گویند چه چیز شما را
بجهنم برد که ما بر برکت شما به بهشت آمدیم گویند که ما امر میکردیم و عمل نمیکردیم یا ابا ذر هر که موافقت نمود قولش
فعلش را پس او کسی است که بهرهٔ خود رسید و الا خبر نیست که توبیخ خود خواهد کرد و فرمود وای
بر عالمی که بر خواهش نفس تکلم نماید و هر کس علمش زیاده شد بیشتر از او عیب خواهد بود و در ایام هیچ عالمی بدرگاه
سلطان نمی‌آید باعتبار مگر شریک او باشد در آتش دوزخ و احادیث در منع اتیان و بر درب عالم بسیار
در مسئلهٔ دین و مذمت آن بسیار است و در حدیث عیسی علیه السلام واعظ غیر متعظ تشبیه شده
بشمع که خود بسوزد برای نفع غیر و بغیر آنکه هر چند دقیق و لطیف است بر خود نمیکند و بخالش درشتی
برای خود بکر میدارد و حق تعالی در قرآن میفرماید یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا
عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون و ترک موعظه اولی و فایده ندارد بلکه ترک اینها علم را و خیانت جرات کرده
بلکه ابتدا به موعظهٔ نفس خود نموده بارشاد مردم بپردازد و عمل مقدم بر قول است چنانکه در وصیت ابوذر
اشعار بلطیف بیان گذشت و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که مثل اهل این مردم و عظیم ترین مردم در عذاب
روز قیامت کسی است که حرف عدل گوید و خود نکند بحقیقت که علامت عالم بودن از اینها است
که پیش از مردن شیطان را سلب خواهد نمود نعوذ بالله الرحیم و در تفسیر عملی فرمود که با معرفت و

مرقوم را

و نه معرفتی را مگر با عمل بدرستی که اجزاء ایمان از هم حاصل بهم مربوط اند و مفهوم علم مقرونست بعمل پس هر که
دانست کار می کند و هر که کار کرد دانا میشود و علم میطلبد عمل را که اگر اجابت نماند والا علم هم میرود و در بعضی احادیث
است که هر که عمل کند بانچه داند حق تعالی علم آنچه نداند باو بفهماند و مؤلف گوید که بتجربه رسیده هم چنانکه
زیادتی معرفت باحوال مبدأ و معاد باعث زیادتی شوق عبادت میشود و عبادت باعث حصول قرب بمبدء و نجات از اهوال و
حسرت معاد است هم چنین بعمل بر طبق آن شوق و زیادتی آن نور معرفت بیشتر و دل منور و روشنتر میشود
بلکه از حالت سابق استغفار می کند و ترک عمل روز بروز ظلمت و قساوت دل زیاده شده بمرتبه میرسد
که مانند ارباب علوم باطله بمراتب از عوام کالانعام بی نورتر و گمراه تر و در عبادت بی بالتر و بی ذوق تر می
باشد بعلت آنکه شفا و توفیق الهی شامل هر کسی میباشد که اول نیت صحیح عمل عمل را که نفس و دل است از
لوث هوا و سیئات و کثافات و ذمایم صفات منقح و پاک نموده پاکیزه نگرداند و الا از قبیل مقویات بدن
است نسبت بباطن مریض جرم باعث زیادتی قوت مواد فاسده می گردد و از عالم وضع خویش بعلت لطیف بطرف
تدرکننده تعمق از ظرف البته بهمان قدر لطافت حال و کثافت عمل بیشتر میشود و معلوم است که عالم
بی عمل و غیر شرعی بی نیت صحیح تحصیل کرده از بهجت از غیر عالم افسرده تر اند بلکه عوام بمجالست و مصاحبت
علما و شنیدن و تتبع و ممارست آثار ائمه هدی علیهم السلام بمرتبه ارشد و صلاح میتوانند رسید
که از علما نقل مسایل دین براه هدایت و ارشاد مردم توانند نمود مانند اکثر راویان اخبار و مردم هم
از این قسم عامی میتوانند حدیث و مسئله بپرسید زیرا که هر چند از علما حفظ نکرده بتقوا ایشان کار دارند و تکلف
دخل نمیکنند اما از آن قسم عالم بی بالات نمیتوانند شنید و طریق تحصیل علم عوام که تصحیح عمل و عبادات خود را
از سعادت و تبرک علم محروم کرده اند منحصر باین نیست که در مثوبات و درجات علما شریک خواهند بود
چنانکه در حدیث مستفیض منقولست که هر که چهل صباح از عبادت خدا اخلاص ورزد خدا چشمهای حکمت
و معرفت از دل بر زبانش جاری گرداند و بسند صحیح حضرت صادق ع منقولست که هر که از امت من چهل حدیث از مسائل
دین حفظ نماید خدا او را عالم و فقیه محشور نماید و فرمود یا اباذر هیچ بنده در دنیا زاهد نشد مگر آنکه خدا
ثابت گرداند حکمت را در دل او و گویا گرداند بحکمت زبان او را و بینا ساخت او را بعیوبهای دنیا و درد و دوا
آن را باو شناسانید و بیرون برد او را از دنیا سالم بسوی دار السلام بهشت و فرمود هیچ عملی چون یقین بدرستی
نیست و بدانکه احادیث و آداب طلب علم برای خواص و عوام که مراتب آنها مو بمو مرتب مطلوب است بسیار میشود

بسیار است باید رجوع بکتب اینها نمود و حضرت صادق عم فرمایند در حدیث طولانی عنوان
بصری که طلب علم و تعلم را بیان از آنحضرت فرمود که علم بتعلم و درس خواندن نیست بلکه نوریست
که میتابد بر دل کسی که خدا میخواهد هدایت او را پس هرگاه علم خواهی بطلب اول در نفس خود حقیقت بندگی را
و طلب علم کن باستعمال آن و طلب فهم کن از خدا تا بفهماند ترا گفت کدام است حقیقت بندگی فرمود
سه چیز یکی اینکه بنده خود را در چیزیکه خدا باو داده مالک نبیند که بندگان ملکی نباشد و مال را مال
خدا دانند با آنچه فرموده صرف کنند دیگر اینکه خود را مدبر خود نداند دیگر اینکه شغل خود را در
آنچه خدا امر و نهی فرموده منحصر داند پس چون خود را مالک چیزی نداند آسان شود برو خرج در مصرفی
که خدا فرموده و چون تدبیر خود را تفویض بخدا نمود آسان شود برو مصیبتهای دنیا و چون مشغول
مشغول امر و نهی الهی شد فرصت نزاع و مباهات با مردم ندارد پس هرگاه خدا گرامی داشت بنده را باین سه
کرامت سهل شود برو دنیا و شیطان و مردم و طلب دنیا نمیکند برای تکاثر و تفاخر و طلب چیزیکه نزد
مردم است نمیکند برای عزت و رفعت ایام خود را باطل نمیگذارد بغفلت و بطالت پس این اول درجه
تقوی است و فرمود حقتعالی تلک الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة
للمتقین پس گفت مرا موعظه و نصیحتی فرما فرمود ترا به نه چیز وصیت میکنم که اینها وصیت من است مرید راه
حق را و سؤال میکنم از خدا که ترا توفیق استعمال اینها بدهد سه در ریاضت نفس و سه در حلم و سه در علم پس
پس حفظ کن اینها را و زنهار تهاون و سهل انگاری مکن اما آنها که در ریاضت است پس حذر کن از خوردن
آنچه اشتها نداشته باشی که سبب بلاهت و حماقت است و مخور مگر هنگام گرسنگی و حلال بخور و نام خدا ببر و بیاد آر
حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که پر نکرد آدمی هیچ ظرفی را که بدتر از شکم خود باشد اگر ناچار باشد ثلثی
برای طعام قرار ده و ثلثی برای آب و ثلثی برای نفس خود و اما آنها که در حلم است پس هرکه بتو گوید اگر یکی
گوئی ده تا شنوی تو بگو اگر ده تا گوئی یکی نشنوی و هرکه ترا دشنام دهد بگو اگر راست گوئی خدا مرا
بیامرزد و اگر دروغ گوئی خدا ترا بیامرزد و هرکه ترا وعده ناسزا کند تو با او وعده نصیحت و دعا کن و اما
آنها که در علم است پس سؤال کن از علما هرچه ندانی و زنهار که از ایشان بپرسی برای امتحان و تجربه و حذر کن
از عمل برای خود در چیزی و اخذ کن باحتیاط در جمیع چیزها که راهی بسوی آن یابی و بگریز از فتوی مانند گریختن از شیر
و گردن خود را جسر برای مردم مکن و فرمود طالبان علم سه قسم اند یکی طلب میکند علم را برای جهل و جدل

در علامات عالم آخرت

یکی برای کسب روزی بادنی و فریب مردم و یکی برای عمل او لهو وزی مردم است و متعرض کفتکو میشود و مجا
و دانش و علم خود را ابتدا یاد میکند و خشوع را بر خود می بندد و خدا دماغ و بینی او را بکوبد و
پشت او را بشکند دوم صاحب مکر و حیله است و با امثال خود از علما که رسد بالا دستی و زبان
درازی و گردن کشی و با اغنیا شکستگی و فروتنی مینماید چربی شیرینی ایشان را خورده دین خود را ابرا
انها ضایع کند خدا بینایی او را کور و اثرش از میان علما بر طرف و دور گرداند و سیم پیوسته غمگین
و محزونست و شبها بعبادت بیدار است و بیشتر محنت می بیند و بر کلاهکی که بر سر دارد و دثار یکی شبها
بعبادت می ایستد و با عبادت همیشه بسر ساخته از قول شد عبادت و از ... و پیوسته مشغول
دعا و تضرع است اقبال در وی کار خود کرده متوجه اصلاح خود است اهل زمان خود را میشناسد از اوثق
دوستان و برادران خود بر حذر است که مبادا دینش را فاسد کنند پس خدا ارکان او را محکم گرداند و از
خوفهای قیامت در حفظ و امان خود نگاه دارد مؤلف گوید که با اطلاع عوام بصفات عالم شرعی
در علم و عمل کما ینبغی و متابعت و موقوف برایشان حاصل میشود بمباشرت و ملاحظه صلاح او در
حالات مختلفه از رضا و شدت غضب و غفلت و شهوت و خلوت و مشاهده اوضاع و اطلاق و توضیع
و زهد در دنیا و ملاحظه عقل و انصاف و قول و فعل و احتیاط او در امر دین و فتوی و نقل حدیث و قضا
و ادای فرایض خصوصا نماز از کمال وقت و حضور قلب و عدم وسواس و مواظبت سنن مؤکده و عدم ...
و همچنین بشهرت میان خلق خصوصا عرفا که از بواطن امور مطلع میبوده باشد که از باب غرض نباشد که علما
بیشتر حسد میبرند و در این مقام اقدام عوام از هر دو طرف افراط و تفریط بسیار میلغزد اما از طرف
افراط پس هر عالمی بلکه صاحب سوادی را بیابند که در نهایت فصاحت حرف بسیار میزند بنقلهای غریب
و طرح مسائل عجیبه و حل اخبار مشکله و قصص علماء اعصار و سیر فقهاء میپردازد و گویند هست افضل
مجتهدین و همین است پیشوای اهل دین هر چند قساوت و جهالت باطن او را فروگرفته باشد و همین
افراط منجر بتفریط و باعث بی اعتقادی بعلما هم میشود و این هم از شومی علماء سوء و ضرر ایشانست
بر دین و امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که دو نفر پشت مرا شکستند دانای بد زبان و دنیا
و نادان عابد و زبانی که دانا مردم را از راه حق دور میبرد بسبب فجور و این نادان عابد که مینماید مردم را از راه
حق باز میدارد بسبب جهل پس بپرهیزید از علماء فاسق و عباد نادان متعبد که شنیدم از رسول خدا ... که علما

در مذمت عالم بی عمل

می بینند و کبر و تعصب ایشان که از راه جهل نمودند از دین و از دنیا بی بهره شدند و در آیات متوالی از این جهت
تعبیر شده بکفر و ظلم و فسق و در بعضی اخبار بضلالت و مقاومت شیطان و در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است
که آمده که هرگاه علما را تقوی پرستند که معبودی بگو مبدا امر را تا نجات یابی از عقوبت و فتوی مده بچیزی که نمیدانی
تا از عذاب دوزخ و قیامت نجات یابی و فرمود هر که فتوی دهد و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را
نداند خود و دیگران را هلاک کرده و این معنی متواتر است و ضروری دین اسلام است و حدیث است که جری
ترین شما بر آتش جهنم جری ترین شما است بر فتوی و حضرت باقر علیه السلام می فرماید که هر که فتوی دهد
مردم را بعلم و هدایت لعنت کنند او را ملائکه رحمت و ملائکه عذاب و او را رسد گناه هر که عمل کند بفتوای او و بسند
صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرماید که حذر مینمایم شما را از دو خصلت که در آنها هلاک شده هر که هلاک
شده زنهار که فتوی بر رای خود دهید و زنهار عبادت خدا نکنید بچیزی که ندانید رضای معبود در آن است با آنکه
همیشه امتیاز شیعه از سنی این بوده و احادیث کثرت و شدت لعن و طعن مفتی بغیر علم بمرتبه‌ای است که
بعضی علما قابلیت حتی ادراک فتوی و نقل مسئله شرعیه و تعلیم مردم نمیکنند اگر چه این هم بدلائل بسیار
خطا است بلکه غالب روایات عامه در باب مذکور است و سایر متوالی که اشاره با آنها شده
با احتمال کلی در این شیوه هم میکنند و حضرت باقر میفرماید حق خدا بر خلق این است که آنچه دانند گویند و
آنچه ندانند توقف و سکوت نمایند از جمله اتحاد و تصوف است که بحسب سعی علمای اهل بیت عصمت
و اعانت سلاطین خوش اعتقاد نیست و نابود شده بود تا در این اوقات بعلت فتور و اختلال و تشویش احوال و اوضاع
ایشان و اطوار قلیله مخالفان دین که ترتیب و تقویت صوفیه و ملاحده نمودند با عانت شیاطین
جن و انس از نوا ای خول بعد ازان پیدا شده و اصل این معنی و موضوع این اصطلاح طوایف کسی است
که گویند آنکه ذات حق تعالی و کنه صفت خلق او را شناختیم که او عین وجود و هستی هر موجود است
و نعوذ بالله اطوار و فساد و مظاهر موجودات بعینه مانند تشکل شمع با شکال و اهیه و صور غیر
متناهیه و ظهور آب در قالبهای مختلفه از کبیر و صغیر و طویل و قصیر و غلیظ و مثل آن از جماد و نبات
و انسان و حیوانات صور خداست و صور کاینات در حقیقت هیچ نیست بغیر خدا فانی اعتبار محض
خیالی بند راست و هر چه هست عین خدا است حق پیدا و خلق سنگ بلکه خودشان هم و خطای
امثال فرعون که دعوای الوهیت میکردند از این قبیل بوده و شیطان از ابلیس الموحدین دانسته

دانند چون خود را صوفیه نامیدند و هر که غیر این گوید نفهمیده یا تعصب و غلو تشیع ابا نموده و چون
بنای این بدعت را بر کشف و خیال صرف گذاشتند فرق متفرقه و آراء مختلفه دارند و اصل این بدعت از
مجوس و نصاری که فرقهٔ منکوسند و فلاسفه مخصوص بوده و در عهد خلفای جائر اهل ضلال بر خلاف و رغم ائمه
هدی علیهم السلام تجدید آن نموده بعضی متشیعه بواسطهٔ خلط عجایب اطوار ایشان بعقاید حقه بعضای
کوته‌مسلکان ایشان پیوسته اند و بنا کفر و مفاسد ظاهر این عقیده احتیاج به بیان نیست تحقیق مفاسد این امثله
از ظهور و تغییر ذات و بطلان تکلیف شرایع و ثواب و عقاب و غیر ذلک و فروع این مذهب و نقل حکایات که شیطان
بخواطر ایشان دمیده برای فریفتن هر احمق شقی عاصی از عناد عشق بازی و وصل امرد و هذیان خود و دست
بازی و سرود و حبناییت و رقص و سایر قبایح و فضایح و معاصی که هرگز ندیده و نشنیده و آیات
و احادیث متواتر است که در کفر و لعن ایشان و متابعان ایشان عموماً و خصوصاً بسیار است و هر
ابر و اهلیتی و دلیلی که در مذهب بدعت و افترا بخدا و رسول واقع شده در طعن ایشان صریح است
و در کتاب حدیقة الشیعه منسوب به مولانا احمد اردبیلی از چند بن سینه که یکی در زمان مصنف نوشته
شده و ذکر فرموده به سند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام که هر که صوفیه نزد او مذکور شود
و انکار و طعن ایشان نکند بزبان و دل از ما نیست و هر که انکار و طعن ایشان نماید گویا با کفار جهاد
کرده پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حدیث امام حسن عسکری علیه السلام میفرماید که خواهد آمد
زمانیکه مردم شوند دو دل سیاه باشند و در دنیا ایشان سنت بدعت و بدعت سنت و طریقهٔ پیغمبر بدعت
باشد و مؤمن ذلیل و محقر باشد و فاسق عزیز و موقر امراء ایشان جاهل و جور کننده و علماء ایشان
در درگاه ظالمان سر کننده و اغنیاء ایشان دزد توشهٔ فقیران و کوچک ایشان تقدم جویند بر
بزرگان و هر زادی نزد ایشان دانا تمیز نکنند میان مخلص و صاحب شک و نشناسند میش را از گرگ
علماء ایشان بدترین خلقند بر روی زمین که میل میکنند بسوی فلسفه و تصوف بخدا سوگند که ایشان
از حق برگشته و منحرف مبالغه نمایند در محبت مخالفان با گمراه کنند شیعیان ما و دوستان ما
پس اگر منصبی رسند از رشوه سیر نشوند و اگر معزول شوند باید که خدا کنند بحقیقت که ایشان
راه زن مؤمنان اند و دعوت کنندهٔ بشیوهٔ ملحدان پس هر که با ایشان برخورد باید حذر نماید و
ببندد دین خود را از ایشان نگه دارد پس فرمود یا ابا هاشم این حدیثیست که خبر داده مرا پدرم از پدرانش

حرمت غنا عالم بی عمل

خود از جعفر بن محمد ع و این حدیث از اسرار ما است مگر باهلش مده در صحیح از آنحضرت سؤال
از جعفر بن محمد ع از حال ابی هاشم کوفی نمودند فرمود بسیار فاسد العقیده بود و آن کسی بود که بدعت اختراع
نمود مذهبی را که تصوف گویند و آنرا وسیله عقیده خبیثه خود ساخت و بروایتی مفر نفس
خبیثه خود و اکثر ملاحده و پناه عقاید باطله خود شان ساختند و این حدیث را از قرب الاسناد
که دو واسطه با آنحضرت دارد نقل نموده و بوده که این کتاب شریف بخط مصنف بدست این فقیر افتاده و
در صحیح بزنطی که یکی از اصحاب ما است گفت بحضرت صادق ع که ظاهر شده در این زمان قومی که ایشان را صوفیه
گویند چه میفرمائی در باب ایشان فرمود بتحقیق که ایشان دشمنان ما اند پس هر که میل کند بایشان از
ایشانست و با ایشان محشور میشود و زود باشد که قومی ادعای محبت ما نمایند و مایل بایشان
شوند و خود را بلقب ایشان و صوفیه ملقب سازند و مزخرفات و اباطیل ایشانرا تاویل نمایند آگاه باش
که هر که بایشان میل نماید از ما نیست و بتحقیق که ما از ایشان بری و بیزاریم و هر که انکار و رد و طعن ایشان
کند مانند کسی است که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار جهاد نموده و شیخ مفید روایت از
محمد بن حسین که از خواص چند معصوم است کرده که بودیم در خدمت حضرت هادی ع در مسجد النبی
که جماعتی از اصحاب آنحضرت آمدند از آنجمله ابوهاشم جعفری بود که مردی بلیغ و صاحب منزلت عظیمی نزد آنحضرت
داشت بعد از آن جمعی از صوفیه بمسجد درآمدند و بگوشه حلقه نشستند شروع بذکر لا اله الا الله
نمودند پس حضرت فرمود ملتفت نشوید باین خدعه کنندگان که ایشان بتحقیق که خلیفه شیاطین اند
و خراب کنندگان اساس دین اند زهد را بهانه میسازند برای تنبلی و شب بیداری کشند برای شکار جهال چند اوراد
رقص و دست بهم زدن و از کار ایشان غنا و زمزمه کردن متابعت ایشان نمیکنند مگر سفیهان و
اعتقاد بایشان نمیکنند مگر احمقان پس هر که برود بدیدن یکی از ایشان زنده و مرده گویا بدیدن شیطان رفته و عبادت
بتها کرده باشد و هر که یکی از ایشان را یاری کند گویا یاری یزید و معاویه و ابوسفیان کرده
مردی از اصحاب عرض کرد که هر چند بحقوق شما قایل باشند حضرت غضبناک شد بسوی او نظر کرد و فرمود
واگذار این را هر کسی که معترف باشد بحقوق ما میل نکند بسوی [illegible] و عقوق ما
آیا نمیدانی که جمیع طوایف ایشان از صوفیه لعین اند و طریقه ایشان مغایر طریقه ما است نیستند ایشان
مگر نصارا و مجوس این امت جهد مینمایند بر خاموش کردن نور خدا و خدا تمام کننده نور

خود

رد مکتب از مجیبات

بعد از جواب این فایده ویش عوه ملزم و خجل برگردید والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله موقف هشتم
مجمل سؤال از عجب تنازش نخود از حال اعمال ما مانند صوفیه تا چه جزاست ما که ناشی میشود از نهایت
جهالت و شدت حمق و غفلت از اینکه هر صفتی یا عمل خیری که بتوفیق الهی موجب و تندلالت نه خود بینی
و تدلل و آگاه باید بعد از تفتیش عبادتها نماید و قطع نظر از سیئات تمامها ما را مستوجب غضب عقوبت
باید و بلها دیده باید هر چند متعبد باشد خود را از همیم قلب بتکلیف که مرتبه تقصیر راند و
اینها بنشود و مگر بتفکر صادق در بدی و تقصیرات خود بالطاف نامتناهی و نعمتهای الهی و تضرع و
زاری چنانکه در احادیث وارد شده که بسیار بگو اللهم لا تجعلنی من المعادین ولا تخرجنی من حد
التقصیر و در صحیح حضرت باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که حق تعالی
میفرماید که اعتماد نکنند عمل کنندگان بعبادت خود بتحقیق که اگر عمرهای خود را بجهد تعب
اندازند در عبادت من مقصر باشند در طلب آنچه در نزد من است از کرامت و نعیم و درجات رفیعه
ولیکن برحمت من اعتماد نمایند و بفضل من امیدوار و بحسن ظن بمن مطمئن باشند که در این حال
رحمت من دریابد ایشان را منم الله رحمن و رحیم و این نام منست و بروایت دیگر فرمود هیچکس
باستحقاق و عمل خود داخل بهشت نخواهد شد بغیر تفضل الهی گفتند تو هم یا رسول الله فرمود
منهم و فرمود یا اباذر بتحقیق که حقوق خدا از آن عظیمتر است که بعبادت بان قیام توان کرد و نعمتهای
خدا زیاده بر اینست که توان شمرد ولیکن هر صبح و شام توبه کنید یا اباذر بدرستی که بنده حسنه
میکند و بران اعتماد می نماید و گناهان را حقیر میشمارد تا روز قیامت که وارد میشود بر خدا
و در او غضبناک است و بنده گناه میکند و از آن در حذر است پس روز قیامت نزد خدا آید
ایمن و با امان و بروایتی فرمود عابدی چهارصد سال عبادت کرد و سؤال کرد که قبض روح او
در سجده شد و روز قیامت فرماید ببرید بنده مرا به بهشت برحمت من پس گوید بعمل من گو
فرماید حساب او را بکنید پس نور بصرش بر همه اعمالش زیاد آید فرماید ببرید او را بجهنم بعدل من
گوید توبه کردم پس فرماید او را داخل بهشت کنید او را و حضرت صادق علیه السلام میفرماید عابدی بعد
از چهل سال قربانیش قبول نشد که باتش بسوخت پس خود را ملامت و توبیخ نمود که تقصیر همه از
نفس تو و گناه خود است پس وحی شد که مذمت نفس در درگاه ما بهتر است از عبادت چهل ساله تو

در مذمّت تکبّر است

و در احادیث بسیار است که خوف گناهکاران بهتر از عجب عابدان است و در حدیث صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید
که خدا دانست که گناه برای مؤمن بهتر از عجب است و الا هیچ مؤمن را نمیگذاشت که بگناهی مبتلا شود هرگز
و فرمود که هر که عجب داخل او شد هلاک شد و فرمود که حق تعالی هیچ عملی از کسی که عجب و اعتماد بر عمل خود دارد
بالا نمیبرد و فرمود وحی شد بداود که بشارت ده گناهکاران را و بترسان صدیقان را گفت چگونه
فرمود بشارت ده گناهکاران را بتحقیق که قبول توبه و عفو گناه میکنم و بترسان صدیقان را که عجب نکنند و
اعتماد بعملهای خود نکنند که هیچ بنده نیست که باز دارم او را برای حساب مگر آنکه هلاک شود و از رسول
خدا منقول که فرمود که موسی علیه السلام با ابلیس گفت خبر ده مرا بگناهی که چون آدمی کند بر او غالب
و مسلط میشوی گفت وقتیکه عجب دارد و عملش را بسیار پندارد و گناهانش را کوچک شمارد
مترجم گوید که چون شیطان از اغوای خواص بمحرمات و ترک عبادات و اخلاص عاجز ماند
در کمینگاه عقبه عجب میرسد و افساد تمام اعمال ایشان میکند که بدترین عجبها خوب پنداشتن کار بد
است چنانکه حضرت کاظم علیه السلام در خصوص همین اشاره میفرماید در آیه قل هل ننبئکم
بالاخسرین اعمالا یعنی بگو آیا خبر دهم شما را از زیانکارترین مردم اینها که گمراه و ضایع شد سعی
ایشان در دنیا و پندارند که خوب کاری میکنند اینها و بدانکه عجب در غیر عبادت نیز مذموم
است چنانکه در باب کبر و ریا می آید و در حدیث حسن از عقبه مرویست که گفتم بحضرت
باقر علیه السلام من فلان با حسب کننده فرمود چه منت بر ما میگذاری بحسب خود بتحقیق که خدا بلند کرده است
بایمان کسی را که مردم پست نامند و پست کرد بکفر کسی را که شریف دانند کسی را بر کسی زیادتی
نیست مگر بتقوی و در اخبار بسیار وارد شده که اصل حسد عجب است موعظه بدانکه کبر
که خوار و خوار کننده ترین صفات ذمیمه و اول خطاها و منشأ اکثر گناهان کبیره و موجب
رسوائی و شقاوت دنیا و آخرت است بخلاف تواضع چنانکه حضرت صادق علیه السلام میفرماید
که وحی شد بداود علیه السلام که چنانکه دوست ترین مردم بسوی من متواضعانند و همچنین دورترین
مردم از من متکبرانند و در حدیث صحیح فرمود که خدا دو ملک گماشته که هر که تواضع کند بلند کنند و هر که
و هر تکبر نماید پستش نمایند و این متواتر است و مجرب و در موثق فرمود در جهنم وادی
است برای متکبران نامش سقر شکوه نمود بخدا از شدت گرمی اذن یافت و نفسی زد که جهنم سوخت

در مذمت تکبر است

و در حدیث صحیح حضرت سجاد علیه السلام میفرماید عجب است از متکبر فخر کننده که دیروز نطفه بود و فردا مردار خواهد
شد و در حدیث حضرت باقر علیه السلام باسناد معتبر هست که منادی و جبال مینمایند که چه مرد او میشود
و رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشت بر جمعیتی گفتند دیوانه است از صرع و جنون حرکتها میکند
فرمود مبتلا است و مجنون کسی است که بتکبر و عجب راه رود و پشت سر میبیند و نظر با معصیت مردم از
شر شر ایمن نباشند و امیدوار بخیر او نباشند این است دیوانه و در احادیث بسیار است که کبر و بزرگی
کبریای خداست هر که با او منازعه کند بیندازد او را از مکرستی و خواری خدا او را برو در جهنم اندازد و هر که
ذره از کبر در دل داشته باشد داخل بهشت نمیشود مگر آنکه از آن توبه کند و بحدیث نبوی هر که بقدر خردلی کبر
در دل دارد خدا او را بر روی در آتش اندازد و فرمود متکبران محشور خواهند شد بقدر مورچه
و پامال میکنند ایشان را مردم تا خدا از حساب مردم فارغ شود و فرمود تکبر و تجبر نمیکند هیچکس مگر آنکه
ذلتی در نفس خود می یابد و پرسیدند از ادنی مرتبه الحاد فرمود تکبر ادنای آنست و علامات این صفت
شوم بسیار است از آنجمله تحقیر مردم خصوصا فقرا و آنکه خود را و عرض و خون خود را بهتر داند چنانکه در
حدیث نبوی صلی الله علیه و آله واقع شده دیگر قبول نکردن حق و طعن بر اهل آن در مسئله و حکم و موعظه
هر چند از ضعیفی باشد و باحادیث بسیار این دو فرد اعظم افراد کبر است و زینت خانه و جامه و امثال
بقصد تفوق و تعزز و ترفع و تواضع و توقع از مردم و حرام است و طلب بالا نشینی بقصد غیر
صحیح و کراهت اعمال که منافی و فقر و خوب نداند و احادیث در این مضامین روایت شده و علامات
دیگر هم بسیار است و الحق و اشد آنها عصبیت است و بعض یابد از آنکه اکثر ناس بلکه خواص که از اعتراف آن
استنکاف دارند از کبر و عصبیت و در صحیح حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله
ذکر فرمود که هر که تعصب نماید با دیگری برای او تعصب نماید و راضی باشد بحقیقتکه رشته ایمان از گردن
در آمده و هم آنحضرت ذکر فرموده که هر که بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد خدا او را با اعراب جاهلیت
محشور فرماید و حضرت سجاد علیه السلام فرمود از عصبیت آنکه قوم خود را بر ظلم یاری کند نه آنکه
قوم خود را دوست دارد در حدیث نبوی است که متواضعان را تواضع کنید و متکبران را تکبر و بحدیثی هر دو
صدقه و هبا و ... علامات تواضع که بحدیث ماوی بهتر از عبادات است تنها بدون مرتبه خود
و ابتدا بسلام هر که برسد و بحدیث سر تواضع است و ترک جدال اگر چه بر حق باشد و ادا و حقوق مردم بقدر .

در مذمت کبر است

توقع از ایشان و بر تقوی و زهد و عجب خواهش مدح نداشتن و علم و ادب و عمل و اسباب و بضاعت خود
و بینی کردن کفش خود چنانکه در اخبار تمثیل واقع شده و بحدیث منقولست که بیتیم پوشید و بر الاغ سوار
شود با مساکین بنشیند از کبر نجات یابد و امام حسن عسکری ع میفرماید که تواضع برای برادران مومن
نزد خدا از صدیقین و خواص شیعه است و عظیم ترین ایشان نزد خدا کسی است که بحق برادران مؤمن داناتر باشد
و حرمت ایشان را بیشتر دارد سبب آنکه از اقوای علامات کبر حب ریاست است بهر وسیله که باشد خصوصا با
آخرت که بدتر است و بحدیث مشهور هر که طلب دنیا کند بعمل آخرت هیچ بهره در آخرت نخواهد داشت
مانند تدریس و قضا و امامت و واعظی و قراءت بقصد ریاست لهذا حضرت صادق ع میفرماید که
ملعونست هر که ریاست بپری خواهد و ملعونست هر که اراده آن نماید و ملعونست هر که آنرا
بخاطر گذراند و بخدا سوگند که پشت سر هیچکس صدای کفشها برنخواست مگر که هلاک شد و هلاک
گردید و در صحیح محمد بن مسلم فرمود پندارید نمیشناسم خوب و بد شما را بلی والله که بدترین شما کسی
است که میخواهد از پی او راه روند و حضرت باقر ع میفرماید طلب ریاست مکن و تابع هر کس هم مباش
و مغرور بواسطه ما که فقیر شوی مگو در چیزی که خود نمیگوییم که بتحقیق که روز قیامت بازداشته و سوال
کرده خواهی شد بالجمله حضرت صادق ع میفرماید ضرر دو گرگ درنده بیشتر نیست در گله بی شبان
از ضرر ریاست طلب بدین مسلمانان و در چند حدیث معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که یا اباذر هر که خواهد که مردم در برابر او بایستند جای خود را در جهنم مهیا داند و فرمود چون
روز قیامت شود از جانب خدا ندا رسد که کجایند ظالمان و اعوان ظالمان و هر که لیقه در دوات ایشان
گذاشته و یا سر کیسه برای ایشان بسته یا مدد با ایشان داده همه را با ظالمان محشور کنند و فرمود هر که
تازیانه حاکمی یا ظالمی بردارد خدا آنرا ماری گرداند روز قیامت هفتاد گز و مسلط گرداند بر او در
جهنم و فرمود هر که ملازم سلطان شود مفتون گردد و بقدر قرب پادشاه از خدا دور گردد و فرمود نزدیک
نشد بسلطان هیچکس مگر آنکه از خدا دور شد و بسیار نشد مال کسی مگر آنکه حسابش زیاد شد و بسیار نشد
و زیاد نشد تابعانش مگر آنکه زیاد شد شیاطینش زنهار حذر کنید از درگاه سلطان و تابعان او که بدترین
ترین شما است بخدا و هر که اختیار کند سلطان را بر خدا خدا او را در عمل حیران گرداند و فرمود
امیر نشود کسی بر ده نفر یا زیاده مگر آنکه در قیامت دست او را بگردن بسته در برابر آورند اگر ظلم نکرده باشد

در مذمت یأس از رحمت خدا

١

کشانیدند الاغلال بر او نهند و عذاب افزایند بعد از آن بکنار جهنم برند و در روز حکومت هزار سال حبس نمایند و فرمود
اول کسی که وارد جهنم میشود امیر مسلطی است که عدالت نکند و غنی که مال خدا را ندهد و فقیری که فخر و کبر کند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع فرمود هیچ جباری نیست مگر مؤمنی با او میباشد و خدا با او دفع شر او از شیعیان
میکند و بهرهٔ آن مؤمن در آخرت کمتر از همهٔ مؤمنان خواهد بود بعلت مصاحبت آن جبار و فرمود اعوان
ظالمان در آخرت در سرادقات از آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق فارغ شود و حضرت امیر المؤمنین ع در
بنوف که وصیت مرا قبول کن و نقیب و نبی و سرکرده و چاکر و عشار و تماچی مباش که پیغمبر صلی الله علیه و آله
شبی نظر کرد باسمان و فرمود که این ساعتی است که دعا رد نمیشود مگر دعاء اینها و حضرت کاظم ع میفرماید که چهار
چیز دل را فاسد و قساوت و نفاق میرویاند چنانکه آب درخت را عنا رویاند شنیدن لهو و بهتان گفتن و بجانب پادشاه
رفتن و شکار رود و در خصوص علما که ورع نورزند در احادیث وارد شده که بیکی از سه عقوبت مبتلا شوند
صحبت حکام و رستاق و جوان مرگ شدن موقوف همراه باو خود نمائی و سمعه و رعونه سؤال
کنند و آیات و روایات در شدت و عقوبت این عمل شوم زیاده از حد و حصر است و هر ریائی
شرکست بخدا و آیات و روایات در این معنی بسیار است و هر غرض غیر الهی که اراده کند داخلی در عمل بهم
از اهدان عمل شریک خدا قرار داده و اجماع علما و عقلا است و هر عملی که برای خدا خاص و خالص
نباشد خدا قبول نمیکند بلکه مراتب از عهدهٔ تکلیف در نیامده و آنچه بعمل آورده مأمور به و مطلوب
خدا نبوده چنانکه میفرماید که وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین بلکه عبادتی چنین موجب عقاب
عظیم خواهد بود چنانکه حضرت صادق علیه السلام ذکر میفرماید که اجتناب کنید از ریا کاری که شرکست
و در روز جزا ریاکار را بچهار نام خوانند یا کافر یا فاجر یا عاصی یا خاسر حبط باطل و ثواب عملت برطرف شد
و در صحیح حضرت کاظم علیه السلام از آنحضرت ذکر فرموده که حق تعالی روز قیامت جمعی را بسوی جهنم امر کند
و بمالک خطاب فرماید که بگو آتش را که بسوزاند پاهای ایشان را که بمسجد ها میرفتند و بسوزاند رویهای ایشان را که
وضو کامل میساختند و دستهای ایشان را که بدعا برمیداشتند و بسوزاند زبانهای ایشان را که قرآن بسیار
میخواندند پس مالک گوید ای اشقیا با این اعمال چه کرده که موجب دوزخ شده اید گویند اعمال خود را
برای غیر خدا میکردیم امر شد که بگیرند مزد خود را از کسی که برای او کار میکردید
و حضرت باقر علیه السلام از آنحضرت ذکر فرمود که هر که برای مردم نماز کند مشرکست و در زکوة و روزه و حج

وهم امام الهی چنین فرموده دو صفت ابی ذاتست که فقیه و دانا نمیشود کسی تا مردم را از رحمت
الهی مأیوس نسازد و جرأت انکار دیگر در عبادت خوف و رجا بنظر ایشان درود و یار ملازمت کردن در آن
ندارد و دین برکرده و نفس خود را از همه حقیر تر شمارد بدانکه ریا که از اعظم معاصیها است که باید هرکس خود را
بان بیازماید که ریا از مهلکات است دقیق مبادا در وی دخل بیشت که خفی تر از اثر مور سیاه است بر سنگ
سخت در شب تاریک بسیار غایب بلکه عارفی که ریا کند در ترک ریا بلکه بترک ریا مثلا هم بیشت که هرگز
باطن و نیت خود را نیکو و خالص کند نکند و چنین روزی که خدا خوبی ورا بر خلق ظاهر کند والا نکند
او را ظاهر کند لا انداخت علی برای خدا زیاده از آن بر خلق ظاهر شود و تقیبها و بیداریهای شبها بر بادر نظر
جمعی که منظور بوده سهل نمایند آیات و اخبار در این معنی بیشمار است پس کسی که برای طمع اول یا خوف ثانی یکان
خود ترک ریا کند ریا کرده و داعی بر ترک ریا که افضل عبادت است غیر خدا بوده و نیت همان داعی است که
از دل طرا رده نه آنکه از خارج متکلف کند زبان و بدل بپسبانی از عالم کسی که بطمع مالی نماز کند و
بزبان گوید که اصلی قربة الی الله یا ابرابد لکن زانکه کسی نگوید که امثال این احادیث برای چه است
زیرا که مفاد آنها ترک ریا است نه برای غیر خدا مثل اخبار سابقه و بدانکه ریا در غیر عبادت هم مذموم
بلکه کبیره از اکبر کبایر است چنانکه در خطبة الوداع است که هرکه بنائی سازد برای ریا و سمعه و
شهرت روز قیامت تا هفت طبقه از زمین طوق شود در گردن او از آتش که شعله کشد پس او را انداختند
در جهنم چه پرسید ندا از ریا ی بانی فرموده زیاده بر کفاف یا برای مباهات و فخر و هرکه املا میکند برای
غیر الله خدا مثل آن از حرارت و ریم جهنم و اطعام را آتش کرده اند در شکم تا از جا که بر دم بیرون آید و هرکه
لباسی پوشد و فخر نماید در آن فرموده خدا او را بجهنم و قرین قارون باشد که او چنین کرد و هرکه زنی
خواهد حلال از مال حلال اما بقصد فخر و ریا نیز باید خدا او را بدین سبب مگر مذلت و خواری یا نیم
دارد بقدر نعمتی که از او برده بر لب جهنم تا هشتاد سال بعد از آن فرو میبرد در جهنم و بروایتی امیرالمؤمنین
میفرماید هرکه کاری کند برای مفاخرت خدا او را روسیاه محشور گرداند موقف یازدهم و دوازدهم
مورد سؤال از یاس رحمت نامتناهی و امن عذاب الهی که هر دو بر وفق آیات متکاثره و بر طبق روایات
متواتره از اکبر کبایر بوده و سبب غضب پروردگار در وعنو قاهر است و هریک باعث سستی و ترک عمل
مشود بوده و قرآن شدید نیز لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون افأمنوا مکر الله فلا یأمن مکر

الله الا القوم الخاسرون و باید که خوف و رجا هر دو در اعلا مرتبه باشند پس البته مساوی خواهند بود
و لهذا مانند سایر حالات نفسانیه کسب میشود و مگر بکمال تفکر در الطاف غیر متناهی و دوام تذکر آیات
و وسعت بحار رحمت و فضل الهی یا تامل و تدبر در سیئات و ناسپاسیهای خود و شدت انتقام جبار
و صعوبت عقوبت قهاریه و تتبع و مواظبت آیات و احادیث مشوقه و مخوفه حالا در باب رحمت
و رهبت در مقدمه بعضی از آنها مذکور شد که در بیان ثمره خوف و رجا و امتیاز رجا از غرور و خوف از یأس
کافیست و حضرت صادق ع فرمود که امیدوار بر گناه ایمن نشسته است از مکر الهی و گناه باید روی عفو محال است
و تاخیر توبه بعضی فریب است و طول تسویف و پس انداختن توبه و تدارک و اهمال حیرت و سرگردانیست و ذکر
فرمود از وصیتهای لقمن بفرزند خود که از خدا چنان بترس که اگر ثواب جن و انس داشته باشی ترا عذاب خواهد
کرد و چنان امیدوار باش که اگر با گناه جن و انس بیائی گناه او را رحم خواهد کرد پس فرمود پدرم که
هیچ مومنی نیست مگر در دو نور در دل او هست نور خوف و نور رجا که هم سنجیده باشند و فرمود که
مومن با ایمان نمیشود تا خائف و امیدوار نباشد و خائف و امیدوار نمیباشد مگر آنکه البته
کاری کند که ایمان باعث ترس و امید میشود و فرمود هر که خدا را شناخت از او میترسد و ترسیدن بنا
رغبت میکند و فرمود از خدا چنان امیدوار که ترا بر نافرمانی او جرات ندهد و چنان بترس که از رحمت او
مایوس نکند و فرمود در حکمت آل داود که یا بن آدم چگونه سخن هدایت گوئی که از مستی گناهان هشیار
نشده صبح نموده در لذت با قساوت و فراموش کرده عظمت پروردگار خود را اگر با پروردگار دانا
بودی همیشه از او ترسان بودی و بوعدههای او امیدوار بودی بیچاره فرزند آدم چرا بخاطر نمیآوری لحد خود را و
تنهائی خود را در آن مکان و در وصیت الهی است که خدا فرمود جمع نخواهم کرد بر بنده دو خوف و دو امن را
پس اگر در دنیا از من نترسید ترسانم او را در روز قیامت و اگر از من ترسان است ایمن گردانم او را در قیامت
یا الله در تحقیق که بنده عمل گناه میکند و گناهانش در قیامت پیش روی او است پس گوید من ترسان بودم از آنها باین سبب
خدا او را میآمرزد یا آنکه بسا کسی که گناه کند و پشیمان داخل بهشت شود و فرمود آن گناه برابر دو
چشم او است همیشه از آن توبه میکند و به پناه خدای عزوجل میگریزد تا آنکه باعث داخل بهشت
میشود و فرمود در حدیث دیگر که در حسابم بگیر کار من را بحساب آید که با ادعای شرم ندارم که معصیت من
نمودی پس بیامرزید او را و بگو آنگاه خدا امر نماید و از مراتب سوال نماید که گوید

پروردگارا گفتم تا آنکه از جفای دنیا بر من جفا کردند یاران و اولاد من و در بیماری اهل و عیال من و در قبض
روح ملک الموت و در قبر منکر و نکیر و در قیامت دیدم و گمان نداشتم که اینها جفا می‌کنند اینها پروردگارا
نخواهد کرد مگر همه چون امر فرمودی مرا با آتش گفتم الحال هلاک شدم پس حق تعالی فرماید من در حسن
ظن بندهٔ خود بودم پس گمان نکند بمن آنچه خواهد بر او کنم ترا بخشیدم و در روایت دیگر فرمود آخر کسی که بجهنم برند
نگاهی بعقب نماید بعد از آن او سؤال نماید که بدای پروردگار من تو این گمان نداشتم آنگاه فرماید
ای ملائکه من بعزت و جلال خود دم که یکساعت از عمر گمان نیکو بمن نداشته و الا با آتش نمی‌رسانیدم
او را با این دروغ به بهشت برید پس فرمود که هر که حسن ظن بخدا دارد بگمان او با او عمل میکند پس
این آیه را خواند ذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین و حضرت باقر علیه السلام
فرمود که در کتاب علی هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر فرمود بحق آنخدائیکه بجز او
خدائی نیست که هیچ مؤمنی عطای نشد خیر دنیا و آخرت مگر بحسن ظن و گمان نیکو بخدای خود و
خوشخوئی و معاشرت مردم و ترک غیبت مؤمنان و با آنخدائیکه غیر از او خدائی نیست که عذاب نخواهد کرد
مؤمن را بعد از استغفار و توبه مگر بعلت بدگمانی و کوتاهی در امید به پروردگار خود و بدخوئی و غیبت
مؤمنان با آنخدائیکه سوای او خدائی نیست که هیچ بندهٔ گمان خود را بخدا نیکو نکرده مگر آنکه خدا
موافق او با او میکند برای آنکه او کریم است و جمیع خیرات بدست او است و حیا میکند از آنکه بندهٔ گمان نیکو
مؤمن خود را باطل ساختن امید و پس نیکو کنید بپروردگار خود گمانرا و رغبت نمائید باو
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حسن ظن بخدا آنست که بغیر او امید نداری و نترسی مگر از گناه خود
حضرت رضا علیه السلام فرمود که حق تعالی فرموده من نزد گمان بندهٔ خود هستم اگر گمان نیکو بمن دارد با او عمل میکنم
اگر بدگمان است سلوک من هم با او بد است و در روایت سابقه هرجا از اینها واقف ... کرده و ...
مرده موقوف و محبوس مانده بهزار سال با بشارت و نکال و کال ... تا بعد از آنچه حکم فرماید حق تعالی
مقصد یازدهم در ذکر صراط و میزان و تفصیل عقبات صراط و عقوبات آن ... و الم ...
تحقیق میزان مجملی گذشت که در بعضی اخبار ائمه علیهم السلام که صراط راه معرفت و عبادت الهی
و سبب نجات ... اعمال ایشان و متابعت ایشان است تعبیر بمیزان شده و در حدیث حضرت صادق علیه السلام
فرماید که والله علی است صراط و میزان و صراط المستقیم در قرآن ایشان مرادند و ...

متواتر است ولیکن مراد اینست که ولایت و اطاعت ایشان در آن تکلیف صراط مستقیم است و در دنیا چرا
هم باعث تنها کذشتن میشود از پل صراط که همان معبر باشد که ابتدا از محشر بسوی بهشت خواهند بود
و چه بودن صراط یعنی معبر مذکور عبارتست از اطاعت ائمه ظاهر بر آن معنی محتمل و منافات ظاهری
ندارد بخلاف میزان چنانکه ابن بابویه از مفضل روایت نموده که پرسیدم از حضرت صادق ع از صراط
مستقیم فرمود آن راهیست بسوی معرفت الهی و صراط است یکی در دنیا و یکی در آخرت و اما صراط در دنیا
امام مفترض الطاعه است هر که او را شناسد در دنیا و پیروی هدایت او نماید بگذرد بر صراطی که
جسر جهنم است در آخرت و الا قدمش بلغزد و بر رود در آتش جهنم افتد و قریب به همین از حضرت امام حسن
عسکری ع روایت نموده والله اعلم و در روایت ابن مسعود از امیرالمؤمنین ع بعد از سنجیدن اعمال
بمیزان امر میشود بر این خلایق بسوی پل صراط که کشیده میشود بر بالای دوزخ تا بجانب بهشت که بجای
اسنانها استاد نموده باریکتر و از شمشیر تیزتر و هر روز فرو روند در جهنم بقدر چهل هزار سال و زبانه‌های النار
بدو طرف کشیده و هفت جسر است و در هر کدام عقبه است سه هزار ساله راه هزار سال بالا رفتن و هزار
سال راست و هزار سال نشیب بیست قول خدای عز و جل ان ربک لبالمرصاد یعنی که پروردگار تو با
جمیع مردم در کمینگاه است که کار آنها یعنی کمینگاهی که فرموده کمینگاه صراط است و حضرت باقر ع می
فرماید که چون نازل شد این آیه وجیئ یومئذ بجهنم تغییر یافت از رسول خدا ص پرسیدند فرمود خبر داد مرا جبرئیل
که چون خداوند جلیل اولین و آخرین را در محشر جمع نماید امر فرماید تا جهنم را بمحشر در آورند و آن را بکشند هزار
مهار و هر مهار را صد هزار ملائکه غلاظ و شداد که جهنم فریاد کند از خشم بر گنهکاران و حمله کند
چون بان مهار را بیند فریب کشند که اگر خدا حفظ نکند همه از شدت هلاک شوند نکاه کردنی کشند
که جمیع اهل محشر را فرو گیرد در اثنا الحیج بنده نماند نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر همه فریاد برآورند که
نفسی نفسی و تو فریاد برآوری که امتی امتی پس صراط را بر روی جهنم گذارند از دم شمشیر باریکتر و در آن سه قنطره
باشد یکی صله رحم و امانت دیگر نماز سیم عدالت خدا در مظالم عباد آنگاه مردم را تکلیف نمایند که از
صراط بگذرند پس اگر قطع رحم نکرده و خیانت در امانت ها و پیمانهای الهی شکسته باشند بنجا باشند
و هر که از آنجا بنجات یابد نماز ایشان را نگه دارد و هر که نماز تقصیر نکرده بگذرد در مظالم عباد باز میدارند
و سؤال میکنند چنانکه میفرماید ان ربک لبالمرصاد و مردم بر صراط میروند بعضی چسپیده اند و پای بعضی

می‌گیرند و ملائکه دور ایشان فریاد می‌کنند که ای خداوند بردبار بیامرز ایشان را و درگذر از گناه ایشان
و بفضل خود با ایشان سلوک کن و بسلامت ایشان را بگذران و مردم می‌ریزند از صراط بر جهنم مانند پروانه
پس چون کسی برحمت الهی نجات یابد و بگذرد گوید الحمد لله که مرا نجات داد بعد از آنکه مأیوس شده
بودم بتفضل و احسان خود بتحقیق که پروردگار ما آمرزنده و جزا دهنده است و حضرت صادق علیه السلام
می‌فرماید عبور مردم بر صراط متفاوت است بعضی چون برق جهنده و بعضی چون اسب تندرو و بعضی
چون پیاده که راه رود و بعضی چون طفل خود را بر زمین کشد و بعضی آویخته که آتش پاره
ایشان را بگیرد و در گذرد بعضی بدن او و بعضی بر رو در افتاده در میان آتش جهنم نعوذ بالله والمستعان
از غفلت این عقبات پر وحشت و غفلت کردن از فرصتی که در دست داریم از تدارک اسباب نجات از انقلاب
آن هنگام پر دهشت حقا که اگر مؤمنی تفکر نماید بجای آنست که زهره‌اش شکافد چنانکه جمعی که به
جای آنکه مشغول لهو و لعب و طرب باشند چنانچه در احادیث بسیار است که هر که یقین بجنت و صراط دارد
شاد نباشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرماید که عجب دارم از کسی که یقین دارد بآتش جهنم را
چرا می‌خندد و فرمود بابا ذر صبح میکند مؤمن در دنیا محزون و غمگین و چگونه حزین و غمگین
نباشد و حال آنکه بتحقیق خداوند جبار وعده فرموده که او وارد جهنم خواهد شد چنانکه فرموده
وان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیا ثم ننجی الذین اتقوا ونذر الظالمین فیها جثیا یعنی
نیست از شما احدی مگر آنکه وارد جهنم خواهد شد و این امریست جزم و قضا کرده شده لازم بحکم پروردگار
کار تو یا محمد بعد از آن پرهیزکاران را نجات داده و ستمکاران را در آن فرو خواهیم گذاشت از شدت هول
بزانو در آیند و وعده نفرموده که از آن نجات خواهند یافت یا نه یعنی نمیدانند که با تقوی و پرهیزکاری
وارد خواهد شد یا نه و ورود یا بمعنی دخول است چنانکه در اخبار بطرق عامه از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست و لیکن بر مؤمنان سرد و سلامت خواهد بود بلکه آتش فریاد میکند که بگذر ای مؤمن
که نور تو شعله مرا فرو نشاند و بروایتی هفتاد هزار ساله راه از او دور شود یا بمعنی مشرف شدن از بالای
آن یا حضور بکنار آن چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقول است زیرا که از همه خلایق مؤمن و عاصی و فاجر باید
جهنم و بر صراط خواهند رسید و مؤمن هم باید که از جسرها که بر متن دوزخ برابر کشیده شده بگذرد
بر هر نفسی که استیلای آتش بلای مؤمن بیشتر نبود از سبب اما از حفظ ایمان بیشتر که عبارت از آنست

در سؤال نمودن از ایمان

مؤمن مشوش مباش منقولست که چون این آیه نازل شد حضرت از کمال حزن و اندوه قامت مبارکش بی حد خم
تا زمین شد بدر خانه رفت و بهیچ محل هوا خوان و فرمود بعلی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
که امشب را بیدار کنید و اطاعت نمائید و روهای خود را بر خاک نهاده دعا کنید که پروردگار ترحم
فرماید بر امت محمد را در این حال جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد چون ایشان سرها بر زمین گذاشتند و
گفتند یا رب ملائکه هفت آسمان بجهت افتاده گریان شدند حق تعالی میفرماید برادر تو چیست حضرت
فرمود میخواهم بدانم که با امت من چه خواهند کرد در آتش خدای عز و جل وحی فرمود آنچه کردم با خلیل
خود که گفتم یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم پس اینست معنی قوله ثم ننجی الذین اتقوا الی آخر الآیه و
این آیه مؤید قول مفسرانست که تقوی در این آیه معنی پرهیز از کفر است و از این جهت یا اندهم روضات و جنات
خرم و شاد است مترجم صنّف قول در ذکر نجات عفی اولی بروایت اولی سؤال از ایمان خالص خواهد
شد و بروایت ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ولایت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
سؤال خواهد شد و هر دو یکی خواهد شد که در ایام فرصت دنیا کسب ان نموده با امنیت داخل جنت
بلکه ایمان عبارتست از تصدیق یقین و اذعان قلبی بآنچه خدا فرستاده و پیغمبر آورده از امور
دروغ دین و اخلاص و مشوب نساختن بعقاید فاسده و اعمال قبیحه کاسده و حق تعالی صریحا در قرآن
فرموده بلکه قسم یاد نموده که جمیع مردم داخل جهنم خواهند شد سوای مخلصین چنانکه ذکر میفرماید
از شیطان که فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین یعنی سوگند بعزت تو که گمراه خواهم
کرد همه را مگر بندگان خالص تو را قال فالحق خدای عز و جل و جوابش فرمود که راستی گوئی
این خواهی کرد والحق اقول و راست میگویم لاملان جهنم منک و ممن تبعک منهم اجمعین البته پر خواهم
کرد جهنم را از تو و از هر که پیروی تو نماید و این کلام پر وحشت چنانکه میبینیم صریحست در اینکه غیر
مخلصین همه مردم بجهنم خواهند رفت و من اصدق من الله قیلا کیست راستگوتر از خدا شیطان
گمان خود را راست کرد گمان داری که حق قسم خود را خلف نخواهد فرمود پس کسی که اعتقاد
بقول خدا و رسول دارد و عذاب الهی جهنم خواهد باید که تحصیل اخلاص نماید و بخدا سوگند که
ممکن نیست مگر بعلما و متعلمان او و بی تعلیم و دلیل است که هر که ملاقات نماید خدا را با شهادت
ان لا اله الا الله باخلاص و شناخته کرده باشد بآن چیزی دیگر را داخل بهشت خواهد شد پس

در سؤال عموم و اخص نمازست

برخواست حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و از اخلاص سؤال نمود فرمود دلی که حرص بر دنیا
و میل او از غیر حلال و طول امل در دنیا و رضا بان و فرقی که قول خود را بان گویند و عمل بآن کنند پس هر که ملازمت
کند خدا را و از این خصال نداشته باشد لا اله الا الله گوید پس برای او است بهشت و برای کسی که اینها
و ترک امر کند آتش جهنم است و بروایت امیرالمؤمنین ع نفعی نخواهد داد گفتن مگر اگر او و هر دو بی
فایده است مگر با اخلاص و هر سه بیفایده است مگر با سنت و طریقه پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت
رضا ع فرمود که مکرر امیرالمؤمنین ع میفرمودند خوشا حال کسی که خالص کند برای خدا عبادت و
دعا را و مشغول نسازد دل خود را بچیزی که ببیند چشم و فراموش کند یاد خدا را بچیزی که بشنود گوش
او و محزون نشود سینه او بچیزی که بدیگری عطا شده و آنحضرت اول بر عمرو عاص ظفر یافت و نکشت
بعلت آنکه بخشم و اب دهن بر حضرت انداخت از توهم شوب غضب صبر نموده با خلاص بقتل او و برای حضرت
و در حدیث داود ع که چون دید صراط باریکتر از مو و برنده تر از شمشیر با خارها و تاریکیها
گفت کدام قدم براین ثابت خواهد بود وحی شد بده که من حکم و قضا کرده ام که ثابت نشود مگر
پای کسی که بیاید با لا اله الا الله خالص بر سبیل اخلاص فرمود عمل بطاعت من و فرمان من کن تا او
بیمار شد از خوف و حضرت فرمود در دنیا خلاصی از عقوبت عقبه دوم که از نماز نخواهند پرسید
پس اگر درست بعمل آورده فایض و ناجی خواهد بود بدانکه بفرموده خدا و رسول و اتفاق اهل
وفاق و ارباب عقول نماز بهترین اعمالست و صفا موز با مال و اعمال که بی قبول این هیچ
عملی مقبول نیست و نور چشم پیغمبران و آخر وصیتهای ایشان و کفاره گناهان و قرب و ستون
دین و معراج مؤمن بعالم نور و یقین و وصل عارفان بقرب و صحبت رب العالمین که حظ و
بغرستاده ارباب قلوب سلیم زاد شد و لذت در دنیا و عقبی یا لا اثر از این در عقبی علیها مقصود
نیست و توهم نشود که حدیث مشهور خیر الاعمال بالنیات باقتضای عمل با این منافاتی ندارد
بلکه هر دو مؤید یکدیگرند زیرا که نماز با آداب حضور قلب و طهارت باطن که با آیات و احادیث متواتره
و اجماع بدون آنها نماز بی مقبول نیست البته و سزاوار ترین اعمالست بلکه نماز نیز تمام هم که لااقل
همت بی منظور هست استثنای ندارد که مشکلترین عملها باشد زیرا که از جمله شروط ایمانی
علم بمسائل او است از مقدمات و کیفیت طهارات مرتبه با نجاسات و مقارنات و مخارج حروف و احکام

در سؤال نمودن از نماز

سهو بعضی علما و معدودی از منقطعین با ایشان و سایر مردم همگی از این محروم اند و از فضیلت
طهور و زینت و جامه و کسی که تقیید آنها کنند یعنی که حقوق خدا و رسول و فقرا و سادات و سایر مردم
در آن باشد چگونه نماز او صحیح و جزم برائت الذمه نموده خواطر شان جمع میشود که روز حساب اول
از نماز خواهد شد لهذا و التفات خواهد داد و حال آنکه می بیند در دنیا او را از فحشاء و منکر باز نمی
دارد و خدا میفرماید ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر پس این نمازی نیست که خدا فرموده خدا ایشان
از خواب غفلت بیدار کند و از مستی غرور و جهالت هشیار کند جهال را توهم آنکه نماز همان کج شد نیست
مثل آن مدبر بگو حی علی خیر العمل را از اذان انداختند که مبادا سلطنت شوش و تزلزل شود و در صحیح معاویة بن
وهب است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از محبوب ترین اعمال و نزدیکترین عبادتها بسوی خدا فرمود بعد از
معرفت عملی را بهتر از نماز نمیدانم نمی بینی که عیسی علیه السلام گفت و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا و فرمود
که والله که بسیاری از عمر شان پنجاه سال میگذرد حق تعالی یک نماز از ایشان قبول نمیکند آیا کدام چیز از این
بدتر میباشد والله که شما می شناسید از همسایه و مصاحب خود جمعی اگر از برای یکی از شما نماز بکند قبول
نخواهید کرد پس حق تعالی قبول نمیکند مگر نیکو را پس چگونه قبول میکند چیزی را که سبک شمارند
و فرمود چون بنده نماز را سبک کند خطاب شود بملائکه آیا نمی بینید بنده مرا گویا پندارد که قضا
حاجت او بدست غیر منست یعنی تعجیل میکند که از پی کار خود برود و ابو بصیر از آنحضرت پرسید که آیا
حور العین از طلبهای دنیا است یا آخرت فرمود ترا چه کار است با حور العین بر تو باد بنماز که آخر چیزی
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت و تحریص بآن فرمود نماز بود که زنهار هیچ یکی از شما سلب
نکند و سلب نشمارد نماز را و ابتدا آن که در جوانی از اتمام و کامل خواهد کرد و نه در پیری بر اکمال او قوت
خواهد داشت و هیچ دو چیز بدتر از دزدی نماز خود نیست و میباید در قیام راست و درست بایستد
و در رکوع خوب خم شده ترک طمانینه نکند و همچنین در سجود و در سر برداشتن نیکو راست شود و در
سجود اعضا را از هم دور دارد و فرمود عبادت و بندگی خدا اینست که خدمت و فنای در زمین و هیچ
خدمتی مانند نماز نیست از این جهت ملائکه ذکر را وا دیر آیند ا گویند و بلحاظ اینست نماز کننده را سه
خصلت است چون بنماز می ایستد ملائکه با و احاطه می کنند از محل قدم تا آسمان و نیکوییها نثار او
می کنند از آسمانها تا فرق او و ملکی موکل او است با و ندا میکند که اگر این مصلی بداند که با که مناجات میکند و

در بیان ثواب نماز

میگوید هر که از نماز فارغ شود منقولست از رسول خدا صلعم که چون آدم نافرمانی کرد خداوند فرمود
که ای آدم دور شو از جوار من نمیباشد کسی که نافرمانی من کند آدم گریست پس حق تعالی جبرئیل ع را بسوی او فرستاد
تا او را بدو زمین فرستاد و رنگ او سیاه شد ملائکه بر حال او گریستند چنانکه صداهای ایشان بگریه
بلند شد که خدا تعالی او را آفرید و از روح خود با او دمید و مسجود ملائکه فرمود و به یک گناه سفیدی او را
بسیاهی مبدل فرمود پس حضرت آدم امر فرمود که هر یک از پنج نماز سیاهی از آنحضرت برطرف شد پس
جبرئیل گفت که مثل تو مثل اولاد تو است که بر پنج از لوث سیئات و گناهان پاک میشوند و مرویست
از رسول خدا صلی الله علیه و آله که جبرئیل گفت که حق تعالی بعد از هیجده هزار سال از خلق من یکبار با من
تکلم فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک ربی فرمود تو کیستی و من کیستم گفتم تو خدای منی و من بنده توام
دیگر هیچ نفرمود تا هیجده هزار سال دیگر باز بعبارت ندا فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک فرمود که
باش ای بکمقدم و از کرامت و دوستی تو یا محمد شبانه روزی پنج مرتبه با امت تو مکالمه مینماید
یا محمد صلعم اگر مصلی بداند که با که راز میگوید در چه مقام میایستد هر که نزد راست و چه چیز خود را منکر و همیشه
در رکوع باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت بنده را در مقام حساب باز
میدارند اول چیزی که از او میپرسند از نماز است اگر تمام بجا آورده نجات خواهد یافت و الا در آتش
فرو میبرند و با عادیث یکی هیچ چیزی دیگر از او قبول نمیکنند و در صحیح زراره از آنحضرت ع منقول است که بتحقیق
که تارک فریضه کافر است و در صحیح از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که نیست در میان
مسلمان و کفر امر مگر ترک نماز فریضه عمدا یا آنکه سهل انگاری کند پس بکند از او فرمود که آنحضرت
دید کسی را که رکوع و سجود نماز را کامل نمیکرد فرمود مثل منقار بر زمین زدن کلاغ اگر با این نماز بمیرد
بر غیر دین من مرده و فرمود که آنحضرت در هنگام رحلت میفرمود از ما نیست کسی که نماز را سبک کند
و وارد بر من در حوض کوثر نخواهد شد بخدا و بروایت حضرت صادق ع فرمود نخواهد رسید شفاعت من
فردای قیامت کسی که تاخیر کند فریضه را تا وقتش بگذرد و احتیاطا از وقت فضیلت تاخیر نباید کرد البته
و بعضی علما وقت اختیاری نماز همان وقت میدانند پس هر قدر ممکن باشد از وقت مذکور تاخیر نکرد و بروایت
دیگر فرمود نماز بمنزله ستون است هرگاه تمام میکرد و هر چیز از پیش اکمل فایش کماست و فرمود
ترک کننده آن با کننده بی علم تفاوتی ندارد و بقول بعضی علما نماز باطل کننده بدعت است اگر تارک نماز را شناسا

در سؤال غوث از نماز

که قضا نماید کسی بکند بخلاف او که باعتقاد باطل خود نماز صحیح کرده و خود را مقصر ندانند و فرموده اند
همیشه شیطان مست و ترسان مومن را میدارد تا بوقت نماز بوجه احسن محافظت می نماید و چون ضایع کرد
جرات بهم میرساند بر او و او را در گناهان عظیم می افکند و فرموده ضایع مکنید نمازهای خود را بدرستیکه
ضایع کننده نماز روز قیامت با قارون و هامان محشور می شود و بر خدا لازم است که او را با منافقان بجهنم
برد پس وای بر کسی که محافظت نکند بر نماز و سنتهای آن حضرت رضا از آبای کرام خود از آنحضرت روایت کرده که
متهاون و کاهل نماز را حق تعالی پانزده عقوبت نماید شش در دنیا اول آنکه برکت از عمر او ببرد و برکت از
عمر مال و جمیع اعمال خیر و عدم استجابت دعا و بی نصیب شدن از دعای صالحان و سه در هنگام
مردن شدت نزع و تشنگی و گرسنگی و سه در قبر غم و درد و دراز و ظلمت و فشار تا قیامت و سه در روز
قیامت اول حساب شدید دویم بغض الهی و ترک نظر رحمت و تکلم خدا با عذاب دردناک سیم حشر او همانند
حیوانات بیابانی داخل جهنم شود بحدیث فرموده هر که اهانت کند بنماز تا ملعنه با لعنه کویا همه
پیغمبرا کشته که اول آن آدم صفی الله و آخر شان محمد صلی الله علیه و آله باشد بحدیث دیگر فرموده
ندارم که بمیرد بهود یا نصاری یا مجوسی و فرموده بکسی که روسنتی فرموده که نماز را سبک شمرد ممکن که
دین اسلام بر وی مهلک دید و بدانکه بدکه تارک نماز شکی نیست بزنا و سایر محرمات نماند چنانکه در
صحیح است که از حضرت صادق پرسیدند که چرا شما زانی را کافر نمی دانید و تارک نماز را کافر میدانید
فرمودند زیرا که زنا و مانند آن برای غلبه شهوت علت می کنند و کسی نماز را ترک نمیکند مگر بسبب
شمردن آن زیرا لذت و احادیث شقاوت و کفر و شامت نماز از حد و حصر بیرون است و هم چنین
کسی که نماز را باطل بجا آورد چنانکه مکروه می کو رشد و اهتمامی که در قرآن در خصوص نماز شده در هیچ
فریضه نشده و بعض علما هزار و شش صد و شصت آداب در نماز شمرده اند و در این مقاله باشاره باسم ابواب
باسم بهر ده آن اکتفا مینماید از جمله محافظت اول اوقات چنانکه حضرت صادق می فرماید که چون نماز در
در وقت اول گذارد محافظت او آن نماید بالا رود سفید و پاکیزه و کوید حفظ نمودی مرا خدا ترا حفظ نماید
و در حدیث دیگر فرمود که ترد خدا برای او عهدی خواهد بود که بان داخل بهشت شود و اگر بی وقت گذارد
و محافظت نکند بالا رود سیاه و تیره و کوید مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع کند و فرموده نماز فریضه را
که میکنی بدوقت آن کن و نماز وداع کن که کویا آخر نماز تست که میسر می نکرد و منقبت بان بنابی اخبار در

تاکید اول وقت بعضی آن برای غیر مضطر بسیار است بلکه جمعی از علما با خبر وقت فضیلت را بدون
عذر حرام میدانند بعضی ابها در روضه هشتم از حسنات بتقریب نقل دیگر بیان دوزی قیامت مذکور
است و از جمله حضور قلب و اقبال دل بجناب اقدس الهی که روح نماز است و احادیث وارد شده که قبول نمیشود
از نماز مگر آنچه با حضور قلب باشد نصف آن یا ثلث آن یا ربع آن و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد
هست که بعضی نماز را اگر هیچ حضور قلب در آن نیست مانند جامه کهنه بر هم پیچیده بر روی صاحبش
میزنند و فرموده اند نماز مکن در سستی و نیز بسیار گرسنه و نیز بکسالت و خواب آلوده و نیز باستعجال بلکه
بآرام تن و وقار و خشوع دل و اقبال و باید چنانکه در حدیث نبوی ص واقع شده همه اعضا و جوارح
ساکن باشد مگر چشم و لب خود را باز دو رکعت معتدل با تفکر بهتر است از نماز یکشب که با بیحضوری باشد
و در حدیث حضرت صادق ع میفرماید بحقیقی که هیچ مؤمنی نیست که بدل خود اقبال کند بر خدای عز و
جل در نماز و دعای خود مگر آنکه بر او اقبال کند و اقبال فرماید دلهای مؤمنان را و تبدیل بتقویت
نماید با محبت ایشان او را بهشت از امیر المؤمنین ع ذکر فرمود که مکلف گوشه چشم خود را از محل موضع
سجود و در حدیث حضرت صادق ع این زیادتی هست که اگر از آن در طرف راست و چپ نگریست البته نماز را
نیکو نکرده و ابن ابان که در برابر که ایستاده کسی بجهت او نمود چون بنده در نماز ملتفت شود
یعنی بچشم یا بدل ندا کند خدای عز و جل کای بنده من بسوی که التفات میکنی آیا بکسی که بهتر از من است
برای تو و چون سه مرتبه مرتکب چنین بی ادبی شود بر میگردد از حق تعالی از او و دعا و اقبال و نظر رحمت را
و منکر رضای او و هرگز از رسول خدا ص ذکر فرمود که نماز مکن و حال آنکه چیزی از بول و غایط در خود
باشی و اخبار در این باب بسیار است و در صحیح کرده مثل پیچیدن خبا است ... و فرمود که گریه کردن در نماز
روشنی چشم است بجا آوردن نماز را بکن از زبان و فضایل گریستن و مذمت قساوت قلب به هشتم در حسنات به
تفصیل اهل نجات مذکور است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که نماز دزدی بدتر از کسی که تمام نماز
رکوع و سجود را با علی حد بیشتر بین و بدترین از نماز خود دزدیده است که ارکانش را ناقص کند باسانید
معتبره از حضرت صادق ع منقولست که دو رکعت نماز از متاهل بهتر از هفتاد رکعت و بروایتی بکر یعنی نماز
یکشبانه روز عزب است و از رسول الله صلی الله علیه و آله منقول که بهتر از عبادت عزب که شبها بعبادت ایستد
و روزها بیشتر روزه باشد و فرمود خواب او بهتر از عبادت عزب است و فرمود هیچ مسلمانی نیست که

در سؤال

و اگر در ذریهٔ او عبادت خدا کنند مکرر برای او مثل اجر ایشان باشد تا قیامت و بحدیث نبوی صلی الله
علیه و آله اراذل مردگان عزبانند و بروایتی مرده‌های شما ... الا از برادران شیاطین
هستی و از حضرت امام رضا منقولست که یک نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد نماز بی آن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در مسواک و عمامه هم چنین وارد شده و در بار نماز بعضی احادیث امر از عمامه
است و بعضی از فضیلت نماز با حضور مسجد در صبح هفتم و صبح هشتم ... است
در ذکر نجات از عقوبات سیم عقبات که بر راه است بعد از زکوة و چنین سوال خواهند کرد و از کمال اهتمام
هم بها در کلام ملک علام تالی اول ارکان اسلام ذکر شده که بعد از نماز اعظم ارکان و اهم پایهای ایمان
است و سبب ... خصوص زکوة شمرده اند و آیات در مبالغه و تاکید زکوة و کفر و شقاوت و مفاسد و
شامت ترک و تاخیر آن بسیار است و در روضه دوم گذشت که تا دادن هر فریضه کافر است و در صحیح
صادقه مسموعه باید هر که نگه دارد یک قیراط از زکوة را مؤمن نیست و مسلمان هم نیست در هنگام
مرگ سوال خواهند کرد رجوع بدنیا و این کلام خداست حتی اذا جاء احدهم الموت و ترجمه ظاهرش این
است که چون یکی از ایشان را مرگ در یابد گوید پروردگارا بر گردان بدنیا شاید عمل صالحی بجا آورم
در مالی که برای وارث واگذاشتم و زکوة خود را بدهم و فرمود که نماز او مقبول نیست و فرمود خواهد
مرد یهودی و خواهد مرد نصرانی یعنی از مسلمانی بهره ندارد و از آن حضرت منقولست که بتحقیق
که مانع زکوة در آتش است اگر چه طاعت خدا کرده باشد هزار سال و بروایتی عبادت عیسی بجا
آورده باشد و هر وقت او ... دعا کند یا رحیم استغاثه نماید حق تعالی فرماید
اسکت یا ... در بعضی احادیث فرماید که من از تو بیزارم و او بمنزلهٔ ... دنیا ... خدا و از بهشت
و در صحیح فرمود که ... امید است که ... برای فقرا مقرر فرموده کافی نیست البته زیاده میکرد
و هر ... که بفقرا میرسد ... حقوق ایشان است و فقرا محتاج نمیشدند و گرسنه و
برهنه نمی‌ماندند مگر بسبب گناه و تقصیر اغنیا و حق ثابت است بر خدا که منع کند رحمت خود را از هر که
منع حق خدا نموده در مال خود و در صحیح فرمود که دو خون است در اسلام که حلال است از جانب خدا که حکم
نمیکنند با آنها کسی تا خدا قائم ما اهل بیت را مبعوث نماید و او حکم خدا را جاری نماید زانی محصن که سنگ
سارش خواهد کرد و مانع زکوة را گردنش را خواهد زد و در صحیح فرمود ... صاحب ... که

در شؤم منع زکوة

که زکوة مالش را حبس کند مگر آنکه حق تعالی او را حبس کند در روز قیامت در زمینی لغزنده و اژدهایی بر
او مسلط کند که موی سرش از شدت حرارت و حدت زهرش ریخته باشد و او از ایشان
گریزان شود و چون ببیند که خلاصی ندارد دست خود را بدم او دهد پس بدندان دست او را
مانند ترب شکسته در گردن او چون طوق و آتش بپیچد و این است معنی قول خدا تعالی سیطوقون
ما بخلوا به یوم القیمة و نیست صاحب چهارپایی که بازدارد زکوة او را مگر آنکه بازدارد خدا او را در روز قیامت
در زمین صاف لغزنده و او را پامال کند هر حیوان صاحب سمی بسم خود و هر صاحب دندانی بدندان
و نیست صاحب باغ و زراعتی که منع زکوة کند مگر آنکه حق تعالی طوق سازد برای او تا هفت طبقه
از زمین تا روز قیامت و فرمودند که مانع زکوة را ماری که موی سرش ریخته باشد طوق او شده
از دماغ او خواهد خورد و بسند صحیح حضرت باقر ع اژدهایی از آتش طوق او شده میگزد گوشت او را
تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در روایات سابقه را باین تفسیر نموده اند و روایات در تعذیب مانع حق
خدا در مال بسیار است ما همه متعلق است الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها الا امر اینکه
بلکه بظاهر این مطلق ذخیره کردن مال دنیا بقصد خیر عقوبت خواهد داشت و قصه مشهور
ابی ذر با عثمان هم موید این است و لا اقل حسرت عظیم خواهد داشت که چرا پیش برای خود نفرستاده
و در حدیث فرمود نیست کسی که درهمی از مال حق نگه دارد مگر آنکه در غیر حق دو درهم خرج کند و فرمود
زکوة نداد کسی مالش کم شده باشد و منع نکرد کسی که مالش زیاد شده باشد و این مکرر بتجربه رسیده
و فرمود هیچ مالی ضایع نشد در دنیا در صحرا یا در دریا مگر آنکه بضایع کردن زکوة و هیچ مرغی شکار
نشده مگر بتضییع تسبیح خود و حضرت باقر ع میفرماید که حق تعالی زکوة را قرین نماز فرموده است
که اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة پس هر که نماز کند و زکوة ندهد گویا نماز نکرده و در حدیثی از رسول خدا
صلی الله علیه و آله نقل نموده که در مسجد فرمود که برخیز یا فلان و یا فلان پس تا پنج نفر را اخراج نمود و
فرمود بیرون روید از مسجد ما و در آن نماز مکنید و حال آنکه زکوة نمیدهید و در روایتی دیگر فرمود که هر که
زکوة نمیدهد چون بمیرد هر عضوی از اعضای او ماری و عقربی و بابته از آتش گذاشته شود و
بروایتی حضرت صادق ع فرمود که ... شدند الخیانت و امانت زکوة نکنند
بقحط و بلا مبتلا شوند و حضرت کاظم ع میفرماید هر که زکوة مالش را تمام بیرون نکند و بمستحق آن

در سؤال نمودن از خمس و زکوة

سؤال نخواهند کرد که از کجا کسب این مال کردی و بچه صرف نمودی رسول خدا صلعم حق تعالی حاجتهای دنیا و آخرتش را
روا کند و نرسد باو شدتهای روز قیامت و با پیغمبران داخل بهشت شود و در فضایل اطلاق صدقات و حقوق با
جمیع مال و عدم انفاق و سبق زکوة یا منزل و حضرت صلعم میفرماید که هر که اهل زکوة باشد بکیرد مثل کسی باشد که
زکوة ندهد بدانکه اهل زکوة کسیست که فقیر باشد و گناهان او بیرون نکرده باشد یا توبه کرده باشد
و از بدترین گناهان کذائی و آداب نماز و دین خود و تعلیم نکرفته است تا هر وقت که زکوة بر غیر مستحق
دهد چنانست که زکوة نداده چنانکه در نماز باطل کنند در عقوبت مانند بی نماز است بدانکه منع خمس
مثل منع زکوة است بلکه بدتر و حضرت صادق ع میفرماید که بدترین مردم در شدائد روز قیامت
هنکامیست که صاحب خمس برخیزد و کوید بخداوندا خمس خود را میخواهم و فرمود که یکی از شما درهمی میارد
و من قبول میکنم و حال آنکه از غنی ترین مردم مدینه ام و غرضی ندارم مکر پاکی شما و ابو بصیر بحضرت
باقر ع گفت که مردم چه آسانی بجهنم میروند فرمود بلی چنین است درهمی از مال یتیم میخورند و بجهنم میروند
و ما یتیمیم که خمس ما را نمیدهند و جمعی از اهل خراسان بخدمت حضرت امام رضا ع آمدند که خمس را بر ما حلال
کردان حضرت فرمود که محالست و چه محالی پیش کرفته اید بزبان اظهار دوستی میکنید و نمیخواهید بدهید
حقی را که خدا برای ما مقرر فرموده هیچ کس از شما را حلال نمیکنم و سه مرتبه تکرار فرمود و در صحیح حضرت
باقر ع فرمود از حضرت امیر المؤمنین ع که اکثر عالمیان هالک و اهل جهنم اند بسبب شکم و فرج چون حق
ما را از خمس نمیدهند و حضرت صاحب الزمان صلعم در بعض فرامین صحیح بشیخ مفید در جهاد و از فتنهای
آخر الزمان میفرماید بتحقیق که هر یک از برادران دینی که از خدا بترسد و بیرون کند آنچه بر ذمه او
است از مستحقین ایمن خواهد بود از فتنه و هر که بخل ورزد با آنچه خدا باو عطا فرموده از کسی که امر
بصلهٔ او فرموده پس بلا رسیده که باین سبب با تکار دنیا و آخرت خواهد بود و اکر شیعهٔ ما اجتماع بوفای
عهد میکردند البته تاخیر نمیشد از ایشان شرف خدمت و میمنت برکت ملاقات ما و زود فایز میکشتند
بسعادت مشاهدهٔ کثیر البرکات ما پس دور نداشته است از ایشان مکر آنچه بما میرسد از چیزی چند
که مکروه و از ایشان ناخوش میداریم و قبول نمیکنیم پس میباید عمل کنید هر یک از شما شیعیان با آنچه او را
مقرب میسازد بمحبت ما و باید اجتناب نماید از آنچه او را نزدیک میکرداند بکراهت و غضب ما پس بتحقیق که
امر ظهور ما ناکاه و بی خبر خواهد رسید هنکامی که نفعی ندارد و توبه او و نجات نخواهد داد او را از عقاب

با پشیمانی

در سؤال از روزه

با پشیمانی بر تقصیر و ندامت و درو صف محمد ما مرید شما نجات از عقوبت عقبهٔ چهارم است که موضع سؤال
از روزه است و آن زکوة ابدان و دوری شیطان و سپر روز قیامت از آتش دوزخ است و باحادیث متواتره
پایهٔ سیم ارکان ایمانست و در صحیح گذشت که تارک الفریضه کافر است و روزه بعد از زکوة اهم فرایض است و
فضایل آن بسیار و فواید آن در تسهیل سلوک طریق آخرت بسی دار القرار بیشمار و نزد اهل بصیرت از اهلبیت نبوی
عالم نور و سهل ترین عملیست که رهرو را بمقام بهجت و سرور ممتاز است از سایر عبادات بعلت دوری از ریا و آفات
چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت باقر علیهم السلام از جناب قدس الهی ذکر میفرمایند که روزه مخصوص من
و جزای آن بر من است و فرمود روزه دار در عبادت است تا غیبت مسلمانی نکند هر چند در خواب باشد و فرمود
بآن خدایی که جان محمد در قبضهٔ قدرت او است که بوی دهن صایم که خوش میاید نزد حق تعالی البته
خوشبوتر از مشک است و فرمود خدا ملائکه را موکل و مقرر فرموده بدعا برای روزه داران و جبرئیل مرا خبر
داده از جانب الهی که امر نکردم ملائکه خود را بدعای کسی مگر آنکه مستجاب کنم و فرمود که وحی کند خدا بسوی
حافظان عمل که منویسید بسبب روزه داران بندگان تا عصر گناهی و فرمود روزه سپریست از آتش و
هر چیزی را دریست و در عبادت روزه است و فرمود روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه
پشتش را میشکند و دوستی برای خدا و اعانت هم بر عمل خیر بر داد آن صالح اثر او را بر طرف میکند و
استغفار رگ گردن او را قطع میکند و هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدنها روزه است و فرمود یک روزه تنها
از بهشت ثواب نه عاجزانند ملائکه و خدا او را و پدر و مادر او را بیامرزند و در حدیثی فرمود آیا خبر دهم شما را
بچیزی که شیطان بسبب آن دور شود از شما بدوری مشرق از مغرب عرض کردند بلی فرمود روزه و فرمود
جاری میشود شیطان از مجاری اکل و شرب در بنی آدم پس تنگ کنید مجاری او را بگرسنگی و تشنگی و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند خواب روزه دار عبادت است و سکوتش تسبیح و عملش مقبول و دعا
مستجاب و در حدیثی نفس او تسبیح و کلامش صدقه و در تفسیر استعینوا بالصبر والصلوة فرمودند چون
شدتی و بلای روی نماید باید روزه بگیرد و صبر روزه است و فرمود آیا خبر دهم شما را بابواب خیر که
روزه است که سپریست از آتش و فرمود هرکه روزه خود را پنهان کند حق تعالی میفرماید بملائکه که بندهٔ
من پناه آورده بمن از عذاب من پناه دهید او را و ملائکه را موکل گرداند بدعای روزه داران که همی
نماید ملائکه را بدعای کسی مگر آنکه مستجاب میکنند و فرمود در شاهت کرمها برای خدا روزه بگیرد پس

تشنگی باو برسد حق تعالی هزار ملک بر او موکل گرداند که مسح و پاک کنند روی او را و بشارت
دهند تا وقت افطار خدا فرماید چه بسیار پاکیزه است بوی تو و روح تو ای ملائکه من شاهد باشید
بتحقیق که امرزیدم او را و از رسول خدا صلعم مرویست که هر که یکروزه سنت بگیرد خدا او را داخل بهشت
گرداند و در روایت دیگر واجب شود برای او مغفرت و هر که یکروزه پنهان بگیرد از ثلث ثواب او ملائکه
عاجز شوند و حق تعالی ورا با والدینش بیامرزد و حضرت صادق علیه السلام فرمود قیام لیل کنید بدن
خدا طعام و شراب بهشت هر روزه دار از اد خواهش و احادیث و فضایل روزه عموما و خصوصا
در کتب عمل مسطور است و بروایت شیخ معتبر حضرت باقر علیه السلام میفرماید مؤمن هر گاه شب
بقیام و روز را بصیام بگذراند گناهی بر او نوشته نمیشود و کاهی بر نمیدارد و نکویی مگر که
حسنه برای او ثبت شود و اگر این روز بمیرد روز محشر او را بعلیین بالا برند و اگر زنده باشد تا افطار
کند او را در زمره ابرار بنویسند بحدیث نبوی صلعم که بیهقی فرموده از جمله خصال روزه است که از
گوشت حرام و قرب الهی و کفاره گناهان آدم علیه السلام و سهولت موت و گرسنگی و تشنگی روز قیامت و برات
از جهنم و اطعام طیبات بهشت و فرمود خوشا حال کسی که تشنه یا گرسنه باشد در راه خدا ایشانند
که روز قیامت سیر نه و بروایت صدوق حضرت امام رضا میفرماید که قلم بر صائم جاری نمیشود
تا افطار نماید مخفی نماند که اجماع اهل عقل و ارباب قلوب بر طبق آیات و بر وفق روایات متحقق است
براینکه جوع و صبر بر گرسنگی و تشنگی که یکی از فواید روزه است سر جمیع فضایل است و منشای
تأثیر کل رذایل است زیرا که اسباب جهالات و دواعی رعونات و سیئات و طرق شهوات و غفلات
و مجاری شیطان و آفات و موانع خیرات و قبول طاعات و اجابت دعوات بالتمام منحصر است در شبع
و کدورت خواطر و غفلات و ظلمت دل و امثال آنها بلکه پرخوری و شبع باعث اینها است بالبدیهه چنانکه
منقول است از جناب رسول خدا صلعم که هر که مال الله تعالی خود باشد پس بتحقیق که صاحب مال الله اکل الخلایق
صائمه کشنده روزه و مجاهده نمائید با نفسهای خود بجوع و عطش بتحقیق که اجر آن مثل اجر جهاد فی سبیل الله
است بدرستیکه هیچ عملی نزد خدا محبوب تر نیست از گرسنگی و تشنگی و فاضل ترین شما و بروایتی نزدیک
ترین شما نزد خدا روز قیامت کسیست که گرسنگی و تفکر او بیشتر باشد و دشمن ترین شما بسوی
خدا هر پرخوار و پرخوابست و فرموده که بدرستیکه حق تعالی با ملائکه مباهات میکند بکسی که کم است خوراک او

در سؤال از مظالم

یعنی وضو و غسل و تیمم بظاهر روایات ابن مسعود از امیر المؤمنین ع احتمال دارد رفع حدث و رفع خبث
و طهارت باطن باشد و رفع حدث وضو و غسل و تیمم است که شرط افضل صحت ارکان ایمانست
و سایر عبادات و همچنین در رفع خبث و نجاسات ظاهر است و تفصیل آنها و کیفیت ازاله هر یک که
علم آنها بر هر کس واجب است عنقریب در رقعه مسطور است که طهارت باطن که شرط قبولست نماز بلکه
شرط تمام صحت نماز باطن است عبارتست از تطهیر و تصفیه دل از لوث معاصی و توبه و از کثافات رذایل
بتهذیب اخلاق بنحویکه در عقبه ها گذشت **روضه هفتم** در ذکر شدائد آخرت و صعوبت عقبات
عظیم العقوبات روز جهانسوز قیامت که از مظالم عباد سؤال خواهد شد و اگر معدودی که از عقبات
حقوق الهی نجات یافته باشند انجا موقوف خواهند شد بشومی حق الناس که با سیاه چنانکه حضرت صادق
علیه السلام در تفسیر ان ربک لبالمرصاد میفرماید قنطره ایست بر صراط که نمیگذرد از آن هیچ کس با
مظلمه و در حدیث صحیح از جناب اقدس الهی ذکر فرموده که بحقیقت قسم که نمی خواهم گذاشت مظلمهای بندگانرا هر چند که
باشند و در صحیح از رسول خدا ص روایت فرموده که حذر نمائید از ظلم که ظلمات روز قیامت است و از
امیر المؤمنین ع روایت فرموده که هر که از قصاص ترسد باید که باز ایستد از ظلم مردم و فرموده آدمی هر چه کارد
همان را درود نه از تلخ شیرین و نه از شیرین تلخ و در صحیح فرمود که هر که نگهدارد حق مؤمنی را حق تعالی او را نگه
دارد روز قیامت بر سر دو پای پانصد سال تا عرق بریزد از او رودخانها و ندا کنند از جانب خدا که این
ظالمیست که حبس کرده حق مؤمن را انگاه او را سرزنش میکنند تا چهل سال پس امر میشود بسوی جهنم و
فرمود هر که چیزی از مال برادر مؤمنش تصرف کند بظلم پاره از آتش روز قیامت برای خود کسب کرده
است و در صحیح حضرت باقر ع از رسول خدا ص روایت کرده است که پیوسته خدا او را روی رحمت گردانیده
و اعمال او را دشمن دارد و بر کارهای خیر ثواب ندهد تا توبه نکند و مال او را رد نماید و در صحیح فرموده هیچ
مظلمه بدتر نیست از مظلمه که یاوری ندارد بغیر از خدا و حضرت باقر ع میفرماید که پدرم هنگام رحلت
مرا بسینه خود چسبانید و فرمود وصیت میکنم ترا بانچه پدرم مرا وقت وفات وصیت نموده و
فرمود که پدرش هم چنین با و وصیت فرموده که زینهار زینهار بپرهیز از ظلم کسی که بغیر از خدا یاوری نداشته
و فرموده هر که ظلمی بکسی کند البته خدا او را بگیرد در جانش یا مالش و فرمود ظلم بر سه قسم است ظلمیکه که نه
می بخشد خدا و آن شرکست و ظلمی که می بخشد و آن ظلمیست که کسی بخود کند میان خود و خدا و ظلمیکه وا

نمیگذارد

در سوال از مظالم عوض

همینکه از دیوان مظالم خلق است نام و حضرت امیر المؤمنین ع در خطبه فرمودند ایها الناس بتحقیق
که گناهان بر سه قسم است مغفور و غیر مغفور و میان خوف و رجا اما مغفور گناهی است که صاحب
شده بود آن در دنیا و خدا کریم تر از آنست که دو بار عقاب کند بنده خود را و گناهی که نبخشیده میشود
مظالم عباد است بدرستی که حق تعالی چون آشکار او ظاهر کرد برای خلقش یعنی برای قیامت کلام الهی
ناشر و بی پرده خواهد شد قسم یاد کند بعزت و جلال خودم سوگند که نخواهد گذشت از ظلم هیچ ظالمی که
چه صبح کفی که کشیده دستی باشد قصاص خواهد گرفت از حیوانات شاخدار برای بی شاخ تا باقی نماند
کسی را بر کسی حقی و مظلمه بعد از آن بر میانگیزاند ایشانرا برای حساب و سیم گناهیست که خدا پوشیده
بر خلقش و توبه با و روزی نموده پس همیشه ترسان از گناهان خود و امیدوار برحمت پروردگار است
و فرمود بدبختی شما است برای روز قیامت تعدی و ظلم بر مردم و فرمود ای گروه شیعیان ما از خدا بترسید
حذر کنید که مبادا هیزم آتش جهنم شوید تا فرمود بتحقیق که هیچ مؤمنی نیست که ظلم کند برادر مؤمن
خود را که شریک او است در ولایت ما مگر آنکه سنگین کرده از خدا در این آتش غلها و زنجیرها و وزرها
و خلاص نخواهد فرمود مگر بشفاعت ما و بسبب شفاعت او نخواهیم کرد مگر بعد از آنکه شفاعت او
نمائیم نسبت به برادر مؤمنش پس اگر عفو کرد از او شفاعتش خواهیم کرد والا طول خواهد کشید مکثش در
آتش و فرموده در وحی علی ع است که بد ابتدا دعای هیچیک از شما را مستجاب نمیکنم که تا مظلمه احدی
در نزد او هست و در حدیث است که طالب از شیطان بمال اغوی کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله
ابا فرمودند از نماز بر میتی که دو درهم مشغول الذمه بوده تا سید الوصیا ضمانت و الا همت خود گرفت و
در حدیث معتبر فرمود که چهار کسند که آزار بر اهل جهنم میرسانند بآزاری که خود دارند و از حمیم جهنم
بخورد ایشان میدهند و فریاد واویلا و واثبورا میکنند یکی در تابوتی از آتش و یکی و دیگری دهان ایشان را
میکشند دیگری چرک و خون و ریم از دهانش بیرون میآید و دیگری گوشت خود را میخورد رجال هر یک را پرسند
که عمل این بدبختان چه بوده که اینها از ما میکنند اول را گویند که مرده و مال مردم در گردنش بوده
و چیزی هم نگذاشته که حق مردم را ادا کنند دویم پروا از بول نکرده سیم سخن بگرد از مردم می شنید حکایت با
تقلید مینمود چهارم گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمود هر که حق مسلمانی را حبس کند خدا بکشاند
روزی او ببرکت و هر که را نکنند ردادن حق کسی هر روز گناه عشاری برایش نوشته شود و در باید دیگر فرمود

در سؤال نمودن از مظالم

پنج نفر در دوزخ در خانهٔ باشند که دوش را بگیرند و راهی ندارند که آواز هم بشنوند مگر از دعا
نال کرفته‌اند اضافه دهد و متاع قوی که حرفها را بشنوند و او میان قوی و ضعیف تفاوت دهد کسی
که اهل خود را کار دنیا اموزد و بطاعت الهی نفرماید و حابس کننده مزد اجیر و بروایت حضرت باقر علیه السلام
فرمود عظیم ترین خطاها غصب مال مسلمانان است فرمود که کناه‌کارترین مردم نزد خدا کسی است که بناحق
کسی را بکشد یا بزند و فرمود هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در روز قیامت استخوانهای او را
از هم بپاشد و آتش را براو مسلط کرداند و او را غل کرده بجهنم اندازند و فرمود شما را مغرور نکند حال
کسی که دست بخون مسلمانان کشوده بتحقیق که او را کشنده است که هرگز نمیرد و آن آتش جهنم است
فرمود هر که دست بمؤمنی زند که او را ذلیل کند یا چیزی با او واقع سازد که کراهت از آن داشته باشد
بلکه براو لعنت کنند تا او را راضی نماید و توبه کند حق تعالی فرمود هر که بندهٔ را ذلیل کند کویا اعلان نبرد با من
مبارزت و محاربه نموده و فرمود هر که نظری کند بمؤمنی که او را بترساند خدا او را بترساند روزی که پناهی
بغیر سایه رحمت او نباشد و فرمود بحق آنکه مرا بحق فرستاده که اگر جمیع اهل آسمانها و زمینها راضی
یا شریک باشند بخون مسلمانی حق تعالی همه را باتش اندازد و فرمود که هر که قاتلی را جا دهد بر او است
لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق و هیچ عملش مقبول نشود و حضرت باقر میفرماید که اول چیزی که خدا در
آن حکم خواهد نمود در روز قیامت خون مسلمانانست اینها سبیل کرفته تا آخر جمله از آن حکمها ... میشود
و مقتول خون خود را بر روی قاتل میریزد پس انکار نمیتواند کرد و موید این است حدیث در عقبهٔ او که کشته
فرمود هر که مؤمنی را بکشد جمیع کناهان مقتول بر او نوشته شود و مقتول از کناهان پاک میشود
و در روحی دارد است که زنهار اجتناب کنید از کشتن بناحق که هر که کسی را بکشد صد هزار بار در جهنم
او را بکشند مثل آن کشتن و باید همه بیش جزاء کشندهٔ مؤمن هم اخلود در جهنم و نا امید از رحمت الهی
و حضرت صادق میفرماید که آدمی در وسعت دین خود هست تا خون حرامی نکرده چون عمداً مؤمنی را بکشد
توفیق توبه نمی‌یابد و هنگام مردن باو خطاب کنند بمیر یهودی یا نصرانی یا مجوسی و در حدیث است
که هر که در روز قیامت ... آتش میکنند و با ایشان صداها بلند کنند که وا محمداه آنحضرت
کوید پروردکارا ایشان از امت منند حق تعالی فرماید بدرستی که ایشان خونهای حرام ریخته
اند و در حدیث حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که اعانت کند بر قتل مؤمنی یا ضرر مؤمنی بنصف

کلمهٔ

در سؤال از مظالم.

۱۰

کلمه روز قیامت بیاید در حالتی که میان دو چشمش نوشته باشد آیس من رحمة الله و فرمود که روز قیامت
مقتول آید نزد کسی آلوده بخون الود غنابد گوید پروردگارا تو میدانی که او را نکشته‌ام گوید بکلمه گفتی را شنیدی و فاش کردی تا
بر قتل مؤمنی و فرمود ظالم کننده و معین و راضی هر سه با هم شریکند در ظلم و مدار احادیث این مضمون
متواتر است که راضی به عملی خیر یا شر شریک است با اهل آن تا معین و مشیر چه رسد و در حدیث حسن
ابی یعفور است که یکی با حضرت عرض کرد که گاهی یکی از ما را تنگی در معاش بهم رسد برای تحصیل قوت متوجه
کار حکام شویم که بنائی یا سدی یا نهری برای ایشان اصلاح کنیم چه میفرمائی فرمود نمیخواهم که برای
ایشان گرهی بزنی یا سرکیسه‌ای ببندی و مرا بازای تمام مدینه از کمال ترحم و شفقت بر شیعه خود با اینهم راضی نیستم
و در صحیح یونس فرمود اعانت ایشان مکن بر بنای مسجد احادیث در شومی و مفاسد صحبت و یاری ظلمه
گذشت و همین آیه وافی هدایت است ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار یا بنده میل با ایشان عقوبتش آتش
جهنم مترتب میشود کار دیگر ان مظلمه است که بقدر حبه او را خواهند که دست بکیسه کرده باو عطا نماید
و فرمود اعوان ظالمان چون روز قیامت در سراپرده‌های آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق
فارغ شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر فرمود چون روز قیامت میشود ندا میکند که کجایند
ظالمان و اعوان ظالمان و هر که لیقه دواتی برای ایشان گذاشته یا سرکیسه برای ایشان بسته باشد یا
مدادی با ایشان داده باشد ایشان را با ظالمان محشور کنند تا در آتش جهنم با سر نفر بحق خواهد گفت امیر
و قادری و غنی که ای کسی که خدا استعداد و عدالت بزیردستان نکردی وای اگر خود را در نظر مردم زینت
دادی بخوبی در حضور خدا معصیت و مخفی بودی وای اگر در دنیا خدا مال بسیار داد که از آن ... از مرض
هوا است بجا کردی به هر سه امیرا باید چون مرغ دانه کنجشک او شامت و عقوبات ظلم و حق الناس در دنیا
و عقوبت نهایت ندارد و انواع حق الناس بسیار گذشت و از غیبت و حقوق مؤمنان و سادات و سایر مردم
و زنای محصنه و لذا مردم در روز قیامت ظالم با صاحب حق بیکجا حاضر شده عادل عزوجل احکم خواهد
فرمود و بیشتر ظالم را و حق مظلوم داده هر گاه و با نکه مظلوم را بعلت که زاهد بود بهشت نباشد تا
حسنات ظالم بکار آید گناهان مظلوم را بظالم بار کرده عوض مظلوم بقدر ظالم در آتش دوزخ عذاب
خواهند کرد چنانکه منقول است از رسول خدا صلعم که مفلس امت من کسی است که بیاید با نماز و روزه
و زکوة که ایشان دشنام داده و ایشان محشر گفته مال ایشان خورده و خون ایشان ریخته و ایشان زده پس از حسنات او

او بایزوان میدهند اگر حسنات ترا وفا نکند از خطاهای ایشان بر او طرح می کنند و در جهنم انداخته شود
و از حضرت باقر ع پرسید بعض حکام که آیا توبه عرض قبول است جواب فرمود اعاده نمود فرمود یا اخی هرچند
حقیر را زکاتی و حضرت صادق ع از رسول خدا صلعم ذکر فرمود هر که ظلمی بکسی کرده و او را نیابد که تدارک
نماید باید برای او استغفار کند تا کفاره آن شود و این در غیر مالیاتست و در مالیات تا مقدور است باید
کرد عین او اگر تلف شده مثل یا قیمت او را باو رد کند هرچند دور باشد اگر بعد از تفحص نیابد بمستحق تصدق
نماید از جانب صاحبش و الا توبه اش قبول نخواهد شد و هنگام قیامت خواهد ماند بر وی خصم تشنه
در ترویج بالقوه بعض اعمال فاضله که تقلید توفیق انها دارد از اوقات سابق بر این واقع شده بلا
شك باعث نجات از جمیع اهوال و شداید این عقبات بهشت و عقوبات کشنده موجب خلاصی از
دوزخ و فوز بهشت خواهد بود انشاء الله تعالی و از آنجمله تحصیل معرفت و محبت اهل بیت عصمت این
معنی و انچه که گذشت بحدیث نبوی ص حق تعالی علی ع را روز قیامت بهفت نام خطاب کند یا صدیق
یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی یا فتی یا علی بگذر تو و شیعه تو بسوی بهشت و امیر المؤمنین ع گفت خبر داد مرا
رسول خدا صلعم که اول کسی که داخل بهشت شود منم و تو و فاطمه و حسن و حسین گفتم پس محبان ما فرمود
پشت سر ما و فرمود شکوه کردم با حضرت از حسد مردم فرمود آیا راضی نیستی که اول کسی که بهشت داخل
میشود منم و تو و حسن و حسین و زنان ما بر راست و چپ ما از پی سر ما و شیعیان ما در پی زنان ما و فرمود که انصاری
با حضرت گفت که من تاب مفارقت ترا ندارم بخانه که میروم بیاد تو ترك کارها نموده بحضرت تو می آیم پس بینم
ترا از محبت پس روز قیامت که با علا علیین روی ترا کجا یابم پس این آیه نازل شد و من یطع الله و رسوله
فاولئك مع الذین انعم الله الایه یعنی پدر او را طلبید بشارت داد و حضرت صادق ع بمعین بن زید فرمود
که تو از ما اهل بیتی گفت فدای تو شوم از آل محمد ع گفت بلی و الله از نفس ایشان آیا نخوانده کتاب
عزوجل ان اولی الناس بابراهیم و آیا نخوانده کلام خدا را فمن تبع منی فانه منی پس هر که متابعت من کند پس
بتحقیق که او از من و السلام علی من اتبع الهدی و از آنجمله زیارت قبور مطهره ایشانست و صلوات بر ارواح
طیبات ایشان و مجاورت و مأمن در جوار ایشان و گریستن بر احوال پریشان ایشان در این خصوص
آیات بسیار و احادیث متواتره از طرق دوست و دشمن علاوه بر بیشمار است و شمه مذکور شد و در
صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر میفرماید که نماز بیت و سیله کردید بر آنحضرت تست

ونظر بدرجات سایر پیغمبران مانند ماه است به ستاره ها که فرمود روز قیامت با علم الهی دختران برهم
و علی بپای ... بعد از من برای جمیع انبیا گویند خوشا حال این دو بنده که چه گرامی هستند نزد خدا پس ندا رسد
که این حبیب من محمد مصطفی و این ولی من علی است خوشا حال هر که او را دوست دارد و وای بر حال کسی
دشمن دارد او را پس هیچ مؤمنی نباشد که ترا دوست دارد مگر از این ندا راحت یابد و روسفید و خوشدل
گردد و دشمن و منکر حق تو روسیاه و پاهای او بلرزد در این حال رضوان با کلیدهای بهشت و مالک با
کلیدهای دوزخ از جانب الهی آمده بر من سلام میکنند گویم بیا در من علی بدهید پس با کلید بروان شود بجا د
جهنم ایستاده در حالتی که شررهای آن در پرواز است بمرتبه که حرارتش زبانه میکشد علی مهارش را گرفته او گوید
بگذار یا علی نور تو نار مرا خاموش کرد فرماید قرار گیر ای جهنم و بشنو آنچه میگویم این را بگیر که دشمن من است
و این را مگیر که دوست من است والله که امروز جهنم اطاعت علی زیاده بر غلامان شما بشما میکنند و فرمان
او را زیاده بر همه خلق خواهد کرد هر چه بفرماید و قسیم بهشت و دوزخ بودن از طرق مخالف هم
متواتر است و فرمود وحی شد به رسول که حوض کوثر را باختیار علی کردم و جهنم را او بر سر کرده ام تا
داخل شده برین نا و در هر که ذره محبت او در دلش باشد و زیارت کنندگان او و دو پسرش نزد من وقف
اند و بر من لازم است که زایر خود را اکرام و عطا کنم هر چه خواهم در قیامت چنان تلافی کنم که از دوستی
حال ایشان کسی هر که مطلع شود و بروایت حضرت باقر علیه السلام فرمود یا علی محبت تو برای هر که قرار گرفت
اگر یک قدمش بر صراط بلغزد البته قدم دیگرش ثابت میماند تا خدا او را بسبب دوستی تو داخل بهشت گرداند
و هم از آنحضرت که فرمود که حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت از ظالمان شکوه نموده ندا رسد
که امروز ظلم هیچ ظالمی از من نخواهد گذشت تو شفاعت کن هر که را که خواهی آنگاه شفاعت نماید
در زمره شیعیان خود را پس ملائکه باذن خدا همه را جمع نموده با آنحضرت به بهشت برند و بروایت امیر
المؤمنین فرموده که فاطمه و شیعیانش بر صراط مانند برق جهنده بگذرند و بعد پیغمبر فرزندانش پیش رو
و دوستانش از دنبال است و چه خوش حضرت باقر علیه السلام فرموده بجابر انصاری که فاطمه امروز نزد خدا سوگند که
شیعیان و محبان خود را از صحرای محشر بر باید چنانکه مرغ دانه خوب را از بد جدا نماید آنگاه دوستانش باذن خدا
دست هر که را در دنیا رعایت او دیده اند گرفته به بهشت برند و اخبار در این خصوص بسیار است و در
تعزیه ایشان و گریستن در مصایب و رحال بر ... ایشان احادیث بیشمار است که خدا تقوا و ...

حرام کرده باشد او را بر بهشت ابد الآباد و بدهد و منزلی نیکو کرامت فرماید با ما باشد و فرزند رسول خدا
ما و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که حسن مجتبی ع از رسول خدا ص پرسید از ثواب زیارت او فرمود هر که
بیاید بزیارت من بعد از وفات من برای او است بهشت و در زیارت پدر و مادر و برادرش همچنین فرمود
و فرمود که هر که امیر المؤمنین ع را با معرفت بحق زیارت کند خدا بهر گامی حجی و عمره مقبوله برای او بنویسد
بخدا سوگند که آتش نخورد قدمی را که گرد آلوده شود پیاده یا سواره بسوی او بیاید و احادیث در باب
طلا و احادیث باین معنی و مستلزم آن متواتر و از حد و حصر متجاوز است خصوصا در زیارت سید
الشهداء و بسبب عزاداری و روز زیارت مشهوره که عاشورا یا مصیبت اند در روز زیارت ثوابهای عظیم وارد
شده از جمله هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه با ثواب مصیبت هر پیغمبر و صدیق و شهید
از اول دنیا تا آخر و ثواب هر پیغمبر و رسولی و هر که زیارت مظلوم کرده و خواهد کرد تا قیامت و هزار
هزار حسنه و محو سیئه و رفع درجه و از جمله شهدا باشد با او و شریک در درجه ایشان که او را نشناسد
مگر از ایشان و در حدیث حضرت امام محمد باقر ع دو هزار حج و دو هزار عمره و هزار هزار ... با امام حق
برای یعنی که آنحضرت ضامن شده این ثواب را برای او و هم چنین حضرت صادق علیه السلام ضامن شده
و در صحیح صفوان فرمود که من ضامنی دارم از پدرم از پدرش و او از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که خدای جلیل بذات اقدس خود قسم یاد کرده که همه حاجات او را بر آورم و شاد گردانم به دخول
بهشت و آزادی از جهنم و قبول شفاعت او برای هر که خواهد غیر ناصبی گواه گرفته ما را بر این گواه
گرفتن بود ملائکه ملکوت را و پس آنکه تو فرستاده با بشارت تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه
تا قیامت ای صفوان ترک مکن البته که خدا خلف وعده خود نمیکند پس خوشا حال سعادتمندی که
خود را فارغ دارد برای کسب این سعادت عظمی و اکثار چنین کرامت کبری برای خود هر روزان
نزدیک باد و الله وفقنا الله ببرکة الحسین ع و حضرت امام رضا ع میفرماید که هر که مرا با معرفت زیارت
کند در نیست شفاعت صد هزار شهید دارد و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار عمره و صد هزار غزوه
و روز قیامت در زمره ما محشور شود و در درجات عالیه ما رفیق ما باشد و فرمود من و پدران من شفعا
او کنیم و هر که ما شفیعان او باشیم البته نجات می یابد هر چند گناه جن و انس داشته باشد و فرمود هر که زیارت
من کند با دوری قبر من در قیامت سه جا و جاهای او را خلاص کنم وقت پریدن نامها اعمال از راست و چپ

در ثواب صلوات فرستادن

و ترجیل صراط و میزان و حضرت صادق ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که البته بهشت او را آرزو
کرده و جهنم بر او حرام و فرموده دوست او را که داخل بهشت گردد اگر چه از اهل کبایر باشد و در موثق هر امام
با آنحضرت ذکر کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب فرموده که نخواهید بود هرگاه مدفون
شوید در زمین شما پاره تن من و جگر گوشه من و فرود در خاک شما ستاره من حضرت فرمود بتحقیق که
منم آن ستاره و روی زمین آنحضرت را است مثل بیداری و در صحیح از داود بن قاسم که شنیدم از حضرت
جواد ع که میان دو کوه طوس پاره از بهشت هر که داخل آن شود ایمن است روز قیامت از آتش و بحدیثی شبهه
او بجناب قسم که روضه است از بهشت محل تردد ملائکه پیوسته [illegible] فوج نازل و فوجی بالا روند تا نفخ صور
و حضرت صادق ع میفرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که رسول خدا صلی الله علیه فرمود با ابا الحسن خدا
قبر تو و اولاد ترا بقعه و عرصه از عرصهای بهشت گردانیده و دلهای نجباء خلق و اصفیاء بندگان خود را مایل
شما گردانیده که متحمل اذیت و مذلت میشوند در زیارت شما پس بجهت زیارت قبور شما بسیار میکنند برای تقرب
خداوند و محبت رسول او و ایشانند یا علی مخصوص بشفاعت من و واردان بر حوض من و ایشانند هم
سایگان و زیارت کنندگان من فردا در بهشت پس بشارت باد ترا یا علی و اولاد محبان ترا از نعیم بهشت و
روشنی که هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته و حضرت مهدی هادی میفرماید که تربت
ما ها یکپارچه بود در طوفان نوح ع متفرق نشد و تربت کعبت و حضرت صادق ع میفرماید که کربلا خلق
شد بیست و چهار هزار سال پیش از کعبه حق تعالی او را بهترین زمین بهشت گردانید اللهم ارزقنا الدفن
فیها بحق محمد و آله المصطفین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین   اما در ثواب صلوات و باعث نجات
شدن از جهنم و عقاب و روشن شدن قبر و رفع درجات و نور در ظلمات و رفع امراض و بلیات و کفایت مهمات
و کفاره سیئات و استجابت دعوات و قضاء کل حاجات پس احادیث فوق حد و احصا است در این مقام اکتفا
باهم نوادر میشود بسند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که دیدم مردی از امت خود
بر صراط افتان و خیزان پس صلوات او که بر من فرستاده بود آمده و هر دو قدم او را ثابت داشت تا گذشت
از صراط و در صحیح از ابی عمیر منقول هر که بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد خدای عز و جل میفرماید صلی
الله علیک پس باید بسیار بگوید از این جهت [illegible] هفتاد و دو شهید [illegible] بیرون
آید از گناهان مانند روزیکه از مادر متولد شده و فرمود هیچ کسی از امت من با اخلاص و صدق

در ثواب صلوات فرستادن

دل و حضور قلب یک صلوات بر من بفرستد حق تعالی بامر خدا ده صلوات بر او فرستد و ده حسنه و محو ده سیئه و
ده درجه با او کرامت فرماید و بروایتی بکوید اینها دختم هست که دو ملک با او موکل هستا تقریباید
تبلیغ سلام او بر روح من و هر قسمت از سیلکابات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که هر که صلوات بر من
فرستد مرغ مبارکات که در اصل بدنهای عظیم بر درخت نقش خود را بعد با افکند از درخت خود را
بفشارد حق تعالی از هر قطره ملکی آفریند که استغفار کند برای او و هر که هر صبح وضو ساخته صلوات
فرستد او و والدین برای او بیامرزد و هر که در وقت خفتن ده صلوات بر من فرستد ثواب نماز گذارندگان
یارد و مهمات و حاجاتش بر آید و هر که در بار ابروی خود را شانه کشد و هفت صلوات بر من
فرستد چشمش هرگز درد نکند و هر که یکبار بر من صلوات فرستد ملک موکل بر آسمان و زمین ده علم
صد بار صلوات بر او فرستند و ملائکه آسمان دوم که این را بشنوند دویست بار سیم هزار بار چهارم
دو هزار بار پنجم پنج هزار بار و ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار و آنگاه خدا فرماید بار ملائکه
بس است کذارید او را که تعظیم رسول من نموده ثواب او با من است و بروایت حضرت صادق ع فرموده هر که صلوات
بر من فرستد خدا و ملائکه صلوات بر او فرستند تا هر قدر که او صلوات میفرستد که با سیما و هر که صلوات
بر تو بنویسد همیشه ملائکه برای او استغفار کنند و بروایتی صلوات بفرستند تا نام تو در آن نوشته باشد
صلی الله علیه و آله و بروایتی احد بر تو صلوات بفرستد که هفتاد هزار ملک برای او صلوات بفرستند و صحیح
حضرت صادق ع فرموده صلوات بر من و اهل بیت من نفاق را برطرف کند و بجد باشد که صداهای خود را
بلند کنید بصلوات بر من که نفاق را میبرد فرموده که هر که صلوات را بر من فراموش کند و بروایتی اسم مرا بشنود
و صلوات نفرستد خطا کرده راه بهشت را و حضرت صادق ع میفرماید که چون نام آنحضرت مذکور شود
بسیار بفرستید بر او هر که یک صلوات بر او فرستد خدا بر او هزار صلوات فرستد و در هزار صف از ملائکه و
هیچ خلقی نماند مگر بسبب صلوات خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند پس هر که بچنین رحمتی رغبت نکند جاهل
و مغرور است و خدا و رسول و اهل بیتش از او بیزار باشند در صحیح مصباح فرموده منقولست ترا چیزی تعلیم کنم که
حق تعالی بسبب آن روی ترا از آتش جهنم حفظ نماید بگو بعد از نماز صبح صد بار اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرموده
هر که بعد از نماز صبح و ظهر صد بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا قائم صلوات الله
و سلامه علیه را درک نماید و فرموده هر که صد بار بگوید یا رب صل علی محمد و آل محمد صد حاجت او روا

شود کسی برای او تنها باشد فرمود که هر که صلوات بر محمد و آل او فرستد خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند
یا بیشتر خدا فرموده هو الذی یصلی علیکم و ملائکته الی آخر و در صحیح فرمود صلوات میان ظهر
و عصر برابر هفتاد رکعت است و بصحیح دیگر هفتاد حج و در صحیح فرمود که در نماز در رکوع و سجود مثل تسبیح
است و ده حسنه دارد و هیچ ملائکه منادی کند که کدام از ایشان روح نبی الله برساند و در صحیح فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود آیا بشارت ندهم ترا که خبر داد مرا جبرئیل بعجبی که هر که از امت من صلوات فرستد بر
من و اهل بیت من گشوده شود برای او درهای آسمان و ملائکه بر او هفتاد صلوات فرستند و اگر گناهکار
باشد بریزد از او گناه مانند برگ از درخت و حق تبارک و تعالی فرماید لبیک ای بنده من و سعدیک
ای ملائکه من شما هفتاد صلوات میفرستید بر او و من هفتصد و اگر بعد از صلوات من بر اهل بیت من صلوات
نفرستد هفتاد حجاب میان او و آسمان حایل شود و خدا فرماید لا لبیک و لا سعدیک ای ملائکه من بالا
نبرید دعای او را تا ملحق نماید به پیغمبر من عترت او را **مؤلف گوید** که صاحب مستطرف اربعین در این
باب کتاب جمع نموده خلاصه بعض آن اینست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده هر که صلوات بر من فرستد
ملائکه بر او صلوات فرستند هر که ملائکه بر او صلوات فرستند خدا صلوات فرستد هر که را خدا صلوات
فرستد نماند چیزی در آسمانها و زمین مگر که بر او صلوات فرستند بر امتی آتش بر او داخل نشود و
بر امتی شفیع او هستم در قیامت و هر که بر من صلوات نفرستد من بیزارم از او و نزدیکترین شما [illegible]
نزد من در قیامت اکثر شما است در صلوات بر من و هر که جمیع عبادت خود را صلوات گرداند خدا حاجت
دنیا و آخرت او را برآورد و خدا را در هوا ملائکه چند هست که کاغذها و قلمهای نور در دست است
نمینویسند مگر صلوات بر من و اهل بیت مرا و خدا را ملائکه چند هست که سیاحت میکنند در زمین
صلوات امت مرا بمن میرسانند پس استغفار میکنم برای ایشان و خدا ملکی را بر قبر من موکل کرده و نامهای
همه خلایق را با او داده پس تا قیامت هر که بر من صلوات میفرستد مگر گوید این هدیه فلان است صلوات بر تو
فرستاده بتحقیق که وحی شده بسوی من که اگر میخواهی که من نزدیک تو باشم از کلام تو زبان و تنت از جان پس بسیار
صلوات فرست بر نبی امی خدا ملکی را بسبب تقصیری در قتل منشی مغضوب غضب فرموده بالهای او را شکست پس
بشفاعت جبرئیل امر شد بصلوات بر من و برکت آن آمرزیده شد هیچکس سلام بر من نمیفرستد مگر آنکه خدا روح
کند بر من روح مرا تا رد کنم بر او خانه های خود را مانند قبرها مکنید صلوات فرستید بر من که بمن میرسد هر جا که باشید

در فضیلت صلوات

هر که خواهد که ملاقات کند با خدا و خدا از او راضی باشد پس بسیار صلوات فرستد بر من و بشنوی که هر که
هر روز پانصد بار صلوات فرستد بر من هرگز محتاج نشود و گناهانش برطرف شود و سرورش باقی و دعایش
مستجاب شود و امیدش برآورده باشد و یاری بر دشمن و اسباب خیر یابد و از جمعی باشد که رفیق پیغمبر خدا باشد
در بهشت هر که روزی صد بار صلوات فرستد بر من خدا از او صد حاجت او را برآورد و در روایتی هفتاد
برای آخرت او و سی برای دنیای او و هر که هر صبح ده صلوات بر من فرستد گناه چهل ساله اش محو شود و روزی
جبرئیل بشارت داد و در دیگر خدا میفرماید هر که از امت تو سه بار صلوات فرستد بر تو بیامرزم او را اگر ایستاده
پیش از نشستن و اگر نشسته باشد پیش از ایستادن او پس بدهد شکر را انداختم هر مومنی که یک بار صلوات
فرستد بر من خدا ده ملک را فرماید که تا سه روز گناهی برای او ننویسند و در روایت دیگر خدا ده صلوات برا او
فرستد و هر که ده صلوات فرستد خدا صد صلوات فرستد و هر که صد صلوات فرستد خدا هزار صلوات
فرستد برا او و هر که هزار صلوات بر من فرستد خدا او را از بلا آتش نگه دارد و در روایت دیگر پیش از مرگ
او را بهشت بشارت دهند هر که یک بار صلوات فرستد بر من بعد از من برای تعظیم حق من خدا ملکی را [illegible]
بیافریند که یک بال او در مشرق و یکی در مغرب و سر گردنش زیر عرش و برپا ایستاده پاهای او در زمین پایین
در زمین باشد گوید خدایا صلوات بفرست بر بنده خود چنانکه صلوات میفرستد بر پیغمبر تو و در روایتی
اصح خدا میفرماید صلوات فرست بر بنده من چنانکه او صلوات فرستاد بر پیغمبر من پس او را صلوات میفرستند
تا قیامت صلوات فرستید بر من که باعث پاکی و پاکیزگی خودتان است و برای من وسیله را طلب کنید که
سبب روز قیامت هیچ حسنتی اهل دنیا را نیاورد با ایشان صلوات نباشد همه رد کرده شود و نمازی نیست
کسی را که صلوات بر پیغمبر خدا نفرستد عابد از صلوات در نمیشود و صلوات فرستید بر من [illegible]
در دعا و بگویید اللهم صل علی محمد و آل محمد **مؤلف گوید** که موافق احادیث خاصه هم صلوات بر آل آن
حضرت جزو صلوات بر آنحضرت است و از این نیز این مفهوم میشود و موید است تعبیر آنحضرت
از صلوات بعبارت مسطوره وقتی که اصحاب از تفسیر آن سوال کردند و بطرق خاصه طعن تارک آل
آنحضرت در صلوات وارد شده است و بدانکه فضیلت صلوات بقدر معرفت و محبت و اطاعت
ایشان است و اما ذکر بخصوص بعض اوقات و عبادات صلوات را از کتب عبادات بطلب
خصوصا اسرار آل محمد را صلی الله علیه و آله که باعث دوام سرور و قرب عالم نور و قبول اعمال و [illegible]

در فضیلت صلوات

و محو سیئات و انواع خیرات دنیا و عقبی و رفاقت رسول خدا صلی الله علیه و آله در اعلای درجات جنان میشود
و سر کثرت فضایل و وسعت فواید صلوات از جمله اذکار است و از آنجمله اشتغال بتعلم و تعلیم علوم اهل بیت
رسالت و جهاد و اجتهاد در هدایت و ارشاد ضعفاء شیعه اهل ولایت و تذکر آن بخیر در مبحث علم مذکور شد
در اینمقام کافیست و از آنجمله حفظ قرآن که از اسباب بلندی درجات جنانست بکثرت مواظبت و مداومت
محافظت آن چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود بخوانید قرآن را و از حفظ و بر کنید آنرا
پس بتحقیقکه حق تعالی عذاب نمیکند دلیرا که ظرف قرآنست و بروایت طبرسی از عاصم از امیر المؤمنین ع فرمود
هرکه بخواند قرآن را و حفظ نماید خدا او را داخل بهشت نماید و در ده نفر از اهل بیتش که همه مستوجب جهنم باشند
شفاعتش را قبول فرماید و فرمود که هرکه قرآن را از بر کند گویا درج و جا داده شده است نبوت میان دو پهلوی
او الا آنکه وحی باو نرسد و فرمود که حاملان قرآن بزرگان اهل بهشتند و فرمود اهل قرآن در اعلای درجات
بهشتند بعد از پیغمبران و در حدیث معتبر فرمود خدا عذاب نخواهد کرد دلیرا که قرآن حفظ نموده باشد
و فرمود اگر این قرآن را در پوستی میپیچند آتش باو مس نمینمود و فرمود که صاحب قرآن را خواهند گفت
که بخوان و بالا رو و بترتیل و تانی بخوان چنانکه در دنیا میکردی که جای تو نزد آخر آیه است که می
خوانی هرکه از بر کند قرآن را تخفیف عذاب او شود از والدینش اگرچه کافر باشند و فرمود هرکه قرآن را یاد
گیرد و بعد از آن فراموش کند بعلتی بمرتبه یکدرجه او پست شود و بیاید روز قیامت در حالتی
که مخصوم باشد و فرمود که هرکه در کبر سن تعلیم قرآن کند اجرش مضاعف گردد و فرمود منزلت قرآن مانند
پنهان دهنده صدقه است و جهر کننده بان مثل آشکار کننده صدقه است و در حدیث وارد شده است
که حامل قرآن و حافظ کلام و پیام رحمن روز قیامت بر منبرها نشینند و مردم در حساب باشند پس بر
ناقها سوار شده بسوی بهشت پران شوند و بسند صحیح از حضرت صادق ع میفرماید حافظ حامل
قرآن با ملائکه سفره کرام برره باشد و فرمود هر مؤمنی در جوانی قرآن بخواند قرآن بگوشت و خون
او آمیخته شود و خدا او را با رسولان بررة یعنی نیکوکار از ملائکه محشور گرداند و قرآن از جانب او حجت
نماید که خدایا هر عمل کننده مزد خود را یافته من هم مزد قاری خود را میخواهم حق تعالی دو حله بهشت و تاج کرامت باو
و بقرآن گوید آیا راضی شدی گوید پروردگارا امید داشتیم بهتر از این پس برات امن بدست راست و مخلد بودن در بهشت بچپ
داده داخل بهشتش نماید گوید بخوان و یکدرجه بالا رو و آنگاه بقرآن فرماید آیا راضی شدی گوید بلی

در ثواب حفظ قرآن

وکسی که حفظ قرآن بر او دشوار باشد و مکرر بخواند تا حفظ نماید حقتعالی ثواب او مضاعف کرامت فرماید
ودر حدیث معتبر دیگر فرمود هر که حافظه اش کم باشد و قرآن را بشدت حفظ کند حق تعالی دو برابر اجر باو دهد
و فرمود هر که با اسلام در دنیا بپاید یا حیات قرآن را از بر یا ظاهر و آشکار بخواند ثابت باشد برای او هر سال دویست
اشرفی از بیت المال مسلمین اگر در دنیا ندهند در آخرت خواهد گرفت و بروایت طبرسی این حدیث کلاً
بدانکه حفظ قرآن سبب اعظم است و ثوابان و اعمالیکه بسبب حصول او از بقاء فضل عظیم است
از مواظبت و دوام تلاوت بر حسب تهجد شبها بان سببها جزیل و جسیمست و غفلت در آن خصوصاً
از خواص اهل حقیقت با تفکر بجایب تفهم و تدبر خواستن و غرایب قرآن بنهایت عزیز و غیر محتمل
بحدیکه حافظی از کل علماء معاصرین معلوم نیست گویا حفظ قرآن از کار بسواد آن پنداشته اکثر
باقصر سور اقتصار و قاصرین علوم حیات بینند که بآخرت باقی نخواهد ماند حاشا مگر حسرت و
ندامت انتهاء انها بر علوم قرآن والله لا یستحیی من الحق و فضایل تلاوت در عین ده مذکور شد
و اهم سور مداومت و انسب از مقام سوره حدید و مؤمنین و صافات و یس و زمر و جاثیه و فتح و رحمن
و تغابن و ممتحنه و لا اقسم و نبأ و دهر است و غیره که در محل خود تفصیل یافت و از انجمله
مداومت بر نوافل یومیه که اعظم شعار امت کمال ایمانست و جبر کسر فرایض مؤمنان و نتیجه آگاهی و
بیداری شبها بعبادت و گریستن از خشیت الهی که اقرب موجبات فیوضات نامتناهی و اسهل سبل
تحصیل محبت خدای و انس خلوت بارگاهی کبریائی و حصول اقوی اسباب نجات و ادراک لذت
مناجات و وصول بر حج حاجات اعلی درجات و محو سیئات و رفع امراض و آفات و مزید برکات و معدن
ابحیات و مکمن مخزن عالم نور و سر سرمدی طریقه پیغمبران و امامان و شیوه مستمره صدیقان
و صالحان و اکمل علامات ایمان و اعظم موجبات نور ایمانست همین در بحر از ذکر فضایل تهجد کافی که
نوع مخصوص الهی ازحی این طریق عدول موده میفرماید فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین هیچکس نمیداند
چه ثواب جمیل و اجر جزیل در مکمن غیب که باعث روشنی دیدها خواهد بود برای ایشان مهیّا
و آماده شده و سوره مزمل و آیات بسیار و روایات بیشمار در ترغیب این سعادت عظمی و مبالغه
تاکید در تحصیل این عزت و شرف دنیا و عقبی نازل و وارد شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله
میفرماید که چون بنده میان شب با رب با تنهائی پروردگار خود خلوت و مناجات کند حق تعالی

در ثواب نماز شب

برا از آن مؤمنند که بجمال جلال با هم دوستی کنند و دلشان بمسجد بسته و استغفار کنند کار در سحرها اینها اند
که عقوبت اهل زمین را بسبب ایشان بر میگردانم و در صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرماید که هر که ایمان بخدا
و قیامت دارد شب بی وتر نخوابد و در صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که در وتر ایستاده
هفتاد بار بگوید استغفر الله و اتوب الیه و تا یکسال مواظبت نماید خدا او را از مستغفرین بالاسحار بنویسد
و مغفرت از جانب الهی او را واجب شود و فرمود از شیعه ما نیست کسی که نماز شب نکند و فرمود که مگذار
برخواستن شب را که بتحقیق مغبون کسی است که محروم شود از نماز شب و فرمود که گاهی بنده شب بنماز
میخیزد و خواب او را براست و چپ می اندازد و میل میکند و ذقنش بسینه میچسبد پس حق تعالی امر میفرماید
که درهای آسمان را بگشایند و بملائکه فرماید نظر نمائید بسوی بنده من که چه زحمتی بخود میرساند در
تقرب جستن بمن در چیزیکه واجب نکرده ام بر او و از من امید دارد که از سه چیز یکی را گناهانش را بیامرزم یا تجدید
توبه و وسعت در روزی شما را گواه میگیرم که هر سه را باو کرامت کردم و فرمود زینت مؤمنست
شبها بطول قیام و روز بسیاری صیام و در صحیح مفضل میفرماید که حق تعالی بموسی گفت که ای پسر عمران دروغ گفت
هر که گمان کرد که مرا دوست میدارد پس چون شب او را فرو گرفت بخواب غافل باشد از من آیا نه چنین
است که هر حبیبی دوست میدارد خلوت نمودن خود را با حبیب خود ای پسر عمران اینک منم نگران و
مطلع بر دوستان خود چون خلوت شب را در یابند حایل شود به دلهای ایشان بسوی من و متمثل
کردن عقوبت من در برابر ایشان خطاب میکنند با من از روی مشاهده و مکالمه مینمایند با من از روی حضور
ای پسر عمران ببخش برای من از دل خود حضور و خشوع و از بدن خود تواضع و خشوع و از دیدهای اشکها
در تاریکی شبها دعا کن و بخوان مرا که بتحقیق مرا خواهی یافت نزدیک و اجابت کننده دعای خود و ندای
الهی هر شب تا صبح ... و شخصی بامیر المؤمنین ع گفت محروم شده ام از نماز شب
فرمود مردی هستی که بتحقیق گناهانت ترا مقید کرده و حضرت باقر علیه السلام میفرماید شب را شیطانی
است نامش رها پس هرگاه بنده بیدار شود و خواسته برخیزد گوید باو ساعت برخواستن نیست
و بعد از آن بیدار میشود و گوید وقت برخواستن نشده پس هم چنین او را حبس میکند تا صبح
پس چون مغلوب شد تا صبح طلوع کرد میشاشد بگوش او و بعد از آن میخیزد و میجنباند دم خود را از
فخر و شادی و فریاد و نشاط میکند از اینکه محروم کرد او را از چنین سعادت عظیمی بالله کاهلی و در صحیح

حضرت

دربیان ثواب نماز شب

حضرت صادق ع میفرماید که پس شیطان پاهای خود را فراخ کذاشته بگوش او بول کند تا آنکه
می بینی اورا که صبح برخاسته و سنگین و کسل و رسوای فواید که این نماز شب رضای الهی و فرض رحمتهای
نامتناهی و نجات از اهوال قیامت و عقبات پر عقوبات آن هنگام پر حسرت و ندامت و ایمنی از
فزع اکبر و بهشت روز محشر و خلاصی از نار جحیم و فوز درجات عالیه جنات نعیم از جمله فواید جزئیه آن
که در احادیث متفرقه صحیحه معتبره وارد شده جلای چشم و وسعت روزی و دفع امراض و غمها و اعراض
و قرض و فقر و گناهان از مرتبه آن رو نورانی و سفید و نیکو و خوشبو و خوش خو بودن و نور اهل
آسمان چون ستاره با اهل زمین و هر هشیاری که بیکار خود را تکلیف نماز شب با دعیه و آداب آرد میباید
که گویا تا آنوقت هرگز عبادتی نکرده بود و از چه کرامتهای نامتناهی و موهبتها انس و لذت قرب الهی و دولت
دنیا و عقبی خود را محروم ساختند و نقد عمر خود را بعبث تلف ساختند انگاه بکشف فوت نماید انهم و لا
حول و لا قوة الا بالله بدانکه موافق احادیث و آیات متواتر است که بسیار گریستن در هر عبادت و تلاوتی
و دعائی مطلوبست خصوصا در نماز شب چنانکه از انس و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید
هر که دیدهای او پر از اشک باشد از خشیت و خوف الهی باو هر قطرهٔ اشک قصری در بهشت
کرامت کنند که زینت کرده باشند بجواهر و نعمتی که هیچ گوشی نشنیده و چشمی ندیده و بخاطری نگذشته باشد و
خطبه وارد است که هر قطرهٔ مثل کوه احد است در میزان و بهر یک قطره چشمهٔ در بهشت جاری شود که بر کنارها
آن شهرها و قصرها باشد که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته باشد و فرمود یا ابا ذر بتحقیق که
پروردگار من خبر داده مرا که بعزت و جلال خود که نیافتند عابدان لذتی از هیچ عملی مثل آنچه یافتند از گریه
نرمی از ترس جهت من بدرستی که بنا میکنم برای ایشان در اعلا درجه بهشت در جوار پیغمبران و معتبران قصری
که هیچ احدی با ایشان شریک نباشد یا ابا ذر هر که نتواند پس باید که بگریاند هر که نتواند پس شعار دل خود سازد
حزن و اندوه را و بجهد خود را بگریه بدارد بتحقیق که دل سخت با قساوت دور است از خدا و لیکن نمی فهمد و
حضرت صادق ع میفرماید که چیزی نیست مگر آن را کیلی و وزنی هست مگر اشک که قطرهٔ از آن دریاها
آتش را فرو می نشاند و چون دیدها پر از اشک گردد نرسد باو هرگز خواری و ذلتی و چون بر رو جاری شود
آن رو را الحق تعالی بر آتش جهنم حرام گرداند و اگر در امتی یک گریه کننده باشد البته همه را خدا رحم میکند و
هیچ چیز گرامی تر نیست نزد خدا از قطرهٔ اشک که در تاریکی شب از ترس خدا بیرون آید و

در شوخی کردن

دهن خود را از خنده و حال آنکه نمیدانند که حق تعالی از او راضی است یا نه و فرمود که اگر میدانستید آنچه من
میدانم البته خنده کم میکردید و بسیار میگریستید و بروایتی فرمود که هر که کلمه گوید که همنشینانش بخندند
خدا او را برو در آتش اندازد و باید دانست که تبسم و خندان بودن در غیر اوقات خشیت و موعظه
و مزاح با برادران مؤمن مطلوب است چنانکه حضرت صادق ع میفرماید که هر که شوخی کند با یکی او را مسرور
سازد حق تعالی او را مسرور سازد و فرمود هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او خوش طبعی و مزاح هست و پرسید از یونس که چونست
مزاح شما با یکدیگر گفتم کم است فرمود چنین مکنید که خوش طبعی و مزاح از حسن خلق است و
ادخال سرور است بر برادر مؤمن و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با کسی خوش طبعی میفرمودند که او را مسرور
نمایند و حضرت کاظم ع فرمود که یحیی بسیار میگریست و نمیخندید و عیسی گاه میگریست و گاه میخندید و عیسی بهتر
از یحیی میکرد و مذموم قهقهه و افراط در مزاح است و شوخی شد چنانچه در احادیث بسیار واقع شده که قهقهه
از شیطان است خنده شیطان است هر که بقهقهه خندد لعن کند او را جبار ذو العرش جل جلاله و فرمودند
و پاکیزه دارید دهانهای خود را که خنده بدن و خوردن و خوابیدن و خنده آنحضرت تبسم بود و
امیرالمؤمنین ع فرمود زنهار بسیار مزاح مکنید که باعث حسد و کینه میشود و دشنام کوچک است
و از جمله قضاء حوایج و مسرور ساختن مؤمنان و دوستی و برادری ایشانست و خدمت علما علیهم
از انبیا باشد چنانکه مکرر مذکور شده و در حدیث صحیح حضرت صادق ع میفرماید که در وحی موسی ع است
که بندگان من کسانی چند اند که مباح کنم برای ایشان بهشت خود را و حاکم کردانم در آنجا گفت
پروردگارا کیستند فرمود هر که داخل کند سروری بر مؤمن و بحق دیگر هر که راه رود با برادر مؤمن خود
در حاجت او و روا شود یا نشود و فرمود مؤمنی از جباری گریخت ببلاد شرک و نازل شد بر یکی از ایشان او را جا داد
و مهربانی و ضیافتش کرد چون محتضر شد وحی شد باو بعزت و جلال خود قسم که اگر برای تو در بهشت
منزلی میبود ساکن میکردم ترا ولیکن حرام است بر هر که مشرک بمیرد اما ای آتش او را بترسان و آزار
مرسان و روزیش میاید صبح و شام یکی پرسید که از بهشت فرمود از جائیکه خدا میخواهد و در حدیث
مفضل فرمود بپلی رد کنی اعمال هیچ خوشحالی بر مؤمن کرده بلکه بخدا قسم مارا بلکه بخدا سوگند
رسول خدا را خوشحال کرده و دل خدا از معنی متواتر است و در بعض از آنها این زیادتی هست که هر که
ادخال سرور بر رسول الله کند بتحقیق که رسانیده است بر الله سرور و همچنین غمگین کردن مؤمن و فرمود

در ثواب اذان گفتن

است و حضرت صادق ع فرمود هر که خواهد که خدا او را در سایهٔ رحمت بدارد در روزی که غیر از پناهی نیست
ناس باد پس مردم را هیبت حضرت مانع شد از سؤال آنگاه فرمود پس باید مهلت دهد معسر را و چیزی از
حق خود برای او واگذارد و نباید پنداشت که صاحب این اعمال چنانکه توهم با وجود گناهان بسیار از دوزخ
ایمن خواهد بود و صاحب اعمال چند هم با وجود مسلمانی و عبادت بسیار از بهشت محروم شده از
شومی کردار خود البته مستحق جهنم خواهند شد از جملهٔ اعظم اینها اهانت و سهل انگاری بآداب نماز است
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که محافظت بر نمازها نماید بیاید روز قیامت او را نوری و
حجتی و براتی بوده باشد الخ و گذشت در احادیث از آنحضرت و حضرت باقر و حضرت صادق ع منقول
شد که هر که تاخیر نماز عصر کند تا آفتاب زرد یا غایب شود روز قیامت خواهد آمد موتور و ناچیز از اهل
و ولد و در تفسیر این حضرت صادق ع فرمود که بی اهل و مال خواهد بود در داخل بهشت هم که باشد
مهمان اهل بهشت خواهد بود و خود منزلی نخواهد داشت و هنگام رحلت جمیع اقارب خود را
جمع نموده فرمود که بتحقیق که شفاعت ما نمی‌رسد کسی را که نماز را خفیف شمارد و سبک بجا آورد و از
بدترین افعال است و سبک داشتن نماز این است که تحصیل علم نکنی بآداب آن از مقدمات و مقارنات
یا ندانسته محافظت بر اینها ننماید و گذشت حدیث حضرت باقر ع که رسول خدا ص کسی را که سجدهٔ نمازش
سبک و بی تابی میکرد فرمود مثل این مرد چنانست که کلاغ سجده میکند اگر بر این حال بمیرد بر غیر دین من مرده
و باحادیث بسیار نماز بی آداب مقبول نیست و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که چون نماز بنده
قبول نرسد ملکی که بالا میبرد حق تعالی میفرماید که او را بر بندهٔ من برگردانید بر روی او و بعد از
آن میگوید بادا ترا تعب که همیشه مرا تعب میدادی و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید نماز نیست
کسی را که از جماعت بی علت رغبت نماید و در صحیح حضرت صادق ع از آبای کرام خود از رسول خدا ص که
همسایگان مسجد فرمود که ترک میکنند موافقت جماعت را و الا امر میکنم علی را که آتش زند بایشان و خانه‌های
ایشان و از آنحضرت مذکور فرمود که هر که از جماعت دور شود و از مسلمانان بیرون رود بعیدی منافق است
بعزم رجوع و برقرار است بمسجد و چنانکه در کتاب سید هاشم بحرانی منقول است فرمود آمدند نزد من جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با هفتاد هزار ملک پس گفتند بمن ای محمد صلی الله علیه و آله با امت خود این را
که هر که میبرد با امت وقت جماعت بیاید بسوی بهشت و او که پیش از عمل اهل زمین دارد که هیچ عمل خیری از او

از شدت عذاب چنانکه ایشان دارند بگروهی که مرایشان دارند تا خلاص شوند و عذاب ایشان سبک نشود و در
آتش تشنه و گرسنه و کر و گنگ و کور باشند و نشسته و محروم و نادم و غضب کرده پروردگار خود نرم بر ایشان
نکنند آتش بر ایشان افروزند و از حمیم جوشان و زقوم عوض آب و طعام بر ایشان بخورانند و با غلها
آتش بر تنهای ایشان ببندند و گرزهای آتش بر سر ایشان میکوبند و ملائکه بسیار غلیظ شدید که رها
فرمانی خدا دهند رحم ننمایند ایشانرا در شکنجه دارند و بر روی در آتش کشند و با شیاطین با غل و بند
مقید سازند اگر دعا کنند مستجاب نشود و هر گاه حاجتی طلبند روا نشود این است حال مجرمی که بجهنم
میروند و رای المجرمون النار فظنوا انهم مواقعوها ولم یجدوا عنها مصرفا روز قیامت ببینند گناه
کاران معاینه آتش دوزخ را و جزم نمایند افتادن در آن و هیچ نیابند مخلصی تا قرآن میفرماید که
آتش شما جز یکیست از هفتاد جز آتش دوزخ که هفتاد بار آنرا با آب خاموش کرده اند باز افروخته
شده و الا هیچکس طاقت نزدیکی آن نداشت بدستی که جهنم را بصحرای محشر خواهند آورد تا
صراط را بر روی آن بکشند پس جهنم فریادی در محشر برآورد که جمیع ملائکه مقربین و انبیاء
مرسلین از هول هیبت آن بزانو در آیند و استغاثه کنند تری الظالمین مشفقین مما کسبوا وهو
واقع بهم خواهی دید یا محمد ظلم کنندگان را در ترسان از جزای آنچه کسب کرده اند و آن واقع
شد نیست بر ایشان پس نفع بحال خود نخواهند داشت در دنیا که نفع داردی ترسیدن را رندو آنها را
که ایمان و عمل صالح دارند در باغهای بهشت برای ایشان مهیا است آنچه خواهش نمایند نزد
پروردگار خود این است دولت کبری و سعادت عظمی که خدا بشارت میدهد بآن بندگان خود را
که ایمان و عمل صالح داشته باشند کل نفس بما کسبت رهینة تا آخر آیات یعنی هر کس رهن آن عملیست
که کسب کرده تا از عهده کار خود در دنیا بدر آید ذکر و ورد مجرا بهمکی مؤمنان در بهشت سؤال خواهند کرد
از گناهکاران که چه چیز شمارا بجهنم برد گویند نماز نمیکردیم و اطعام مساکین نمینمودیم و در باطل خوض
و غور میکردیم و بروز جزا تصدیق نمینمودیم الذین یکنزون الذهب والفضة تا آخر یعنی آنها که طلا
و نقره را ذخیره میکنند و در جمع میکنند در راه خدا پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه
آنها را در آتش دوزخ گرم کنند و داغ می کنند روها و پهلوها و پشتهای ایشانرا این است آنچه ذخیره
کرده اید پس بچشید آنها را ویل لکل همزة لمزة تا آخر یعنی وای بر حال هر کس طعن و عیب نماید بفقرا و که

در کیفیت عذاب اهل جهنم است

که لازم است باشد چه چگونه از احتراز و تدارک اعراض مینمایند بچه طریق همه مشغول لهو و لعب میباشید
خدا همه را از خواب غفلت بیدار کند بمحمد و آله و امیر المؤمنین ع میفرماید بدرستی که اهل معصیت بفتنها
مبتلا شده اند آتش خورده اند و دست و پاهای ایشان را با غل بزنجیر کرده و بر بدنهای ایشان پیراهنها از مس گداخته و
جبه‌ها از آتش بریده و مبتلا شده اند در عذابی که گرمی آن بنهایت رسیده و درهای جهنم را بر روی ایشان
بسته اند هرگز نسیمی داخل نشود و غمی از ایشان برطرف نشود و عذاب ایشان پیوسته شدید است و ایشان همواره
جدید بیند و خانه ایشان فانی نشود و مدت عمر ایشان بسر نیاید مالک را استغاثه کنند که از خدا بطلب که ما را بمیراند گوید
شما دایم در عذاب خواهید ماند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که گریه کنید اگر نیاید بتکلف
گریه کنید که اهل جهنم چندان گریه کنند که اشکشان فانی شود بعد از آن خون بگریند تا در چهره‌هاشان شکافها
بهم رسد پس اگر کشتیها را در آن خواهند سیر شود و همچنین جاری گردد و بعد از آن فرمود که مسکین اهل دوزخ هر تشنه آب
طلبند ایشان را طلبند هر چند بخت طلبند مگر ایشان که مرگ خواهند هرکس حیات خواهد ایشان مرگ
خواهند چه جای حیات و لهذا زن جهنم استغاثه نمایند بتفصیلی که در روایه دیگر مذکور است که بطلبند از خدا که
یکروز عذاب را تخفیف فرماید گویند آیا در دنیا پیغمبران شما موعظه و آیات نیاورد گویند بلی ملائکه گویند
پس خود دعا کنید غرض قطع توقع ایشانست ندا رسد لقد جئناکم بالحق بتحقیق آمدیم خیر خواهی و لازمه
نصیحت بود بشما فرستادیم اما اکثر شما حق را ناخوش داشتید ام ابرموا امرا فانا مبرمون ایا ابرام و اصرار
میکنند در معصیت نافرمانی و تقصیر تا اخیر توبه و پشیمانی و بازگشت بسوی ما بخدا سوگند که ما نیز پس ما
هم ابرام میکنیم در عذاب هر چند جزع نمایند و بروایتی بعد از هزار سال جزع میگویند صبر را منفعت
فرج میشد در دنیا پس صبر نمایند هزار سال و تخفیفی نبینند گویند سواء علینا اجزعنا ام صبرنا
ما لنا من محیص صبر کنیم یا جزع کنیم خلاصی نداریم پس از شدت تشنگی و عذاب استغاثه و عجز نمایند
هزار سال آنگاه ابر سرخی بر بالای ایشان پیدا شود پس بباراد بر ایشان عقربها مثل استرها که درد
گزیدن آنها هزار سال ساکن نگردد و بعد از آن باز تضرع و استغاثه کنند هزار سال تا ابرهای
بر سر ایشان بباراند مارها مانند گردن شترها که وجع زهر آنها هزار سال بماند و در روایت دیگر معنی
کلام الهی زدناهم عذابا فوق العذاب و در روایت دیگر سنگها و عقربها بر سر ایشان بباراند که کلها
ایشان کوبیده از قبرهای ایشان دود و زبانه جهنم ملوم مدحورا لها سبعة ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم

بعض

یعنی بتحقیق که جهنم البته وعده گاه جمیع گمراهان است و گمراهان را هفت در است برای هر دری
حصه از ایشان مفروز و قسمت شده روایت است که چون این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل
فرمود که وصف کن برای من احوال جهنم و اهل هر بابی را گفت اول زهره که تا در یکی هفتاد سال راه است
در هم دیگر محیط شده هفتاد در هر دری بالاتر است و اول هاویه جای منافقین کفار و فرعونیان دوم جحیم
مسکن مشرکین سیم سقر مقر صابئین چهارم لظی مأوای ابلیس و اتباعش و مجوس پنجم حطمه منزل یهود
ششم سعیر مکان نصاری و چون بهفتم رسید جبرئیل ساکت شد حضرت فرمود خبر ده مرا از هفتم یا جبرئیل
عرض کرد که در آنجا اهل گناهان کبیره از امت تو خواهند بود که بی توبه مرده اند حال حضرت از جلال بر
در افتاده بیهوش شد پس جبرئیل سر آن غمخوار امت را بزانوی دلسوزی نهاده چون بهوش باز آمد
فرمود یا جبرئیل عظیم کردی مصیبت و اندوه مرا با امت من داخل جهنم خواهند شد و گریست بسیار و گریستن
شد یک و جبرئیل هم گریان گردید و حضرت تا چند روز بکسر بغرفت خود داخل میماند و بیرون نمی آمد مگر
برای نماز و با هیچکس تکلم نمیفرمود و چون شروع بنماز میکرد بگریه و تضرع میفرمود و اصحاب بر حال
آنحضرت میگریستند و نمیدانستند که چه نازل شده و علی علیه السلام غایب بود تا اینکه بعضی
بحضرت زهرا صلوات الله علیها که هر وقت او را میدید شاد میشد پس آمد بر در خانه آنحضرت دیدند
حالتی که جو آسیا میکرد و میفرمود و ما عند الله خیر و ابقی چون حضرت شنید جاده مبارک بر
سر کشید که دوازده جای آن بلیفه خرما وصله داشت و گریست بر حال و حضرت اصحاب بعضی اصحابنا
و چون وارد بحضرت شد عرض کرد که ابا من ببینی فلان اگر تعجب میکند از لباس من بخدا سوگند پنج سال است
که پیچیده است که بیست سال و علی امکر پوست میشی که روز شتر خود را بر آن علف میدهیم و شب
فرش میسازیم و بالش ما از پوستی است پر از لیف خرما پیران فخر پیغمبر و مفتخر با فتخار الفقر فخری
التفات بآن سخن نمود و فرمود و اگذار پدرم مرا تا شاید بعضیرا اهل فضل سابقین کرد چون
بخدمت پدر بزرگوار خود رسید دید که از بسیاری گریه رنگ مبارکش متغیر و زرد گشته گوشت
رخسارش ریخته و در روایت است که اشک از بسیاری گریه که در سجده نموده زمین گل شده گویا
شد و گفت جانم فدای تو ای پدر بزرگوار چه امر فرمود چگونه گریه نکنم که جبرئیل برای من آورده که الا
مرا ذکر باین فرموده در آن هفتاد هزار کوه آتش است و در هر کوهی هفتاد هزار وادی آتش و در هر

در کیفیت جهنم است

وادی هفتاد هزار شکاف از آتش و در هر شکافی هفتاد هزار قصر از آتش و در هر قصری هفتاد هزار
هزار خانه از آتش و در هر خانه هفتاد هزار تابوت از آتش و در هر تابوتی هفتاد هزار هزار نوع از
عذاب آنگاه در این حال فاطمه صلوات الله علیها مدهوش بر روی در افتاد و میگفت وای وای بر کسی که
داخل آتش شود و چون بهوش آمد حضرت سید او بهترین خلق خدا برای کیفیت این نوع عذابها فرمود بر
کسی که نماز را ضایع کند و متابعت شهوات و خواهشهای نفس شوم نماید بدرستی که این مکتوب در درکات
پس اصحاب بیرون رفتند بعضی گریه میکردند بعضی میگفتند کاش از مادر نزاده بودیم و ذکر جهنم را نمی
شنیدیم عمار میگفت کاش در دنیا با نهاد مرغی بودم و مرا حسابی و عقابی نمیبود و سلمان بر بقیع
رفت چون اهل شام دست بر سر بسنگ بلند او فریاد میزد که آه از دوری سفر و کمی توشه در سفر قیامت
با این حساب و عقابی که در پیش است پس بلال با ابوذر خود را به پیش رسید چه جزا است گفت وای بر من و تو یا بلال هرگاه
باز گشت ما بعد از لباس پشمینه کتان جامهای آتشین باشد وای بر من و تو یا بلال که بعد از مصاحبت
زنان قرین شیاطین باشیم در غلها وای بر من و تو یا بلال هرگاه بپوشانند ما را از جهنم و زقوم جحیم پس فاطمه
صلوات الله علیها پرسید که چگونه داخل آتش جهنم خواهند شد فرمود ملائکه ایشان را میرانند بسوی
آتش و مثل کفار روسیاه و کبود چشم نمیبینند و زنجیر دارند گفت چگونه میکشند ایشان را فرمود مردان را از ریش
ایشان و زنان را از گیسو و موهای پیشانی ایشان بسا صاحب موی سفید از امت من که بکشند آتش
بسوی جهنم و او فریاد کند که وا شیباه وا ضعفاه و بروایت ابن عباس اول کسی که داخل بهشت میشود
از پیغمبران این امت اند و آخر کسی که داخل آتش میشود از این امت خواهد بود و چون رسول خدا صلعم میشناسد
که دست و پا سفید اند از اثر وضو خدا تعالی فرماید که غایب کنید ایشان را در روز قیامت چون
داخل بهشت شود و خدا فرماید که برانید ایشان را بسوی مالک دوزخ و چون مالک ایشان را ببیند
که بصورت کسانی نیستند بصورت شیاطین بر روی بر آتش کشیده خواهند شد تعجب نموده خطاب میکند که
شما چه امتید ایشان از صولت مالک هراسان و سراسیمه شده از هیبت او نام محمد را فراموش کنند
گویند ما امتی بودیم که بر ایشان نازل شد قرآن و روزه ماه رمضان مالک گوید که قرآن نازل
نگردید مگر بر محمد مصطفی صلعم آیا در قرآن چیزی نبود از موعظه که منع کند شما را از نافرمانی و معصیت الهی پس ندا
رسد یا مالک اینها را از بالای در جهنم داخل و چون نظر کنند بسوی آتش که زبانه میکشد جزع و

بیان انواع عذاب اهل جهنم

والناس کنند با مالک که ما را این قدر مهلت ده که ساعتی بحال خود گریه کنیم انگاه نوع نوع زاری
و نوحه گری کنند که چگونه صبر کنیم در آتش و حال آنکه بر گرمیهای آفتاب صبر نداشتیم پس چندان گریه کنند که بآب
شود اشکهای ایشان و بعد از آن خون گریه کنند و در این حال گویند که چه نیکو بود اگر این گریه را در دنیا
میکردیم که فایده میبخشود پس اگر از خشیت الهی گریه در انجا میبود اینجا اصلا آتش بایشان نمیرسید و ایشان
در نوحه و گریه باشند که با ایشان ندا رسد که یا مالک داخل آتش کن ایشان را از بالاترین ابواب جهنم پس چون ملائکه
گویند بینند از پیشانیها و در آتش را که چهرها پیشتر و جوانان را بی سر و زنان را دست بر سر نهادند نعوذ بالله با آتش اندازند
هر چند همگی فریاد یا محمداه یا احمداه یا ابا القاسماه برآورند کسی نشنود بر دری که چون بدوزخ افتند یکبار
گویند لا اله الا الله آتش دور شود مالک بر آتش ندا کند که چگونه گرم لا اله الا الله میگویند گوید که برو و روی
ایشان را مسوز که سجده الهی میکردند و بر دلهای ایشان که در ماه رمضان تشنگی و گرسنگی کشیده اند و بر
جگر که بدانچه از ان کسی صبر نموده پس بدوزخ بمانند تا وقتی که خدا خواهد و پاک شوند و قابل همنشینی نیکان
گردند و باحادیث متفرقه رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت احوال بعضی از اهل دوزخ که میان
دو شانهای او سه روز راه و بروایتی چهل روز راه هست و دندان آتش مانند کوه احد و کلفتی پوستش چهل و دو گز
نشیمنگاهش بمسافتی که تا مدینه و دنیا آتش بکمر سیخ و دو فرسخ پامال مردم و کباب کند از آتش جهنم و لب بالا
تا میان سر پیچیده و لب زیرین تا ناف کشیده سرشان مانند کوه بزرگ و چشم گریه مثل چاههای معطله
و موی مانند نیزهای درشت صدای فریادشان مانند صدای رعد انگشتهای دراز دهن دراز کنند آتش نفس اول
بالحق عقابی و بالعدل سخطی و دو قیهم من رحمتی و املیتهم من کرامتی سیهم و قد قدمت الیکم بالوعید
چهارم ما یبدل القول لدی و ما انا بظلام للعبید و این همه دو مضمون قران است پنجم طعامکم الزقوم
و شرابکم الصدید ششم ابلیسکم ابلیس و قرنائکم الشیاطین هفتم لا تسخطکم و لا فرح هشتم سحقا
لاهل النار و بدا لهم من الملک الجبار اسودت وجوههم و عمرت مجالسکم و هم حرام علیکم زبانی
واستماع کلامی و فرمود اگر در این مسجد هزار نفر یا زیاده باشند و نفس کشد یکی از اهل جهنم بایشان برسد
هر آینه مسجد و هر که در ان است بسوزد و در جهنم مارها هست بکلفتی گردن شترها که درد گزیدن اثرش
چهل سال میماند و هم چنین عقربها و بروایت مجاهد پس نجات نمیدهد ایشان را مگر گریه حتی
با آتش و بروایت ابن عباس طول هر ماری سه روز راه باشد نیشهای چون نخل میکنند چشم و لب جمیع پوست

در صفت مالک جهنم

٤٣

بهشت رسید پس تو بگو نعمت را که خدا بدیا تا دهلت فرمود و فرمود چون داخل آسمان پنجم شدم ملکی
دیدم که از او عظیم‌تر ملکی ندیدم با هیبتی منکر و غضبناک پس هر محبت و دعا که ملائکه نسبت بمن نمودند او نمود
ولیکن نخندید از جبرئیل پرسیدم که این کیست که از دیدن او بسیار ترسان شدم گفت کجا ترسان شوی از دیدن او که او را بترسیم
ما همه از او میترسیم این است مالک خازن دوزخ از روزی که خدا او را والی جهنم کرده است هر روز خشمش
بر دشمنان خدا و اهل معصیت زیاده میشود برای انتقام از کسانی که حق تعالی انتقام فرمود پس بر او سلام کردم
و مرا به بهشت بشارت داد گفتم جبرئیل چون همه اهل آسمانها او را اطاعت میکنند بفرما دوزخ را بمن بنماید
پس پرده برگرفت و دری از درهای جهنم را گشود ناگاه زبانه بآسمان بلند شد و ساطع گردید و چنان بخروش
آمد که هراسان و ترسان شدم پس گفتم بجبرئیل که بگو پرده را بیندازد و فرمود سبک‌ترین اهل جهنم در
عذاب کسی است که در پاهای او دو نعل آتش باشد که از شدت حرارتش مغز سرش مانند دیگ در
جوش باشد پندارد که از جمیع اهل جهنم عذابش سخت‌تر است و قریب باین معنی حدیث نبوی صلی الله علیه و آله
وارد شده و فرمود فلق دره‌ای است در جهنم که در آن هفتاد هزار خانه است در هر خانه هفتاد هزار حجره و در
هر حجره هفتاد هزار افعی سیاه و در شکم هر افعی هفتاد هزار سبوی زهر و جمیع اهل جهنم را گذر بر آن دره خواهد
افتاد و از آیات و روایات در شدت و عقوبات اهل جهنم بسیار است چون صریح یا ظاهر در آنها بکفار نبود بیان
آنها اکتفا نمود و بجهت تطویل لائق نبود سابق پس چون حکم الهی در پاک کردن اهل نجات با آتش جاری گردید فرماید
یا جبرئیل به چه کارند امت محمد صلی الله علیه و آله گوید الهی تو داناتری فرماید برو حال ایشان نظر کن
پس مالک دوزخ بر منبری نشسته بر وسط جهنم نشسته باشد که ناگاه جبرئیل در تعظیم جبرئیل و از سبب آمدنش
سؤال کند جبرئیل گوید چه کرده‌اند گناهکاران امت محمد صلی الله علیه و آله گوید چه بسیار بد است حال ایشان و تنگ
است جای ایشان سوخت با آتش جهنم جسدهای ایشان و گوشتهای ایشان که نور ایمان در آنها درخشید
پس چون سرپوش جهنم را بردارد نظرشان بجمال جبرئیل افتد دانند که از ملائکه نزد ایشان آمده پرسند از مالک
که این کیست گوید جبرئیل که وحی میاورد بمحمد صلی الله علیه و آله چون نام محمد را بشنوند همگی فریاد برآورند که یا
جبرئیل محمد را بگو از ما سلام و بگو که گناهان ما ما را از تو جدا انداخت و محروم ساخت ما را از نعمت تو و خبر کن احوال
ما بین بدحالی پس چون جبرئیل بمقام عرض میکند فرمان رسد که برو ببین امت شما را از آسمان و بر روایتی از بس که ناله
کنند و فریاد واشفیعاه یا ابا القاسم ... زنان و ... فریاد در صفحه ما و بیچارگان با فرمانت یا شفیع

در غذاء اهل دوزخ

خواهند ماند هفتاد هزار سال است تا آنکه زغال گشته باشند بعد از آن بیرون خواهند آمد آنگاه در دهانه
جهنم نشسته میشوند بر اهلش و بسند صحیح حضرت باقر ع میفرماید که آخر کسی که از جهنم بیرون می آید مردیست همام نام
عمری فریاد کند که یا حنان یا منان و بروایت عیاشی آخر کسی که بیرون می آید از این امت بعد از هفت
هزار سالست بعد از هفت هزار سال فریاد زند یا الله یا الله تا هزار سال یا حنان یا منان هزار سال
یا حی یا قیوم هزار سال بعد از آن حق تعالی فرماید یا مالک بندهٔ من مرا میخواند در جهنم بیاور او را بسوی من
پس مالک نهیبی میزند بر آتش که از هیبت مالک بجوشد بعضی بعضی را و او را جسته کو بیابد و میطلبد تا او را بیابد
او تضرع نماید که دو سه آنکه بهیچ چاره نیست بیاور او را در حالتی که از بیم هیبت ماهی میلرزید با
پس حق تعالی فرماید ای بندهٔ من تا چند فریاد کردی برای تو گوش و چشم و فلان و فلان اسباب هدایت او
از شر فساد و معرفت داده گویا پروردگارا آتش از بی مجالت بهتر بود فرماید که کرد اینده ش باتش
این بیچاره ملتفت شده گوید ای پروردگار من این گمان را بتو نداشتم بلکه گمان کردم که بعد از بیرون
آوردن باز دیگر مرا بدوزخ نخواهی فرستاد آنگاه او را داخل بهشت نماید و حضرت باقر ع فرماید که مکث
کنند در آتش هفتاد سال بعد از آن سوال نماید بحق محمد و اهل بیت او که مرا رحم کن پس وحی میرسد
بجبرئیل که بیرون آر بندهٔ مرا پس بیاید او را در حالتی که بر رو درافتاده باشد بیرون آرد آنگاه حق تعالی
فرماید ای بندهٔ من چه قدر مکث کردی در آتش گوید نمیتوانم او را شمردن میدهی گوید احصا نکرده‌ام
فرماید قسم بعزت خود که اگر نه آن بود که از من سوال کردی البته طول میدادم خواری ترا در آتش و لیکن
حتم کرده‌ام بر خود که سوال نکند بندهٔ از من بحق محمد و اهل بیتش مگر آنکه بیامرزم او را در انچه میان من
و او است مولف گوید که ظاهر آیات و روایات بسیار دلالت دارد بر اینکه بعضی اهل نجات
با آتش دوزخ معذب خواهند شد و استبعادی ندارد بعضی جهال ناشایست زقلت معرفت بعظمت الهی و ناهی
شده قباحت مخالفت او فرمانه و باید تغیرهای نامتناهی که از الطاف ابدی و مثوبات عظیمه نامتناهی در ازاء
کلمه استبعاد ندارد ز هم قیاس کن که اگر پادشاهی کسی را از خاک راه برداشته زینت کرده باشد اهم
بعد از آنکه از دولت و کمال و جمال و عزت و جلال رسیده باشد بتکادینا موس آن پادشاه نماید البته
اگر پادشاه بقتل او فرمان دهد هیچ عاقلی بعید نشمارد بلکه از اغماض پادشاه تعجب و طعن نماید با آنکه
پادشاه نه خالق او است نه رازق او بسبب پیکان زیادی نعمت با آسمان و زمین و مالک ملک و ماوراء دنیا

در سؤال از نعمت

بید قدرت و رأفت خود از ظلمت عدم بنور ایجاد منور گردانیدی و خلعت اصطفا و کرامت بتو پوشانیدی
و ترا از جمیع مخلوقات برای خود برگزیدی و کل ذرات کاینات از ثری تا ثریا بخدمت تو باز داشت و
بسیاری از ملئکه و بندگان خود را بمحافظت و حراست تو گماشت و بهیچ حال در اسباب و انواع لطف و
رعایت تو دقیقه فرو نگذاشت و روز بروز بلکه دم بدم در کمال رأفت و داد احسانهای تازه و نعمتهای
بی اندازه بتو داد و تعلیم تو و تمیز دوست و دشمن و تکمیل هدایت و خیرخواهی و عزت و راحت تو و غیرت
تو حکمت و قرآن و رسول هادی و برهان بسوی تو فرستاد و در همه احوال مثل پدری که در پرستاری
و تربیت و غمخواری یک فرزند مشغول باشد با تو با لطف و شفقت و رعایت و اقبال و رحمت و رأفت
و مرحمت بسوی تو کرد اینک پس همین که ترا بحد کمال رسانید دانستی در جزای این همه احسانها با دشمنان
او همداستان شدی از کمال بیشرمی شروع بمخالفت و هتک پرده ناموس محارم او نمودی و بعصیان کوری
و پای جفا و بیوفایی راه کدورت و دوری و غضب او بسوی خود گشودی هر چند صبر فرمود و رعایت و تجدید ملاطفت
نمود و عفو و مماشات و ملایمت فرمود و مصلح و مبلغی بسوی تو فرستاد و درهای آشتی و استمالت بسوی
روی تو گشاد قبول نکردی و باصرار و ابرام از نهایت بیمروتی چون معاندان در مخالفت و نافرمانی
چنان پروردگار رحیم کوشیدی و بتغافل و تعامی پرده و مهند چشم بصیرت و آگاهی از جمیع الطاف
متناهی پوشیدی اگر بتوبه و ندامتی هم از تو راضی و قانع شد تو راضی نشدی حالا خود انصاف ده
که با چنین ناپاکی چگونه رحمن را بغیر حدت آتش غضب الهی چه چیز بالک میتواند نمود و ناهموار [illegible]
این دل شد ببدی زشت و روی سخت چون حدید زشت و لیسوای شدت سوهان شد [illegible]
چه سود و دیگر گناه مانند جراحت و علت چون هلاکت لازم است بعد از آنکه طبیب مهربان حاذق
ترا از تناول هر چیز منع بلیغ فرماید و آگاه نماید که موجب هلاکت تو دانسته و فهمیده و دیده
و شنیده بشره بی بهایا بدی [illegible] شد بمخالفت طبیب جرات اقدام نمائی و باغوای موافقت بعض
و دشمنان او وجود بخوردن زهر قاتل تمام و اهتمام نمائی طبیب چه کند استیفا از او چه سود دهد و در کار
غرایب عقوبات بمقابله [illegible] نهایت شامل حال اینکه بعد از اهتمام کتاب مبین تقریب
شیطانی [illegible] سوره از آن بوصف [illegible] بعد از تا سقف عظیم و حزن بسیار
الم [illegible] شیطانی [illegible] شاید بافراط خوف مؤمنا کرعن بالذات از نا [illegible]

با این شدت ذائقی نبوده لهذا در تحریر بهامنوال بیان از جناب قدس الهی استشاره نموده بهمین آیه عبرت آیه
اشاره فرمود وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر انا اعتدنا للظالمین نارا تا آخر آیه یعنی
بگو حقیقت از جانب پروردگار شما هر که خواهد قبول کند و هر که خواهد انکار شود که بتحقیق که ما مهیا کرده
ایم برای ستمکاران آتشی که احاطه کرده بایشان سراپردهای آتش و هرگاه استغاثه کنند و از شدت عطش آب طلبند
آبی بایشان دهند چون مس گداخته و بریان کند روهای ایشان را بد آبیست بد آرامگاهی بدرستی که آنها که
ایمان و عمل صالح دارند ما ضایع نخواهیم کرد مزد کسی که عمل نیکو نموده باشد و از نمودن منقول است که
ای پیر آدم چگونه تاب میآری من میبینم و حال آنکه هرچه میبینم الدنیا بتاب فنا و بتحقیق که دوزخ را هفت طبقه
است و در آن آتشها است که بعضی مشهور و بعضی را از شدت و در هر باب هفتاد هزار وادی از آتش بار مود
که بسوزد از آن قدس خود سوگند که بیافرید این آتشها را مگر برای کافر و بخیل و سخی بخیل و عاق والدین
و مرائی و سود خوار و مانع زکوة و زنا کننده و جمع کننده حرام و فراموش کننده قرآن را و آزار کننده همسایگان مگر
توبه کنند و با ایمان عمل صالح نمایند این بر خود ترحم کنید که بدنهای شما ضعیف و سر درد بار شما سنگین
و صورتها باریک و مساوی است اهل السنت آتش نیاز میبخشد حاکم پروردگار رب العالمین است موافق
اتفاق بلکه ضرورت مذهب شیعه است که جهنم و همچنین بهشت بالفعل موجودند و آیات و
احادیث در این باب بسیار است و شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل بهشت و مطلع بر دوزخ
شده اند و انکار این هر دو کفر است بلی الحال از ما دور یا مستور است و در روز جزا ظاهر و آشکار
خواهد شد و بخدمت حضرت رضا علیه السلام عرض شد که بعضی میگویند خدا بهشت و دوزخ را مقدر
فرموده که خلق خواهد نمود فرمودند ایشان از ما نیستند و ما از ایشان نیستیم و هر که منکر خلق شدن
بهشت و دوزخ است تکذیب پیغمبر را کرده و هیچ بهره از ولایت ما ندارد و همیشه در جهنم خواهد بود.
پس استدلال فرمود بآیات و احادیث و در روایت ابن عباس یهودی از امیرالمؤمنین ع پرسیدند کجاست
بهشت و دوزخ فرمود بهشت در آسمان و جهنم در زمین و در روایتی کدام آسمان و کدام زمین کجاست
بهشت را دارد بلکه بالای آسمان هفتم زیر عرش است حضرت باقر ع میفرماید بخدا سوگند که بهشت
خالی نیست از ارواح مؤمنان از روزی که خدا آنرا آفریده و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که
شب جبرئیل را فرستاد بسوی بهشت که ببیند آنچه برای اهل آن ساخته پس برگشت و گفت قسم بعزت تو که هر کس بشنود

در اوصاف بهشت

کسی خبر از آمدن داخل آن نمیشود پس محفوف و مقرون بمکاره گشته وحی شد که برگرد بسوی آن چون برگشت
گفت بعزت تو سوگند که میترسم که احدی داخل نشود پس فرستاد بسوی جهنم گفت بعزت تو سوگند که داخل
آن نخواهد شد هر که بشنود خبر آن پس محفوف بشهوتها و خواهشها کرده فرمان شد که برگرد بسوی آن چون دید
گفت بعزت تو قسم که میترسم کسی نماند که داخل آن نشود و منقولست که چون جهنم آفریده شد دلهای
ملائکه از بیم بسیار مضطرب گردید چون بنی آدم مخلوق شدند شدت و اضطراب ایشان زائل شد
پس وای بر حال بنی آدم غافل از آنچه از برای او مهیا شده خدا همه شیعیان را از خواب حسرت بیدار کند
و توفیق تحصیل نجات کرامت فرماید بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم الی یوم الدین
بدان وفقک الله که این چند حدیث در ذکر خانه‌های بهشت و شجره طوبی از روایح طیبات
و طیبات مؤمنان و مثوبات اهل جنان قال الرحمن وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من
تحتها الانهار خالدین فیها و مساکن طیبة فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم
یعنی وعده فرموده خدا تعالی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بهشتهای چند که از پای آنها نهرها روانست همیشه
در آنها متنعم اند و مساکنهای پاکیزه در بهشتهای عدن و رضوان الهی که شامل حال مؤمنان خواهد
شد بزرگتر از آنها است این فوز و رستگاری عظیم که لذتها و بهجتهای دیگر نظر با این حقیر است والذین
آمنوا و عملوا الصالحات لنبوئنهم من الجنة غرفا تا آخر آیه و آنها که ایمان و عمل صالح دارند البته جا دهیم
ایشان را از بهشت در قصرها و غرفهای بلند چند که جاری میشود از پای آنها نهرها همیشه در آنها متنعم اند
بی زوال و ملال است خوشا حال کارکنندگان که صبر کنند بر مشقت عبادت و از معصیت الهی توکل نمایند
بر پروردگار خود و در حدیث معراجست که دیدم خازن بهشت که بر کرسی که کسی مثل آن ندیده هفتاد
هزار ملک در برابرش ایستاده هر کدام هفتاد هزار خادم پس پرسیدم از منازل امت خود گفت بتحقیق
که حق تعالی بهشت را سه قسمت فرموده دو ثلث از امت تو است و یکی از سایر امتها پرسیدم از کلیدها
تا حجره گفت پیش او بود گفت چون یکی از امت تو تهلیل کند بنا کنند غرفها و قصرها از نور براو وقتی
از نور کلید آن بمن سپرده شد تا روز دیگر آن تعبیر را ... علیم و فاطمه ملائکه را دیدم که در بهشت
بناها میساختند خشتی از طلا و خشتی از نقره و گاه گاه دست میکشیدند سبب پرسیدم گفت تا مصالح
برسد که قول مؤمنانست در دنیا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر تا میگویند بناها میکنند چون

نازل کنند ایشانرا نیکی و بعضی بر منکر شدند بر روی من تبسم نمود و گفت یا رسول الله امر کن ایشانرا خود را
بسوال الله و تسبیح و روزه و صدقه و گریه کردن یاد مشغول بسوال الله شان صفای دندان ما و سیاهی رخسار ما و برنج
فراهی ما و گریه ایشان از خشیت الهی بر حزن و شادی ما و از توریت منقولست یا ابن آدم چگونه رغبت می
کنی بدنیای فانی و نعیم زایل زندگی منقطع پس باید رغبت که نزدیکست برای مطیعان بهشتهای
که در هر بهشتی هفتاد هزار روضه از زعفران در هر روضه هفتاد هزار شهر از مروارید در هر جانب
در هر شهری هفتاد هزار قصر از یاقوت و در هر قصری هفتاد هزار خانه از زبرجد در هر خانه
هفتاد هزار حجره از طلا و در هر حجره هفتاد هزار صفه از نقره و در هر صفه هفتاد هزار مائده و در هر مائده
هفتاد هزار کاسه در هر کاسه هفتاد هزار رنگ از طعام و بر دو در هر صفه هفتاد هزار تخت از طلای
احمر بر هر تختی هفتاد هزار فراش از حریر و دیبا و استبرق و در هر تختی هفتاد هزار نهر از آب حیوان و شیر و
شراب و عسل مصفا بر هر نهری هفتاد هزار رنگ از میوه هم چنین در هر حجره هفتاد هزار خیمه ارغوان و در
هر خیمه هفتاد هزار فرش و در هر فراشی حوری از حور العین بر هر فرشی هفتاد هزار کنیز و بر سر هر کنیز
و بر سر هر قصری هفتاد هزار قبه کافور و در هر قبه هفتاد هزار هدیه که چشمی ندیده و گوشی نشنیده
و بر خواطر هیچ بشری نگذشته بجز آنچه عمل کرده اند نه مرگی و نه پیری نه حزنی و نه عبادتی و نه آزاری
و هر چند دیدند پس هر که در کرامت و جوار رحمت من باشد پس باید بطلبد بصدق و خوار داشتن دنیا
و قناعت باید کرد در قرآن بعد از ذکر بعضی مثوبات اهل جنان میفرماید لمثل هذا فلیعمل العاملون اذلک
خیر نزلا ام شجرة الزقوم یعنی برای چنین فوز عظیمی باید که عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است در
مهمانی یا درخت زقوم نه جهنم که محنت و عقوبت ستمکاران است بعد از ذکر بعضی حالات اهل جهنم میفرماید
قل اذلک خیر ام جنة الخلد التی وعد المتقون بگو یا محمد آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که وعده
داده شده پرهیزکاران که مزد عمل و محل بازگشت ایشانست در آنجا مهیا است آنچه خواهند این وعده
است لازم الوفا بر ذمت پروردگار و نیز لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیة تجری من
تحتها الانهار وعد الله لا یخلف الله المیعاد یعنی لیکن پرهیزکاران ایشانراست منازل در بهشت
غرفها بالای هم بنا کرده شده محکم از پای آنها نهرها جاری وعده خدا است که خلاف نخواهد
شد و بحدیث حضرت باقر صلوات الله و سلامه علیه رسیده است که رسول خدا صلی الله علیه

عزت تکیه فرموده از کثرت شوق و فرح تبسم نمود و از شعاع اسنان سپید و صفا و براقیت نور آن همه نهرهای آن
بود دوست خدا گوید او را حضرت سپید که نزد من آید چون دوست خدا آنجا برسد هزار غلام و هزار
کنیز مبادرت نموده و این بشارت را بعمو بوی رسانیده او را بخیمه فرود آید که بهشت متاع الهی از سندس و
هفتاد حله مطرز بطلا و نقره مزین بمروارید یاقوت و زبرجد ملون مثل و عنبر بالوان مختلفه که
از لطافت عجب باشد که مغز ساقش از زیر هفتاد حله نماید و قامتش هفتاد عرض و عرض خود و شصت
ده ذرع باشد و چون نزدیک دوست خدا برسد خادمان طبقهای جواهر نثار نمایند پس دست بگردن
یکدیگر در آورند و مدتها ایشان را ملال حاصل نشود بعد از ذکر این حدیث حضرت علیه السلام فرمود
که بهشتها که حق تعالی در قرآن فرموده جنة العدن و جنة الفردوس و جنة النعیم و جنة المأوی در میان
اینها بهشتهای دیگر هست و مؤمن از بهشتها و باغستانها آنقدر می‌یابد که خواهد در اینها متنعم
کند بهر نحو که خواهد و هر چه خواهد طلب کردنش همین که گوید سبحانک اللهم که بخدمت مبادرت نمایند
خواهد بی طلب حاضر سازند چنانکه حق تعالی میفرماید دعویهم فیها سبحانک اللهم وتحیتهم فیها سلام
فرمود یعنی تحیت خدام بر ایشان سلام است و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین فرمود مراد این است که بعد
از حصول لذت آنچه خواستند از جماع و اکل و شرب حمد الهی بجا آورند و فرمود بدانکه نیکوکاران بهره‌ور
خود بدانید که بهشت هشت در است و عرض هر دری چهل ساله است حق تعالی در شأن جمعی که ایمان و
عمل صالح دارند میفرماید اولئک لهم جزاء الضعف یعنی مر ایشان را نه همین بقدر کار ایشان است بلکه
مضاعف است بسبب عملی که کرده‌اند و ایشان در غرفهای جنان ایمن‌اند از هر هولی و نیز ان المتقین فی ظلال
وعیون تا آخر آیات یعنی بتحقیق که پرهیزکاران از معصیت الهی در سایه‌ها و چشمه‌ها و میوه‌های بهشت اینکه
میل دارند متنعم‌اند بخورید و بنوشید گوارا باد شما را بسبب عملهای خیر که در دنیا میکردید بتحقیق ما
نیکوکاران چنین جزا میدهیم انهم کانوا قبل ذلک محسنین تا آخر آیات یعنی بجا آوردند عطایای پروردگار
متقیان زیرا که ایشان پیش از این یعنی در دنیا نیکوکار میبودند که شبی بوده که نماز شب بجا آوردند
و سحرها در وقت هفتاد استغفار مینمودند و در مالهای خود حقی برای سایل و فقرا مقرر نموده بودند و بعد از ذکر
شهوات دنیا که در نظر اهل تکلیف و امتحان مزین شده میفرماید قل ءانبئکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا
یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم که آیا خبر کنم شما را بهتر از این برای پرهیزکاران نزد پروردگار

در بیان اوصاف بهشت

مهیا است بهشتها که نهرها از پای درختها و عمارتهای آن روانست همیشه در آن هستند و نعمتهای
وزنانی چند که پاکیزه اند از هر پلیدی و کثافتی و رضوان از جانب الهی که از همه لذتها اکبر است و نیز بکثرت
است و حق بیناست به بندگان خود بهیانند عمل و نیز هر که بهتر آنها که طلب آمرزش و نجات می کنند
می نمایند با صبر و صدق و ایمان و صدق و استغفار در سحرها متکئین علی سرر مصفوفة و زوجناهم
بحور عین تکیه زده بهشتیان بر مسندها و کرسیهای بهشت که مقابل و پهلوی هم چیده و تزویج کنیم ایشان را با
حوران خوش چشم بهشت یطاف علیهم بصحاف و مومنان گردند غلامان و خدمتکاران بهشت با کاسه های
طلا و کوزه ها است ... خواطر ایشان ... ایشان از آن لذت یابند همیشه
لا یذوقون فیها الموت ... دیگر بچشند محفوظ مانند از عذاب و رنج ... غافل برای خود مهیا
کرده اند اینها برای مومنان با محمد صلی الله علیه ... بنت ... کرامت عظیم ... آسمان کرم
قرآن ... تو که شاید مردم از غفلت متنبه شوند ... اوقات قلیله فرصت ... البته فوت خواهد شد
هر که این خوش دارد او راست لذات نعیم ابدی با حسرت و عقوبات جحیم ... برای خود مهیا کرد ...
خود ... پیش فرستاده ... ان للمتقین عند ربهم جنات النعیم افنجعل المسلمین
کالمجرمین ما لکم کیف تحکمون یعنی بتحقیق برای پرهیزکاران نزد پروردگار ... برای او پرهیزکاری و
اطاعت نموده اند بهشتهای پر نعمت و لذت و راحت و عشرت مهیا است آیا هرگاه چنین ثواب با ایشان
بدهیم ... مثل گنهکاران ... حکم میکنید و همین کلام ... تمام
است افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لا یستوون ... آیا پس کسی که مومن باشد مثل کسی است که
فاسق باشد از طاعت خارج باشد مساوی نخواهند شد اما آنها که ایمان و عمل صالح دارند پس برای
ایشان است بهشتهای ماوی ... بسبب عملی که در دنیا میکردند و اما آنها که فاسق بودند
پس ماوی ایشان ... بازگشت ایشان آتش دوزخ است هر بار که خواهند بیرون آیند از جهنم باز ایشان را برگردانند
و بعد از ... شکوفه دو روزه دنیا که خانه فریب ... شد ... است میفرماید
سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء والارض اعدت للذین آمنوا یعنی بشتابید ...
... شتاب ... بیکدیگر ... پیشی ... سبقت ... مغفرت پروردگار خود و بهشتی
که عرض ... مثل عرض و وسعت آسمان و زمین است حاضر و مهیا شده برای مومنین

جنان

در اوصاف بهشت

بما عطا فرموده فرماید عطا کردم بشما همه را دیگر آنچه را الا اراده ای از جمیع نعمتها تمامی کرامتها
پس در هر جمعه مؤمن بر میگردد با همه مقابل آنچه پیش از این بشنیدید قول خدا ولدینا مزید یعنی نزد ما
زیادتیها است از رحمت و کرامتها و نور ما زیاد نور همه امت و روز شب و شبش بشناسید و نور آن بهشت هم
در این شب و روز از صلوات و ذکر خدا بسیار بعمل آورید پس چون مؤمنان از وعده گاه بر میگردد و بر جهت
که بکدر آن از نور شوق روشن می گرداند تا از زنان خود که میرسند گویند ای قابض الخلق که بهشت را بما تمام
فرموده هرگز این چنین امروز ندیده ایم که مرا از تجلی نور جلال پروردگار خود نوبتها یافته ایم
و زنان بهشت از رشک و حیض و بدخوئی نمیباشند و عیب ندیدند که در بهشت فنا نمیباشد
فرمود بتحقیق که در بهشت درختی است که بامر خدا بادها آنرا حرکت و ترنم میآرند و نغمه چند
از او ناشی میشود که هرگز خلایق بآن خوبی نشنیده اند و آن جزای کسی است که در دنیا ترک غنا از
خوف الهی کرده باشد داوی گفت فدای تو گردم دیگر بفرما حق تعالی بهشتی بیت بدست خود فرموده که
مخلوقی بر آن مطلع نشده هر صبح آنرا گشوده فرماید شمیم و بوی خوش خود را با اهل بهشت باده فرستد
اینست قول خدا فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء بما کانوا یعملون که در ثواب ایشان میفرماید
که هیچ کس نمیداند آنچه برای ایشان پنهان گردانیده ایم از نعمتها که موجب روشنی چشم ایشان خواهد شد
بجزای عملهای ایشان که در دنیا میکردند و در حدیث صحیح فرمود طوبی درختیست در بهشت در خانه امیرالمؤمنین
بگیرد آن اشارتها بر افکند در خانه هر شیعه شاخی از آن هست بعد از آن امیرالمؤمنین هر خواهش هر
چیزیکه بخاطر شیعه و ایشان آید حاضر میسازد و صد سال سواره در سایه آن نتواند در رفت
کلاغ بلند پرواز بپای آن نرسد پس جهد کنید در کسب چنین سعادتی و سعی نمائید در تحصیل این
چنین کرامتی و فرمود در بهشت درختی هست که از بالای آن حلها میروید و از پائینش اسبان ابلق زین
و لجام کرده بالها دارند نه سرگین و بول ندارند پس دوستان خدا بر آنها سوار شده پرواز کنند هر جا
که ایشان خواهند پس اهل بهشت که در مرتبه پست ترند گویند پروردگارا بچه کار ایشان باینچنین کرامتی رسیدند
فرماید ایشان شبها برمیخواستند بعبادت و بسیار نمی خوابیدند و روزه میداشتند و روزها چیزی نمی
خوردند و جهادها کردند و بخیل نبودند و صدقه میکردند و بخل نمیورزیدند و باحادیث نبوی صلی الله علیه و آله
[illegible] است که اهل بهشت را بول و غایط نمیباشد بلکه دفع میشود بعرق خوشبوتر از مشک

ذکر اوقات ضیافت بهشتیان

واهل بهشت را هر روز حسن و جمال و صفا و طراوت زیاده میشود چنانکه اهل دنیا را روز بروز پیری
وقباحت صفت و فرسودگی بیشتر بل اهل بهشت را هر شبانه روز هزار نعمت و وجود و مرتبه از مراتب عالیه در
بهشت میرسانند و هر تجلی که هر مؤمن از نیم شب تجلی عطا شود قامت آدم شصت ذراع و سن عیسی
وسال حسن یوسف پس نور و روشنی ایشان زیاده و بلند میشود صوت داود و خلق محمد صلی الله علیه و آله
و زبان او و مروایت یکو جملا برهم اهل عالم و صفا دل و بسیار دلپسند کرامت یک گرده باشند با حور بهتر
نودی اذ بالا برو تاب ندا شود که این ست جنة الیا مایم بیمه ولت وصال ... تو گوییتی توبه اد
زنان تو انگاه حرکت می کنند و حیز بر وجه دیگر که عطا نها را غیر از عطاها ابتدا زان هفتصد
مایده پیش او نهاده شود و بر هر یکی هفتصد طشت در هر طشتی هفتصد طاس هر طاسی صد هزار رنگ طعام
که از هر لقمه هزار لذت یابد خنده در برابر اندام ... و آنچه اشتها و خواهش دارد مرغ مثل شیر
خواهش میکند فورا پیش خود حاضر می بیند بریان پس چون دست کشاید و از کشته میل ... سال
می نشیند مشغول اکل مرغ و چون بکام اشان هر هضم شود و طعام چون خالی شود از نو پر شود
وا ایچه رسول پروردگار عالمیان برای تهنیت و عیادت و صفا دها حبیک نشستند او سلام کنند و گوید
سلام و پیام رساند که خانه خانه شما است پروردگار هم شما است بخورید بیاشامید و بنوشید
بیعتاب انگاه طبقی از نور پیش او نهند چون سر پوش از بر بر دارند لا لی بیند که برابر ازان حوریه
نقابدار یکه وصف حسنش نتوان کرد چون اراده کشف نقاب و نماید کوی ... از نامه پروردگار را
بخوان انگاه روی هر یا ... در عنوان نامه نوشته باشد که از جانب بادشاهی عزیز که ملکش زوال
و ذلت ندارد چون نامه را برابر دارد با نواع تلطف نوشته باشد که از قصور و قصر ... بیادگاه
من ای که بدرستی که من مشتاق لقاء هم پس از ان ... کرد ... بیارگاه
جلال و لذت تجلی نور ذات ذوالجلال و استماع سلام و کلام ذوالجلال والاکرام که از
وصف دار السلام ان زبان ... چون اهل بهشت در منازل خود قرار
گیرند روز شنبه ندا شود به دعوت اهل بهشت ضیافت حضرت آدم در جنة الخلد پس یکشنبه ضیافت
نوح در جنة النعیم و دوشنبه ضیافت ابراهیم در جنة المأوی و سه شنبه ضیافت موسی در دار السلام
و چهارشنبه ضیافت عیسی در جنة العدن انگاه ندا کنند روز پنجشنبه بو عده اهل سعادت ...

سید انبیاء در ظل سدرة المنتهی جبرئیل و میکائیل خدمت نمایند و قبهٔ انحضرت که از یکدانه مروارید
باشد و هزار در دارد و وسعت هر دری پانصد سال و بروایتی بدسر مایده سیصد هزار سال مینوشند
ان شربت مختوم که در مهران نوشند باشد اینست شراب طاهر از پروردگار طاهر نسبت بندهٔ طاهر و
بروایت ولی چون اراده رجوع از ضیافت رسول خدا صلی الله علیه و آله نمایند ارسد از جانب ...
که قرباد در بنیام جمعه و عید مؤمنان بوده و روز مزید است حاضر شوند در دار الجلال بوعده گاه و مشاهده
نور تجلی نور جمال و جلال طول دارند ضیافت الهی انواع لذتها یابند از اکل و شرب ده قسم که اسم نهاده قران
مذکور است و از اقسام تفکر و تمتن که گمان چنان لذتها نبوده اشند پس خلعتها پوشند هر کدام هفتاد
نوع و نوع و اهتی درختی جنبانند از اوراق ان هفتاد حله موافق پوشند انگاه ابر رحمت طیبه بر ایشان بارد و
بروایت ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز آخرت هزار سال دنیا ... پس تناول چاشت
کنند سیصد سال و میان دو وزمیل جهت جولان کنند سیصد سال و سیصد سال دیگر در بساتین جنان
بتفرج و شکار و سرور اشتغال نمایند و صد سال اخر روز متوجه زیارت جلوگاه و محل دیدارگاه قرب جناب اقدس
الله نمایند و هم چنین ابد الابدین مؤلف گوید که اینها شمه است از نعایم مثوبات الهی که برای قوم مهیا فرموده
اگر طاعت و عبادت ذلیل بعز نصاحب تمیز نظر کن که اندک پر محنت و عشرت پر مشقت دو روزهٔ فانی تا قابل این
است که برای او خود را از مثل چنین سعادت عظمی محروم و بچنان شقاوت و حسرت کبری گرفتار گردانی با بهشت
ابدی و بوار رحمت ایزدی رضوان و شرف بارگاه احدی و نجات از دوزخ حسرت همین انقدر بسند و حجرات
که برای هوز بانها از نوش پر نیش بجز دوه کذشتن نتوانی و هرزه بدانکه چنانکه بد ... کن شتن از این منبر
نیست که بان پرسی هم چنین با او هو نکه کذشتن از این حال است که بان نرسی هیچ ... حبال
مهیا شد که خوا مطلق ... شانه الهنای متعدد و امنع سان از اتو نموده باشد نرشد ... از شد ابد عقبی
بر الهنا ... از ان تر ادلالات هدایت نموده باشد چنانکه در حبوبن سابقه مکرر و دیگر پیر یاد نموده
عامل ... اکه سرمایه کسب سعادت ابدیست ضایع و باطل مکردان و براه کم ... تلبیس ... ابلیس
مرود دررهای ... برروی دل خود مکشا و یقین بدانکه هر ... الهی است و راه بهشت منحصر
بر طریق طاعت که عبادت ... هرینت و عبادت الهیست پس راه ... و متوقع وصول به
راست بودن ... استهزاء ... کار نکرده طمع برداشتن ... سفاهت ... رشوه ... طمع

ملاحظت کاشتن در وحی الهی است که یا موسی چه بسیار کم است شرم و حیای کسی که طمع می دارد بهشت را بی عمل
چگونه جود و عطا کنم کسی که بخل می ورزد در اطاعت من با آنکه آدم به یک نافرمانی از بهشت بیرون
شد پنداری با وجود چندین نافرمانی و عدم توبه و پشیمانی به بهشت خواهی رفت و در قرآن میفرماید
ایطمع کل امرئ منهم ان یدخل جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون آیا طمع میدارد هر کسی که او را داخل بهشت
خواهند نمود نه چنین است بتحقیق که ما آفریدیم ایشان را از چیزی که خود میدانند یعنی آب کثیف ناپاکی که
اهلیت بهشت لطافت محل پاکان ندارد مگر بتحصیل پاکیزگی ایمان بمعرفت و عبادت و تکمیل و تهذیب
اخلاق مقدسین و صبر بر ریاضت بتطهیر و ناپاک تر کردن آن نجاست و کثافت نمایم و معصیت میفرماید
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة تا آخر آیه یعنی آیا پندارید که داخل بهشت خواهید شد بی مجاهده و ریاضت
و بدون صبر از معصیت و بر طاعت و میفرماید تلک الجنة التی نورث من عبادنا من کان تقیا یعنی این بهشتی
است که از بندگان خود که پرهیزکار باشد و بهمین معنی میفرماید ذلک لمن خشی ربه و میفرماید
تلک الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین و می
فرماید ذلک الذی یبشر الله عباده الذین امنوا و عملوا الصالحات و میفرماید هذا ما توعدون
لکل اواب حفیظ من خشی الرحمن بالغیب تا آخر آیات یعنی این بهشتی که برای شما وصف و وعده می
فرمائیم برای هر کس که توبه و رجوع بسوی خدا بسیار نماید و رعایت و حفظ حدود احکام الهی کند و
ترس خدا غایبانه دارد و دل با انابه بدرگاه اله آرد داخل بهشت شود بجماعت با ادخلوها بسلام یعنی
از آفات بسلام از جانب الهی این است روز راحت ابدی و لذت سرمدی شما برای ایشان مهیا است
بهشت هر چه خواهند و نزد ما است از نعمتها و کرامتها زیاده برآنها که بوصف در نیاید میفرماید تلک الجنة
التی اورثتموها بما کنتم تعملون یعنی این بهشتی است که عطا شد بشما بسبب عملهایی که در دنیا می کردید
و میفرماید کلوا و اشربوا هنیئا بما کنتم تعملون هنیئا بما اسلفتم فی الایام الخالیة بخورید و بنوشید
گوارا باد شما را بسبب لذتهای بهشت آنچه عمل می کردید گوارا باد شما را نعمتهای بهشت بسبب اعمال صالح
که پیش فرستاده بودید در ایام گذشته و مکرر میفرماید جزاء بما کنتم تعملون جزاء بما کانوا یعملون و
فرماید ان المتقین فی جنات و عیون ان المتقین فی ظلال و عیون ان المتقین فی جنات و نعیم ان للمتقین
عند ربهم جنات النعیم که همه جا از اهل بهشت تعبیر بوصف عنوانی پرهیزکار فرموده و در همان آیات سابقه

در صفت بهشت

هر که او صفات بهشت را بشنود و بیند که صبر بجا که بهشت را باداء تقوی و طاعت وعده فرموده و تغییر فرموده عمل
عبادت مقرر میشود و هر که بهجا انفرموده که صفت بهشت را بکسی خواهم داد تا تو توهم کنی که شاید من هم بدهد
بلکه برای تصریح با عضا و قطع حیث و قطع طمع خام بنا هلان مغرور حسرت مدار بتکرار میفرماید هل تجزون الا ما
کنتم تعملون هل تجزون الا ما کنتم تعملون جزا داده نخواهد شد مگر همان عملیکه میکردند نه خوب مردم عمل
بد را خواهد گرفت و نه بد مزد کار خیر را خواهد یافت افنجعل المسلمین کالمجرمین ام نجعل المتقین کالفجار
ایا هرگز چنین نکنم پس آنها را که تسلیم و اطاعت امر الهی میکنند مانند گناهکاران خواهم کرد چنانکه مکرر
گذشت در خصوص گنهکاران میفرماید فلا یجزی الذین عملوا السیئات الا ما کانوا یعملون مزد نخواهند
یافت آنها که عمل بد نموده اند مگر موافق همان کاری که میکرده اند و میفرماید لیس بامانیکم ولا امانی اهل الکتاب
من یعمل سوء یجز به یعنی کار بهشت بآرزوهای شما و اهل کتاب نیست هر که کار بد بکند جزای بد بیابد و
در تفسیر واقع شده که این آیه وقتی نازل شد که مسلمانان فخر میکردند که ما اولیتر به بهشت که امت خاتم
انبیائیم و اهل کتاب که خود را سابقان اولاد پیغمبران میدانستند میگفتند غیر ما اهل بهشت نخواهند شد
و اسمعیل از پدرش پرسید حضرت صادق ع که حال گنهکاران از ما یعنی اهل بیت رسالت چگونه است
حضرت همین آیه را خواندند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرض موت بدوش امیر المؤمنین ع و فضل تکیه فرموده
بزحمت و تعب شدید بر منبر بالا رفتند و بر سر مبارک شان دستمال و صفت وار از عصابه بسته بود پس فرمودند
ایها الناس نزدیک شده که از میان شما بروم هر که را وعده و دینی بر من باشد خبر کنید ایگروه مردم بتحقیق
که نیست میانه خدا و کسی وسیله که بسبب آن خیری رساند یا شری که بر گرداند طاعت و طلب خوشنودی
خود بغیر از آن ایها الناس هوس نکند ادعا کننده که بدون طاعت الهی رضای او میسر شود بحق آنکه مرا بحق
فرستاده که نجات نخواهد داد از عذاب الهی مگر عمل نیکو با رحمت خدا و اگر معصیت خدا کنم البته بجهنم میروم
و فرمودند ندیدم مانند آتش دوزخی که راهب گریزان از آن در خواب غفلت باشند و نه مثل بهشتی که طالب
و خواهان آن در خواب حسرت مانده که نهایت سعی و جهد و جهد مقدور باشد نجات از آن و فوز بآن در این دو روز
مهلت [illegible] و مال آنکه دانند که فرصت [illegible] که برای همین باو داده اند البته مقرر بنا کاه او فوت
شود [illegible] و از ادعیه [illegible] و ارزقنی من المنازل المتقین بما یسعطلب من العمل یعنی صنع کن مرا انان ذو
منازل [illegible] که از آن [illegible] دعا [illegible] حضرت [illegible] ذکر فرمودیکه برای بنا کاد

موعظهٔ منسوب بحضرت امیر ع

میکنند که بعمل دران روزی داده شده اند برای آخرت کار نمیکنند که بدون عمل دران عطا کرده خواهد
شد از عالم کسبی که شب را در روز میسوزانند و شب در ظلمت میمانند و از امیرالمؤمنین ع شخصی موعظه
طلبید فرمود لاتکن ممن یرجو الجنة بغیر عمل و یؤخر التوبة بطول الامل یعنی مباش از جمله کسانیکه امید
بهشت می دارد بیعمل و تأخیر توبه و تدارک آخرت خود مینماید برای طول امل دیگری موعظه خواست
فرمود ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم و فرمود که بسیار نزدیکست راحت روند و از آخرت باقی از
چند روز دنیای فانی و سهل تعبیست که بعد از ان بهشت باشد چه راحتیست که بعد از ان آتش جهنم
باشد بعد ازین بتوجه ع خواهند آورد منعم ترین اهل دنیا از اهل دوزخ و در آتش فرو برند پس فرموده نگاه
کو بیندای پسر آدم آیا هرگز خیر و راحتی در دنیا تو رسیده کوید نه بخدا سوگند و می آرند پریشان ترین اهل
دنیا را از اهل بهشت و فرو برند در نعیم بهشت یکدفعه و می پرسند آیا هیچ پریشانی و شدتی بتو گذشته کوید
نه بخدا سوگند ای پروردگار من و از توریة منقولست که ای فرزند آدم هرگاه داخل دوزخ شوید ملوک
شما بجور و عرب بتعصب و علما بحسد و فقرا بدروغ و خیانت و زارع بجهالت و عباد بریا و اغنیا بکبر پس
کو طالب بهشت ای پسر آدم منم مالک و پادشاهی که هرگز زوال ندارم عمل و اطاعت کن بفرموده من تا بگردانم
ترا زنده که هرگز ممات ندارد و در قران بعد از اوصاف می فرماید فی ذلک فلیتنافس المتنافسون یعنی
در چنین نعمتی و لذت و راحتی باید رغبت نمایند رغبت کنندگان یعنی عمل و عبادتی که باعث فوز باین سعادت
عظمی گردد بجا آرند و الا هر خام طمع تنبلی بدولت مفت اینجا میل و رغبت بسیاری دارد چه احتیاج ترغیب
الهی است پس هرکه اسباب بهشت را برای خود مهیا نکند گویا رغبت بان نکرده و هم چنین جهنم هرکه
از اسباب ان احتراز و پرهیز نکند گویا از ان ترس بلکه اعتقاد بان ندارد چنانکه حق تع ذکر میفرماید از
زبان اهل جهنم که در جواب ملئکه که می پرسند آیا بشما پیغمبران بحکمت و موعظهٔ الهی شما را از امروز
ترسانیدند خواهند گفت لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر یعنی هرگاه ما میشنیدیم و می
فهمیدیم در میان اهل جهنم نبودیم و حال انکه البته شنیده و فهمیده بودند تا چون مقتضای
شنیدن و فهمیدن را بجا آوردند گویا نشنیدند و نفهمیدند و از اینجا نیز عارف جازم احتمال کلی رود
که بسیاری این شداید و اهوال و عقوبات اهل جهنم که در قرآن برای بی ایمان و بی اعتقاد و
واقع شده و با همین جهت سابقاً ذکر نکردیم نسبت با اهل دنیا و اهل غفلت از مسلمین هم موجود